

فهرست

۱۱ مقدمه
۱۱ کتاب در یک نگاه
۱۵ اطلاعات کلی قرآنی
۲۷ کتابشناسی عمده‌ترین منابع کتاب
۳۳ فاتحه (۱)
۴۱ بقره (۲)
۵۱ آل عمران (۳)
۵۸ نساء (۴)
۶۶ مائده (۵)
۷۳ أنعام (۶)
۸۱ أعراف (۷)
۸۷ أنفال (۸)
۹۴ توبه (۹)
۱۰۶ یونس (۱۰)
۱۱۲ هود (۱۱)
۱۱۸ یوسف (۱۲)
۱۲۴ رعد (۱۳)
۱۲۹ ابراهیم (۱۴)
۱۳۳ حجر (۱۵)
۱۳۸ نحل (۱۶)
۱۴۵ إسرائء (۱۷)

١٥٣	كهف (١٨)
١٦٠	مريم (١٩)
١٦٥	طه (٢٠)
١٧٠	انبيا (٢١)
١٧٥	حج (٢٢)
١٨٣	مؤمنون (٢٣)
١٨٨	نور (٢٤)
١٩٢	فرقان (٢٥)
١٩٦	شعراء (٢٦)
٢٠١	نمل (٢٧)
٢٠٥	قصص (٢٨)
٢١٠	عنكبوت (٢٩)
٢١٤	روم (٣٠)
٢١٩	لقمان (٣١)
٢٢٣	سجده (٣٢)
٢٣١	احزاب (٣٣)
٢٣٥	سبا (٣٤)
٢٣٩	فاطر (٣٥)
٢٤٣	يس (٣٦)
٢٤٩	صافات (٣٧)
٢٥٣	ص (٣٨)
٢٥٧	زمر (٣٩)
٢٦٢	غافر (٤٠)
٢٦٨	فُصِّلَتْ (٤١)
٢٧٣	شورى (٤٢)
٢٧٨	زخرف (٤٣)
٢٨٢	دخان (٤٤)
٢٨٧	مستندات

مقدمه

قرآن مجید تنها کتاب تحریف نشده‌ای است که در اختیار بشر قرار دارد و توانسته است رابطه‌ی آن‌ها را با خداوند و آنچه مربوط به اوست، حفظ نماید.

درباره‌ی این گنجینه‌ی بی‌پایان و بی‌نظیر، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است؛ آن قدر زیاد که هیچ موضوعی این چنین مورد کاوش مسلمانان قرار نگرفته است. و نه مسلمانان که در هیچ موضوعی بشر این قدر دست به مطالعه و تحقیق نزده است. هرچند گستره‌ی زیادتری از بررسی و پژوهش هنوز باقی مانده است و کارهای بسیاری در موضوع قرآن هنوز آغاز نگشته و یا به پایان نرسیده است.

مؤلف این اثر کوشیده است تا با کاوش در آثار تحقیقی بزرگان و همچنین با تدبّر در آیات قرآن، مجموعه اطلاعاتی را که برای هر سوره وجود دارد گرد هم بیاورد تا کسانی که می‌خواهند وارد تحقیق و تفسیر خود آیات بشوند ابتدا بتوانند اشراف علمی درستی نسبت به سوره‌های قرآن پیدا نمایند و با فضای کلی آیات قرآن آشنا شوند، و بعد غوّاص و ذریاب این دریای ژرف گردند.

در این مقدمه، ابتدا کتاب، در یک نگاه کلی مورد ارزیابی قرار گرفته است و سپس اطلاعاتی کلی در رابطه‌ی با قرآن، ذیل پاسخ به یازده سؤال ارائه شده است و در انتها منابع عمده‌ی کتاب مورد شناسایی واقع شده است.

کتاب در یک نگاه

در این مجموعه، همه‌ی سوره‌های قرآن از سیزده منظر مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است.

مناظر سیزده‌گانه‌ی سوره‌ها عبارتند از:

منظر نخست: نام سوره

سوره‌های قرآن یا به نصّ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نام گرفته‌اند و یا به شیوع بین اصحاب ایشان و یا طبق جمله نخست آن‌ها.

منابع این بخش عبارتند از: التحریر و التنویر، منهج الصادقین، قاموس قرآن و تفسیر نمونه

منظر دوم: تعداد آیات

با توجه به اختلافی که قرآء در توقّف بر جملات قرآن و به اصطلاح ایجاد آیه دارند، نظر قرآء به تفکیک در این بخش آورده شده است. قرآنی که بیش‌تر در دسترس ماست، آیات آن طبق نظر قرآء کوفه است. و این بهترین نظر است زیرا ظاهراً نظرات قرآء کوفه تحت اشراف امام علی (علیه‌السلام) شکل گرفته است.

منبع این بخش دو کتاب تفسیر مجمع البیان و جوامع الجامع است که هر دوی آن‌ها از مفسر کبیر شیخ طبرسی است.

منظر سوم: تعداد کلمات و حروف

دقت مسلمانان در حفظ قرآن، آن‌ها را واداشته است تا حساب کلمات و حروف سوره‌های قرآن را جداگانه محفوظ نگه دارند. منبع این بخش تفسیر حجة التفاسیر است. این کتاب نیز این مطالب را از کتاب تفسیر ابوالفتوح رازی نقل کرده است.

منظر چهارم: محل نزول

تشخیص مکی و یا مدنی بودن سوره‌های قرآن در فهم معانی آن‌ها مؤثر است. سوره‌های مکی بیش‌تر روی اصول اعتقادی و سوره‌های مدنی بیش‌تر روی فروعات دینی متمرکز است. منابع این بخش عبارتند از کتب تفسیر: مجمع البیان، منهج الصادقین، نمونه، و التحریر و التنویر.

منظر پنجم: ترتیب و تاریخ نزول

می‌دانیم که قرآن به ترتیب نزول، منظم نشده است بلکه تنظیم آن‌ها بعد از نزول طبق دستور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صورت گرفته است. در این بخش شماره نزول و سوره‌های قبلی و بعدی که نازل شده‌اند و همچنین تاریخ نزول هر یک ذکر شده است. منبع این بخش کتاب تفسیر التحریر و التنویر، و حجة التفاسیر بوده است.

منظر ششم: شأن نزول

بیش‌تر سوره‌های قرآن دارای شأن نزول واحدی نیستند. در این بخش، تنها به شأن نزول سوره‌هایی پرداخته شده است که به یکباره نازل شده‌اند. البته استثناء در مواردی اندک و به عللی، شأن نزول آیات نخست بعضی از سوره‌ها نیز ذکر شده است. منابع این بخش عبارتند از کتاب‌های: اسباب النزول، نمونه‌ی بینات در شأن نزول قرآن، و تفسیر نمونه.

منظر هفتم: ارتباط با سوره‌ی قبل

ابتدای هر سوره‌ای با انتهای سوره‌ی قبل دارای رابطه‌ای است. این رابطه در هیچ روایتی توضیح داده نشده است. تنها با دقت در انتها و ابتدای سوره‌های قبل و بعد می‌توان به برداشتی در این رابطه رسید.

منبع این بخش، بیش‌تر تفسیر مجمع البیان است.

منظر هشتم: محتوای سوره

در این بخش خلاصه‌ای از موضوعات کلی هر سوره آورده شده است. منبع این بخش تفسیر نمونه می‌باشد.

منظر نهم: فهرست کلی سوره

اهل سنت معتقد هستند در نماز، بعد از سوره‌ی فاتحه، تلاوت یک سوره‌ی کامل واجب نیست بلکه می‌توان به تلاوت چند آیه که دارای مضمون واحد و کاملی باشد اکتفا نمود. به همین خاطر اهل سنت تلاش نموده‌اند تا بخش‌های مستقل هر سوره‌ای را معین کنند تا بتوانند از آن‌ها در نماز استفاده کنند. و چون بعد از تلاوت هر بخش به رکوع می‌رفتند، هر بخش را به نام یک رکوع نامیدند. اما ما در این دانشنامه از اصطلاح رکوع استفاده ننموده و به اصطلاح «فهرست کلی» بسنده نمودیم.

آشنایی با بخش‌های قرآن می‌تواند در فهم کلی سوره‌های قرآن بسیار کارایی داشته باشد. البته منظر هشتم - محتوای سوره - نیز بخش‌های مهم سوره‌های قرآن را بررسی می‌کند اما: اولاً: تکرار یک موضوع در چند جای سوره در بخش «محتوای سوره» مشخص نشده است بلکه همه‌ی موضوعات یک سوره، جمع بندی شده و به صورت کلی بیان شده است. مثلاً اگر در چند جای سوره از احکام فقهی بحث شده است، به صورت کلی بیان شده است که در این سوره از این احکام فقهی بحث شده است بدون تعیین جاها و ذکر میزان تکرار این موضوع. ثانیاً: تعیین بخش‌های قرآن ممکن است با نظرات مختلف، متفاوت تعیین شود، لذا هر یک از دو منظر هشتم و نهم می‌تواند منابع متفاوتی برای تعیین موضوع‌های گوناگون سوره‌های قرآن باشد.

منبع این بخش تحقیقات خود مؤلف است.

منظر دهم: ارتباط آیات

قبل از مطالعه‌ی هر سوره‌ای بهتر است با اطلاع از ارتباط آیات سوره، اشراف کاملی نسبت به سوره پیدا نمود و حلقه‌ی اتصالی بین آیات را کشف کرد تا بتوان در مسیر تدبیر قرآن موفق عمل نمود.

منبع این بخش تحقیقات خود مؤلف است.

منظر یازدهم: فضیلت قرائت

در این بخش غالب روایاتی که در فضیلت سوره و یا فضیلت قرائت آن نقل شده است، همراه با توضیح (در صورت نیاز) آورده شده است.

منبع این بخش تفسیر مجمع البیان و نور الثقلین است و برای توضیحات آن نیز بیش‌تر از تفسیر نمونه استفاده شده است.

منظر دوازدهم: کاربرد سوره

قرآن شفای همه‌ی دردهای جسمی و روانی است. بر همین اساس برای همه‌ی سوره‌های قرآن خواصی درمانی و مشکل‌گشایی ذکر شده است که مداومت بر قرائت این سوره‌ها و تصمیم برای عمل طبق مفاد آن‌ها موجب خواهد شد تا قاری به این خاصیت‌ها دست یابد. در میان این خواص قسمتی از آن‌ها که بیش‌تر مربوط به حل مشکلات دنیوی یا هنگام مرگ است در بخش «کاربرد سوره» آورده شده است.

منبع این بخش غالباً کتاب تفسیر «البرهان فی تفسیر القرآن» است. محدث بحرانی مؤلف «البرهان» بیش‌تر احادیث مربوط به کاربرد سوره‌ها را از کتاب «خواص القرآن» ذکر نموده است.

غالب این احادیث بدون سند بوده و امکان بررسی صحت و سقم آن‌ها وجود ندارد لذا باید به این احادیث به نیت رجا و امید به داشتن ثواب عمل نمود. بر اساس حدیث صحیحی که در منابع روایی وجود دارد اگر کسی طبق حدیثی که به او رسیده است عملی را انجام دهد خداوند ثواب آن کار را به او می‌دهد هرچند آن حدیث از معصوم صادر نشده باشد. البته این قانون شامل احادیثی که مجعول بودن آن‌ها قطعی است نمی‌شود.

منظر سیزدهم: نکته‌های سوره

در کنار اطلاعاتی که برای هر سوره‌ای که در مناظر قبلی ارائه می‌شود، اطلاعاتی نیز وجود دارد که در این قاب‌ها نمی‌گنجد و لذا برای ارائه‌ی آن‌ها از عنوانی دیگر به نام «نکته» استفاده شده است.

منبع این بخش بیش‌تر تفسیر نمونه است.

اطلاعات کلی قرآنی

در این بخش در ضمن یازده سؤال و جواب به عمده‌ترین نیازهای اطلاعاتی درباره‌ی قرآن و سوره و آیات آن پاسخ داده شده است. اطلاعات این بخش بیش‌تر از تفسیر نمونه، و نرم‌افزار «پرسمان» (تهیه شده توسط دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها) است البته دیگر منابع نیز مورد استفاده قرار گرفته که آدرس هر مطلب ذیل آن آورده شده است.

سؤال ۱: کلمه‌ی سوره به چه معناست؟

«سوره» به معنی قاب و چارچوب محدودکننده یک چیز، و نیز به معنی دیوار است و سوره یکی از این گونه چارچوب‌ها است که مجموعه‌ای از اندیشه‌های معین را محدود می‌کند، و در مجموع شخصیتی مشترک را در اختیار ما قرار می‌دهد، و شاید بتوانیم از آن، در قیاس با تعبیرهای واحد گرما و واحد نور یا هر کمیت دیگر، به واحد فکری تعبیر کنیم. و این لفظ بهتر از تعبیر کردن به (فصل، بخش، مبحث و...) است، بدان سبب که لفظ «سوره» دلالت بر جدا کردن بخشی از قرآن از بخشی دیگر و تقسیم کردن آن به چند قسمت نیست که ممکن است شخص را به اندیشه‌هایی دور از حقیقت قرآن بکشاند، بلکه دلالت بر مرکز همکاری میان افکار آن مجموعه قرآنی دارد که یک سوره را می‌سازد، و چنان است که می‌توانیم آن را در ضمن یک قالب و چارچوب بگنجانیم و یک واحد فکری مستقل بدانیم.^۱

سؤال ۲: سوره‌های قرآن دارای چه تقسیم‌بندی‌های کلی است؟

سوره‌های قرآن سیزده، گروه‌بندی است: در حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این چنین می‌خوانیم: به من «طوال» داده شد به عوض تورات، «مئین» داده شد به عوض انجیل، «مثنی» داده شده به عوض زبور و با «مفصلات» که ۶۷ سوره است، تفضیل داده شدم:

۱- طوال: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه و یونس. هرچند سوره‌های طوال را هفت سوره دانسته‌اند ولی با توجه به تصریح امام باقر (علیه‌السلام) به این که سوره‌ی یونس «من السابعة» است، باید این سوره را نیز جزو این هفت تا بدانیم و برای این کار چاره‌ای نداریم جز این که دو سوره‌ی انفال و توبه را یکی بدانیم. (به سوره‌ی توبه مراجعه شود).

۲- مئین: اِسْرَاء، کَهْف، مَرِیم، طه، انبیا، حج و مؤمنون (علت نامگذاری به مئین این است که آیات آن‌ها حدوداً صد آیه با کمی بیش‌تر یا کمتر است).

۳- مَفْصَلَات: از سوره‌ی فتح تا آخر قرآن - مجموعاً ۶۷ سوره طبق حدیث فوق - (علّت این نام‌گذاری فاصله افتادن این سوره‌ها از یکدیگر به صورت فراوان به وسیله‌ی بسم الله است، و یا این که دارای آیات زیاد به فاصله‌های کوتاه می‌باشند).
سوره‌های مفصل به سه قسم: طوال، اوساط و قصار تقسیم شده است: طوال از سوره‌ی «فتح» تا «نبأ»، اوساط از سوره‌ی «نبأ» تا «ضحی» و قصار از سوره‌ی «ضحی» تا آخر قرآن است.

۴- مَثَانِي: مابقی سوره‌ها. سوره‌هایی که حجم آن‌ها کمتر از مئین و بیش‌تر از مَفْصَلَات هستند. (شاید اطلاق مثنای به این سوره‌ها، دو گروه بودن آن‌ها باشد: گروه اول سوره‌های هود تا نحل که حجم آن‌ها بیش از مئین است. گروه دوم سوره‌های نور تا احقاف که حجم آن‌ها بیش‌تر از مَفْصَلَات است).^۱

در این میان، سوره‌ی حمد در این گروه‌بندی‌ها گنجانده نشده است، زیرا حمد برابری با کل قرآن می‌کند، چنان که در آیه‌ی ۸۷ سوره‌ی حجر آمده است: «وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» و در روایات زیادی تأکید شده است که منظور از «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» سوره‌ی حمد است. (توضیح بیش‌تر در سوره‌ی حمد).
دیگر گروه‌بندی‌های سوره‌ها:

۵- طواسین: سوره‌ی قصص که ابتدای آن «طس» آمده است و دو سوره‌ی نمل و شعراء که با «طسم» شروع شده‌اند. در روایتی آمده است که: هر کس طواسین ثلاث (سوره‌ی شعراء و نمل و قصص که همه با طس شروع شده‌اند) را در شب جمعه بخواند از اولیاء الله خواهد بود، و در جوار او و سایه‌ی لطف و حمایتش قرار می‌گیرد.^۲

۶- حوامیم: هفت سوره در قرآن هستند که با «حم» شروع شده‌اند. این سوره‌ها پی در پی بوده و عبارتند از: غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف. از سوره‌های حوامیم تعبیر به تاج و مغز قرآن شده است (به سوره‌ی غافر مراجعه شود).

۷- مسبّحات: مسبّحات سوره‌هایی است که با ماده «سبح» آغاز می‌شود و آن هفت سوره است: سوره‌های اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی. نقل شده است که هر کس همه‌ی مسبّحات را تلاوت کند قائم «امام زمان، (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» را درک خواهد نمود.^۳

۸- طولیین: انعام و اعراف. در حدیث از سوره‌ی اعراف تعبیر به «اطول الطولیین» شده است.^۴

۹- زهراوین: بقره و آل عمران. در حدیثی نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: زهراوین را بخوانید، بقره و آل عمران.^۵

۱۰- مُشَقِّقَتَان: اخلاص و کافرون (این دو سوره را مشقشقه نامیده‌اند چون قاری خود را از نفاق تبرئه می‌کند - به سوره‌ی اخلاص مراجعه شود-).

^۱ بیشتر توضیحات از فیض کاشانی در حاشیه‌ی تفسیر عیاشی نقل شده است.

۱۱- قرینتین: انفال و توبه (بین این دو سوره بسم الله وجود ندارد لذا قرین و نزدیک به هم هستند).

۱۲- حمدین: منظور دو سوره‌ی سبأ و فاطر است که با «الحمد لله» شروع می‌شود. در روایت است که هر کس همه‌ی حمدین - سوره‌ی سبأ و فاطر - را در شب بخواند خدا او را در کَنف حمایت خود حفظ می‌کند، و هر کس در روز بخواند ناراحتی به او نمی‌رسد، و آن قدر خدا خیر دنیا و آخرت به او می‌بخشد که بر قلب کسی خطور نکرده، و آرزوی کسی به آن نرسیده است. البته سوره‌ی حمد نیز با «الحمد لله» شروع شده است ولی این دو سوره چون چسبیده به هم هستند چنین اسمی دارند.

۱۳- عزائم: سجده، فصلت، نجم و علق. (این سوره‌ها دارای آیاتی هستند که پس از تلاوت کامل آن‌ها «سجده تلاوت» بر انسان واجب می‌شود. مراجعه شود به عنوان «نکته» در سوره‌ی سجده)

سؤال ۳: چه تفاوتی بین سوره‌های مکی و مدنی وجود دارد؟

بیشتر سوره‌های قرآن (۸۰ تا ۹۰ سوره) در مکه نازل شده است، و با توجه به وضعیت محیط مکه، و چگونگی حال مسلمانان در آن ۱۳ سال، و همچنین با مطالعه‌ی تاریخ اسلام بعد از هجرت، کاملاً روشن می‌شود که چرا لحن سوره‌های مکی با مدنی فرق دارد. در سوره‌های مکی غالباً بحث از مبدأ و معاد، اثبات توحید و دادگاه رستاخیز، و مبارزه با شرک و بت‌پرستی، و تثبیت مقام و موقعیت انسان در جهان آفرینش به میان آمده است، زیرا دوران مکه دوران سازندگی مسلمانان از نظر عقیده و تقویت مبانی ایمان به عنوان زیربنای یک نهضت ریشه‌دار بود.

در دوران مکه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وظیفه داشت، افکار خرافی بت‌پرستی را از مغزها بشوید، و به جای آن روح توحید و خداپرستی و احساس مسئولیت قرار دهد. انسان‌هایی را که در دوران بت‌پرستی، تحقیر شده و شکست خورده بودند، به عظمت مقام و موقعیت خویش آشنا سازد، و در نتیجه از آن ملت پست و زبون و خرافی و منفی، مردمی باشخصیت، با اراده، با ایمان، و مثبت بسازد، و دلیل پیشرفت سریع و برق‌آسای اسلام در مدینه نیز همین زیربنای محکم بود که در دوران مکه به دست پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در پرتوی آیات قرآن ساخته شده بود.

آیات سوره‌های مکی نیز همه متناسب با همین هدف خاص است.

اما دوران مدینه، دوران تشکیل حکومت اسلامی، دوران جهاد در برابر دشمنان، و دوران ساختن یک جامعه‌ی سالم بر اساس ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی بود. لذا سوره‌های مدنی در بسیاری از آیاتش به جزئیات مسائل حقوقی، اخلاقی، اقتصادی، جزایی و سایر نیازمندی‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد.

اگر مسلمانان امروز نیز بخواهند عظمت دیرین خود را تجدید کنند، باید همین برنامه را عیناً اجرا کنند، و این دو دوران را به طور کامل طی نمایند، و تا آن زیربنای عقیده‌ای محکم بنا نشود، مسائل روبنایی، استقامت و استحکامی نخواهد داشت.^۷

سؤال ۴: چرا در مکی و یا مدنی بودن بعضی از سوره‌ها و یا آیات اختلاف شده است؟

مهم‌ترین علتی که موجب اختلاف مفسرین در رابطه با مکی و یا مدنی بودن سوره و یا آیه‌ای شده است این است که آن‌ها در ملاک مکی و مدنی بودن اختلاف دارند. در مجموع سه قول در این رابطه وجود دارد:

الف) آیاتی که قبل از هجرت و رسیدن پیامبر به مدینه نازل شده است مکی است و ما بقی مدنی است حتی اگر در حجة الوداع در مکه، و یا در منطقه‌ی حدیبیه نزدیک مکه نازل شده باشد.

ب) آیاتی که در مکه و اطراف آن نازل شده باشد، مکی و آیاتی که در مدینه و یا اطراف آن نازل شده باشد مدنی است. و اگر در غیر مکه و یا مدینه آیه نازل شده باشد، نه مکی است و نه مدنی مثل آیه‌ی انفال که در بدر نازل شده است.

ج) اگر مخاطب آیه کفار باشند که بیش‌تر با «یا ایها الناس» شروع می‌شود، این آیه مکی است زیرا غالب اهل مکه کافر بودند و اگر مخاطب آیه مؤمنین هستند که خطاب آن با «یا ایها الذین آمنوا» است، آیه مدنی است زیرا غالب اهل مدینه مؤمن بودند.

در میان این اقوال قول اول بیش‌تر مورد اعتماد بوده (و ملاک تشخیص مکی از مدنی در این مجموعه نیز همین اصطلاح است).

غالب مفسرین معتقد هستند که ۸۶ سوره در مکه و ۲۸ سوره در مدینه نازل شده است. بعضی از مفسرین در مورد ۳۰ سوره اختلاف نظر دارند.^۸

سؤال ۴: چه چیزی سوره‌های قرآن را از یکدیگر متمایز می‌کند؟

در حالی که هر یک از سوره‌های قرآن محوری مخصوص به خود دارد که آن را از سایر سوره‌ها متمایز می‌کند، اما تمام سوره‌های قرآن در یک محور مشترک با یکدیگر تلاقی می‌کنند و بر اندیشمند دشوار است که از این لحاظ میان آن‌ها جدایی و تمیز قرار دهد، زیرا تمام آن‌ها از یک پایه به حرکت در می‌آیند تا به هدفی واحد برسند، از شناخت خدا حرکت می‌کنند و به ایمان و پرستش او منجر می‌شوند، پس آیات آن‌ها متشابه است، هم چنان که قرآن خود نیز چنین توصیف کرده است^۹، جز این که اندیشمند در هر سوره‌ای محوری می‌یابد که آن را از دیگر سوره‌ها متمایز می‌کند، به شرح زیر:

^۹ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا (زمر: ۲۳)

نخست: تمام قضایایی که در واقع و عمل، بدان محور وابسته است در آن سوره مورد بحث قرار می‌گیرد، با وجود آنکه آن قضایا- به طبع در سوره‌های بلند- متفاوت و حتی متباین به نظر می‌رسند ولی به همان محوری منتهی می‌شوند که در آن سوره مورد بحث قرار گرفته، زیرا بررسی قرآنی نسبت به این محورها بررسی جامعی است که تمام جوانب قضیه را در برمی‌گیرد. دوّم: قرآن قضایا را با بررسی نظری مورد مطالعه قرار نمی‌دهد بلکه در ضمن آیات کریم خود نیروی اجرایی لازم برای بررسی و درمان آن‌ها را نیز به ودیعه می‌نهد، پس تنها به بیان قانون علمی یا حکم شرعی برای قضیه‌ی مورد نظر اکتفا نمی‌کند، بلکه آن را واسطه‌ی توجیه و خاطر نشان ساختن به انسان قرار می‌دهد و برای این کار وسیله‌های مختلفی را به کار می‌گیرد که از برجسته‌ترین آن‌ها یادآوری خدا و آخرت و برانگیختن خرد، و ترساندن، و تشویق، و حتی صورت‌پردازی فنی است که خواننده‌ی قرآن را به تطبیق فرمان‌ها و آموزش‌های آن (در عمل) فرا می‌خواند.

سؤال ۵: منشأ پیدایش اختلاف در تعداد آیات چیست؟

می‌توان دو علت برای این اختلاف ذکر نمود:

مهم‌ترین علتی که موجب اختلاف مفسرین در رابطه با مکی و یا مدنی بودن سوره و یا آیه‌ای شده است این است که آن‌ها در ملاک مکی و مدنی بودن اختلاف دارند. در مجموع سه قول در این رابطه وجود دارد:

الف) آیاتی که قبل از هجرت و رسیدن پیامبر به مدینه نازل شده است مکی است و ما بقی مدنی است حتی اگر در حجة الوداع در مکه، و یا در منطقه حدیبیه نزدیک مکه نازل شده باشد.

ب) آیاتی که در مکه و اطراف آن نازل شده باشد، مکی و آیاتی که در مدینه و یا اطراف آن نازل شده باشد مدنی است. و اگر در غیر مکه و یا مدینه آیه نازل شده باشد، نه مکی است و نه مدنی مثل آیه انفال که در بدر نازل شده است.

ج) اگر مخاطب آیه کفار باشند که بیشتر با «یا ایها الناس» شروع می‌شود، این آیه مکی است زیرا غالب اهل مکه کافر بودند و اگر مخاطب آیه مؤمنین هستند که خطاب آن با «یا ایها الذین آمنوا» است، آیه مدنی است زیرا غالب اهل مدینه مؤمن بودند.

در میان این اقوال قول اوّل بیشتر مورد اعتماد بوده (و ملاک تشخیص مکی از مدنی در این مجموعه نیز همین اصطلاح است).

غالب مفسرین معتقد هستند که ۸۶ سوره در مکه و ۲۸ سوره در مدینه نازل شده است. بعضی از مفسرین در مورد ۳۰ سوره اختلاف نظر دارند.^۹

علت دیگری که می‌تواند سبب اختلاف باشد اشتباه روایان اسباب نزول باشد به این معنا که آیه و یا سوره‌ای که در مکه نازل شده است در مدینه توسط پیامبر در جریان تلاوت شده

باشد ولی راوی به جای تعبیر به «فتلا» یعنی: «پس در پی آن تلاوت نمود» اشتباها این تعبیر را به کار برده باشد: «فنزّل» یعنی: «در پی آن این آیه نازل شد». به عنوان نمونه به مثال زیر توجه کنید:

ترمذی از ابن عباس حدیثی آورده که وی می‌گفت: مردی یهودی بر نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گذر کرد، به آن حضرت عرضه داشت: ای ابا القاسم، چه گونه پاسخ می‌دهی اگر بپرسیم چنانچه خداوند آسمانها بر این طرز، زمین را بر این کیفیت، و آب را بر این گونه، و کوهها را بدین وضع، و همه خلق و آفریده را بر این اساس می‌نهد؟ یعنی اگر این آفریده‌ها را طوری دیگر می‌آفرید بهتر و شایسته‌تر نبود؟ به دنبال حدیث، عبارت زیر آمده است.

فانزل الله: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...» یعنی خداوند متعال آیه زیر را نازل کرد:
«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَائِيسَ يُبَدُّونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لَا آبَاؤُكُمْ، قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ»^۴

ترجمه: خدای را آنگونه که سزای معرفت او است نشناختند، و عظمت او را در نیافتند، چرا که گفتند: خداوند متعال هیچ چیزی بر بشر نازل نکرد، و هیچ کسی را به سوی هیچ مردمی مبعوث ننمود. ای پیامبر، بگو: چه کسی آن نبشتاری را- که موسی (علیه‌السلام) برای روشنگری و ارائه راه و رسم صحیح زندگانی به مردم آورد- فرو فرستاد؟ و شما آنرا در میان کاغذها قرار داده و بر آن می‌نگارید. و پاره‌ای از آنرا آشکار می‌کنید و پاره‌ای دیگر را مکتوم و پنهان نگاه می‌دارید. و مطالبی به شما آموخته شد که شما و نیز پدران شما قبلاً در نا آگاهی از آنها به سر می‌بردید. ای پیامبر، بگو فرستنده تورات و معلم و آموزنده آن خدای متعال می‌باشد، آنگاه آنانرا واگذار تا در عنادی که نسبت به تو گزین کردند فرو رفته و آزادانه در عرصه باطل جَوَلان کنند.

حدیث مذکور در کتاب «الصحيح» همراه با تعبیر «فتلا: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ...» آمده، و تعبیر درست نیز عبارت از همین تعبیر می‌باشد، اما راوی، تعبیر «فتلا...» را به تعبیر «فنزّل...» دگرگون ساخت. به این دلیل که اگر ما این دگرگونی را نپذیریم باید تعبیر «فنزّل» را بیانگر سبب نزول بدانیم و بگوئیم: سخن آن مرد یهودی باعث گشت که این آیه نازل گردد، در حالیکه این آیه، مکی است و گفتگوی آن مرد یهودی با رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مدینه انجام گرفت. بنابراین نباید این قضیه را سبب نزول آیه مزبور برشمرد، بلکه آنحضرت آیه‌ای را که قبلاً بر او نازل شد- به دنبال سخن آن مرد یهودی- تلاوت کرد.^۴

^۲ انعام: ۹۱

^۴ أسباب النزول (حجتی)، ص: ۲۲۱

سؤال ۵: منشأ پیدایش اختلاف در تعداد آیات چیست؟

علت اختلاف ظاهراً از این جهت بوده که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هنگامی که قرآن را برای مردم می‌خواندند، به‌منظور آگاه ساختن آن‌ها از تمام شدن یک آیه، اندکی مکث می‌کردند و سپس همان آیه را به آیه بعدی (به علت پیوستگی مطلب آن دو) وصل می‌کردند. از این رو، گاه شنونده‌ای آن دو آیه را یک آیه تلقی می‌کرد و این توهّم، موجب اختلافات اندکی در شمارش آیات یک سوره گردیده است.^۵

مرحوم طبرسی می‌نویسد: عدد اهل کوفه (۶۲۳۶) صحیح‌ترین عدد است؛ چون سندش به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسد و روایتی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده که با این قول

سازگار است.^۶

گفتنی است که تعداد آیات قرآن‌های کنونی نیز که به خط عثمان طه است، همین عدد ۶۲۳۶ آیه می‌باشد.^۷

عدد ۶۶۶۶ را میدیدی در کتاب «کشف‌الاسرار» نسبت به جمهور اهل علم داده است. علت این انتخاب شاید جهت سر راست بودن آن می‌باشد. همچنین خالی بودن قرآن‌های اولیه از علامت جداکننده آیات از یکدیگر باعث می‌شده تا وقف بر بعضی آیات صورت نگیرد و یک آیه شمردن شود یا بالعکس.

سؤال ۶: فایده‌ی شناخت تعداد آیات قرآن چیست و اختلاف بین تعداد آیات منسوب به چه اشخاصی است؟

مفسر بزرگ شیعه، طبرسی در پاسخ به این سؤال می‌گوید:
فایده‌ی شناختن تعداد آیات این است که خواننده قرآن وقتی با انگشتان خود آن‌ها را شمرد ثواب بیشتری خواهد داشت و دست و قلب و زبانش با هم اشتغال به قرآن پیدا کرده و بی‌شک روز قیامت (به نفع صاحب خود) گواهی خواهند داد.
آنچه اهل کوفه در شمارش آیات بیان کرده‌اند صحیح‌تر از آن است که دیگران گفته‌اند زیرا آنان از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) گرفته‌اند.

و آنچه از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که فرمود: فاتحه هفت آیه دارد که یکی از آن‌ها «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است، قول اهل کوفه را در تعداد آیات سوره‌ی حمد تأیید می‌کند. عدد اهل مدینه منسوب است به ابی جعفر یزید بن قعقاع قاری و شیبۀ بن نضاح

^۵ قرآن در قرآن، ص: ۲۱

^۶ مجمع‌البیان: ۱۱/۱

^۷ المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، محمود روحانی، ص ۲۶

که مدنی اول (از قاریان صدر اول مدینه) و اسماعیل بن جعفر که مدنی اخیر (از قاریان متأخر مدینه) می‌باشند.

بعضی گفته‌اند: مدنی اول، حسن بن علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) و عبد الله بن عمر و مدنی اخیر، ابو جعفر و شیبۀ و اسماعیل می‌باشند ولی قول اول مشهورتر است.

عدد اهل بصره منسوب است به عاصم بن ابی الصباح جحدری و آیوب بن متوکل که با هم اختلاف ندارند جز در یک آیه و آن «قَالَ فَأَلْحَقْ وَ أَلْحَقْ أَقُولُ» (آیه ۸۴ سوره ص) است که جحدری بر خلاف آیوب آن را یک آیه شمرده است.

عدد اهل مکه منسوب است به مجاهد بن جبر و به اسماعیل مکی، و بعضی گفته‌اند که عدد آن‌ها به کسی منسوب نیست بلکه در مصاحف ایشان دیده شده است که بالای هر آیه سه نقطه گذارده‌اند.

عدد اهل شام منسوب است به عبد الله بن عامر.^{۱۰}

سؤال ۷: قرآن دارای چند حرکت، نقطه، حرف، کلمه، آیه و سوره می‌باشد؟

قرآن دارای ۱۰۱۵۰۳۰ نقطه و ۳۲۳۷۱ حرف و ۷۷۷۰۱ کلمه می‌باشد. هم‌چنین دارای ۱۱۴ سوره^۸ و ۶۲۳۶ آیه است.

قرآن دارای ۹۳۲۴۳ فتحه، ۴۰۴۸ ضمه، ۳۹۵۸۶ کسره، ۱۹۲۵۳ تشدید، ۱۷۷۱ مده، و هم‌چنین ۳۲۷۳ همزه، ۴۷۳۷۲ الف و... است.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: برای هر آیه‌ای ظاهری است و باطنی، و بر هر حرف قرآن حدی است و هر حدی را مطلعی است. و در حدیثی دیگر دارد که بَطُونِ قرآن تا هفتاد بطن است.

همه‌ی این اسرار در قرآن مجید با قلم خداوند متعال به ثبت رسیده است.^{۱۱}

در قرآن دو آیه است که هر یک مشتمل بر ۲۸ حرف عربی است:

۱- آیه‌ی «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْنَا مِنَ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاساً يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ... تا- الصُّدُورِ» از

سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۵۴ است.

۲- آیه‌ی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ... تا عَظِيمًا» از سوره‌ی فتح آیه‌ی ۲۹ است.

در صفحه- ۱۳۲- جلد- ۱۹- تفسیر طنطاوی تعداد کلمات غیر عربی قرآن را تقریباً ۲۶۷

کلمه نقل نموده است.^{۱۲}

^۸ عدد سوره‌های قرآن ۱۱۴ است و با کلمه «جامع» که یکی از اسماء الله است برابر است زیرا آن هم در حساب جمل ۱۱۴ تا است.

تذکر: از عجائب این است که کلمه جامع مرکب است از ۴ حرف: ج (جبرئیل) الف (اسرافیل) م (میکائیل) ع (عزرائیل) و از عجائب این است که در این عالم هر موجودی در فرمان چهار فرشته است: ۱- فرشته‌ی حیات بخش (اسرافیل) ۲- فرشته‌ی تغذیه (میکائیل) ۳- فرشته‌ی تعلیم راه و رسم زندگی (جبرائیل) ۴- فرشته‌ی مرگ (عزرائیل). حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، جلد اول-مقدمه، ص: ۳۹

سؤال ۸: علت تقسیم‌بندی قرآن به ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب چه بوده است و از چه زمانی این تقسیم‌بندی شکل گرفته است؟

تقسیم‌بندی قرآن به صورت ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب، به جهت آسان‌سازی حفظ، و یا تقسیم در تلاوت بوده و از طریق علمی جهت آسان کردن کار دانش‌آموزان مدارس برای یادگیری، به این صورت شایع شده است. از این رو روایت یا حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) در زمینه این نوع تقسیم‌بندی وجود ندارد. البته در برخی از کشورها هر جزء به دو حزب تقسیم می‌شود و در مجموع قرآن را دارای ۶۰ حزب می‌دانند. سید عبد الحجت بلاغی در کتاب «حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر»^{۱۳} می‌نویسد: قرآن در زمان حجاج، قرآن را به سی جزء قسمت کردند. شاید این تقسیم به ملاحظه‌ی ماه بوده است که نوعاً سی روز است تا روزی یک جزء خوانده شود. هر جزء چهار قسمت شده و هر قسمتی را «حزب» گفته‌اند و بر حسب امر حجاج، حسن و یحیی بن یعمر به این کار اقدام کردند.

سؤال ۹: رکوعات قرآن چیست؟

رکوعات یکی از تقسیم‌های قرآنی است. عدد رکوعات طبق قول مشهور، ۵۴۰ فقره است. هر رکوع متشکل از چند آیه است که هم موضوع و هم معنا است. به دیگر سخن این که هر رکوع در قرآن، مبین قضیه‌ای خاص در هر سوره است و رکوعات بیشتر در سوره‌های بزرگ وجود دارد. تقسیم‌بندی رکوعات، ریشه در رسم‌ها و احکام فقهی اهل سنت دارد زیرا آنان برخلاف شیعیان، خواندن بخشی از سوره را به عنوان سوره در نمازها جایز می‌دانند. بنابراین نمازگزار یا امام جماعت با انتخاب بخشی از سوره (جایی که یک موضوع خاص تمام می‌شود) خواندن سوره را ترک کرده و به رکوع می‌رود. علامت رکوع که در برخی قرآن‌ها وجود دارد، حرف «ع» است که روی آخرین کلمه آیه آخرین می‌گذارند.^{۱۴} در این مجموعه در بخش «فهرست کلی سوره» رکوع‌های قرآن آورده شده است. از واژه‌ی «رکوع» که طبق فقه اهل سنت است پرهیز شده و کلمه «بخش» برای آن برگزیده شده است.

سؤال ۱۰: جمع‌آوری قرآن به صورت کنونی، به دستور چه کسی، در چه زمان و چگونه انجام گرفت؟

درباره‌ی عصر جمع‌آوری و تدوین قرآن، میان پژوهشگران علوم قرآنی سه دیدگاه وجود دارد:

یک. بعد از رحلت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) براساس این نظر، تدوین قرآن به عصر بعد از رحلت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برمی‌گردد. دلایل صاحبان این دیدگاه چنین است:

۱.۱. امکان تدوین قرآن به لحاظ پراکندگی نزول وحی، در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وجود نداشت.

۱.۲. در بعضی از روایات این نظر تأیید شده چنان که آمده است: «رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حالی رحلت کرد که قرآن در چیزی، نگاشته نشده بود».^{۱۵}
دو. در عهد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

این گروه می‌گویند: قرآن در عهد خود رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به صورت امروزی (ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها) تدوین یافته است. ادله‌ی این دیدگاه بدین شرح است:

۲.۱. مصونیت قرآن از خطر تحریف، بدون تدوین در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) امکان‌پذیر نبود، چون غیر از آن حضرت، کسی به طور کامل به خصوصیات قرآن آگاه نبود.

۲.۲. تحدی از جانب قرآن، اقتضا می‌کند آیه‌ها و سوره‌ها، مطابق نظر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تنظیم شده و به شکل خاصی در آمده باشد.

۲.۳. بعضی از روایات دلالت دارد که عده‌ای در زمان رسول خدا، مشغول این کار بودند. شعبی می‌گوید: «شش نفر از انصار، قرآن را در عهد رسول خدا جمع‌آوری کردند: ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل، ابو درداء، سعید بن عبید و ابو زید».

سه. جمع‌آوری قرآن در سه مرحله

مرحله یکم. نظم و چینش آیه‌ها در کنار یکدیگر که شکل‌گیری سوره‌ها را در پی داشت. این کار در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صورت گرفت.

مرحله دوم. جمع کردن مصحف‌های پراکنده در یک جا و تهیه جلد برای آن‌ها که در زمان ابوبکر انجام شد.

مرحله سوم. جمع‌آوری تمامی قرآن‌های نوشته شده از سوی کاتبان وحی، برای نگارش یک قرآن به عنوان الگو و ایجاد وحدت قرائت در آن. این مرحله در زمان عثمان صورت گرفت.

بر این اساس بیشتر علمای اسلام، تدوین در غیر زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را نپذیرفته‌اند. عده‌ای از آنان به تدوین و جمع‌آوری قرآن در زمان آن حضرت معتقد بوده و سه مرحله‌ای بودن و یا تدوین در زمان خلفا را هم به طور کلی رد می‌کنند، از جمله آیه‌الله خویی^{۱۶} و آیه‌الله حسن زاده آملی^{۱۷} و دکتر صبحی صالح^{۱۸} و...

آیه‌الله خویی (رَحْمَةُ اللهِ) در تبیین دیدگاه خود، آورده است:

۱. احادیث دلالت‌کننده بر جمع‌آوری قرآن در غیر زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با یکدیگر در تناقض است. در بعضی ابوبکر، در بخشی دیگر عمر و در بعضی عثمان ذکر شده است.

۲. این روایات، با روایات دلالت‌کننده بر جمع قرآن در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تعارض دارد.

۳. احادیث یاد شده، با حکم عقل به لزوم اهتمام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در امر جمع و ضبط قرآن، مخالف است.

۴. این روایات با اجماع مسلمانان، مبنی بر ثبوت [قطعیت] قرآن از طریق تواتر مخالفت دارد.

۵. جمع‌آوری پسینی، نمی‌تواند شبهه‌ی تحریف قرآن را به طور کامل از بین ببرد. کسانی که تدوین را به عهد رسول خدا منسوب نمی‌دانند، ضمن پاسخ به اشکالات یاد شده، بر این باورند که گردآوری قرآن، یک حادثه تاریخی است، نه مسأله‌ای عقلانی؛ لذا می‌بایست در این باره به نصوص تاریخی مستند مراجعه کرد.

این گروه در مقابل این سؤال که چرا تدوین در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صورت نگرفت، می‌گویند: اهتمام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به ترتیب و جمع آیه‌ها مربوط می‌شد ولی گردآوری و ترتیب سوره‌ها، بعد از رحلت آن حضرت صورت گرفت زیرا در زمان ایشان همچنان انتظار نزول قرآن می‌رفت. بنابراین با عدم انقطاع وحی، جمع‌آوری قرآن بین دو جلد، همانند کتاب امکان‌پذیر نبود. از این رو هنگامی که حضرت آثار وفات را مشاهده و به انقطاع وحی یقین پیدا کرد، حضرت علی (علیه‌السلام) را به جمع‌آوری قرآن وصیت فرمود.

براساس این دیدگاه پس از درگذشت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، بزرگان صحابه بر حسب دانش و کفایت خود، به جمع‌آوری آیات و مرتب کردن سوره‌های قرآن دست زدند و هر یک، آن‌ها را در مصحف خاص خود گرد آوردند. به این ترتیب و با گسترش قلمرو حکومت اسلام، تعداد مصحف‌ها رو به فزونی گذاشت.

بعضی مصحف‌ها، به تبع موقعیت و پایگاه جمع‌کننده آن در جهان اسلام آن روز، مقام والایی کسب کرد، به عنوان نمونه مصحف عبدالله بن مسعود، مرجع اهل کوفه به شمار می‌آمد. مصحف ابوموسی اشعری در بصره و مصحف مقداد بن اسود در دمشق مورد توجه مردم بود. گردآورندگان مصحف‌ها متعدّد بوده و ارتباطی با یکدیگر نداشتند و از نظر کفایت، استعداد و توانایی انجام کار، یکسان نبودند. بنابراین نسخه هر کدام از نظر روش، ترتیب، قرائت با دیگری یکسان نبود.

این تفاوت‌ها، بین مردم اختلاف ایجاد می‌کرد. دامنه‌ی اختلاف به آنجا رسید که حتی در مرکز خلافت (مدینه)، معلنان قرآن، شاگردان خود را به صورت‌های مختلف تعلیم می‌دادند.

گردآوری مصحف‌ها

این اختلافات، زمینه‌های اقدام عثمان را برای یکی کردن مصحف‌ها به وجود آورد. وی گروهی متشکل از چهار تن (زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر، و عبدالرحمان بن حارث بن هشام) را مأمور این کار کرد. آنان با همکاری هشت تن دیگر، مصحف‌ها را از اطراف و اکناف کشور پهناور اسلامی جمع کردند، و قرآنی را از بین آن‌ها فراهم آوردند (مشهور به مصحف امام یا عثمانی). همه‌ی مصحف‌های دیگر به دستور عثمان، خلیفه‌ی سوم، سوزانده یا در آبخوش انداخته شد.

از این مصحف‌ها چهار عدد استنساخ شد و هر یک به همراه فردی آگاه، به مراکز مهم اسلامی ارسال گردید تا همگان طبق آن نسخه‌ها، به تکثیر و تعلیم قرآن اقدام کنند.^{۱۹}

امامان اهل بیت (علیهم‌السلام) قرآن موجود را تأیید و تلاوت بر اساس آن را سفارش کرده‌اند. علامه‌ی طباطبایی در این باره می‌نویسد: «حضرت علی (علیه‌السلام) خودش پیش از آن، قرآن مجید را به ترتیب نزول جمع‌آوری کرده و به جماعت نشان داده بود اما مورد پذیرش واقع نشد و آن حضرت بر هیچ یک از جمع اول و دوم شرکت داده نشد. با این حال هیچ گونه مخالفت و مقاومتی از خود نشان نداد و آن مصحف را پذیرفت و تا زمانی که زنده بود - حتی در زمان خلافت خود - از خلاف دم نزد. همچنین امامان معصوم (علیهم‌السلام) هرگز در اعتبار قرآن مجید، حتی به خواص خود حرفی نزدند بلکه پیوسته در بیانات خود، استناد به آن جسته و شیعیان خود را امر کردند که از قرائت‌های مردم پیروی کنند^۲».

به سوره حمد، منظر «نکته‌ها»، نکته چهارم، مراجعه شود.

سؤال ۱۱: چهارده روایت قرآن یعنی چه و اینکه می‌گویند قرآن را به این شیوه بخوانید به چه معناست؟

چهارده روایت، همان قرائت‌های هفت قاری مشهور است. هر یک از قاریان هفت‌گانه، دو نفر راوی داشته‌اند یعنی قرائت آنان توسط دو نفر از شاگردانشان روایت شده که در برخی موارد دارای اختلاف است که مجموع این قرائت‌ها چهارده روایت و قرائت می‌شود. در بین این قرائت‌ها هفت قرائت مشهور است. یعنی از دو نفر راوی که هر کدام از قرآء دارند قرائت یکی مشهورتر است و در بین این هفت قرائت، قرائت حفص از عاصم از همه مشهورتر است و قرآن‌های فعلی هم همین قرائت است.

قرآن کریم به یک شکل و یک قرائت بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شده. در برخی روایات آمده است قرآن یکی است و از سوی خداوند یگانه نازل شده ولی نبودن اعراب در قرآن‌های اولیه، ابتدایی بودن خط آن و اختلاف لهجه‌ها موجب اختلاف در کیفیت قرائت بعضی از کلمات قرآن شده است. در بین قرائت‌های مختلف قرائت هفت قاری معروف است. روایت و نقل از هر یک از قاریان هفت‌گانه توسط دو نفر انجام شده است که چهارده روایت می‌شود. نظر به این که غالب این روایت‌ها تغییری در معنی ایجاد نمی‌کند، بنا به آنچه در روایات آمده و به تبع آن در فتاوی فقها، قرائت قرآن به هر یک از قرائت‌های معروف جایز است. از باب نمونه در سوره‌ی حمد قرائت مالک و ملک، صراط و سراط هر دو صحیح است و معنای آن هم تفاوت چندانی ندارد.

قابل ذکر است قرآن‌های فعلی قرائت عاصم به روایت حفص است و گفته می‌شود قرائت عاصم از ابی عبد الرحمن سلمی از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است.

کتابشناسی عمده‌ترین منابع کتاب

(۱) مجمع البیان

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، اثر شیخ ابو علی الفضل (مشهد ۴۶۸- سبزوار ۵۴۸ ق) فرزند حسن بن الفضل طبرسی ملقب به امین الدین و امین الاسلام مشهور به طبرسی و شیخ طبرسی از مشاهیر مفسران شیعه می‌باشد.

مجمع البیان تفسیری است به زبان عربی در ده مجلد و حجم آن تقریباً کمی بیش از تبیان شیخ طوسی است. سبک و شیوه‌ی تدوین و تبویب این تفسیر در میان همه‌ی تفاسیر فریقین (شیعه و سنی)، و فارسی و عربی بی‌سابقه و بی‌نظیر است و با نظمی متین و مرتب، و با روش علمی و ساده‌ای است که بین تمامی تفسیرهای موجود از منزلت خاصی برخوردار می‌باشد. همچنین مسائل ادبی از نحو و لغت و اشتقاق و تصریف و مسائل نحوی را مشروح و مبسوط مورد بحث و بررسی قرار داده است که جنبه‌ی نحو و لغت در آن قوی‌تر است. در این تفسیر، تبویب و تنظیم مطالب به نحوی است که به مراجعه‌کننده امکان می‌دهد تا خواسته‌ی خود را ذیل یکی از ابواب و فصول به سرعت باز یابد. مفسر، نخست از نظر قرائت و اختلاف قرائت‌ها تحت عنوان الحجّة، پس از آن از نظر لغت و مشکلات لغوی و از نظر اعراب کلمات، سپس از نظر اسباب النزول و معنا، آیه را مورد بحث قرار داده و بعد احکام آیه و قصص را به میان می‌آورد و گاهی به اشعار نیز استشهد کرده است و در پایان تحت عنوان نظم، ربط و پیوند معنایی آیات را به یکدیگر و همچنین ارتباط سوره‌های قرآن مجید را با هم بازگو نموده است.

(۲) جوامع الجامع

جوامع الجامع نیز اثر شیخ طبرسی است. این تفسیر بسیار موجز، و ویژگی مهم آن، ادبی بودن آن است که با عبارات بسیار کوتاه، آیات قرآنی را تبیین می‌کند، و شامل تمام آیات قرآن می‌گردد. شیوه‌ی این تفسیر، بیان مسائل مربوط به لغت، اعراب، قرائت، بیان نظم و نکات ادبی و بلاغی است، که با رعایت گزیده‌گویی، متنی دقیق و لطیف ارائه داده است. همین امر سبب گردید تا از طرف شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم به عنوان کتاب درس تفسیر، در پایه‌های اولیه‌ی دروس سطح، مورد تدریس قرار گیرد.

(۳) التحرير و التنوير

التحرير و التنوير، یکی از کتب برجسته‌ی تفسیری تحلیلی در قرن چهاردهم هجری قمری است. مؤلف آن ابن عاشور متولد ۱۲۹۶ قمری / ۱۸۷۹ میلادی، در «مرسی» از نواحی شمالی تونس است.

ابن عاشور ضمن رعایت اصول کلی حاکم بر تفاسیر مغرب اسلامی در تمام تفسیرش، در هر سوره‌ای ابتدا به تبیین نام سوره می‌پردازد، به دنبال آن ترتیب سوره را از جهت نزول مطرح

می‌کند، سپس عدد آیات و آرای اختلافی را بررسی می‌کند، بعد از آن به اهداف و مقاصد سوره می‌پردازد.

اصول حاکم بر تفاسیر منطقه اندلس (مغرب) عبارتند از: ۱- به تفسیر نقلی توجه دارند، ۲- دانش قرائت در تفاسیر ایشان مورد توجه است، ۳- به لغت اهمیت می‌دهند، ۴- به مباحث فقهی و تبیین احکام اهمیت می‌دهند، ۵- سعی در پرهیز از اسرائیلیات دارند. اسرائیلیات، بر هر قصه یا روایتی گفته می‌شود که در تفسیر، حدیث و تاریخ، از اساطیر قدیمی نقل شود و منسوب به یک مصدر یهودی، نصرانی یا غیر آن باشد.

۴) منهج الصادقین

نام کامل آن «تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، از تفاسیر ارزشمند شیعی که به زبان فارسی روان و سلیس (به تناسب قرن دهم هجری) نگاشته شده، و در میان علاقمندان به قرآن رواج فراوانی دارد.

مؤلف تفسیر منهج، ملا فتح الله فرزند ملا شکر الله شریف کاشانی از اعلام تفسیری قرن دهم هجری شیعه می‌باشد.

تفسیر منهج عهده دار پرداختن به تمامی قرآن بوده و مؤلف، از ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی سخن رانده و در پرتوی آیات الهی، حقایق گوناگونی را عرضه کرده است. ملا فتح الله با توجه به تفاسیر معتبری نظیر کشاف زمخشری، انوار التنزیل بیضاوی، مجمع البیان طبرسی و با استفاده از تفسیر ابوالفتوح رازی آن را تألیف کرده است و از تفسیر اخیر بهره فراوان گرفته و گاه عبارات را عیناً نقل می‌کند. ایشان منهج الصادقین را در پنج مجلد ترتیب داده و اخیراً در ده مجلد معمولی عرضه شده است. ایشان این تفسیر را در سال ۹۸۲ قمری به انجام رسانیده است.

۵) قاموس قرآن

کتاب «قاموس قرآن» تألیف سید علی اکبر قرشی (متولد ۱۳۰۷ شمسی در شهر بناب از شهرهای آذربایجان شرقی) جزو تألیفاتی است که در صدد بیان مفردات قرآن می‌باشد. مفردات قرآن، علمی است که درباره‌ی تکواژه‌های قرآنی از نظر ریشه و اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، شیوه نگارش، نحوه‌ی تلفظ، و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند، و یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن غریب قرآن است. شاید نخستین کسی که اصطلاح «علم مفردات» را به عنوان شاخه‌ای از علوم لفظی قرآن به کار برد، و تألیف و تصنیف ارزشمندی در این زمینه ارائه کرد، راغب اصفهانی (وفات: ۴۲۵ قمری) باشد.

قاموس به طور عام به معنانشناسی قرآن می‌پردازد، و این گونه معنانشناسی در علم تفسیر حائز اهمیت است. به تعبیر دیگر، قاموس فرهنگ‌نامه لغات قرآن می‌باشد.

۶) تفسیر نمونه

تفسیر نمونه امروز یکی از رایج‌ترین و مقبول‌ترین تفاسیر شناخته شده در مجامع مذهبی و علمی می‌باشد که با ابتکار و اشراف استاد محقق و نامی حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم

شیرازی و با همیاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به زبان فارسی تألیف و در ۲۷ جلد وزیری ارائه شده است. این تفسیر، تمامی آیات قرآن را دربردارد که به شیوه‌ی ترتیبی از ابتدا تا انتهای قرآن را، بررسی کرده است.

مفسّر محترم در مقدمه‌ی کوتاه خود بر جلد چهارم تفسیر، با بیانی آشکار می‌نویسد: هدف از نوشتن این تفسیر، این بود که تفسیری به زبان فارسی برای قرآن مجید تهیه شود که هم «خواص» بتوانند از آن بهره‌گیرند، و هم برای «عموم» مفید باشد. تفسیری روان و دور از اصطلاحات پیچیده علمی، دور از شرح اختلافات مفسّران و نقل اقوال پراکنده، بر اساس نزدیکترین مفاهیم قرآن به ذهن، و براساس دریافته‌ها و برداشت‌های تازه‌ای که در پرتوی پیشرفت علوم گوناگون از قرآن می‌شود، و با استفاده از قرائن تاریخی و شأن نزول‌ها و احادیث متقن و ارزنده‌ای که در منابع اسلامی از پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده است. تفسیری که در عین تفسیر بودن، جوابگوی پرسش‌ها و مسائل عصری و حلّ ایرادهای گوناگون در اصول و فروع مباحث اسلامی (تا آنجا که وضع چنین تفسیری اجازه می‌دهد) می‌باشد.

۷) حجة التفاسیر

نام کامل تفسیر، «حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر» یا «تفسیر من لا یحضره المفسّر و التفسیر» با نام خلاصه حجة التفاسیر در ۱۰ مجلد به زبان فارسی از تفاسیر قرن چهاردهم شیعه‌ی دوازده امامی محسوب می‌گردد که توسط سید عبد الحجة مراغی تألیف شده است. تفسیری است تقریباً موجز که شامل جمیع آیات قرآن بوده و در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد، مشتمل بر بسیاری از مباحث و به مثابه‌ی دایرة المعارف اسلامی و قرآنی است، روش بیانی و تحلیلی با رویکرد تربیتی را پیش گرفته و به بیان عقاید ملل و نحل و فرق و مذاهب نظر دارد. از روایات کمتر استفاده می‌کند و بحث‌های تاریخی و اعتقادی فراوان دارد.

۸) اسباب النزول

مصنّف - ابو الحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری متوقای سال ۴۶۸ هجری - اسباب النزول را به ترتیب سوره‌های قرآن از سوره‌ی حمد تا انتهای قرآن پی گرفته و ذیل هر آیه، سبب و شأن نزول آن را از روایان مختلف نقل نموده است، البته اسباب النزول واحدی شامل تمامی آیات قرآن نیست و تنها شأن نزول آیاتی را که توانسته جمع‌آوری کند و یا برای او روایتی نقل شده بود را احصاء نموده است. از مجموع سوره‌های قرآن، راجع به ۸۲ سوره، ۸۸۳ مورد سبب نزول نقل کرده است. و دربردارنده اکثر احادیث روایت شده از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اقوال صحابه و تابعین می‌باشد.

اسباب النزول حاصل زحمات حدود ۴۰ ساله‌ی مصنّف می‌باشد، که از اولین کتاب‌های مدوّن موجود در این علم می‌باشد.

۹) نمونه‌ی بیّنات در شأن نزول قرآن

نام کتاب «نمونه‌ی بیّنات در شأن نزول آیات» و نام کامل آن «نمونه‌ی بیّنات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسّرین خاصّه و عامّه» می‌باشد که در اصل برای کنگره هزاره‌ی شیخ طوسی در دانشگاه فردوسی مشهد تهیه شده است.

کتاب حاضر چکیده‌ی آرا و عقاید دانشمندان متأخّر و متقدّم اهل سنت و شیعه است که توسط مؤلّف تحقیق و جمع‌آوری شده است و برای این کار تفاسیر فراوان و کتب اسباب نزول را کاویده است. این کتاب یکی از کتب جامع درباره‌ی اسباب نزول همه‌ی آیات به زبان فارسی است، و خلاصه این موضوع با این اثر تا حدّی برطرف گردید. مؤلّف کتاب دکتر محمّد باقر محقق است که متولّد سال ۱۲۹۸ هجری شمسی در رشت می‌باشد.

۱۰) البرهان فی تفسیر القرآن

صاحب روضات الجنات^{۲۱} می‌نویسد: «سید هاشم بحرانی در کتاب البرهان، مقداری از اخبار وارده در تفسیر را از کتب قدیمه‌ی غریبه و غیر آن جمع نمود». مؤلّف در مقدمه‌ی خود می‌نویسد: کتاب «البرهان»، شما را بر بسیاری از اسرار علوم قرآن آگاه می‌سازد. برخی مسائل علوم شرعی، قصص و اخبار انبیا و فضائل اهل بیت امامت (علیهم‌السلام) را برای شما، روشن می‌گرداند. و در خاتمه‌ی کتاب می‌فرماید: این کتاب مشتمل بر بسیاری از روایات تفسیری اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشد و شامل کثیری از فضایل آن‌ها و آیات نازلّه‌ی در شأن و حقّ آن‌ها، و در برگیرنده‌ی بسیاری از علوم احکام و آداب، قصص انبیا و علوم دیگری است که در کتاب دیگری نخواهید یافت.

۱۱) نور الثقلین

تفسیر نور الثقلین تألیف شیخ عبد علی بن جمعه‌ی عروسی حویزی از علمای قرن یازدهم هجری می‌باشد. شیخ آغا بزرگ در الذریعة^{۲۲} درباره‌ی روش نور الثقلین می‌نویسد: «او قرآن را بر طبق روایاتی که از اهل بیت (علیهم‌السلام) صادر شده است تفسیر می‌کند، اهل بیتی که آگاه‌ترینند نسبت به تفسیر قرآن. روایات را از کتب معتبر مانند کافی، تفسیر قمی، احتجاج، عیون الاخبار، علل الشرایع، اکمال الدین، توحید و... جمع‌آوری نموده، لکن سندهای روایات را حذف نموده است».

در اغلب موارد، احادیث ذکر شده در کتاب نور الثقلین، در مقام تفسیر مفهوم یا دلالت آیه نیستند، بلکه به سبب اغراضی از جمله استشهاد و مانند آن، متعرض آیه شده‌اند و هنر مصنّف فقط مرتب کردن روایات بنابر ترتیب آیات و سوره‌های قرآن بوده است، به همین جهت تمام آیات قرآن را دربر نمی‌گیرد؛ و نیز در صدد نقد روایات یا علاج تعارض آن‌ها نبوده است. اضافه بر اینکه در جمع‌آوری، توجّهی به اسانید و قوّت احادیث نداشته، روایات ضعیف‌السند و مرسل فراوانی در این تفسیر مشاهده می‌شود.

۱۲) التمهید فی علوم القرآن

کتاب التمهید تألیف استاد علامه محمد هادی معرفت از علمای معاصر است (۱۳۰۹ش - ۱۳۸۵ش). این کتاب در اصل شش جلد بوده است که بعد از وفات علامه توسط شاگردان ایشان بر اساس نظریات جدیدتر علامه و با اضافه نمودن دیگر آثار قرآنی ایشان در ۱۰ جلد به چاپ رسیده است. این کتاب، دائرة المعارفی وزین جامع و مبسوط در علوم قرآنی است.

۱۳) تفسیر سور آبادی

تفسیر سور آبادی تفسیر کهن قرآن کریم به فارسی نوشته ابوبکر عتیق بن محمد هروی نیشابوری، معروف به سورآبادی یا سوریانی است که در قرن پنجم می زیسته است.

سورآبادی در ابتدای هر سوره، عنوان و تعداد آیات و کلمات و حروف و محل نزول و فضیلت آن را آورده و در تفسیر آیات گاهی تمام یک آیه را یک جا، و گاه به صورت جزء جزء، نقل و ترجمه و تفسیر کرده و به مناسبت‌های مختلف به اخبار و روایات و اقوال مفسران و راویان اشعار عربی استناد نموده است. او همچنین قصص مربوط به آیات را، گاهی به مناسبت یک آیه یا شأن نزول آن و گاهی در ضمن ترجمه و تفسیر آیات، آورده و پس از ترجمه برخی آیات، سؤال و جوابی آورده است که ناظر به مشکلی از آن آیه است.

نثر فارسی تفسیر سورآبادی و ترجمه او از قرآن، از نمونه‌های فصیح و عالی نثر فارسی و پر از لغات و اصطلاحات فارسی دری است که سورآبادی برای عبارات و ترکیبات قرآنی برگزیده است.

فاتحه (۱)

نام سوره

نام سوره از حدیث پیامبر گرفته شده است که: «لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب» برای کسی که در نمازش فاتحه کتاب را نمی‌خواند نمازی نیست. در روایات از این سوره به امّ القرآن، امّ الكتاب و حمد نیز یاد شده است. برای این سوره توصیفات مختلفی در قرآن و یا احادیث وجود دارد. البته نمی‌توان از این توصیفات تعبیر به «اسم سوره» کرد:

السبع المثانی: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (حجر: ۸۷) طبق احادیث منظور از سبع مثانی سوره‌ی حمد است زیرا این سوره دارای هفت آیه بوده و دو بار نازل شده است.^{۲۳}

اساس القرآن: به مناسبت آنچه از ابن عباس نقل شده که برای هر چیز اساس و پایه‌ای است و اساس قرآن سوره‌ی فاتحه و اساس این سوره «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» است.^{۲۴}

تعداد آیات

این سوره به اتفاق قاریان دارای ۷ آیه است، جز این که اهل مکّه و کوفه «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را، آیه‌ای از سوره‌ی حمد شمرده‌اند و دیگران بسم الله را جزو سوره ندانسته و جمله «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (۷) را آیه‌ای مستقل دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: بیست و پنج.

تعداد حروف: صد و بیست و سه.

محل نزول

این سوره مکی است.

بعضی معتقد هستند این سوره مدنی است.

پاسخ: این سوره نمی‌تواند مدنی باشد زیرا اولاً: نماز بر مسلمین از ابتدای بعثت واجب شده بود و نماز بدون فاتحة الكتاب صحیح نیست. ثانياً: در سوره‌ی حجر آیه‌ی ۸۷ آمده است: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ». منظور از «سبعا من المثنائی» سوره‌ی حمد است که خداوند می‌فرماید این سوره را به تو عطا کردیم. و سوره‌ی حجر به اتفاق مفسرین مکی است. و ثالثاً: این سوره‌ی فاتحة الكتاب و آغاز قرآن است، و نمی‌تواند فاتحة الكتاب در مدینه نازل شده باشد.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵

سوره‌ی قبل: مدثر

سوره‌ی بعد: تبت

چون نماز در آغاز بعثت واجب شده، سوره‌ی فاتحه قبل از نماز نازل شده است زیرا نماز بدون فاتحه نماز نیست چه آنکه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده: «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب» بنابراین فاتحه مقدم بر نماز نازل شده است. ظاهراً سوره‌ی فاتحه به عنوان سوره‌ای کامل اولین چیزی است که بر پیامبر نازل شده است. حتی این نزول ممکن است از طریقی غیر از وحی قبل از بعثت باشد و بعد در آغاز وحی وقتی خداوند می‌فرماید: «اقرأ» منظور خواندن سوره‌ی فاتحه باشد.

محتوای سوره

هفت آیه‌ای که در این سوره وجود دارد هر کدام اشاره به مطلب مهمی است:

«بِسْمِ اللَّهِ» سرآغازی است برای هر کار، و استمداد از ذات پاک خدا را به هنگام شروع در هر کار به ما می‌آموزد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» درسی است از بازگشت همه‌ی نعمت‌ها و تربیت همه‌ی موجودات به الله، و توجه به این حقیقت که همه‌ی این مواهب از ذات پاکش سرچشمه می‌گیرد.

«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» این نکته را بازگو می‌کند که اساس خلقت و تربیت و حاکمیت او بر پایه‌ی رحمت و رحمانیت است، و محور اصلی نظام تربیتی جهان را همین اصل تشکیل می‌دهد.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» توجّهی است به معاد، و سرای پاداش اعمال، و حاکمیت خداوند بر آن دادگاه عظیم.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، توحید در عبادت و توحید در نقطه‌ی اتکالی انسان‌ها را بیان می‌کند.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، بیانگر نیاز و عشق بندگان به مسأله‌ی هدایت و نیز توجّهی است به این حقیقت که هدایت‌ها همه از سوی او است! سرانجام آخرین آیه‌ی این سوره، ترسیم واضح و روشنی است از صراط مستقیم؛ راه کسانی که مشمول نعمتهای او شده‌اند، و از راه مغضوبین و گمراهان جدا است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۲ بخش است:

۱. ثنای الهی: (۱-۴)

۲. اظهار عبودیت و نیاز: (۵-۷)

ارتباط آیات

سوره‌ی فاتحه فهرست قرآن است و رسالت قرآن چیزی جز بهینه نمودن ارتباط انسان با خداوند نیست و ارتباط بهینه در مصداق کامل خود با دعا، نمود پیدا می‌کند. و از طرفی در میان همه‌ی دعا‌های قرآنی، بودن در صراط مستقیم و در نتیجه دوری از خشم خداوند و گم‌گشتگی، مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین خواسته‌ی هر انسان است. هر دعایی با ثنای خداوند و با اظهار عبودیت آغاز می‌شود و بعد دعای مورد نظر مطرح می‌گردد. نکته‌ای که در این سوره به خوبی تعلیم داده شده است.

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

* شیطان چهار بار فریاد کشید و ناله سر داد. نخستین بار روزی بود که از درگاه خدا رانده شد، سپس هنگامی بود که از بهشت به زمین تنزل یافت، سومین بار هنگام بعثت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از فترت پیامبران بود، و آخرین بار زمانی بود که سوره‌ی حمد نازل شد!^{۲۵}

* هر کس سوره‌ی فاتحه‌ی کتاب را بخواند به او آن چنان پاداش می‌دهند که گویی دو ثلث قرآن را خوانده و بر هر مؤمن و مؤمنه صدقه داده است.

همین مضمون از آن حضرت، به سند دیگری نقل شده است با این تفاوت که گویی تمام قرآن را خوانده است.^{۲۶}

* هر که آن را بخواند در حالی که به دوستی محمد و آل او معتقد و به ظاهر و باطن آن مؤمن، و پیرو فرمانش باشد خداوند در برابر هر حرفی از آن حسنه‌ای به او می‌دهد که هر یک از آن بالاتر از دنیا با همه‌ی اموال و خیراتش می‌باشد.^{۲۷}

* اگر کسی به این سوره که خوانده می‌شود گوش فرا دهد به مقدار یک سوّم از ثواب و اجر خواندنش را خواهد داشت. این چیز را غنیمت شمرده و آن را بیشتر کنید تا موقعش نگذرد و حسرت و آه در دلتان نماند.^{۲۸}

کاربرد سوره

درمان دردها

امام صادق (علیه‌السلام):

* کسی را که مرضی عارض شد سوره‌ی حمد را در گریبان خود هفت مرتبه بخواند پس اگر علت مرتفع شد (که هیچ)، و الا هفتاد مرتبه بخواند و من ضامن شفای او هستم.^{۲۹}

* من حمد را بر هیچ دردی هفتاد مرتبه نخواندم مگر این که آرام شد.^{۳۰}

امام باقر (علیه‌السلام):

اگر سوره‌ی حمد هفتاد مرتبه بر مرده‌ای خوانده شود و او زنده گردد شگفت‌آور نیست.^{۳۱}

چند نکته

۱- آهنگ آیات

این سوره اساساً با سوره‌های دیگر قرآن از نظر لحن و آهنگ، فرق روشنی دارد به خاطر اینکه سوره‌های دیگر همه به عنوان سخن خدا است، اما این سوره از زبان بندگان است، و به تعبیر دیگر در این سوره خداوند طرز مناجات و سخن گفتن با خود را به بندگان آموخته است.

آغاز این سوره با حمد و ستایش پروردگار شروع می‌شود و با ابراز ایمان به مبدأ و معاد (خداشناسی و ایمان به رستخیز) ادامه می‌یابد، و با تقاضاها و نیازهای بندگان پایان می‌گیرد. امام صادق (علیه‌السلام) از ابوحنیفه سؤال کردند: کدام سوره است که اولش حمد است و وسطش اخلاص و آخرش دعا است؟ ابوحنیفه متحیر شد و گفت: نمی‌دانم! حضرت فرمود: سوره‌ی حمد است!^{۳۲}

انسان آگاه و بیدار دل، هنگامی که این سوره را می‌خواند، احساس می‌کند که بر بال و پر فرشتگان قرار گرفته و به آسمان صعود می‌کند و در عالم روحانیت و معنویت لحظه به لحظه به خدا نزدیک‌تر می‌شود.

این نکته بسیار جالب است که اسلام بر خلاف بسیاری از مذاهب ساختگی یا تحریف شده که میان خدا و خلق واسطه‌ها قائل می‌شوند به مردم دستور می‌دهد که بدون هیچ واسطه با خدایشان ارتباط برقرار کنند!

این سوره تبلوری است از همین ارتباط نزدیک و بی‌واسطه‌ی خدا با انسان، و مخلوق با خالق، در اینجا تنها او را می‌بیند، با او سخن می‌گوید، پیام او را با گوش جان می‌شنود، حتی هیچ پیامبر مرسل و فرشته‌ی مقربی در این میان واسطه نیست و عجب اینکه این پیوند و ارتباط مستقیم خلق با خالق آغازگر قرآن مجید است.

۲- سوره‌ی حمد، اساس قرآن است.

در حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌خوانیم که:

(الحمد امّ القرآن) و این به هنگامی بود که جابر بن عبد الله انصاری خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسید، حضرت به او فرمود: آیا برترین سوره‌ای را که خدا در کتابش نازل کرده به تو تعلیم کنم، جابر عرض کرد آری پدر و مادرم به فدایت باد، به من تعلیم کن، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سوره‌ی حمد را که امّ الکتاب است به او آموخت، سپس اضافه فرمود این سوره شفای هر دردی است مگر مرگ.

و نیز از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که فرمود:

«قسم به کسی که جان من به دست او است خداوند نه در تورات و نه در انجیل و نه در زبور، و نه حتی در قرآن، مثل این سوره را نازل نکرده است، و این امّ الکتاب است.»

دلیل این سخن با تأمل در محتوای این سوره روشن می‌شود، چرا که این سوره در حقیقت فهرستی است از مجموع محتوای قرآن. بخشی از آن توحید و شناخت صفات خدا است، بخشی در زمینه‌ی معاد و رستاخیز سخن می‌گوید و بخشی از هدایت و ضلالت که خط فاصل مؤمنان و کافران است سخن می‌گوید، و نیز در آن اشاره‌ای است به حاکمیت مطلق پروردگار و مقام ربوبیت و نعمت‌های بی‌پایانش که به دو بخش عمومی و خصوصی (بخش رحمانیت و رحیمیت) تقسیم می‌گردد، و همچنین اشاره به مسأله‌ی عبادت و بندگی و اختصاص آن به ذات پاک او شده است.

در حقیقت، هم بیانگر توحید ذات است، هم توحید صفات، هم توحید افعال، و هم توحید عبادت.

و به تعبیر دیگر این سوره مراحل سه‌گانه ایمان: اعتقاد به قلب، اقرار به زبان، و عمل به ارکان را در بر دارد، و می‌دانیم امّ به معنی اساس و ریشه است.

شاید به همین دلیل است که ابن عباس مفسّر معروف اسلامی می‌گوید: إنّ لكلّ شیء أساساً... و أساس القرآن الفاتحة/ هر چیزی اساس و شالوده‌ای دارد... و اساس و زیربنای قرآن، سوره‌ی حمد است.

روی همین جهات است که در فضیلت این سوره از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شد:

هر مسلمانی سوره‌ی حمد را بخواند پاداش او به اندازه کسی است که دو سوّم قرآن را خوانده است (و طبق نقل دیگری پاداش کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد) و گویی به هر فردی از مردان و زنان مؤمن هدیه‌ای فرستاده است.

تعبیر به دو سوّم قرآن شاید به خاطر آنست که بخشی از قرآن توجّه به خدا است و بخشی توجّه به رستاخیز و بخش دیگری احکام و دستورات است که بخش اوّل و دوّم در سوره‌ی حمد آمده، و تعبیر به تمام قرآن به خاطر آن است که همه‌ی قرآن را از یک نظر در ایمان و عمل می‌توان خلاصه کرد که این هر دو در سوره‌ی حمد جمع است.

۳- سوره‌ی حمد افتخار بزرگ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

جالب اینکه در آیات قرآن سوره‌ی حمد به عنوان یک موهبت بزرگ به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) معرفی شد، و در برابر کل قرآن قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^{۳۳} ما به تو سوره‌ی حمد که هفت آیه است و دو بار نازل شده دادیم همچنین قرآن بزرگ بخشیدیم.

قرآن با تمام عظمتش در اینجا در برابر سوره‌ی حمد قرار گرفته است، نزول دوباره‌ی آن نیز به خاطر اهمیت فوق العاده آن است.

همین مضمون در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که فرمود:

خداوند بزرگ به خاطر دادن سوره‌ی حمد بالخصوص بر من منت نهاده و آن را در برابر قرآن عظیم قرار داده، و سوره‌ی حمد با ارزش‌ترین ذخایر گنج‌های عرش خدا است!^{۳۴}

۴- فاتحه کتاب بودن سوره‌ی حمد

فاتحه کتاب به معنی آغازگر کتاب (قرآن) است، و از روایات مختلفی که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده به خوبی استفاده می‌شود که این سوره در زمان خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز به همین نام شناخته می‌شده است.

از اینجا دریچه‌ای به سوی مسأله‌ی مهمی از مسائل اسلامی گشوده می‌شود و آن اینکه بر خلاف آنچه در میان گروهی مشهور است که قرآن در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به صورت پراکنده بود، بعد در زمان ابوبکر یا عمر یا عثمان جمع‌آوری شد، قرآن در زمان خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به همین صورت امروز جمع‌آوری شده بود، و سرآغازش همین سوره‌ی حمد بوده است، و الا نه این سوره نخستین سوره‌ای بوده است که بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شده، و نه دلیل دیگری برای انتخاب نام فاتحه کتاب برای این سوره وجود دارد.

مدارک متعدّد دیگری در دست است که این واقعیت را تأیید می‌کند که قرآن به صورت مجموعه‌ای که در دست ماست در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به فرمان او جمع‌آوری شده بود.

علی بن ابراهیم از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: قرآن در قطعات حریر و کاغذ و امثال آن پراکنده است آن را جمع آوری کنید. سپس اضافه می کند علی (علیه السلام) از آن مجلس برخاست و آن را در پارچه زردرنگی جمع آوری نمود سپس بر آن مهر زد.^{۳۵}

گواه دیگر، این است که خواریزمی دانشمند معروف اهل تسنن در کتاب مناقب از علی بن ریاح نقل می کند که علی بن ابی طالب و ابی بن کعب، قرآن را در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری کردند.

سوّمین شاهد جمله ای است که حاکم، نویسنده ی معروف اهل سنت در کتاب مستدرک از زید بن ثابت آورده است:

زید می گوید: ما در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرآن را از قطعات پراکنده جمع آوری می کردیم و هر کدام را طبق راهنمایی حضرت در محل مناسب خود قرار می دادیم، ولی با این حال این نوشته ها متفرق بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) دستور داد که آن را یک جا جمع کند، و ما را از ضایع ساختن آن بر حذر می داشت.

سید مرتضی دانشمند بزرگ شیعه می گوید: قرآن در زمان رسول الله به همین صورت کنونی جمع آوری شده بود.

طبرانی و ابن عساکر از شعبی چنین نقل می کنند که شش نفر از انصار قرآن را در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری کردند^{۳۶} و قتاده نقل می کند که از انس پرسیدم چه کسی قرآن را در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری کرد، گفت چهار نفر که همه از انصار بودند: ابی بن کعب، معاذ، زید بن ثابت، و ابو زید^{۳۷}، و بعضی روایات دیگر که نقل همه ی آنها به طول می انجامد.

به هر حال علاوه بر این احادیث که در منابع شیعه و اهل تسنن وارد شده، انتخاب نام فاتحة الكتاب برای سوره ی حمد- همان گونه که گفتیم- شاهد زنده ای برای اثبات این موضوع است.

سؤال: آیا جمع آوری قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود؟

در اینجا این سؤال پیش می آید که چگونه می توان این گفته را باور کرد، با اینکه در میان گروهی از دانشمندان، معروف است که قرآن پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری شده است (به وسیله ی علی «علیه السلام» یا کسان دیگر).

در پاسخ این سؤال باید گفت: قرآنی که علی (علیه السلام) جمع آوری کرد تنها خود قرآن نبود بلکه مجموعه ای بود از قرآن و تفسیر و شأن نزول آیات، و مانند آن.

و اما در مورد عثمان قرآنی در دست است که نشان می دهد عثمان برای جلوگیری از اختلاف قرائت ها اقدام به نوشتن قرآن واحدی با قرائت و نقطه گذاری نمود (چرا که تا آن زمان نقطه گذاری معمول نبود).

و اما اصرار جمعی بر اینکه قرآن به هیچ وجه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع آوری نشده و این افتخار نصیب عثمان یا خلیفه اول و دوم گشت، شاید بیشتر به خاطر فضیلت‌سازی بوده باشد، و لذا هر دسته‌ای این فضیلت را به کسی نسبت می‌دهد و روایت در مورد او نقل می‌کند.

اصولا چگونه می‌توان باور کرد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین کار مهمی را نادیده گرفته باشد در حالی که او به کارهای بسیار کوچک هم توجه داشت، مگر نه این است که قرآن قانون اساسی اسلام، کتاب بزرگ تعلیم و تربیت، زیربنای همه‌ی برنامه‌های اسلامی و عقائد و اعتقادات است؟ آیا عدم جمع‌آوری آن در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این خطر را نداشت که بخشی از قرآن ضایع گردد و یا اختلافاتی در میان مسلمانان بروز کند؟

به علاوه حدیث مشهور ثقلین که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود من از میان شما می‌روم و دو چیز را به یادگار می‌گذارم کتاب خدا و خاندانم، خود نشان می‌دهد که قرآن به صورت یک کتاب جمع‌آوری شده بود.

و اگر می‌بینیم روایاتی که دلالت بر جمع‌آوری قرآن توسط گروهی از صحابه زیر نظر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد، از نظر تعداد نفرات مختلف است مشکلی ایجاد نمی‌کند، ممکن است هر روایت عده‌ای از آن‌ها را معرفی کند.

بقره (۲)

نام سوره

نام سوره از قصه‌ی گاو بنی‌اسرائیل گرفته شده که آیات ۶۷ تا ۷۳ این سوره را به خود اختصاص داده است.

در روایات، این سوره به «سنام القرآن» توصیف شده است.^{۳۸} سنام هر چیزی قسمت برتر آن است مثل سنام شتر که به معنای کوهان آن است. قلّه‌ی مرتفع قرآن که بیش‌تر از همه به چشم می‌آید سوره‌ی بقره است.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره از نظر کوفیان ۲۸۶ و به اعتقاد بصریان، ۲۸۷ آیه استک کوفی‌ها «الم» (۱) و «تَتَفَكَّرُونَ» اول و دوم (۲۱۹ و ۲۶۶) را آیات جداگانه شمرده‌اند بصری‌ها «إِلَّا خَائِفِينَ» (۱۱۴) و «قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (۲۳۵) و «أَلْحَى الْقَبِيَوْمُ» (۲۵۵) را آیات مستقلی دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: شش هزار و صد و بیست و یک.
تعداد حروف: دویست و پنج هزار و پانصد.

محل نزول

این سوره مدنی است.
بررسی آیاتی که ادعا شده است مکی است:

۱- آیهی ۲۸۱ (وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ) این آیه در منی در سال حجة الوداع نازل شده است.

پاسخ: بنابر اصطلاح مشهور در ملاک مدنی بودن، این آیه نیز مدنی است زیرا بعد از هجرت نازل شده است. (رجوع شود به پاسخ سؤال ۴ در عنوان مقدمه کتاب، ضمن اطلاعات کلی قرآن).

۲- آیهی ۱۰۹ (فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ) این آیه از آیات صفح و مماشات با کفار است بنابر این باید در مکه نازل شده باشد.

پاسخ: ابتدای آیه از علاقه اهل کتاب به کافر شدن مسلمین خبر می‌دهد و این حکایت از این دارد که این آیه در ابتدای هجرت مسلمین به مدینه نازل شده است که هنوز به درستی قدرت پیدا ننموده‌اند لذا حکم به صفح و مماشات در این آیه به وسیله آیات قتال نسخ شد.

۳- آیهی ۲۷۲ (لَيْسَ عَلَيْكُمْ حُدُودُهُمْ) این آیه مکی است زیرا سخن از عدم قبول هدایت توسط کفار می‌گوید.

پاسخ: این آیه به پیامبر می‌گوید: بر تو نیست هدایت کفار از این راه که جلو صدقه دادن مردم را به آنان بگیری و بدینوسیله آنان را به اسلام وادار نمایی. بنابر این زمان نزول آیه وقتی است که مسلمین می‌خواستند از قدرت مالی خود برای کمک به بعضی از کفار فقیر بهره بگیرند. لذا این آیه نیز باید در مدینه نازل شده باشد.^{۳۹}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۸۸

سوره‌ی قبل: مطففین

سوره‌ی بعد: آل عمران

تاریخ نزول آن ما بین هجرت پیامبر به مدینه و جنگ بدر است.

محتوای سوره

در این سوره مباحث مختلفی وجود دارد از آن جمله:

- ۱- بحث‌هایی پیرامون توحید و شناسایی خدا مخصوصاً از طریق مطالعه‌ی اسرار آفرینش.
- ۲- بحث‌هایی در زمینه‌ی معاد و زندگی پس از مرگ، مخصوصاً مثال‌های حسنی آن مانند داستان حضرت ابراهیم و زنده شدن مرغ‌ها، و داستان حضرت عزیر.
- ۳- بحث‌هایی در زمینه‌ی اعجاز قرآن و اهمیت این کتاب آسمانی.
- ۴- بحث‌هایی بسیار مفصل و طولانی درباره‌ی یهود و منافقان و موضع‌گیری‌های خاص آن‌ها در برابر اسلام و قرآن، و انواع کارشکنی‌های آنان در این رابطه.
- ۵- بحث‌هایی در زمینه‌ی تاریخ پیامبران بزرگ مخصوصاً حضرت ابراهیم و حضرت موسی.

۶- بحث‌هایی در زمینه‌ی احکام مختلف اسلامی از جمله نماز، روزه، جهاد در راه خدا، حج و تغییر قبله، ازدواج و طلاق، احکام تجارت و دین، و قسمت مهمی از احکام ربا و مخصوصاً بحث‌های فراوانی در زمینه انفاق در راه خدا، و همچنین مسأله‌ی قصاص و تحریم قسمتی از گوشت‌های حرام و حرمت قمار و شراب و بخشی از احکام وصیت.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی حمد با پرهیز از دین یهود (المغضوب علیهم) و نصاری (الضالین) پایان پذیرفت، لذا سوره‌ی بقره با معرفی دین اسلام شروع شد همچنان که در سوره‌ی آل عمران به شباهت مختلفی درباره‌ی دین اسلام پاسخ داده شده است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۳۳ بخش است:

۱. تقابل ایمان با کفر و نفاق: (۱- ۲۹)
۲. حضرت آدم (سجده‌ی ملائکه و خروج از بهشت): (۳۰ - ۳۹)
۳. نه فرمان بنی اسرائیل: (۴۰ - ۴۶)
۴. مرور اجمالی تاریخ حضرت موسی و بنی اسرائیل: (۴۷ - ۶۶)
۵. قصه‌ی گاو بنی اسرائیل: (۶۷ - ۷۴)
۶. کتمان حقیقت (۱): (۷۵ - ۷۹)
۷. ادعای برتری اهل کتاب (۱): (۸۰ - ۸۲)
۸. ده فرمان بنی اسرائیل: (۸۳ - ۸۶)
۹. یهود و تکذیب انبیا (۱): (۸۷ - ۹۳)
۱۰. ادعای برتری اهل کتاب (۲): (۹۴ - ۹۶)
۱۱. دشمنی با جبرائیل: (۹۷ - ۹۸)
۱۲. یهود و تکذیب انبیا (۲): (۹۹ - ۱۰۱)
۱۳. جادوگران و حضرت سلیمان: (۱۰۲ - ۱۰۳)
۱۴. مصادیق کینه یهود نسبت به مسلمانان: (۱۰۴ - ۱۱۰)
۱۵. ادعای برتری اهل کتاب (۳): (۱۱۱ - ۱۱۳)
۱۶. تقابل عملی و فکری کفار (یهود، نصاری و مشرکین) با اسلام: (۱۱۴ - ۱۳۳)
۱۷. بنای کعبه و دین ابراهیم: (۱۳۴ - ۱۴۱)
۱۸. تغییر قبله: (۱۴۲ - ۱۵۲)
۱۹. صبر و شهادت و آزمون: (۱۵۳ - ۱۵۷)
۲۰. کتمان حقیقت (۲): (۱۵۸ - ۱۶۲)
۲۱. بررسی محبت خدایی و محبت شرکی: (۱۶۳ - ۱۶۷)

۲۲. حکم فقهی (۱) (حلال و حرام‌های خوراکی): (۱۶۸ - ۱۷۳)
۲۳. کتمان حقیقت (۳): (۱۷۴ - ۱۷۷)
۲۴. حکم فقهی (۲) (قصاص، وصیت، روزه، رشوه، هلال ماه، جهاد (۱)، حج و عمره): (۱۷۸ - ۲۰۳)
۲۵. نشانه‌های نفاق و ایمان و کفر: (۲۰۴ - ۲۱۴)
۲۶. حکم فقهی (۳) (انفاق، جهاد (۲)، هجرت، شراب، قمار، ایتم، ازدواج، حیض، قَسَم، ایلاء، طلاق، رضاع، عده، نماز): (۲۱۵ - ۲۴۲)
۲۷. طالوت و جالوت: (۲۴۳ - ۲۵۴)
۲۸. آیه الکرسی: (۲۵۵ - ۲۵۷)
۲۹. براهین توحید و معاد: (۲۵۸ - ۲۶۰)
۳۰. انفاق: (۲۶۱ - ۲۷۴)
۳۱. حرمت ربا: (۲۷۵ - ۲۸۱)
۳۲. ثبت اسناد مالی: (۲۸۲ - ۲۸۴)
۳۳. ایمان به شریعت: (۲۸۵ - ۲۸۶)

ارتباط آیات

۱. هدایت قرآنی را پارسیان قبول نموده و کافرین و منافقین آن را پس می‌زنند. متقین تسلیم آموزه‌های انبیا هستند، ولی کفار این ارزش‌ها را تصدیق ننموده و منافقین در این ارزش‌ها تشکیک می‌کنند و پذیرش بی‌چون و چرای آن را سفاهت و بی‌عقلی می‌دانند و تلاش می‌کنند تا عقل انسان‌ها را در مقابل شرع قرار دهند (أُتُومِنُ كَمَا ءَأْمَنَ السُّفَهَاءُ) و این را مهم‌ترین برنامه‌ی اصلاحی خود می‌پندارند. این دو گروه با آگاهی فطری خود، سر ستیز دارند و آشکارا آیات وحدانیت خداوند را در جهان هستی و در قرآن تکذیب می‌کنند. اینان آتش لجاجت خود را همچنان برافروخته نگه داشته و در نتیجه در قیامت در همین عذاب خواهند سوخت. همچنان که مؤمنین با ایمان خود، رزق بهشتیشان را تدارک دیده‌اند (هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ). البته در همین دنیا نیز آتش لجاجت دامن غیر اهل ایمان را می‌گیرد و وقتی آگاهی‌ها و پیمان‌های فطری زیر پا گذاشته شود همه‌ی رابطه‌های درست از هم گسسته شده و جوامع انسانی رو به فساد می‌رود. (۱ - ۲۹)

۲. داستان تقابل ایمان و کفر و نفاق، گذشته‌ای به درازای تاریخ دارد؛ به همین مناسبت خداوند از آیه‌ی ۳۰ تا ۳۹ به قصه‌ی آدم پرداخته‌اند و از آن به بعد به قصه‌ی قدیمی‌ترین قوم موجود یعنی بنی‌اسرائیل می‌پردازد: آدم خلیفه‌ی خداوند و مظهر اسماء او در زمین است و مهم‌ترین این اسماء، علیم بودن خداوند است. ملائک تا دانستند که آدم تحت تابش اسماء حق است دیگر او را اهل فساد ندانسته و لایق تعظیمش دانستند. ولی شیطان تنها خود را لایق تکریم می‌دانست و از سجده بر آدم امتناع نمود و رانده‌ی درگاه خداوند شد و تکبرش او را

و داشت تا آدم را نیز رانده آستان ربوبی کند. ولی لغزش‌های آدم براساس غفلت صورت گرفت نه کبر؛ پس توبه نمود و خداوند توبه‌اش را پذیرفت. (۳۰ - ۳۹)

۳. دین مهم‌ترین نعمت خداوند است زیرا مجموعه‌ی قراردادهایی است که اگر انسان آن‌ها را بپذیرد و پایبندش شود، خداوند لغزش‌های او را بخشیده و در مقابل مشکلات، مقاومتش می‌نماید. بنی‌اسرائیل نماد نقض این قراردادها و ارتداد دینی و بی‌وفایی انسان در مقابل خداوند مهربان هستند. آری بنی‌اسرائیل به تعهدات خود عمل نکردند؛ لذا اولین انکار کنندگان احکام نورانی تورات، خود آن‌ها شدند و حقیقت‌های آن را کتمان نمودند و باطل را در آن راه دادند و از نماز و زکات - مهم‌ترین دستورات تورات - فاصله گرفتند و اگر از ارزش‌ها هم می‌گفتند، به گفته‌های خود پایبند نبودند. (أ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ) (۴۰ - ۴۶)

آنچه در پی می‌آید مجموعه‌ای کامل از جریان یهود شناسی است:

۴. فرستادن انبیا برای رهایی انسان از ستمگران زمان و تشکیل حکومت در ادامه‌ی نعمت دین است. ولی بنی‌اسرائیل (و انسان‌های همانند آن‌ها) نمی‌خواهند از خوی و فرهنگ طاغوتیان دست بکشند و نگاهشان همچنان به همه‌ی امور و خصوصاً به خداوند، سطحی و شرک آلود است. هرچند هم خداوند به آن‌ها برای استقرار حکومتی خدایی کمک کند، باز سرکشی می‌کنند و ثابت می‌کنند که مَهر ذلت را بر پیشانی خود دارند و لایق حکومت فرعونیان هستند (ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ). (۴۵ - ۶۲)

۵. اجبار و ترس نیز نمی‌تواند انسان را وادارد تا به تعهدات فطری و آموزه‌های آسمانی‌اش عمل کند. وقتی از مخالفت مستقیم خداوند ترس داشته باشد با کلاه شرعی، شریعت را دور می‌زند، آن‌گونه که یهودیان ماهی گرفتن روز شنبه خود را توجیه کردند ولی همه‌ی آن‌ها به میمون تبدیل شدند، حیوانی دلک که هیچ چیز را جدی نمی‌گیرد و می‌خواهد همه چیز را به بازی گیرد. (۶۳ - ۶۶)

۶. قصه‌ی گاو بنی‌اسرائیل نمونه‌ی بارز تشکیک بسیاری به ظاهر دینداران، در مقابل بشارت‌ها و هشدارهای انبیا است. تشکیک‌هایی که با همه‌ی روشنگری‌های دین، بیش‌تر شده و بر قساوت دل و نفوذ ناپذیری انسان افزوده است. (۶۷ - ۷۴)

۷. انسان به ظاهر دیندار که در مقابل حقایق دین تسلیم نیست، هیچ امیدي به هدایتش نمی‌باشد چون از همه چیز اطلاع دارد و هرچور بخواهد، می‌تواند دین را تحریف و تفسیر کند و در نهایت هم، خود را خاص دانسته و از عذاب دوزخ، «نجات یافته» می‌پندارد (لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً) و حال آن که نسبت به اصول و فروع دین بیگانه است. (۷۵ - ۸۳)

۸. جوامعی که دینداریشان نارَس است، به جای کفّار دست به کشتار خودی‌ها می‌زنند و مصلحین خود را به صلیب می‌کشند و این چنین به بهایی اندک اصول خود را زیر پا می‌گذارند و با همه‌ی دلایل روشن، برای خداوند خلیفه سازی نموده و به جای موسی، گوش به سامری می‌دهند و دل در گروی گوساله‌ای می‌سپارند و بعد هم خود را فارغ شده از حب دنیا دانسته و

بهشت را تنها برای خود و هم پیاله‌هایشان می‌پندارند و حال آن که بیش‌ترین وابستگی را به دنیا داشته و از مرگ به شدت هراسان هستند. آن‌ها دوست دارند که ای کاش هزار سال زنده می‌بودند. (۸۴ - ۹۶)

۹. بهانه جویی انسان لجوج آنچنان بی‌قافیه و مضحک است که انسان را به تعجب وامی‌دارد؛ یهود می‌گفتند: «ای محمد! فرشته‌ی وحی تو جبرائیل است و ما با او مشکل داریم اگر میکائیل فرشته‌ی وحی تو بود به تو ایمان می‌آوردیم!!» این همه، چیزی جز انحراف از راه درست و عهد شکنی نسبت به باورهای فطری نیست (مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ). (۹۷ - ۱۰۱)

۱۰. یهودیان که سمبل رفتارهای ضد فطرت هستند با انبیا خود - همچون حضرت سلیمان - برخوردی مشابه با برخورد با پیامبر اسلام داشتند؛ آن‌ها سحر را میان امت حضرت سلیمان رواج دادند و بعد ایشان را متهم به این کار نمودند! (۱۰۲ - ۱۰۳)

۱۱. یهودیان برای مقابله‌ی با ایمان، گاهی از واژگان مسلمین سوژه‌ی خنده می‌ساختند و گاهی وارد مباحث سخت شده و نسخ بعضی از آیات را مورد اشکال قرار می‌دادند. و این همه به خاطر دشمنی و حسادت بود (حسادت به این که چرا پیامبر آخرالزمان از بنی‌اسرائیل نیست!) و مؤمنین باید با سلاح نماز و زکات، خود را مصون از یهودیان سازند. (۱۰۴ - ۱۱۰)

۱۲. «بهشت را به بها دهند نه به بهانه». باید تسلیم دین خدا بود تا لایق پاداش گردید، به صرف بی ریشه دانستن دین دیگری و ریشه دار دانستن دین خود، نمی‌توان به پاداش رسید (قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى). باید از دین خود دفاع نمود و اجازه نداد که کفر و کافران به ایمان و مؤمنین مسلط شوند. (۱۱۱ - ۱۱۵)

۱۳. انحراف در دین توحیدی سبب شده است تا به خداوند فرزندان نسبت داده شود و گفته شود خداوند توسط این فرزندان، کارهایش را سامان می‌دهد!! آنگاه هر کسی بزرگ دین خودش را فرزند خداوند می‌پندارد تا بگوید: «ما بر حقیق!» (یهودیان حضرت عزیر را و مسیحیان حضرت مسیح را فرزند خدا می‌دانند) و آن‌ها که به درستی کتاب‌های مقدس آسمانی را بخوانند می‌دانند که این بر خلاف آموزه‌های این کتاب‌ها است. خداوند، هستی را از نیستی به وجود آورد، آن زمان کسی نبود که بخواهد خداوند از او کمک بگیرد! (۱۱۶ - ۱۲۳)

۱۴. ابراهیم، پیامبر مشترک اهل کتاب، پس از آزمون‌های سخت به امامت و پیشوایی رسید و بعد هم عاجزانه از خداوند خواست که نسلش و امتش در مسیر توحید باشند. عین سفاقت است اگر کسی بخواهد بی رنج به جایی برسد و بدون توحید خود را در مسیر بداند. باید به خدایی ایمان داشت که انبیا می‌شناختند، آنگاه است که همه چیز رنگ خدایی می‌گیرد. همه‌ی انبیا یک رنگ هستند؛ برچسب یهودی و نصرانی به آن‌ها نمی‌چسبد. همه مسلمان بودند و تسلیم خداوند. (۱۲۴ - ۱۴۱)

۱۵. مسأله‌ی تغییر قبله مهم‌ترین مسأله‌ای بود که کفار، سفیهانه از آن برای تبلیغات مسموم خود بهره بردند. ولی در نهایت این مسلمین بودند که با راهنمایی‌های خداوند بصیرتشان عمق یافت و بر رسوایی کفار افزوده گشت. (۱۴۲ - ۱۵۲)
۱۶. بصیرت نسبت به مکر شیطان‌های انسی مثل یهود، به همراه قوی ساختن ارتباط معنوی با خداوند، سبب خواهند شد تا مرگ عزیزانی که در راه خداوند کشته شده‌اند زیبا جلوه نموده و آن‌ها زندگان همیشه تاریخ دانسته شوند. بالاخره دنیا محل بروز حوادث و مصائب است و بعد ارزیابی تحلیلی‌هایی است که انسان از این مشکلات می‌کند. (۱۵۳ - ۱۵۷)
۱۷. با همه‌ی شرکی که یهودیان به ادیان توحیدی وارد نمودند، نباید همه‌ی آیین‌های آن دین را منحرف دانست. سعی بین صفا و مروه از جمله این آیین‌ها است. این‌ها از آیین‌های خدایی هستند که از دین حنیف ابراهیمی مانده است. ای کاش اهل کتاب که بیش‌ترین اطلاع را از دین حنیف داشتند، حقایق این دین را کتمان نمی‌کردند ولی آن‌ها خود کافر به این حقایق شدند و با همین حال مردند و لعنت جاودانه‌ی خداوند و فرشتگان را برای خود خریدند. هرچند نشانه‌های توحید با کتمان اهل کتاب از بین نرفته بلکه در همه‌ی جهان هستی نمود دارد و دیگر عذری را برای دل بستن به خدایان دروغین باقی نمی‌گذارد و این گونه نیست که گمراهان بتوانند گمراهی خود را به پای بزرگان خودشان بیاندازند. (۱۵۸ - ۱۶۷)
۱۸. دین حنیف نه تنها به شرک آلوده شد که به انواع خرافات نیز مسموم گشت، حرام شدن بعضی از حلال‌های خداوند از آن جمله است. تنها سندی که برای این خرافات اقامه شده است، روش پیشینان است. و از طرفی آن‌ها هم که خبر از خرافه بودن این امور داشتند به خاطر طرد نشدن و از دست ندادن منافع مادی، لب از حقیقت می‌بستند و زمینه‌های هدایت را با گمراهی معاوضه می‌نمودند. (۱۶۸ - ۱۷۶)
۱۹. سرگرم شدن مردم به بحث‌های بی ثمر به‌ظاهر دینی مقدمه‌ای است برای باز ماندن از یادگیری مطالب دینی. به‌جای کش دادن بحث علت تغییر قبله باید احکام دین را آموخت، مثل احکام قصاص، وصیت، روزه، حرمت رشوه، زمان و میزان جهاد، آیین حج و عمره. (۱۷۷ - ۲۰۳)
۲۰. در میان همه‌ی دشمنان بشریت و دشمنان دین حنیف، منافقان خوش سخن متکبر، دشمن‌ترین هستند چه این که هر گونه فسادى به آن‌ها بر می‌گردد و در مقابل آن‌ها مخلصان جانباز قرار دارند. و مردمان دیگر بین این دو واقعند. از این مردمان خواسته می‌شود بایکدیگر مسالمت داشته و گام‌های تفرقه شیطان را تبعیت نکنند. هرچند تفرقه، سرنوشت محتومی است که همه‌ی امت‌های انبیا، برای خود رقم می‌زنند و در این میان بنی‌اسرائیل سرآمد این چنین مردمانی هستند. آن‌ها با هیچ معجزه‌ای هوشیار نمی‌شوند و به شدت زشتی‌هایشان را زینت بخشیده‌اند و لذا هر ابر رحمتی برای آن‌ها، فرشته مرگ و شومی است. مرگی که شومی آن دامن خوبانشان را هم می‌گیرد و آن‌ها تنها به دعای پیامبرشان از این مرگ رهایی می‌یابند. (۲۰۴ - ۲۱۴)

۲۱. زمانی یاری خداوند سراغ خوبان می‌آید که آن‌ها بذل مال و جان کنند و به احکام شریعت احترام گذارند. احکامی چون: پرهیز از شراب و قمار، رعایت ملاک‌های ازدواج شرعی، توجه به مسائل اختصاصی زنان، پرهیز از سوگندهای بی مورد، مهم دانستن محدودیت‌های طلاق و در آخر اقامه‌ی نماز در هر شرایطی. البته بذل مال و جان، معامله با خداوند است و الا مرگ سراغ هرکسی می‌آید و جان و مالی برای او باقی نمی‌گذارد. (۲۱۵ - ۲۴۵)

۲۲. آزمون بذل جان بسیار دشوار است و تنها با ادعا کار سامان می‌یابد؛ آنچنان که لشکر طالوت امتحان شدند و جز کمی، همه مردود گشتند. ولی چاره‌ای نیست جز انفاق مال و جان برای روزی که تنها انسان است و عمل خویش. (۲۴۶ - ۲۵۴)

۲۳. آیه‌ی الکرسی و دو آیه‌ی بعد از آن سبب شده است تا سوره‌ی بقره اهمیتی ویژه بیابد، زیرا این سه آیه، سازه اصلی دین را تشکیل می‌دهد. این سوره از ابتدای خود رابطه‌ی مؤمنان و کافران و منافقان را با همین سازه مورد بررسی قرار داده است. (۲۵۵ - ۲۵۷)

۲۴. خروج از ظلمت و وظیفه‌ای است که دین بر عهده دارد، و انبیا، راه برون رفت از این ظلمت را، هم خود دریافت داشته‌اند و هم به دیگران ارائه نموده‌اند تا همه‌ی قدرت خداوند را در دنیا و در زنده نمودن دوباره‌ی مردگان، باور کنند و در نتیجه از دنیا به عنوان مزرعه‌ی آخرت بهره بگیرند، نیازمندان را به درستی شناسایی نموده و انفاقی خالصانه و بی‌منت انجام دهند و در این مسیر هیچ از فقیر شدن نهراسند که این‌ها همه از القائنات شیطان است. (۲۵۸ - ۲۷۴)

۲۵. در فصل ۲۲ سخن از بذل جان بود و اما بذل مال: انفاق نقطه‌ی مقابل رباخواری است. و رباخواران، مست‌های پیاله‌ی شیطان هستند که بر طبل جنگ با خدا و رسول می‌کوبند. آن‌ها بدهکاران خود را به سختی در مضیقه می‌گذارند! (۲۷۵ - ۲۸۱)

۲۶. بذل مال به معنای تدبیر نداشتن در امور مالی نیست؛ لذا طولانی‌ترین آیه‌ی قرآن به همراه دو آیه‌ی بعد از آن، اختصاص دارد به موضوع ثبت اسناد مالی، موضوعی که اگر به درستی به آن اهمیت داده می‌شد اکثر اختلافات بین مردم به وجود نمی‌آمد. (۲۸۲ - ۲۸۴)

۲۷. سوره‌ی بقره، سوره‌ی تقابل مؤمنین و کفار و منافقین با یکدیگر در موضوع دین و دینداری بود. در این میان پیامبران بی هیچ تفاوتی بین آن‌ها، بیش‌ترین ایمان را به دین توحیدی دارند و مدام از خداوند می‌خواهند که توان محدود امت‌هایشان را بیش‌تر لحاظ کند و شریعت را بر آن‌ها ساده تر نماید تا انسان‌ها از پس آزمون‌های دنیا بهتر برآیند. (۲۸۵ - ۲۸۶)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

* از حضرت پرسیدند: کدام یک از سوره‌های قرآن از همه برتر است؟ فرمود: سوره‌ی بقره. عرض کردند کدام آیه از آیات سوره‌ی بقره افضل است؟ فرمود: آیه‌ی الکرسی.^{۴۰}

* از حضرت روایت شده است که رسول اکرم جمعیتی را به مکانی فرستاد. سپس خودش به دنبال آنان رفت و از یک یک آنان می‌پرسید که از قرآن چه مقدار و کدام سوره را حفظ داری تا به جوانی رسید که از همه سنّش کمتر بود. او در جواب این سؤال رسول اکرم قسمتی از قرآن و سوره‌ی بقره را نام برد که حفظ دارد. حضرت رو به جمعیت کرد و گفت: اکنون بروید و این جوان امیر بر شما است. گفتند: یا رسول الله! او از همه‌ی ما کم‌سن‌تر است. حضرت فرمود: آری، ولی سوره‌ی بقره را حفظ دارد.^{۴۱}

* هر کسی این سوره را بخواند، سلام و رحمت خدا بر او باد و به او اجر مرزبانان و فداکاران در راه خدا را می‌دهند.^{۴۲}

* ای ابیّ (بن کعب) به مسلمانان بگو که سوره‌ی بقره را یاد گیرند که فرا گرفتن آن برکت و ترک آن موجب حسرت است و ساحران توانایی آن را ندارند.^{۴۳}

* برای هر چیز قلّه‌ای است و قلّه‌ی قرآن سوره‌ی بقره است. در هر خانه‌ای که خوانده شود اگر در روز باشد تا سه روز شیطان وارد آن خانه نخواهد شد، و اگر در شب باشد تا سه شب از داخل شدن شیطان بدانجا در امانند.^{۴۴}

در اینجا لازم می‌دانیم که این حقیقت مهم را تکرار کنیم، که ثواب‌ها و فضیلت‌ها و پاداش‌های مهمّی که برای تلاوت قرآن یا سوره‌ها و آیات خاصی نقل شده، هرگز مفهومی این نیست که انسان آن‌ها را به صورت اوراد بخواند و تنها به گردش زبان قناعت کند، بلکه خواندن قرآن برای فهمیدن، و فهمیدن برای اندیشیدن، و اندیشیدن برای عمل است. اتفاقاً هر فضیلتی درباره‌ی سوره‌ای یا آیه‌ای ذکر شده، تناسب بسیار زیادی با محتوای آن سوره یا آیه دارد.

مثلاً در فضیلت سوره‌ی نور چنین می‌خوانیم که هر کس بر آن مداومت کند خداوند او و فرزندانش را از آلودگی به زنا حفظ می‌کند.

این به خاطر آن است که محتوای سوره‌ی نور دستورات مهمّی در زمینه‌ی مبارزه با انحرافات جنسی دارد: دستور به تسریع ازدواج افراد مجرد، دستور به حجاب، دستور به ترک چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود، دستور به ترک شایعه‌پراکنی و نسبت‌های ناروا، و بالاخره دستور به اجرای حدّ شرعی درباره زنان و مردان زناکار.

بدیهی است اگر محتوای این سوره در جامعه یا خانواده‌ای پیاده شود آلودگی به زنا نخواهد بود.

همچنین آیاتی از سوره‌ی بقره که در بالا اشاره شد و اتفاقاً همه در زمینه توحید و ایمان به غیب، و خدانشناسی و پرهیز از وسوسه‌های شیطانی است، اگر کسی بخواند و محتوای آن را در عمق جان پیاده کند، مسلماً آن فضائل را خواهد داشت.

کاربرد سوره

الف، ب، ج) امنیت مالی و جانی، رهایی از وسوسه، فراموش نمودن قرآن
پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

کسی که چهار آیه از آغاز سوره‌ی بقره و آیه‌ی الكرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیه از آخر
آن را بخواند، هرگز در جان و مال خود ناخوشایندی نخواهد دید، و شیطان به او نزدیک
نمی‌شود، و قرآن را فراموش نخواهد کرد.^{۴۵}

آل عمران (۳)

نام سوره

نام سوره از آیات ۳۳ و ۳۵ این سوره گرفته شده است. عمران پدر حضرت مریم است. و منظور از آل عمران، حضرت مریم و حضرت عیسی است. هرچند نام پدر حضرت موسی نیز عمران است ولی در این سوره از مصادیق دیگر آل عمران که حضرت موسی و هارون باشد نامی برده نشده است. این سوره و سوره‌ی بقره در روایات به «زهرآوین» توصیف شده است. زهره به معنای گل و شکوفه است. در گلستان سوره‌های قرآن این دو سوره مانند دو گل بزرگ می‌درخشند.

تعداد آیات

این سوره مشتمل بر ۲۰۰ آیه است: کوفیان «الم» را یک آیه شمرده و جمله‌ی «وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ» (۴) را یک آیه‌ی ذکر کرده‌اند، (وَالْإِنْجِيلِ) دوم آیه‌ی (۴۸) را نیز پایان یک آیه به حساب آورده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: چهار هزار و چهارصد و هشتاد.
تعداد حروف: چهارده هزار و پانصد و بیست و پنج.

محل نزول

این سوره مدنی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۸

سوره‌ی قبل: انفال

سوره‌ی بعد: قصص

تاریخ نزول آن در سال ۳ هجری بعد از جنگ احد است.

محتوای سوره

محورهای اصلی بحث‌های این سوره، به قرار زیر است:

- ۱- بخش مهمی از آن از توحید و صفات خداوند و معاد و معارف اسلامی بحث می‌کند.
- ۲- بخش دیگری پیرامون جهاد و دستورات مهم و ظریفی در این زمینه و همچنین درس‌های عبرتی که در دو غزوه‌ی مهم اسلامی (بدر و احد) بود سخن می‌گوید، و همچنین شرح امدادهای الهی نسبت به مؤمنان و حیات جاویدان شهیدان راه خدا.
- ۳- در قسمتی از این سوره، به یک سلسله احکام اسلامی در زمینه‌ی لزوم وحدت صفوف مسلمین و خانه‌ی کعبه و فریضه‌ی حج و امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری (دوستی با دوستان حق، و دشمنی با دشمنان حق) و مسأله‌ی امانت، انفاق در راه خدا، ترک دروغ، مقاومت و پایمردی در مقابل دشمن و صبر و شکیبایی در مقابل مشکلات و آزمایش‌های مختلف الهی و ذکر خداوند در هر حال، اشارات پرمعنایی شده است.
- ۴- برای تکمیل این بحث‌ها، بخشی از تاریخ انبیاء از جمله: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و سایر انبیاء (علیهم‌السلام) و داستان مریم و مقامات این زن بزرگ و توطئه‌های پیروان متمرّد حضرت موسی و حضرت مسیح در برابر اسلام نیز ذکر شده است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی قبل با این مطلب پایان یافت: «آنانی که به کتاب ایمان دارند از خداوند می‌خواهند که بار تکلیفشان را ساده بگیرد» در این سوره نیز از قول اولوا الألباب و ایمان‌آوردندگان به آیات الهی این دعا را آورده است که: «خدایا ما را بعد از آن که هدایت نمودی قلب‌هایمان را زنگار نده!»

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۹ بخش است:

۱. برخورد کافرین و اولوا الألباب با قرآن: (۱ - ۱۳)
۲. مردم و شهبوات: (۱۴ - ۱۷)
۳. یگانگی خداوند و یکتایی دین: (۱۸ - ۳۲)

۴. حضرت مریم و حضرت زکریا: (۳۳ - ۴۴)
۵. حضرت عیسی: (۴۵ - ۶۳)
۶. دعوت اهل کتاب به وحدت: (۶۴ - ۶۸)
۷. شبهه افکنی های یهود (۱): (۶۹ - ۸۰)
۸. پیمان مقدس برای اطاعت از انبیا: (۸۱ - ۹۲)
۹. شبهه افکنی های یهود (۲): (۹۳ - ۹۷)
۱۰. توبیخ اهل کتاب و منافقان: (۹۸ - ۱۰۱)
۱۱. دعوت مسلمانان به وحدت: (۱۰۲ - ۱۰۹)
۱۲. تفاوت اهل کتاب در ایمان (۱): (۱۱۰ - ۱۱۷)
۱۳. ارتباط نامشروع با کفار: (۱۱۸ - ۱۲۰)
۱۴. جنگ احد (۱): (۱۲۱ - ۱۲۹)
۱۵. حکم فقهی (حرمت ربا): (۱۳۰ - ۱۳۸)
۱۶. جنگ احد (۲): (۱۳۹ - ۱۶۵)
۱۷. منافقین و شهیدان: (۱۶۶ - ۱۸۰)
۱۸. شبهه افکنی های یهود (۳): (۱۸۰ - ۱۹۰)
۱۹. دغدغه های اولوا الالباب: (۱۹۰ - ۲۰۰)

ارتباط آیات

۱. کتاب های آسمانی همه یکدیگر را تأیید و تصدیق می کنند زیرا این کتاب ها نوشته ی خداوندی است که هیچ چیز از او مخفی نبوده و بر همه ی امور مخفی اشراف دارد. هر چند ممکن است آیاتی در این کتاب ها باشد که ظاهرش در تعارض با دیگر آیات باشد ولی قلب هایی که زنگار نگرفته باشد می تواند با تدبّر این تعارض ظاهری را حل نماید. اصولا ایمان نداشتن به مبدا و معاد سبب می شود تا انسان در پی تکذیب آیات الهی و خورده گرفتن بر آن باشد، زیرا مفاد نهایی همه ی آیات، توجّه دادن انسان به مبدا و معاد است. (۱ - ۱۲)
۲. موضوع ایمان به مبدا و معاد باعث شده است تا در طول تاریخ دو دسته از انسان ها در تقابل با یکدیگر باشند، گروهی مؤیّد به نصر الهی و گروهی دیگر فرورفته در انواع شهوت ها. این تقابل در بسیاری از موضوعات فکری و رفتاری است. (۱۳ - ۱۸)
۳. دین اسلام با محتوای غنی خود به همه ی اختلافات فوق پایان داده و مرز دقیق بین کفر و ایمان را مشخص ساخته است. البته همه ی ادیان در زمان خودشان این مرز را تعیین نموده اند و کافران بعد از آگاهی از حقیقت، به جان انبیا و پیروان راستین آن ها افتادند و بعد خودشان دین سازی نموده و دوزخ را محلی برای غیر خود و هم کیشان شان دانستند. این همه، به خاطر این است که بعضی از انسان ها به خیال واهی، خود را مملوک خداوند نمی دانند، خدایی که همه ی پدیده های جهان هستی به دست اوست. البته بعضی دیگر در عین این که

خود را مملوک خداوند می‌دانند، ولی به خاطر ضعف ایمانشان، منافقانه تکیه به قدرت پوشالی کافران می‌زنند و با غفلت از روز واپسین، و به علت کمی محبتشان به اولیای دین، بیش‌تر از همین کفار تبعیت می‌کنند تا از پیامبرشان. (۱۹ - ۳۲)

۴. در انبوه کفر کافران و دین‌سازی منافقان، همیشه انسان‌های ارزشمندی وجود داشته‌اند که چراغی فراسوی انسان‌های جویای حقیقت بوده‌اند. حضرت مریم، مادر و فرزند ایشان و همچنین زکریا سرپرست مریم و بعد یحیی فرزند زکریا آیات الهی بودند که عبرت آموزترین قصه‌ها را به خود اختصاص دادند. و سبب شدند تا حجت نه تنها بر مردمان عصر خود که بر همه‌ی آن‌ها که قصه‌هایشان را دانستند نیز تمام شود. این قصه‌ها ملاک‌هایی را به دست می‌دهد تا بتوان به کمک آن‌ها مدعیان دینداری و مفسدان حقیقی را بازشناخت. این شناخت آن قدر مستحکم است که با اطمینان می‌توان با اینان مباحله نمود و نفرین خداوند را برای منکرین حقیقت خواستار شد. (۳۳ - ۶۳)

۵. اهل کتاب برای راه نیافتن انسان‌ها به اسلام به راه‌های مختلفی می‌اندیشیدند:
الف) ابراهیم را تابع دین خود معرفی می‌نمودند و حال آن که حضرت قبل از تورات و انجیل می‌زیسته است. و از طرفی تابع هر پیامبری کسی است که تابع اهداف او باشد.
ب) آن‌ها به ظاهر وارد اسلام می‌شدند و بعد مرتد می‌گشتند و می‌گفتند: ما تحقیق کردیم ولی چیزی نیافتیم!

ج) می‌گفتند اصلاً انبیا همه از بنی‌اسرائیل بودند چرا پیامبر اسلام از این قوم نیست؟!
د) امنیت مالی تنها باید مربوط به اهل کتاب باشد و اموال دیگران احترام ندارد. البته بعضی از اهل کتاب این اعتقاد را نداشتند.

ه) قسمتی از تورات و انجیل را که نشانه‌های پیامبر اسلام در آن آمده بود مورد تحریف قرار دادند.

و) به جای بت‌های سنگی و چوبی، ملائکه و انبیا را به عنوان شریکان خداوند معرفی نموده و جایگزین نمودند.

ز) پیامبر اسلام را در تقابل با انبیای پیشین معرفی می‌کردند و می‌گفتند بعضی غذاها (مثل گوشت و شیر شتر) در ادیان پیشین حرام بوده و یا بیت‌المقدس قبله‌ی همه‌ی ادیان بوده ولی این پیامبر به این آیین معتقد نیست! (مورد اخیر در آیات بعد مورد بررسی قرار گرفته است) (۶۴ - ۸۵)

۶. خداوند اهل کتاب را مؤمنین کافر شده و هدایت یافته‌گان گمراه گشته می‌داند و آن‌ها را دوزخیانی می‌شمارد که اگر برای رهایی خود، کره‌ی زمین پر از طلا را هم فدیة دهند از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود. آن‌ها باید در همین دنیا توبه کنند و در پی اصلاح مفساد خود باشند و چشم از زر و زیور دنیا ببوشند تا به اصل بر و نیکی برسند. (۸۶ - ۹۲)

۷. یهودیان خود را پیرو حضرت ابراهیم می‌دانند و می‌گویند در آیین ابراهیم بعضی از غذاها حرام بوده است و ما هم آن‌ها را حرام می‌دانیم خداوند در پاسخ به آن‌ها می‌فرماید: اولاً:

اسرائیل (یعقوب) به خاطر مصلحتی (مریضی که داشته است) بعضی از غذاها را تنها برای خودش حرام کرده بود و این مدتی بسیار قبل تر از نزول تورات بر موسی بود. و ثانیاً: اگر شما پیرو ابراهیم هستید، ابراهیم خانه خدا را ساخت و آیین حج را ابلاغ نمود شما چرا این آیین را به جا نمی آورید. آیا فقط ممنوعیت شیر شتر جزو آیین ابراهیم بوده و آیین حج با آن عظمت جزو آیین او نبوده است؟! چرا آیات الهی را تکذیب می کنید؟! چرا در پی سنگ اندازی در مسیر هدایت هستید؟! (۹۳ - ۹۹)

۸. مسلمانان بدانند که همه‌ی هدف کفّار از اهل کتاب، ایجاد شبهه‌های دینی و تفرقه‌های مذهبی و در آخر ارتداد مسلمانان از دین اسلام است لذا باید:

الف) به جدّ تقوای الهی را حفظ نمایند.

ب) از هرگونه پیروی از نقشه شوم کفّار بپرهیزند.

ج) به ریسمان الهی (اهل البیت «علیهم‌السلام») چنگ زنند.

د) تشکیلاتی برای دعوت مداوم به خیر و امر به معروف و نهی از منکر تأسیس کنند.

ه) با عملیات جهادی، کفّار را در رعب و ذلت محصور سازند.

پایندی مسلمانان به اصول رفتاری فوق، آن‌ها را از آنچه پیشینیان را دچار پراکندگی نمود بازداشته و روز قیامت روسفید محشور خواهند شد. (۱۰۰ - ۱۱۲)

۹. اهل کتاب دو دسته هستند: بعضی آمادگی کامل برای هدایت دارند زیرا قبل از شناخت اسلام، به ارزش‌های الهی پایبند بودند و بعضی دیگر در نهایت خباثت هستند، آن‌ها برای گمراهی انسان‌ها بیش‌ترین هزینه‌ها را می‌کنند، هر چند با این کار خود را هلاک می‌سازند. آن‌ها به شدت از اسلام خشمگین هستند و تنها بدی مسلمانان را می‌خواهند لذا باید از ارتباط صمیمی با این گروه مدام هراسان بود. (۱۱۳ - ۱۲۰)

۱۰. نه تنها نباید با کفّار ارتباط صمیمی برقرار نمود که باید با آن‌ها ستیز کرد آنچنان که بدریان این چنین کردند و خداوند نیز آن‌ها را در مقابل کفّاری که چندین برابر مسلمین بودند و تجهیزاتی بسیار بیش‌تر داشتند پیروز نمود. خداوند به همین مناسبت از آیه‌ی ۱۲۱ تا آیه‌ی ۱۶۵ به قصّه‌ی جنگ احد می‌پردازد. البته در این بین از آیه‌ی ۱۳۰ تا آیه‌ی ۱۳۸ مسأله‌ی ربا را مطرح می‌سازد. آیات حرمت ربا، فاصله‌ای مطلوب بین یک قصّه‌ی بلند است و فضای آیات را عوض می‌نماید. قرآن در این فضای متفاوت، مسأله‌ی ربا را مطرح ساخته و انفاق را در کنار چهار صفت دیگر متقین، مورد تأکید قرار می‌دهد و بعد دوباره به قصّه‌ی جنگ احد برگشته و به درس‌های تربیتی آن می‌پردازد. (۱۲۱ - ۱۶۵)

۱۱. یکی از ثمرات مهمّ جنگ، شناخت منافقین است. منافقین هم خود از جهاد باز می‌مانند و هم دیگران را از جنگ باز می‌دارند و بعد از جنگ نیز با طعن بر شهیدان، بذریأس و ناامیدی را در دل‌ها می‌کارند و لذا خداوند در جلوگیری از توطئه‌ی منافقین از آیه‌ی ۱۶۹ تا آیه‌ی ۱۷۵ به تمجید شهیدان می‌پردازد. شهیدان رزقشان «عند رب» است و شادمان از این همه رحمت خداوند، بدون هیچ ترس و اندوهی. آن‌ها مؤمنینی هستند که دعوت خدا و رسول

را لبیک گفتند و در مقابل کفار هیچ به خود ترس راه ندادند. بلکه تهدیدهای دشمنان، بیش تر بر ایمانشان افزود و سبب شد آن‌ها در پی جلب رضایت پروردگارشان از جانشان بگذرند. آن‌ها دوستان شیطان نبودند که شیطان بتواند بر آن‌ها تسلط داشته و به هراسشان وادارد. در مقابل شهیدان، منافقین قرار داشتند؛ همان‌ها که مهم‌ترین دلیل اندوه پیامبر بودند؛ زیرا همیشه در تخصص با اصول ایمان و همراه با اصول کفر بودند و البته در اهداف خود موفق نبوده و بیش تر خباثت خود را عیان می‌ساختند. (۱۶۶ - ۱۸۰)

۱۲. هر یک از منافقین و کفار به نوعی مسلمانان را مورد هجمه‌ی تشکیک‌های اعتقادی قرار می‌دهند. یهودیان مال پرست بخیل، برای توجیه بخل خود، می‌گفتند: «اگر قرار باشد ما به نیازمندان انفاق کنیم این دلیل بر آن است که ما ثروتمند هستیم و خداوند فقیر است!» خداوند به آن‌ها پاسخ می‌دهد که اولاً: شما کشتن انبیا بنی‌اسرائیل را چگونه توضیح می‌دهید؟! شما مدام انبیا را تکذیب می‌کردید. ثانیاً: آنچه شما دارید از خداوندی است که مالک زمین و آسمان است. شما از مال خداوند انفاق نموده و یا در مال او بخل می‌ورزید. بالاخره مرگ خواهد آمد و آن‌ها که در آزمون‌های دنیا و بذل‌های جانی و مالی صبورانه عمل کردند به همه‌ی پاداش خود خواهند رسید. ولی آن‌ها لاف «کتابی» بودن را زدند و کاری برای رهایی از دوزخ انجام ندادند، از عذاب نجات نخواهند یافت. (۱۸۱ - ۱۹۰)

۱۳. طرف مقابل منافقین و کفار، صاحبان مغز و اندیشه وجود دارند که مدهوش عظمت آفرینش و در همه حال در پی تحقق هدف خلقت هستند. آن‌ها نمی‌خواهند خواری دوزخ را بچشند و ستمگرانی بی‌یاور در قیامت باشند و خداوند به آن‌ها به خاطر اذیت‌هایی که برای دینداری خود کشیده‌اند، اجرهای زیادی خواهد داد. اینان هرچند اندک هستند و در جوامع انسانی کمتر نمود دارند و بیش‌ترین نمود و هیاهو از آن کافران و منافقان است، ولی در نهایت، عاقبت از آن ابرار و خوبان خواهد بود. البته بعضی از اهل کتاب نیز به زمره‌ی مؤمنین در خواهند آمد و به خاطر بهایی اندک، از اعتراف به «حقیقت‌هایی که دریافته‌اند» باز نخواهند ایستاد.

مهم آن است که مؤمنین مدام در مقابل حوادث صبور باشند و در مقابل دشمنان استقامت داشته باشند و از مرزهای خاکی و اعتقادی محافظت کنند و تقوای الهی را سرلوحه‌ی برنامه‌هایشان قرار دهند تا بتوانند همچنان فلاح و سعادت خود را حفظ کنند. (۱۹۱ - ۲۰۰)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

* سوره‌ی بقره و سوره‌ی آل عمران را یاد بگیرید زیرا آن‌ها دو نور هستند و در روز قیامت برای کسی که آن‌ها را بداند مانند دو ابر یا دو پرده یا دو صف از پرندگان بر او سایه می‌اندازند.^{۴۶}

* هر کس سوره‌ی آل عمران را بخواند به تعداد آیات آن، امانی بر پل دوزخ به او می‌دهند.^{۴۷}

* هر که سوره‌ی آل عمران را در روز جمعه بخواند تا وقتی که خورشید غروب کند خدا و فرشتگان برای او درود می‌فرستند.^{۴۸}

امام صادق (علیه السلام):

کسی که سوره‌ی بقره و آل عمران را بخواند، در روز قیامت همچون دو ابر بر سر او سایه می‌افکنند.^{۴۹}

کاربرد سوره

الف، ب) باردار شدن زن، حل شدن مشکلات اقتصادی

امام صادق (علیه السلام):

چنانچه سوره‌ی آل عمران را با زعفران بنویسند و با زنی که دوست دارد باردار شود همراه سازند، آن زن به اذن خداوند باردار خواهد شد و اگر با کسی که مشکلی دارد همراه سازند خداوند مشکل او را حل نموده و به او رزق خواهد داد.^{۵۰}

ج) میوه‌دار شدن درخت

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم):

این سوره را اگر با زعفران بنویسند و... بر درختی که بار نمی‌دهد بند کنند، بار می‌دهد.^{۵۱}

نساء (۴)

نام سوره

نام سوره از محتوای سوره گرفته شده است. ۳۳ آیه از ۱۷۶ آیهی این سوره به زنان اختصاص داده شده است.

نساء اسم جمع است و از لفظ خود مفرد ندارد.

نام‌های امان، کنز، مجادله و استغفار نیز که برای این سوره در تفسیر آلوسی آمده، در واقع برگرفته از توصیفات است که برای این سوره شده است.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره بنا بر عدد شامی ۱۷۷ و بنا بر عدد کوفی ۱۷۶ و بنا بر عدد دیگران ۱۷۵ است:

آیهی «أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ» (۴۴) را کوفی و شامی یک آیه به حساب آورده است. آیهی «فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (۱۷۳) تنها بنا بر عدد شامی یک آیه است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: سه هزار و پانصد و چهل.

تعداد حروف: شانزده هزار و پانصد و سی.

محل نزول

این سوره مدنی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده است مکی است:

۱- آیه ۵۸ (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا) دلیل مکی بودن شأن نزولی است که نقل شده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در جریان فتح مکه از طرف خداوند مأمور شد تا کلید کعبه را به عثمان بن طلحه بدهد زیرا در ابتدا ورود به مکه نیز از او کلید را گرفته بود و حال پیامبر می‌خواست این کلید را به عباس عموی خود تحویل بدهد.

پاسخ: اولاً: بنابر اصطلاح مشهور، هر آیه‌ای که بعد از هجرت نازل شود هر چند در غیر مدینه نیز نازل شود، مدنی محسوب می‌گردد. ثانیاً: این شأن نزول با مفاد آیه نمی‌سازد زیرا مگر عثمان کلید مکه را به رسم امانت به پیامبر داده بود که بعد گفته شود پیامبر نمی‌خواسته امانت را بر گرداند!! آن وقت خداوند او را از این کار باز داشته است!!

۲- آیه ۱۷۶ (و يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ) این آیه در مکه در زمان فتح این شهر نازل شده است.

پاسخ: همچنان که قبلاً ذکر شد ملاک مکی و مدنی بودن آیات، قبل و بعد از هجرت بودن نزول آن‌هاست نه مکان نزول.^{۵۲}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۹۳

سوره‌ی قبل: ممتحنه

سوره‌ی بعد: زلزال

تاریخ نزول آن ما بین صلح حدیبیه و جنگ تبوک است.

محتوای سوره

به طور کلی بحث‌های مختلفی که در این سوره می‌خوانیم عبارتند از:

- ۱- دعوت به ایمان و عدالت و قطع رابطه‌ی دوستانه با دشمنان سرسخت.
- ۲- قسمتی از سرگذشت پیشینیان برای آشنایی هر چه بیشتر به سرنوشت جامعه‌های ناسالم.
- ۳- حمایت از کسانی که نیازمند کمک هستند مانند یتیمان، و دستوره‌ای لازم برای نگاهداری و مراقبت از حقوق آن‌ها.
- ۴- قانون ارث بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه در برابر شکل بسیار زنده‌ای که در آن زمان داشت و به بهانه‌های مختلفی افراد ضعیف را محروم می‌ساختند.
- ۵- قوانین مربوط به ازدواج و برنامه‌هایی برای حفظ عفت عمومی.
- ۶- قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی.
- ۷- کنترل و نگاهداری و بهسازی نخستین واحد اجتماع یعنی محیط خانواده.
- ۸- حقوق و وظایف متقابل افراد جامعه در برابر یکدیگر.
- ۹- معرفی دشمنان جامعه اسلامی و بیدارباش به مسلمانان در برابر آن‌ها.

- ۱۰- حکومت اسلامی و لزوم اطاعت از رهبرِ چنین حکومتی.
- ۱۱- تشویق مسلمانان به مبارزه با دشمنان شناخته شده.
- ۱۲- معرفی دشمنانی که احیانا فعالیت‌های زیرزمینی داشتند.
- ۱۳- اهمیتِ هجرت و لزوم آن به هنگام روبه‌رو شدن با یک جامعه‌ی فاسد و غیر قابل نفوذ.

ارتباط با سوره‌ی قیل

خداوند سوره‌ی آل‌عمران را با امر به تقوا ختم کرد و این سوره را هم با امر به تقوا آغاز نمود. با این تفاوت، که در آنجا فقط مؤمنان را مخاطب ساخت و در اینجا همه‌ی مردم را.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۲۵ بخش است:
۱. رعایت حقوق زنان و ایتم: (۱ - ۱۰)
 ۲. حکم فقهی (۱) (تقسیم ارث (۱)، زنا): (۱۱ - ۱۸)
 ۳. حقوق خانواده (۱): (۱۹ - ۲۸)
 ۴. قانون کسب: (۲۹ - ۳۱)
 ۵. حقوق خانواده (۲): (۳۲ - ۳۵)
 ۶. انفاق: (۳۶ - ۴۲)
 ۷. حکم فقهی (۲) (نماز و تیمم): (۴۳)
 ۸. گمراه‌گران اهل کتاب: (۴۴ - ۵۷)
 ۹. اطاعت از رهبری: (۵۸ - ۷۰)
 ۱۰. جهاد (۱): (۷۱ - ۷۶)
 ۱۱. منافقین (۱): (۷۷ - ۹۱)
 ۱۲. حکم فقهی (۳) (قتل): (۹۲ - ۹۴)
 ۱۳. جهاد (۲): (۹۵ - ۱۰۰)
 ۱۴. حکم فقهی (۴) (نماز مسافر و نماز خوف): (۱۰۱ - ۱۰۴)
 ۱۵. عدالت در قضاوت (حادثه ابی‌أبیرق): (۱۰۵ - ۱۱۵)
 ۱۶. شرک و شیطان: (۱۱۶ - ۱۲۲)
 ۱۷. ادعای برتری اهل ادیان: (۱۲۳ - ۱۲۶)
 ۱۸. حقوق خانواده (۳): (۱۲۷ - ۱۳۵)
 ۱۹. منافقین (۲): (۱۳۶ - ۱۴۹)
 ۲۰. فرق‌گذاری کفار بین انبیا (۱): (۱۵۰ - ۱۵۲)
 ۲۱. جرائم یهود: (۱۵۳ - ۱۶۲)

۲۲. فرق گذاری کفار بین انبیا (۲): (۱۶۳ - ۱۶۶)

۲۳. گمراه‌گران کافر: (۱۶۷ - ۱۷۰)

۲۴. غُلُو در دین: (۱۷۱ - ۱۷۵)

۲۵. حکم فقهی (۵) (تقسیم ارث (۲): (۱۷۶)

ارتباط آیات

۱. پاسداری از روابط خانوادگی و به دنبال آن رسیدگی همه جانبه به وضعیت ایتم و پرداختن مهریه زنان و تن دادن به قانون ارث، برخورد قانونمند با زشتکاری همسران، رعایت قانون ازدواج، هزینه کردن مال حلال برای تأمین معیشت خانواده و رجوع به ریش سفیدان فامیل برای حل اختلافات خانوادگی، همه مصداق بارز رعایت تقوای الهی در مسائل خانوادگی است. حفظ استحکام خانواده باید در کنار رسیدگی به دیگر طبقات محروم جامعه باشد. این‌ها همه، در کنار عبادات صوری - مثل نماز - ، فرمانین الهی هستند که مرز بین ایمان و کفر را مشخص می‌کنند و پیامبران در روز قیامت، گواهی خواهند داد که امت‌هایشان چگونه با این فرامین برخورد نمودند. (۱ - ۴۳)

۲. (پیامبران گواهی خواهند داد که) اهل کتاب، فرامین الهی را که باعث هدایتشان بود با گمراهی معاوضه نمودند، این فرامین را تحریف نمودند و به همین خاطر مسخ شدند و ممسوخ ماندند. ای مؤمنین! هوشیار باشید که سرنوشتی این چنین پیدا نکنید. دینداران اگر فکر کنند می‌توانند خود را منسوب به خداوند کنند و این چنین خود را بستانند و فکر کنند خداوند نیز از آن‌ها راضی است بدون این که در اعتقاد و عمل هماهنگ با رضایت خداوند باشند، اینان به خداوند دروغ بسته‌اند و در نتیجه گناه آشکاری را مرتکب شده‌اند. (۴۴ - ۵۲)

۳. یهودیان با توجه نکردن به فرامین الهی آنچنان پست شدند که مجبور شدند برای خوشامد مشرکان، بت‌های آن‌ها را بهتر از دین تازه (اسلام) معرفی کنند! این قضاوت را زمانی انجام دادند که هیچ جایگاهی نزد مردم جزیره العرب نداشتند و الا اگر جایگاهی می‌داشتند نه بت بت پرستان را تحسین می‌کردند و نه اسلام مسلمین را، آن‌ها بر اساس حسادت می‌دارند همه چیز را برای خودشان می‌خواهند.

آن‌ها که اینک این جایگاه پست را دارند قبلاً بیش‌تر پیامبران را در میان خود داشتند. بعضی از آن‌ها، نعمت کتاب و حکمت را پاس داشتند و در نهایت بهشت را صاحب شدند و بسیاری دیگر، آیات الهی را کافر گشتند لذا دوزخ سوزان را انتظار می‌کشند. ای کاش یهود، امانت الهی را که همان اعتراف به رسالت پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود به مردمانشان تحویل داده و تفهیم می‌کردند و به درستی در این باره تصمیم می‌گرفتند. ای کاش آن‌ها این موعظه‌ی بلیغ را به گوش جان می‌خریدند! (۵۳ - ۵۸)

۴. یکی از یهودیان مدینه با یکی از مسلمانان منافق، اختلافی داشت، بنا گذاشتند یک نفر را به عنوان داور در میان خود انتخاب کنند، مرد یهودی چون به عدالت پیامبر اسلام

اطمینان داشت گفت: «من به داوری پیامبر شما راضیم» ولی مرد منافق یکی از بزرگان یهود بنام «کعب بن اشرف» را انتخاب کرد، زیرا می‌دانست که می‌تواند با هدیه نظر او را به سوی خود جلب کند، و به این ترتیب با داوری پیامبر اسلام مخالفت کرد.

منافقین مردمانی مریض هستند که می‌خواهند هم از کفار بهره ببرند و هم از مسلمانان، وقتی به آن‌ها گفته می‌شود: «رو به خدا و رسول بیاورید!» بسیار مقاومت می‌کنند و زمانی که دچار گرفتاری می‌شوند که به دست پیامبر حل می‌شود، اقدامات زشت خود توجیه نموده و آن را تنها از سر خیرخواهی اعلام می‌کنند. با اینان باید چه کرد؟ باید باز از آنان بیعت گرفت و با آن‌ها مدارا نمود.

متأسفانه بسیاری، از اطاعت رسول و رهبران دینی سر باز می‌زنند؛ خصوصاً اگر حکم پیامبر سخت باشد. ولی اگر بر اطاعت رسول صبر کنند، خداوند آن‌ها را در زمره‌ی خوبان عالم قرار خواهد داد. (۷۰ - ۵۹)

۵. اطاعت از رسول در موضوع جهاد مهم‌ترین وظیفه‌ی مؤمنین است. مؤمنین واقعی چون جهادشان برای خداوند است از مصیبت‌های جهاد استقبال می‌کنند. آن‌ها زندگی دنیا را با آرامش آخرت عوض می‌کنند. ولی در طرف مقابل، منافقین قرار دارند که در وقت صلح، مصرانه به دنبال جهاد هستند ولی وقتی زمان جنگ فرا می‌رسد به سختی ترس بر آن‌ها مستولی می‌شود و با تحلیل نادرست از مصائبی که جنگ به همراه می‌آورد کاهلی خود را نسبت به جهاد توجیه می‌کنند. و با شایعه پراکنی موجب تضعیف نیروهای خودی می‌شوند. به راستی قرآن، ترسیم هماهنگی را از چهره‌ی مؤمنین و منافقین و کفار عرضه می‌کند. اگر قرآن از نزد غیر خداوند می‌آمد در این ترسیم و همچنین در دیگر معارفی که ارائه می‌داد دچار تناقض می‌شد. (۷۱ - ۸۵)

۶. در تقابل با توطئه‌ی منافقین، پیامبر خود باید پیشگام جهاد باشد و آن‌وقت مؤمنین را برای این کار مقدس تهییج نماید و آن‌وقت است که از «زمینه سازی‌های کارهای نیک برای دیگران» خود نیز بهره می‌برد. البته جهاد تا زمانی است که دشمن به دشمنی خود ادامه دهد و اما اگر از در صلح وارد شد باید او را با آغوشی باز پذیرفت. بالاخره زمانی خواهد رسید که دوست و دشمن و منافق همه در یک جا جمع شوند و به اعمالشان رسیدگی شود. (۸۶ - ۸۸)

۷. منافقین برای منافع دنیوی خود اسلام آورده‌اند و هیچگاه برای حفظ دین خود هزینه نمی‌کنند، مثلاً از محیط‌های کفر هجرت نمی‌نمایند. با اینان باید برخوردی محتاط داشت. از طرفی نباید آن‌ها را با آغوش باز پذیرفت و از طرفی تا خصومت خود را علنی نکردند نباید با آن‌ها جنگید. اصولاً جنگیدن و کشتن کاری است که باید با آن محتاطانه برخورد نمود. اگر طرف مقابل، مؤمن است و یا اهل صلح و سازش است نباید دست به خون او آلوده نمود. (۸۹ - ۹۴)

۸. جهاد و هجرت تضمین کننده‌ی حیات دینی خود و دیگران است، بر این اساس هیچ کس نمی‌تواند برای بی دین شدن خود، عذر بیاورد که: «محیطی کفر آلود داشته است!» (۹۵ - ۱۰۰)

۹. در مسیر جهاد نباید از نماز غافل شد بلکه باید آن را به صورتی محتاطانه انجام داد. نماز سبب می‌شود تا در مقابل دشمن همیشه روحیه‌ی تهاجم و مبارزه حفظ شود. (۱۰۱ - ۱۰۴)

۱۰. قرآن کتابی است که زمینه‌ی قضاوت درست را در همه‌ی مسائل - و از آن جمله مسائل مربوط به جهاد و هجرت - به درستی آماده می‌سازد و به خائنین هیچ فرصتی نداده و عذری را برای آن‌ها باقی نمی‌گذارد و اجازه نمی‌دهد هیچ مسلمانی، حقی به خائنین دهد و اگر این اتفاق هم افتاد سریع باید از گناه خود استغفار نماید. زیرا خائنین، خودشان نیز به خود، حق نمی‌دهند لذا همیشه از رسوا شدنشان شرم دارند هر چند از خداوندی که همه چیز آن‌ها را می‌داند شرم نمی‌کنند! هیچ انسانی حق ندارد با فرافکنی از زیر بار مسئولیت کارهای خود شانه خالی کند. و حتی گمراه شدنش را نباید به پای گمراه‌کنندگان بگذارد. خائنین به امت اسلامی همان منافقانی هستند که در شب، نجوای خائنه انجام می‌دهند و در روز به مخالفت با پیامبر می‌پردازند و در آخر راهی به غیر از راه مسلمین را طی نمایند. (۱۰۱ - ۱۱۵)

۱۱. سخن از نفاق و سخن از شرک و کفر، پهلوی به پهلوی در قرآن پیش می‌رود و از هم جدایی ندارد. شیطان، انسان‌ها را با واداشتنشان به شرک، گمراه نموده، آزمند کرده و به خرافات می‌کشاند و تنها کسانی از تیرس او در امانند که پس از ایمان آوردن و قبول نمودن عقائد درست، اعمال صالح انجام دهند. زیرا عین خیال بافی است اگر کسی فکر کند به صرف عنوان مسلمانی و یا دیگر عناوین و بعد انجام هر عمل زشتی، می‌تواند از مجازات الهی رهایی یابد. بر این اساس خلوص و احسان و تبعیت از دین حنیف ابراهیمی تنها راه نجات است. (۱۱۶ - ۱۲۶)

۱۲. سوره‌ی نساء از مباحث خانوادگی شروع و به بحث نفاق و شرک کشیده شد و مناسب است که دوباره به اصل بحث برگشت داده شود. رسیدگی به وضعیت دختران یتیم و بیان قانون طلاق خلع، شرط عدالت در موضوع چند همسری و مسأله‌ی طلاق، از جمله مسائل خانوادگی است که مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. مسأله‌ی طلاق را خداوند این گونه بررسی می‌کند که همیشه صلح بهتر از نزاع و جدایی است ولی اگر راهی جز طلاق نبود، خداوند تبعات منفی آن را سامان خواهد بخشید. (۱۲۷ - ۱۳۳)

۱۳. مسلمانان صدر اسلام توسط خداوند تهدید شدند که اگر به احکام نورانی اسلام - که قسمت خانوادگی آن بیش‌تر در سوره‌ی نساء تبیین شده است - توجه نکنند افتخار «صدر بودن» از آن‌ها گرفته شده و جامعه‌ی دیگری مفتخر به «اسلام ناب محمدی» می‌شوند (چنانکه ایرانیان این افتخار نصیبشان شد و مردم حجاز، مرتع و چراگاه کفار و منافقین گشتند). رمز ماندگاری افتخارات جامعه اسلامی به این است که همیشه به دنبال اجرای عدالت

اجتماعی باشد و با استحکام بخشیدن به ایمان، خود را از کفر و ارتداد و نفاق حفظ نماید، هیچ‌گونه سلطه‌ی کفار را نپذیرفته و از ورود به انواع محیط‌های کفر آلود اجتناب ورزد، و به‌خصوص مواظب تأثیر پذیری از سخنان فریبکارانه منافقین مُدَبِّذ باشد، زیرا آن‌ها در پایین‌ترین جای دوزخ قرار دارند (و تلاش دارند تا دیگران نیز به همان جا بکشانند). البته برای منافقین راه توبه باز است آن‌ها می‌توانند با اعمال صالح، مفسد خود را تطهیر نمایند. (۱۳۴ - ۱۴۶)

۱۴. بدگویی زیاد از کفار و منافقین ممکن است تعادل اخلاقی جامعه را به هم زند، لذا در دو آیه‌ی ۱۴۷ و ۱۴۸ این مسأله‌ی اخلاقی را تذکر می‌دهد که: بدگویی کردن محبوب خداوند نیست و بیان خوبی‌های دیگران به صورت مخفیانه و یا علنی و بخشیدن بدی‌های آن‌ها خواسته خداوند است مگر این که به شخصی ستم شده باشد و بخواهد نزد قاضی از شخصی شکایت برد، آن وقت چاره‌ای ندارد جز آن که بدی او را بگوید (البته تنها بدی که مورد دادخواه اوست). (۱۴۷ و ۱۴۸)

۱۵. بازگشت دوباره به بحث اهل کتاب: کفار از اهل کتاب از طرفی خود را مؤمن به خداوند معرفی می‌کنند و از طرفی در ایمان به پیامبران دست به گزینش می‌زنند! در این میان یهودیان، بیش‌تر شاخص در کفر هستند زیرا آن‌ها:

(الف) از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌خواستند که قرآن را همان‌گونه به صورت «لوح نوشته» بر حضرت موسی به یکباره نازل شد، بر آن‌ها نیز نازل شود و حال آن که آن‌ها با وجود نزول یکباره‌ی تورات، گوساله پرستی را ترجیح دادند.

(ب) آن‌ها پیمان‌های خداوند را که به غلظت از آنان گرفته شده بود نقض نمودند.

(ج) فرمان خداوند را برای نگرفتن ماهی روز شنبه جدی نگرفتند.

(د) آن‌ها انبیا بنی‌اسرائیل را کشته‌اند.

(ه) به تمسخر به انبیا می‌گفتند «ما قلب‌هایمان در غلاف است و بیخود به خودتان فشار نیاورید که در ما نفوذ کنید!»

(و) آن‌ها به حضرت مریم بهتان زدند.

(ز) با شادمانی ادعا کردند که حضرت عیسی را کشته‌اند و حال آن که امر بر آن‌ها مشتبه شده بود و نتوانسته بودند او را بکشند و خداوند این پیامبر را به آسمان برده بود. این حقیقت را که «مسیح به صلیب کشیده نشده است و مقام خدایی هم ندارد» اهل کتاب بالاخره خواهند فهمید، یا هنگام مرگ و یا در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه الشریف).

(ح) در رباخواری پیشتاز همه‌ی ملت‌ها گشتند.

(ط) با دغل و فریب اموال دیگران را صاحب شدند و... این همه سبب شد که خداوند بعضی از غذاهای پاکیزه را (مثل گوشت پرندگان و چربی حیوانات) بر یهودیان حرام کند.

البته آنچه گفته شد شامل همه‌ی یهودیان نمی‌شود بلکه آن‌ها که حقا عالم بودند، ایمان به حضرت عیسی و پیامبر اسلام آوردند و اهل نماز و زکات شدند. آن‌ها به همه‌ی انبیا احترام می‌گذاشتند، چه انبیایی که قصه‌هایشان در قرآن آمده است و چه آن‌ها که نامی از آن‌ها برده نشده است. در مقابل اینان کفّاری وجود دارند که تلاش فراوانی برای انحراف مردم و ستم به آن‌ها نمودند. آن‌ها راهی جز به دوزخ ابدی ندارند. (۱۴۹ - ۱۶۹)

۱۶. قرآن بعد از بحث یهودیان روی به مسیحیان نموده و به آن‌ها توصیه می‌کند که: به پیامبر اسلام ایمان بیاورید و درباره‌ی مسیح غلو نکنید زیرا او تنها پیامبر خداست، پیامبری که با نفخه‌ی رحمانی به رحیم مریم، به دنیا آمده است و اصلا سوّم از سه تا (پدر، پسر، روح القدس) نیست. نه عیسی و نه هیچ فرشته‌ای از عبودیت خداوند سرباز نزده است. این نکته‌ای است برهانی که باید به آن توجه نمود و از کفر بیرون آمد و مؤمن به خداوند و متوسّل به او شد تا به صراط مستقیم هدایت گشت. (۱۷۰ - ۱۷۵)

۱۷. سوره‌ی نساء با احکام خانوادگی آغاز شد و با بیان یکی دیگر از این احکام که ارث کلاله (خویشان مادری) است پایان یافت تا توجه بیشتری به مقررات مربوط به خانواده داده باشد. (۱۷۶)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی نساء را بخواند گویا به اندازه‌ی هر مسلمانی که طبق مفاد این سوره ارث می‌برد، در راه خدا انفاق کرده است و همچنین پاداش کسی را که برده‌ای آزاد کرده به او می‌دهند.^{۵۳}

کاربرد سوره

ایمنی از فشار قبر

امام علی (علیه‌السلام):

هر که هر جمعه سوره‌ی نساء را بخواند، از فشار قبر در امان خواهد بود.^{۵۴}

مائده (۵)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی قصه‌ی مائده آسمانی برای حواریون حضرت عیسی گرفته شده است که آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ این سوره را به خود اختصاص داده است. مائده به معنای طعام و طبّقی است که در آن طعام هست. از این سوره به «عقود» هم یاد شده است.

تعداد آیات

عدد آیات آن در مکتب کوفی ۱۲۰ و در مکتب بصری ۱۲۳ آیه است. نخستین آیه‌ی سوره تا «بِالْعُقُودِ» و آیه‌ی (۱۵) تا «وَوَيْفُؤا عَنْ كَثِيرٍ» و آیه‌ی (۲۳) تا «فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ» را بصریون یک آیه دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: دو هزار و هشتصد و چهار.

تعداد حروف: یازده هزار و نهصد و سی.

محل نزول

این سوره مدنی است.

بررسی آیه‌ای که ادعا شده است مکی است:

آیه‌ی ۳ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) که در سفر حجة الوداع، هنگامی که بر شتر خود ایستاده بود نازل گردید.

پاسخ: این آیه بنابر حدیث امام صادق (علیه السلام) که اهل سنت نیز آن را نقل نموده‌اند در غدیر خم بعد از نصب امام علی (علیه السلام) به خلافت نازل شده است. و چون بعد از هجرت نازل شده است بنابر این مدنی است.^{۵۵} (علتی این که بعضی اصرار دارند بگویند این آیه در منی و در سفر حجة الوداع نازل شده است این است «الیوم» را به معنای انجام فریضه‌ی حج تفسیر نموده و بگویند با تعلیم احکام حج اسلام کامل شده است غافل از این که خداوند «الیوم» را روزی معرفی می‌کند که کفار از دین اسلام و تغییر آن نا امید شده‌اند، آیا حج چه خصوصیتی دارد که جلوی تحریف اسلام را بگیرد. آیا مسلمانان کنونی جهان که همه مراسم حج را انجام می‌دهند دارای دینی تحریف نشده هستند و کفار اسلام آن‌ها را در ستیز با منافعشان می‌دانند؟!)

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۹۱

سوره‌ی قبل: احزاب

سوره‌ی بعد: ممتحنه

تاریخ نزول آن ما بین صلح حدیبیه و جنگ تبوک است.

محتوای سوره

این سوره محتوی یک سلسله از معارف و عقائد اسلامی و یک سلسله از احکام و وظایف دینی است.

در قسمت اول به مسأله‌ی ولایت و رهبری بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسأله‌ی تثلیث مسیحیان و قسمت‌هایی از مسائل مربوط به قیامت و رستاخیز و بازخواست از انبیا در مورد امت‌هایشان اشاره شده است.

و در قسمت دوم، مسأله‌ی وفای به پیمان‌ها، عدالت اجتماعی، شهادت به عدل، و تحریم قتل نفس (و به تناسب آن داستان فرزندان آدم و قتل هابیل به دست قابیل) و همچنین توضیح قسمت‌هایی از غذاهای حلال و حرام، و قسمتی از احکام وضو و تیمم آمده است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند متعال سوره‌ی نساء را با ذکر پاره‌ای از احکام شرع خاتمه داد، اکنون سوره‌ی مائده را نیز با بیان احکام، آغاز می‌کند. نخست بطور اجمال، می‌فرماید: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و سپس به تفصیل این پیمان‌ها می‌پردازد.

با این که سوره‌ی انعام آیاتی بیش‌تر از سوره‌ی مائده دارد مع ذلک به خاطر نقش تکمیلی که این سوره نسبت به سوره‌ی نساء دارد، مقدم بر انعام آمده است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۲۳ بخش است:

۱. حکم فقهی (۱) (وفای به عقود، گوشت چهارپایان، غذای اهل کتاب و ازدواج با آنها، وضو): (۱ - ۶)
۲. غدیر، روز اکمال دین: در ضمن آیه‌ی (۳)
۳. شکر نعمت هدایت: (۷ - ۱۱)
۴. نقض عهد اهل کتاب: (۱۲ - ۱۶)
۵. شرک اهل کتاب: (۱۷ - ۱۹)
۶. اسرائیل و سرزمین مقدّس: (۲۰ - ۲۶)
۷. هابیل و قابیل: (۲۷ - ۳۲)
۸. حکم فقهی (۲) (محاربه): (۳۳ - ۳۴)
۹. حقیقت توسل: (۳۵ - ۳۷)
۱۰. حکم فقهی (۳) (حد سرقت): (۳۸ - ۴۰)
۱۱. مخالفت یهود با احکام تورات: (۴۱ - ۵۰)
۱۲. ارتباط نامشروع با کفار: (۵۱ - ۶۰)
۱۳. نفاق اهل کتاب: (۶۱ - ۶۴)
۱۴. شرط هدایت اهل کتاب: (۶۵ - ۷۱)
۱۵. انتخاب جانشین: آیه‌ی ۶۷ بین بخش ۱۴
۱۶. غلو در دین: (۷۲ - ۷۷)
۱۷. علت ملعون بودن کفار بنی اسرائیل: (۸۱)
۱۸. تفاوت یهودیان با مسیحیان: (۸۲ - ۸۶)
۱۹. نهی از تحریم حلال: (۸۷ - ۸۸)
۲۰. حکم فقهی (۴) (کفاره‌ی قسم، شراب، قمار، صید در حال احرام، حج و قربانی آن): (۸۹ - ۱۰۰)
۲۱. سؤال‌های نابجا و تحریم‌های خرافی: (۱۰۱ - ۱۰۵)
۲۲. حکم فقهی (۵) (وصیت): (۱۰۶ - ۱۰۹)
۲۳. معجزات حضرت عیسی و نفی الوهیت ایشان: (۱۱۰ - ۱۲۰)

ارتباط آیات

۱. پایبندی به احکام شرع، مصداق وفای به عهدی است که هر مسلمانی با دین اسلام بسته است. قسمتی از این احکام عبارتند از: مسائل مربوط به محرّمات احرام، قربانی حج، غذاهای حرام، شرایط صید حلال، ارتباط تجاری و خویشاوندی با اهل کتاب، حکم وضو و در

نهایت رعایت عدالت در همه‌ی شئون زندگی. همه‌ی این قوانین و دیگر قوانین شرع مقدّس نعمت‌های معنوی است که باید مدام آن‌ها را یاد کرد و به آن‌ها پایبند بود. پایبندی به این قوانین سبب خواهد شد تا جامعه‌ی اسلامی از آنچنان هیبتی برخوردار شود که هیچ کافری نتواند دست طمع و ستمی به روی این جامعه دراز کند. (۱ - ۱۱)

۲. «آیه‌ی اکمال» از مهم‌ترین آیات اثبات ولایت است. (الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) این آیه‌ی مستقل و غیر مربوط با قبل و بعد از خود است که بین آیه‌ی سه این سوره خود را مخفی نموده است تا امکان تفسیری سطحی و غیر واقع بیابد و به این وسیله از تحریف مصون گردد. (۳)

۳. خداوند به بنی‌اسرائیل وعده‌ی «معیت - انی معکم» داد به شرط این که از نقباء دوازده‌گانه (امامت بعد از رسول) تبعیت کنند و اهل نماز و زکات و قرض الحسنه (مصادیق اطاعت از خداوند) نیز باشند. ولی بنی‌اسرائیل - جز کمی از آن‌ها - نقض پیمان نمودند (غصب خلافت کردند) لذا قلب‌هایشان سخت شد و کتاب آسمانی خویش را به گونه‌ای دیگر تفسیر و تأویل کردند. مسیحیان نیز این سرنوشت را برای خود برگزیدند لذا بینشان دشمنی و خشم حاکم گشت. ای اهل کتاب! گذشته‌ها گذشته! پیامبر اسلام ظهور کرد و آنچه را شما مخفی می‌نمودید روشن ساخت و خداوند نیز از بسیاری از زشت‌کاری‌های شما می‌گذرد به شرط آن که با پذیرش اسلام راه سلامت را به پیمایید و از تاریکی به نور درآیید. ولی بسیاری از اهل کتاب همچنان به زشت فکری‌های خود ادامه دادند، مسیح را خدا دانسته و خود را فرزندان خداوند شمردند. (۱۲ - ۱۹)

۴. بنی‌اسرائیل دارای بیش‌ترین پیامبر و پادشاه از میان خود بودند و امتیازاتی یافتند که هیچ امتی این چنین امتیازاتی نیافت؛ ولی در نهایت چه شد؟ قرآن در ادامه، قصه‌ی «ارض مقدّسه» را ذکر می‌کند که به جای اطاعت از فرمان حضرت موسی برای مبارزه با ستمگری که به آن‌ها اجازه ورود به آن سرزمین را نمی‌داد، با وقاحت کامل به پیامبرشان گفتند: «تو و خدایت بروید با آن ستمگر بجنگید و ما همین‌جا نشستیم»، «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ!!» این چنین شد که خداوند بر آن‌ها خشم ورزید و چهل سال در بیابان «تیه» سرگردانشان نمود. نسل اکنون آن‌ها از بین رفت و نسلی دیگر به وجود آمد و حضرت موسی و قبل از آن حضرت هارون از دنیا رفتند و بعد با رهبری شمعون وصی حضرت موسی وارد «ارض مقدّسه» شدند. (۲۰ - ۲۶)

۵. انسانی که مطیع انبیا نیست، به راحتی انسان بی‌گناهی را می‌کشد ولی از کشتن ستمگر ترس دارد! همچون قابیل که هابیل را کشت. کشتن انسان بی‌گناه، مثل طفره رفتن از جهاد و نکشتن انسان ستمگر است و فساد بزرگ در زمین بار می‌آورد. بنابر این باید اهل جهاد بود و از این راه وسیله‌ای را برای تقرب به خداوند آماده نمود. ولی اگر به‌خاطر حفظ جان

و مال از جهاد ترسیده شود آن وقت روزی خواهد رسید که فرد دوزخی اگر همه‌ی دنیا را هم بدهد نمی‌تواند از آتش نجات یابد. (۲۷ - ۳۷)

۶. همچنان که «کشتن» امنیت جامعه را مختل می‌سازد انواع دزدی‌های سنتی و مدرن نیز جامعه را به فساد کشانده و امنیت مالی جامعه را از بین می‌برد. به جای دست دراز نمودن به مال دیگران باید از خداوندی که مالک آسمان‌ها و زمین است کمک خواست و هماهنگ با دستورات او تلاش نمود تا مشکلات معیشتی حل شود. (۳۸ - ۴۰)

۷. بنی‌اسرائیل عصر پیامبر اسلام، تورات را تحریف کرده بودند. (همچنان که حکم سنگسار زناکار را مخصوص عوام مردم دانسته و برای اشراف، حکم سبک‌تری را تصویب نموده بودند). آن‌ها به دروغ خود را شنوای حق معرفی می‌کردند لذا وقتی پیامبر اسلام طبق حکم تورات زناکاران از اشراف آن‌ها را سنگ باران نمود آن‌ها بسیار ناخشنود شدند. هر یک از تورات و انجیل و قرآن، سرشار از نور و هدایت و موعظه است و باید با زیر پا گذاشتن هوس، طبق مفاد این کُتب آسمانی عمل نمود. هوس، انسان را به احکام جاهلی سوق داده و از احکام الهی دور می‌سازد. (۴۱ - ۵۰)

۸. یهودیان و منافقان دو خطر همیشگی برای جامعه اسلامی هستند. زیرا این دو بدون یکدیگر نمی‌توانند خطر ساز باشند. منافقین به این بهانه که ممکن است قدرت به دست کفار از اهل کتاب بیافتد ارتباطشان را با آن‌ها حفظ می‌کردند، البته بعد از قدرت یافتن مسلمین، رسوا شده و موجب شگفتی مؤمنین گشتند، ولی همچنان ارتداد خود را حفظ نموده و سبب شدند که خداوند جامعه‌ی اسلامی صدر اسلام را که با تلاش‌های منافقین مسخ شده بود، با جامعه‌ای دیگر عوض نموده و افتخار پاسداری از اسلام ناب را به این جامعه جدید (که برده‌های آزاد شده ایرانی و بعد همه‌ی جامعه‌ی ایرانی بودند) اعطا نماید. جامعه‌ی جدید ولیّ خود را کسی می‌داند که در رکوع زکات (انگشتر) داده است (یعنی امام علی «علیه‌السلام») و این چنین حزب غالب خدایی گشته است. (۵۱ - ۵۶)

۹. کفار از اهل کتاب کاری جز به سخریه گرفتن دین و آیین‌های نیایشی مسلمین ندارند و اگر هم پیشنهاد گفتگوهای دینی می‌کنند نه برای جستن حقیقت و التزام به آن است بلکه برای عیب‌جویی و انتقادهای بی‌جا است. به‌راستی چرا عالمان یهودی و مسیحی جلوی گفتارهای گناه آلود (مثل پیشنهاد گفتگو برای انتقاد مخرب) و حرام خوری‌های رایج بین همکیشان خود را نمی‌گیرند؟! یک از مصادیق گفتارهای گناه آلود، این سخن سخیف یهود است که: «دست خدا بسته است!» یعنی همه‌ی امور به دست مردم است و خداوند هیچ اعمال قدرتی نمی‌تواند بکند (اعتقاد به تفویض). دستان خودشان بسته باد! بینشان دشمنی و اختلاف همیشگی باد! هر آتشی که برافروزند خداوند آن را خاموش خواهد ساخت، هرچند که مدام در زمین به فساد مشغول باشند. (۵۷ - ۶۴)

۱۰. اگر اهل کتاب (و مسلمین) روح کتب آسمانی را اقامه کنند (یعنی پیروی از جانشینان بر حق انبیا نمایند) برکات خداوند، آن‌ها را در بر می‌گیرد، ولی هرچه انبیا از امامت و

جانشینی سخن گفتند نتیجه‌ای نبخشید و آن‌ها با تبعیت نکردن از پیشوایان الهی، بر کفر خود افزودند. همه‌ی پیروان کُتُب آسمانی باید به ایمان و عمل صالح (عملی که تنها با پیروی از جانشینان بر حق صالح خواهد بود) روی آورند تا از خوف و حزن، رهایی یابند. ولی تأسف اینجاست که دینداران ظاهری به جای ادامه دادن راه انبیا با تبعیت از جانشینان آن‌ها، آنان را کشتند! زیرا این بزرگان باب میل هوس پرستان سخن نمی‌گفتند. (کشته شدن انبیا توسط یهود واقعیتی است که بارها قرآن آن را ذکر نموده است، این پیامبران چه کسانی بودند؟ آیا اینان غیر از جانشینان پیامبران بزرگ بودند؟!). این فتنه‌ی بزرگی که همه‌ی ادیان آسمانی را به‌خصوص مسلمانان را به خود درگیر نموده است. (۶۵ - ۷۱)

۱۱. همه‌ی مباحث قرآن در سه محور ایمان و کفر و نفاق دور می‌زند و هر زمان از یکی فراغت می‌یابد سراغ دیگری می‌رود. در بحث کفار نیز گاهی یهودیان و مسیحیان و مشرکین هر سه مورد خطاب هستند و گاهی نیز هر کدام به تنهایی. در اینجا روی سخن به مسیحیانی است که غلو در دین نمودند و مسیح را یکی از سه تا (پدر، پسر، روح القدس) دانستند و حال آن که بارها مسیح به آن‌ها گفته بود که «خدایی را که پرودگار من و شماست بپرستید!». وقتی او و مادر گرمیش غذا می‌خوردند، چگونه می‌توانند خدا باشند! (۷۲ - ۷۷)

۱۲. یهودیان، ملعون انبیا بنی‌اسرائیل به‌خصوص حضرت داوود و حضرت عیسی هستند زیرا آن‌ها:

الف) معصیتکار و تجاوز کننده به حدود الهی هستند.

ب) نهی از منکر نمی‌کنند.

ج) بیش‌ترین عداوت را نسبت به مسلمین دارند. (۷۸ - ۸۲)

۱۳. مسیحیان در مقایسه‌ی با یهود و مشرکین به‌خاطر وجود راهب‌های خداترس و پذیرای حق، رابطه‌ی بهتری با مسلمین دارند. البته این به معنای درست انگاشتن همه‌ی کارهای آن‌ها از آن جمله تحریم کردن بعضی از حلال‌ها نیست. باید از حلال خداوند استفاده کرد تا بتوان از حرام او پرهیز نمود. (۸۲ - ۸۸)

۱۴. با توجه به این که آیات سوره‌ی مائده از آخرین آیات نازل شده بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، و با توجه به فصل قبلی که مسأله‌ی حفظ حریم حلال و حرام مطرح شد، خداوند از آیه‌ی ۸۹ به‌بعد به بسیاری از احکام فقهی اشاره می‌کند که قسمتی از آن برای اولین بار به آن اشاره شده است و قسمتی نیز جنبه‌ی تذکر دارد. این احکام عبارتند از: کفارهی شکستن قسم، حرمت شراب و قمار و دیگر سرگرمی‌های جاهلی، پرهیز از صید در حال احرام، توجه به حج و مسأله‌ی قربانی، پرهیز از سؤال بی‌جا در مسائل شرعی برای جلوگیری از سخت‌تر شدن احکام فقهی، اجتناب از تحریم گوشت و شیر بعضی از حیوانات، توجه به انجام وصیت. (۸۹ - ۱۰۹)

۱۵. انسان‌ها باید به احکام دینی توجه کنند زیرا روز قیامت، انبیا و امت‌هایشان گرد هم آمده و درباره‌ی سه موضوع از آن‌ها سؤال خواهد شد:

الف) بیان احکام توسط انبیا و عمل به آن‌ها توسط امت‌ها.
 ب) میزان هدایت‌گری معجزاتی که انبیا برای بیدار ساختن امت‌ها آورده‌اند. مثل مرده زنده کردن حضرت عیسی و فرود آمدن مائده از آسمان به درخواست حواریون.
 ج) تفکرات شرک آلودی که بعضی نسبت به انبیای خود داشتند. مثل ادعای الوهیت مسیحان نسبت به حضرت عیسی و حضرت مریم. (۱۱۰ - ۱۲۰)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی مائده را بخواند، خداوند به عدد هر چه یهودی و مسیحی در روی زمین است به او مزد می‌دهد و ده حسنه برای او ثبت و ده گناه از او محو می‌کند و ده درجه برای او بالا می‌برد.^{۵۶}

باید توجه داشت که در این سوره یادی از مسیحیان و یهودیان و رفتار آن‌ها با حضرت موسی و عیسی شده، از این رو پیامبر گرامی می‌فرماید: به عدد یهودیان و مسیحیان... امام علی (علیه‌السلام):

... این سوره هنگامی نازل شد که پیامبر سوار بر شتری بود. سنگینی وحی چنان بود که شتر را از حرکت بازداشت و طولی نداشت که او را بر زمین بغلتاند. پیامبر چنان به حال اغما درآمد که دست خود را بر سر شیبۀ بن وهب جمعی نهاد. آن‌گاه به حال عادی بازگشت و سوره‌ی مائده را بر ما قرائت کرد و همگی بدان عمل کردیم.^{۵۷}

و نیز از ابوحمزه ثمالی نقل شده است که: سوره‌ی مائده یک جا و به طور کامل نازل گردید و ۷۰ هزار ملک همراه آن به زمین آمدند.^{۵۸}

کاربرد سوره

برای محفوظ ماندن از شرک

امام باقر (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌ی مائده را در هر پنجشنبه بخواند ایمانش با ستم پوشیده نمی‌شود و هیچ کس را با خداوند شریک نمی‌سازد.^{۵۹}

نکته: پنجمین سوره

از لطایفی که در این سوره کریمه است، این است که از لحاظ عدد، سوره‌ی پنجم قرآن است، و این عدد مناسبت پیدا می‌کند با پنج تن آل عبا و از این جهت در این سوره‌ی کریمه، سه آیه‌ی مهم مربوط به اهل بیت اطهار (علیهم‌السلام) ذکر شده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ» (۳)، «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» (۵۵)، «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ» (۶۷).^{۶۰}

انعام (۶)

نام سوره

نام سوره از موضوع انعام و چهارپایان که یکی از موضوعات مطرح شده در این سوره است گرفته شده که مجموعاً شش آیه را به خود اختصاص داده است. این آیات بین آیات ۱۳۶ تا ۱۴۴ پراکنده هستند.

انعام جمع نَعَم، و نَعَم عبارت است از گاو، گوسفند و شتر. از سوره‌ی انعام و اعراف در بعضی از روایات تعبیر به «طولیین» شده است.

تعداد آیات

شماره‌ی آیات آن، در مکتب کوفی ۱۶۵ و در مکتب بصری ۱۶۶ است: آیه‌ی «لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (۶) را کوفی یک آیه دانسته است. آیه‌ی «كُنْ فَيَكُونُ» (۳) و «إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۸) را غیر کوفی، یک آیه دانسته است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: سه هزار و پنجاه و سه.

تعداد حروف: دوازده هزار و چهارصد و بیست و دو.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده است مدنی است:

۱- آیات ۲۰، ۲۳، ۱۱۴ زیرا در این آیات از اهل کتاب سخن گفته شده است.

پاسخ: این دلیل درست نیست زیرا آیاتی وجود دارد که قطعاً مکی است و در آن از اهل کتاب یاد شده است مانند آیات ۴۶ و ۴۷ سوره عنکبوت.

۲- آیه‌ی ۹۱ زیرا درباره‌ی یهود نازل شده است، آن‌ها ادعا می‌کردند محمد پیامبر نیست زیرا اصلاً بر هیچ انسانی وحی نشده است!!

پاسخ: این دلیل مردود است زیرا این چنین ادعای از طرف یهود باید خیلی مسخره باشد زیرا آن‌ها خود را پیرو حضرت موسی می‌دانند و حال آن که بر ایشان تورات نازل شده است. بنابراین باید اخباری را ترجیح داد که این آیه را مربوط به سران قریش می‌دانند و این قول با سیاق آیات قبلی که مربوط به مشرکین است نیز هماهنگ است.

۳- آیه‌ی ۱۴۱ زیرا در آن امر به دادن زکات محصولات کشاورزی آمده است و زکات در مدینه واجب شده است.

پاسخ: این دلیل نیز مردود است زیرا در آیه دارد: «آتِ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» و دادن حق لزوماً به معنای زکات نیست بلکه می‌تواند منظور از آن مطلق صدقه باشد همچنان که آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی ذاریات که قطعاً مکی است بحث از دادن حقوق مستمندان را مطرح می‌کند.

۴- آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ از ابن عباس از طریق ابو عبیده نقل شده است که این آیات در مدینه نازل شده است.

پاسخ: اولاً: ابو عبیده از خوارج بوده و نمی‌تواند نقلش مورد اعتماد باشد ثانیاً: حدیثی می‌گوید امام علی (علیه‌السلام) به همراه ابوبکر این سه آیه را برای بعضی از مشرکین در منی قبل از هجرت قرائت نموده است و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است بنابراین آنچه از ابن عباس نقل شده است صحیح نیست.^{۶۱}

از روایاتی که از طریق اهل بیت به ما رسیده استفاده می‌شود که یکی از امتیازات این سوره آن است که با وجود طولانی بودن، تمام آیاتش یک جا نازل شده است و بنابراین همه‌ی آن مکی خواهد بود.^{۶۲}

البته ممکن است گفته شود که شأن نزولها لزوماً مقارن نزول نمی‌باشد. کافی است آیه‌ای اشاره به حادثه‌ای داشته باشد که قبلاً اتفاق افتاده باشد. این اتفاق ممکن است در مکه حادث شده باشد ولی آیه‌ی آن در مدینه نازل شود!^{۶۳}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۵

سوره‌ی قبل: حجر

سوره‌ی بعد: صافات

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و هجرت پیامبر به مدینه است.

محتوای سوره

هدف اساسی این سوره، همانند سایر سوره‌های مکی، دعوت به اصول سه‌گانه توحید و نبوت و معاد است، ولی بیش از همه، روی مسأله‌ی یگانه‌پرستی و مبارزه با شرک و بت‌پرستی دور می‌زند، به طوری که در قسمت مهمی از آیات این سوره، روی سخن با مشرکان و بت‌پرستان است، و به همین مناسبت گاهی رشته‌ی بحث به اعمال و کردار و بدعت‌های مشرکان می‌کشد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی مائده را با آیه‌ی «عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خاتمه داد. سوره‌ی انعام را هم با بیان خلقت آسمان‌ها و زمین و... آغاز کرد که دلیل قدرت کامل اوست.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۸ بخش است:

۱. اعراض مشرکین از آیات توحید: (۱ - ۱۸)
۲. حقانیت اسلام نزد اهل کتاب: (۱۹ - ۲۱)
۳. عاقبت مشرکین: (۲۲ - ۳۲)
۴. تکذیب همه‌ی پیامبران: (۳۳ - ۵۱)
۵. پرهیز از طرد مؤمنین فقیر: (۵۲ - ۵۵)
۶. اظهار توحید و نفی شرک (۱): (۵۶ - ۶۷)
۷. نهی از مجالست با کفار: (۶۸ - ۷۳)
۸. حضرت ابراهیم و توحید: (۷۴ - ۹۰)
۹. ادعای یهود بر نفی نزول کتاب آسمانی!: (۹۱ - ۹۴)
۱۰. دلایل توحید در جهان: (۹۵ - ۹۹)
۱۱. اختراع فرزند برای خداوند!: (۱۰۰ - ۱۰۸)
۱۲. بی‌ایمانی افراد لجوج با هر معجزه‌ای: (۱۰۹ - ۱۱۵)
۱۳. پرهیز از همه‌ی نموده‌های شرک: (۱۱۶ - ۱۲۱)
۱۴. نور هدایت و شرح صدر: (۱۲۲ - ۱۲۷)
۱۵. جنیان اغواگر و انسیان اغواشده: (۱۲۸ - ۱۳۵)
۱۶. تحریم‌های ساختگی: (۱۳۶ - ۱۵۰)
۱۷. ده فرمان: (۱۵۱ - ۱۶۰)
۱۸. اظهار توحید و نفی شرک (۲): (۱۶۱ - ۱۶۵)

ارتباط آیات

۱. با این همه دلایل توحید، باز کفار هدایت الهی را به سخریه می‌گیرند! با این که دانسته‌اند خداوند با امت‌های پیشین چه کرده است! آن‌ها حتی پیامبرانشان را هم به کیش کفر خود فرا می‌خواندند!! و انبیا این دعوت را برخلاف دعوت فطرت به توحید معرفی نموده و از معصیت خداوند به سختی هراسان بودند و می‌گفتند: «در صورت شرک، چه کسی می‌تواند پشتیبان آن‌ها باشد؟!» لذا انبیا به هر میزان که کفار شهادت بر وجود آلهه می‌دادند، آن‌ها شاهد بر اله واحد بودند. (۱ - ۱۹)

۲. دلایل نبوت نیز نتوانست با همه‌ی روشنی که داشت کفار از اهل کتاب را تسلیم کند! آن‌ها پیامبر اسلام را همچون فرزند خود می‌شناختند (و علائم جسمانی او را به خوبی می‌دانستند) ولی به خداوند دروغ بستند و گفتند: «خداوند کسی دیگر را خواهد فرستاد!» (لذا یهودیان و مسیحیان هنوز منتظر آمدن پیامبر آخر الزمان هستند!) (۲۰ - ۲۱)

۳. مشرکین ممکن است علی‌الظاهر پای سخن حق هم بنشینند ولی انگار که روی قوه‌ی فهمشان پرده‌ای است و در گوششان استخوان زانده است زیرا پس از آن همه گفتن‌ها و شنیدن‌ها و استدلال‌ها، در نهایت می‌گویند: «این‌ها مانند افسانه‌های به جای مانده از پیشینیان است» (مثل قصه‌ی رستم و اسفندیار ایرانیان است!) این‌ها فقط خودشان را نابود می‌سازند و همین افراد در آخرت دچار تناقض گویی خواهند گشت: از طرفی به خداوند قسم خورده و به دروغ مدعی می‌شوند: که «ما هرگز مشرک نبودیم!» (وَ اللَّهُ رَبُّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ)، و از طرفی وقتی آتش را می‌بینند می‌گویند: «ای کاش برمی‌گشتیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنین می‌شدیم». آن‌ها دروغ می‌گویند زیرا اگر به دنیا برگردند به همان تفکرات دنیاپرستانه خودشان بر می‌گردند (لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ)، آن‌ها باز هم خواهند گفت: «چیزی جز همین دنیا نیست و برانگیخته شدنی در کار نیست (إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا)». آن‌ها در آخرت باید با حسرت مسئولیت آنچه را که انجام داده‌اند و انجام نداده‌اند بر دوش کشند. آری دنیا چیزی جز بازیچه نیست و نباید آن را جدی گرفت و برعکس باید آخرت را به بازی نگرفت. (۲۲ - ۳۲)

۴. خداوند بعد از بیان سخنان و برخوردهای تأسف برانگیز کفار و مشرکین به پیامبرش تسلی می‌دهد که اینان در واقع تو را تکذیب نمی‌کنند، این‌ها آیات الهی را انکار می‌کنند، همان کاری که با انبیا پیشین نمودند، انبیایی که با انواع آزارها از طرف امت‌هایشان مواجه شدند و در نهایت نیز یاری خداوند سراغشان آمد. این - هدایت ناپذیری بسیار از مردم - قانونی تغییر ناپذیر است. ای پیامبر! اگر این قانون را قبول نداری، می‌توانی سوراخی در آسمان ایجاد کنی و هر چه آن‌ها از نشانه‌های عجیب و غریب خواستند برایشان بیاوری، ولی بدان تنها کسانی دعوت را استجاب می‌کنند که بشنوند ولی مردگان را تنها خداوند باید مبعوث کند، که البته مبعوث هم می‌کند و به سویش برای عقوبت رهسپار خواهند شد.

البته برانگیختگی روز حشر، اختصاص به انسان‌ها نداشته بلکه حیوانات را نیز شامل می‌شود.
(۳۳ - ۳۹)

۵. یکی از عمده‌ترین نشانه‌های حضور پر قدرت خداوند در زندگی انسان‌ها، حل شدن مشکلات آن‌ها به طور غیر معمول است. مشکلاتی که همه‌ی انسان‌ها در آن، خدای یگانه را مورد استغاثه قرار می‌دهند. ولی در صورتی که عذابی بر آن‌ها نازل شده باشد که معلول کفر و عصیان خودشان باشد، در این حالت خدای یگانه را نمی‌خوانند بلکه به دنبال عللی دیگر برای کارهایشان می‌گردند زیرا شیطان تفکرات و رفتارهای زشتشان را برایشان زینت و قابل توجیه نموده است. حال وقتی انسان با عذاب الهی هم بیدار نشود راهی نمی‌ماند جز آن که رها شود و انواع نعمت‌های مادی بر او سرازیر گردد و در اوج لذت‌های مادی مرگ به سراغشان آید، مرگی که در آن زمان بسیار ناگوار و تلخ است. (۴۰ - ۴۹)

۶. مشرکین یکی از سه راه را به پیامبر پیشنهاد می‌کردند:

(الف) یا ما به خدای تو ایمان می‌آوریم و تو ما را غنی ساز!

(ب) یا تو به خدایان ما ایمان بیاور و ما تو را غنی می‌سازیم.

(ج) یا لاقل فقیران اطرافت را از خود دور ساز تا ما گرد تو بیاییم.

خداوند پاسخ مناسب را به همه‌ی این بهانه‌جویی‌ها در این سوره داده است و در ادامه فرموده است: این خداوند است که مرگ و زندگی شما به دست اوست، در دریا و خشکی، ماندگان را او نجات می‌بخشد، اندوه هر اندوهگینی را او برطرف می‌سازد، قدرت عذاب‌های سخت را او دارد. و بعد در خطاب به پیامبر دو توصیه‌ی اساسی می‌کند:

(الف) از مجالست با اینان پرهیز کن! زیرا اینان به این سخنان ایمان نمی‌آورند و دین خداوند را به بازی گرفتند.

(ب) اظهار بی‌زاری از خدایان مشرکین بنما! و به خدای خویش اظهار نیاز کن و نماز بخوان! (۵۰ - ۷۳)

۷. قرآن در ادامه‌ی بحث مشرکین، قصه‌ی ابراهیم بت‌شکن را می‌آورد که او هم همچون پیامبر، که خویشانش بت‌پرست بودند، عمویی داشت که بت‌ساز و بت‌پرست بود. ابراهیم وقتی در حقیقت معبودها دقت می‌کرد همه را فناپذیر می‌دید و در این میان تنها خالق زمین و آسمان بود که شایسته بود تا همه، رو به سوی او کنند و خداوند به خاطر مبارزات توحیدی ابراهیم، انبیا و صالحین زیادی را از نسل او قرار داد و آن‌ها را به هدایت الهی هدایت کرد و کتاب و حکم و نبوت را به آن‌ها داد. قرآن در انتهای این بحث به پیامبرش می‌فرماید: از این پیامبران تبعیت کن و به مشرکین اعلان نما! من از شما مزدی نمی‌خواهم بلکه فقط به دنبال هوشیاری شما هستم. (۷۴ - ۹۰)

۸. یهودیان به مشرکین کمک فکری می‌کردند تا در مقابل پیامبر اسلام شبهه افکنی کنند. به آن‌ها می‌گفتند: «خداوند بر هیچ بشری وحی نفرستاده است!» و حال آن که خود را

تابع توراتی می‌دانستند که خداوند آن را بر موسایی که بشر بود فرستاده بود و قرآن هم مضامین همان تورات را تصدیق می‌کرد. (۹۱ - ۹۲)

۹. بعضی در صدر اسلام ادّعیای نبوت کردند، بعضی مصرّ بودند که حتماً بت‌های بزرگی چون لات و عزی در روز قیامت از آن‌ها شفاعت خواهند کرد، قرآن به تناسب پاسخ هر یک را داده و بعد به دلایل توحید در جهان هستی می‌پردازد و در ادامه از این عقیده خرافی سخن به میان آورد که بعضی، جتّیان را شریکان خداوند می‌پنداشتند! و حال آن که خداوند در خلقت زمین و آسمان نیاز به شریک نداشته چگونه برای تدبیر آن نیاز به همکار دارد؟! همه باید خدای یگانه را بپرستید! خدایی که بدون آن که دیده شود همه را می‌بیند، خدایی که با نزول قرآن، بصیرت را به انسان‌ها هدیه داده است. و بعد به پیامبرش تسلّی می‌دهد که همه چیز تحت تسلّط خداوند است، زیرا اگر خداوند اراده کند هیچ کس مشرک نخواهد بود ولی هدایت نه با اجبار می‌سازد و نه با روش‌های غیر منطقی دیگر مثل فحاشی نسبت به بت‌های مشرکین. (۹۳ - ۱۰۸)

۱۰. برگشت دوباره‌ی بهانه‌جویی‌های مشرکین: آن‌ها از پیامبر می‌خواستند تا معجزاتی مثل معجزات حضرت موسی و حضرت عیسی بیاورد. خوب آیا اگر پیامبر این معجزات را می‌آورد آن‌ها ایمان می‌آوردند؟! هرگز، آن‌ها و همه‌ی مشرکین لجوج امت‌های پیشین، شیاطینی انسی در کنار شیاطین جنی بودند که همیشه در مقابل انبیا قرار داشتند. شیاطینی که در پی فراخوان همه‌ی آن‌هایی هستند که نمی‌خواهند با ایمان به آخرت، به هوس‌هایشان لگام بزنند! به راستی اگر پیروی از هوس نباشد، دلایل حق آن‌قدر روشن هست که حقانیت قرآن آن‌طور که برای پیامبر ثابت است برای همه‌ی کفّار اعم از مشرکین و اهل کتاب نیز روشن باشد. حقیقت، حقانیت خود را در درون خود دارد و تابع نظر اکثریت نیست. تبعیّت از اکثریت در مسائل اصولی چیزی جز گمراهی از حقیقت را به دنبال ندارد. (۱۰۹ - ۱۱۸)

۱۱. همچنان که شرک باید از اعتقادات انسان‌ها زدوده شود، خرافات شرک آلود مثل «کشتن حیوانات به نام بت‌ها» نیز باید از بین برود بلکه حیوانات باید به نام خداوند ذبح شوند (و همچنین است دیگر خرافات که در آیات ۱۳۶ تا ۱۴۰ مطرح شده است). با زدودن خرافات ظاهر و باطن گناه محو خواهد شد و انسان‌ها حیاتی طیب پیدا خواهند کرد و از سلطه‌ی ستمگران صاحب نفوذ، خلاصی خواهند یافت و ظرفیت کمالیشان فزونی خواهد گرفت و به شاهراه توحید خواهند رسید و در نهایت آخرت برایشان «دارالسلام» خواهد شد.

ولی در طرف مقابل شیاطین گمراه‌گر و انسان‌های گمراه‌شده، در روز قیامت به گرد هم جمع می‌شوند و در محکمه‌ی الهی بر علیه خود شهادت می‌دهند و آماده‌ی دوزخ می‌گردند. این محکمه به خاطر این است که سنت خداوند می‌گوید: «هیچ کس در حال غفلت به هیچ عذابی دچار نمی‌گردد؛ نه در دنیا و نه در آخرت و هرکس با توجّه به درجه‌ای که از اعمال خوب و بد دارد جزا می‌بیند». (۱۱۹ - ۱۳۵)

۱۲. قرآن بعد از این که خرافات مشرکین را درباره‌ی تحریم نمودن گوشت‌های حلال مطرح نمود، به توضیح احکام الهی در این باره می‌پردازد. ولی مشرکین به‌جای توجه به احکام الهی، شرک و تحریم‌های نابجای خود را طبق مشیت الهی معرفی می‌کردند! لذا خداوند به آن‌ها این نکته را یادآور می‌شود که: «آنچه خداوند می‌خواهد همان احکامی است که توسط پیامبرانش مطرح می‌سازد، احکامی که قبل از حضرت موسی و بعد از او هم وجود داشته است» و بعد خداوند به عنوان نمونه، ده حکم از احکام اساسی ادیان الهی را ذکر می‌نماید و از آن به صراط مستقیم یاد می‌کند. ذکر این احکام در قرآن به خاطر این است که مشرکین نگویند: «اگر آنچه بر دو طائفه‌ی یهودی و مسیحی نازل شده بود بر ما هم نازل می‌شد ما ایمان می‌آوردیم!»

ولی آیا همه‌ی این دلایل، آن‌ها را به حقانیت قرآن معترف نمود؟ خیر! تنها وقتی ایمان می‌آوردند که ملائک عذاب آن‌ها را در برگیرند، ایمانی که دیگر نفعی نخواهد داشت. وقتی انسان در صراط مستقیم حرکت نکند، دچار انواع تفرقه‌ها خواهد شد. و با وجودی که خداوند خوبی‌ها را ده برابر و بدی‌ها را یک برابر جزا می‌دهد، اما بازهم کفه‌ی بدی‌های انسان افزونی می‌یابد! (۱۳۶ - ۱۶۰)

۱۳. در پایان سوره‌ی **انعام** - که همه‌ی بحث آن درباره‌ی کفار، به‌خصوص مشرکین مکه بود - خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد: «تو همچنان بر دین حنیف ابراهیم باقی بمان و عبادات را خالصانه برای او انجام بده و اول مسلمان به دین خودت باش و در پی هیچ معبودی جز او نباش، همو که گروه‌های انسانی را جایگزین یکدیگر نموده و آن‌ها به‌واسطه‌ی آنچه به ایشان داده است می‌آزماید». (۱۶۱ - ۱۶۵)

فضیلت سوره

امام صادق (علیه‌السلام):

* سوره‌ی **انعام** به یک‌باره نازل شد و هفتاد هزار فرشته همراه آن بودند تا بر حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شد و فرشتگان پیوسته آن را بزرگ می‌داشتند. هفتاد بار اسم «اللّه» در آن آمده است و اگر مردم می‌دانستند در آن چیست، ترکش نمی‌کردند.^{۶۴}

* هرگاه نقصانی به تو رسید که از آن بیم یافتی سوره‌ی **انعام** را بخوان که در این صورت دیگر آنچه می‌ترسی به تو نخواهد رسید.^{۶۵}

امام رضا (علیه‌السلام):

سوره‌ی **انعام**، یک جا نازل شد و هفتاد هزار فرشته با صدای تسبیح و تهلیل و تکبیر، سوره را همراهی کردند. هرکس این سوره را بخواند، فرشتگان تا روز قیامت، برایش تسبیح می‌کنند.

کاربرد سوره

الف) برآورده شدن حوائج

امام صادق (علیه السلام):

هر که را به خداوند حاجتی است که می خواهد برآورده شود، چهار رکعت نماز با سوره ی فاتحة الكتاب و سوره ی انعام بخواند و بعد از آن که از قرائت فارغ شد، بگوید:

(يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْ ضَعْفِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي وَ مَسْكِنَتِي فَإِنَّكَ أَغْلَمُ بِهَا مِنِّي وَأَنْتَ أَغْلَمُ بِحَاجَتِي يَا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَغْفُوبَ حِينَ رَدَّ عَلَيْهِ يُوسُفَ قُرَّةَ عَيْنِهِ يَا مَنْ رَحِمَ أَيُّوبَ بَعْدَ طَوْلِ بَلَاءِهِ يَا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّدًا وَمِنَ الْيَتِيمِ آوَاهُ وَ نَصَرَهُ عَلَى جَبَابِرَةِ قُرَيْشٍ وَ طَوَاعِيَّتِهَا وَ أَمَكْنَهُ مِنْهُمْ يَا مُعِيثُ يَا مُعِيثُ يَا مُعِيثُ) همانطور ذکر یا معیث را ادامه دهد.

به خدا قسم اگر این دعا را بخوانی و همهی حوائج خود را از خدا بخواهی، به تو عطا می کند.^{۶۶}

ب) رهایی از دردها، به خصوص امراض مربوط به سودا

امام صادق (علیه السلام):

هر کس این سوره را به مشک و زعفران بنویسد و شش روز متوالی آن را بنوشد، خیر زیادی را روزی خواهد شد و سودا به او نمی رسد و از دردها به اذن خداوند رهایی خواهد یافت.^{۶۷}

ج) دور شدن از وسوسه ی شیطان

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سه آیه ی اول سوره ی انعام را، تا «وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ»، بخواند، خداوند چهل هزار فرشته، موکل او می سازد که مثل عبادت ایشان را تا روز قیامت، برایش بنویسند و فرشته ای از آسمان هفتم با عصایی آهنین نازل می شود و هرگاه شیطان بخواهد در دلش وسوسه ای کند، با آن عصا بر سرش می کوبد...^{۶۸}

نکته: رسم ختم انعام

بعضی از این سوره، تنها به خواندن الفاظ آن قناعت می کنند، و جلسات عریض و طولی برای ختم انعام و حل مشکلات شخصی و خصوصی خود با تشریفات ویژه ای تشکیل می دهند که به نام جلسات ختم انعام نامیده می شود، مسلماً اگر در این جلسات به محتوای سوره دقت شود، نه تنها مشکلات شخصی، مشکلات عمومی مسلمانان نیز حل خواهد شد؛ اما افسوس که بسیاری از مردم به قرآن به عنوان یک سلسله اوراد که دارای خواص مرموز و ناشناخته است، می نگرند و جز به خواندن الفاظ آن نمی اندیشند، در حالی که قرآن سراسر درس است و مکتب، برنامه است و بیداری، و رسالت است و آگاهی.

أعراف (۷)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی ۴۶ گرفته شده است: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ». از مجموع آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که «اعراف» گذرگاه سخت و صعب‌العبوری بر سر راه بهشت سعادت جاویدان است. طبیعی است که افراد نیرومند و قوی یعنی صالحان و پاکان با سرعت از این گذرگاه عبور می‌کنند اما افرادی که خوبی و بدی را به هم آمیختند در این مسیر وامی‌مانند.

همچنین طبیعی است که سرپرستان جمعیت و پیشوایان قوم در گذرگاه‌های سخت همانند فرماندهانی که در این گونه موارد در آخر لشکر راه می‌روند تا همه‌ی سپاهیان بگذرند، در آنجا توقف می‌کنند تا به کمک ضَعْفَای مؤمنان بشتابند و آن‌ها که شایستگی نجات را دارند در پرتو امدادشان رهایی یابند.

بنابراین در اعراف، دو گروه وجود دارند، ضعیفان و آلودگانی که در رحمتند و پیشوایان بزرگ (یعنی انبیا، امامان و صالحان) که در همه حال یار و یاور ضعیفانند.

تعداد آیات

تعداد آیات آن به نظر کوفی ۲۰۶ آیه و به نظر بصری ۲۰۵ آیه است.
کوفی هر یک از «المص» (۱) و «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (۲۹) را یک آیه شمرده‌اند.
بصری «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۲۹) را آیه‌ای مستقل دانسته است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: سه هزار و هشتصد و بیست و پنج.
تعداد حروف: چهارده هزار و دویست.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده است مدنی است:

آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۵ (وَسُئِلُهُمْ عَنِ الْقُرْيَةِ... بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ) در مدینه نازل شده‌اند. زیرا موضوع آیات فوق مربوط به یهود است و یهودیان در مدینه بودند نه مکه.

پاسخ: هیچ اشکالی ندارد که موضوع آیه‌ای مسأله‌ای یهودی باشد ولی مخاطب آن مشرکین باشند و ضمیر «واسئلهم» نیز به مشرکین قریش برگردد، زیرا آن‌ها نیز از شهری که مردمان یهودیش به خاطر تخلف از گرفتن ماهی به میمون تبدیل شدند خبر داشتند زیرا این شهر - که «یله» نام داشته - در مرز شامات است و تجار قریش این شهر را در سفرهای تجاری خود دیده‌اند و از تاریخ آن خبر داشتند.^{۶۹}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۳۹

سوره‌ی قبل: ص

سوره‌ی بعد: جن

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمانان به حبشه و معراج است.

محتوای سوره

هدف اساسی این سوره، همانند سایر سوره‌های مکی، دعوت به اصول سه گانه «توحید» و «نبوت» و «معاد» است، ولی بیش از همه روی مسأله‌ی یگانه‌پرستی و مبارزه با شرک و بت‌پرستی دور می‌زند، به طوری که در قسمت مهمتی از آیات این سوره روی سخن با «مشرکان و بت‌پرستان» است، و به همین مناسبت گاهی رشته‌ی بحث به اعمال و کردار و بدعت‌های مشرکان می‌کشد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی مبارکه‌ی انعام با ذکر رحمت خداوند، خاتمه یافت. در آغاز سوره‌ی اعراف نیز قرآن کریم توصیف شده است، قرآنی که بزرگ‌ترین رحمت خداوند است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۶ بخش است:

۱. توجه به کتب آسمانی: (۱ - ۱۰)
۲. قصه‌ی آدم و شیطان: (۱۱ - ۲۵)
۳. توصیه به فرزندان آدم!: (۲۶ - ۳۶)

۴. عاقبت افترا زندگان به خداوند: (۳۷ - ۴۳)
۵. گفتگوی بهشتیان و دوزخیان و أعراف نشینان: (۴۴ - ۵۳)
۶. عبادت خالصانه: (۵۴ - ۵۸)
۷. تقابل مستکبرین با انبیا (نوح، هود، صالح، لوط، شعیب): (۵۹ - ۱۰۲)
۸. قصه‌ی مفصل حضرت موسی و بنی‌اسرائیل: (۱۰۳ - ۱۷۱)
۹. پیمان فطرت (عالم ذر): (۱۷۲ - ۱۷۴)
۱۰. قصه‌ی بلعم بن باعورا: (۱۷۵ - ۱۷۸)
۱۱. صفات دوزخیان و بهشتیان: (۱۷۹ - ۱۸۳)
۱۲. آیا نمی‌اندیشید؟! (۱۸۴ - ۱۸۶)
۱۳. بهانه جویی‌های مشرکین: (۱۸۷ - ۱۸۸)
۱۴. معبودهای بی‌خاصیت!: (۱۸۹ - ۱۹۸)
۱۵. چهار شرط تبلیغ: (۱۹۹ - ۲۰۳)
۱۶. ادب تلاوت و ذکر: (۲۰۴ - ۲۰۶)

ارتباط آیات

۱. قرآن کتابی است که از ناحیه‌ی خداوند نازل شده است لذا باید بدون نگرانی از ناحیه مخالفین، مورد تبعیت قرار گیرد تا از محکمه‌ی الهی که برای همه‌ی پیامبران و امت‌ها تشکیل می‌شود سعادت‌مند خارج شد و زیانکار نگشت. (۱ - ۹)
۲. قرآن برای انسان نازل شده است؛ برای انسان امکانات فراوانی در زمین آماده شده است و در آسمان نیز مسجود ملائک قرار گرفته است و شیطان به خاطر عدم تعظیم انسان از آسمان‌ها رانده شد و بعد سوگند یاد کرد که به انسان از هر طرف حمله کند تا در نهایت گمراهش نماید و به عنوان اولین دستور کاریش آدم و حوّا را نشانه رفت. (۱۰ - ۲۵)
۳. خداوند از آنچه بر سر آدم و حوّا آمد درس‌های اصولی هفتگانه‌ای را برای انسان تدارک دید، او به فرزندان آدم توصیه کرد که:
 - الف) مواظب شیطان باشید که بلایی که سر پدر و مادر شما آورد سر شما نیاورد.
 - ب) از پیشینیان‌تان عبرت بگیرید. کارهای زشت آن‌ها را انجام ندهید. کارهای زشتتان را منسوب به آن‌ها نکنید. نگویید «خداوند ما را به آن (زشتیها) امر نموده است»!! این استناد به غیر علم است. (پدر و مادر شما با استناد به سخن شیطان، قبول کردند که خداوند، آن درخت را برای این ممنوع ساخته است که آن‌دو فرشته و یا جاویدان در بهشت نباشند، این استناد حقیقتی به خداوند به صرف سخن شیطان است).
 - ج) تا می‌توانید در همه‌ی زمینه‌ها عادل باشید.
 - د) خداوند را خالصانه و پرشکوه عبادت کنید و (و همانطور که به پدر و مادرتان گفتیم) بخورید و بیاشامید ولی حد نگه دارید. اصولا در دنیا، نه دنیا را فراموش کنید نه آخرت

را، یعنی امور آخرتی خود را نیز با زینت دنیایی در آمیزید. (لذا خداوند به آدم و حوّا فرمود: «هر چه می‌خواهید بخورید فقط نزدیک این درخت نشوید!»)
(ه) مواظب همه‌ی مراتب گناه و ستم باشید و هیچ چیز را در عرض خداوند قرار ندهید (گوش دادن به سخن شیطان، به نوعی شریک قائل شدن برای خداوند در صفت «مطاع» بودن است).

(و) برای هر گروهی پایانی است (آدم و حوّا نیز یک گروه را تشکیل می‌دادند و اجلشان در بهشت سر رسید، باید مراقب باشید وقتی اجلتان رسید، عاقبت کارتان با رضایت خداوند همراه باشد).

(ز) پیامبران زیادی از میان خودتان برانگیخته می‌شوند و برای شما آیات الهی را آرام آرام باز می‌گویند (که از آن جمله قصّه‌ی انبیا و قصّه‌ی آدم و حوّا است). شما تحت تأثیر این آیات، بیش‌تر مراقب شیطان باشید و اگر لغزیدید به دنبال جبران باشید. (۲۶ - ۳۶)

۴. به دنبال توصیه‌هایی که خداوند به فرزندان آدم فرمود، بحث به این جا انجامید که: «آیات الهی را تکذیب نکنید!» از اینجا به بعد وضعیت تکذیب کنندگان آیات الهی را از هنگام مرگ تا حضور در صحرای محشر مطرح می‌شود و به بهشت رفتن آن‌ها را مشروط به داخل شدن شتر به روزن سوزن می‌کند!! و بعد به وضعیت بهشتیان پرداخته و در ادامه از گروه اعراف که کفه‌ی اعمال بد و خوبشان مساوی است، سخن می‌گوید و همچنین گفتگوی بین دوزخیان و بهشتیان را مطرح می‌سازد و در ادامه نتیجه می‌گیرد که دوزخیان، نسبت به خداوند شناخت درستی نداشته و امور خودساخته‌ای را به او افترا می‌بستند.

شناخت درست از خداوند چیست؟ این است که خداوند، جهان هستی را با همه‌ی پدیده‌های شگفت آن در شش مرحله آفرید، پس باید به این خداوند «دست مریزاد» گفت و با اظهار نیاز و در پنهانی با او ارتباط صمیمانه برقرار نمود. و از طرفی زمین را آلوده به انواع فساد نکرد و خوف و طمع را متمرکز در درخواست از خداوند نمود (خوف و طمع دو عامل اساسی نابودی جهان توسط انسان است). نگاه کنید زمین چه با صفا و پر طراوت است! خرابش نکنید!
(۳۷ - ۵۸)

۵. پس از این که خداوند بحث از آلوده نکردن زمین را به میان آورد، بسیار مناسب می‌نمود که از اقوامی و افرادی سخن به میان آورد که زمین را آلوده نمودند و چاره‌ای نبود جز آن که خداوند زمین را از لوث وجود آن‌ها پاک نماید و این کار تحقق یافت.

(الف) ابتدا از تطهیر همه‌ی زمین از تنها گروه در زمین، که قوم حضرت نوح بودند سخن به میان می‌آید.

(ب) بعد، از اقوامی سخن گفته می‌شود که هر کدام در جایی از زمین زندگی می‌کردند و انبیای خود را تکذیب نمودند و دست مهربانی خداوند را پس زدند و خداوند همه‌ی آن‌ها را با عذاب‌های گوناگون نابود ساخت. مثل قوم عاد و ثمود و لوط و مدین و فرعون.

ج) آنگاه از بنی اسرائیلی بحث می‌شود که پس از مدارا کردن‌های فراوان بالاخره به عذاب الهی گرفتار آمدند و در صحرای «تیه» چهل سال سرگردان شدند و در نهایت نسل نخستین آن‌ها از بین رفت.

د) در ادامه از افرادی مثل بلعم بن باعورا سخن به میان آورد که از دین حضرت موسی بیرون آمد و به عذاب الهی دچار شد.

در آخر این فصل قرآن نتیجه می‌گیرد تنها کسانی هدایت یافته‌اند که به هدایت الهی که از طریق انبیا قابل وصول است هدایت شده باشند و مابقی که قلبی نفهم و چشمی کور و گوشی کر دارند و بدتر از چهارپایان هستند به دوزخ خواهند رفت. و هرچند در دنیا مهلتی داده شده‌اند ولی این نقشه‌ای است که خداوند برای آن‌ها کشیده است. آن‌ها به تمسخر، مدام از تاریخ قیامت و پایان مهلت خود می‌پرسند و حال آن که پیامبر از زمان قیامت که جزو علوم غیب است خبری ندارد و تنها هشدار و بشارت می‌دهد هر چند تنها مؤمنین از آن بهره‌مند می‌شوند. (۵۹ - ۱۸۸)

۶. در آیات ۱۷۲ تا ۱۷۴ در فصل قبل، اشاره به عالم ذر دارد و قبل از پرداختن به قصه‌ی بلعم به این حقیقت اشاره می‌کند که خداوند و دستورات اصولی او جزو فطریات انسان‌ها است. و اگر اقوام پیشین هلاک شدند چون به فطرت خود در افتادند. به همین مناسبت قصه‌ی بلعم را ذکر می‌کند تا روشن شود عالمی مثل بلعم که مستجاب الدعوه بود، چون با فطرت خود در ستیز شد عاقبتی این چنین پیدا کرد. پس مواظب باشید! و بدانید مقامات معنوی دنیوی نیز مانع نخواهد شد انسان در چنگال شیطان اسیر نباشد و نشود. (۱۷۲ - ۱۷۴)

۷. برای این که هشدارها و بشارت‌های انبیا تأثیر کند باید فطرت خدایی را رشد داد. فطرت خدایی هنگام بروز مشکلات، خداوند را به یاد انسان می‌آورد و انسان، خارج از همه‌ی لجاجت‌ها، آن را پذیرفته و به او پناهنده می‌شود. آن وقت اقرار می‌کند که: «از معبودهای مجازی کاری بر نمی‌آید!» ولی وقتی مشکلات تمام می‌شود باز نسبت به دعوتگران هدایت چموشی می‌نماید. (۱۸۷ - ۱۹۸)

۸. سوره‌ی اعراف، خلاصه‌ای از تاریخ برخورد انبیا را با امت‌هایشان از ابتدای خلقت آدم تا پیامبر خاتم بررسی نمود و در پایان چند توصیه‌ی اساسی به همه‌ی رهبران دینی می‌کند:

الف) مدارا نمودن با گمراهان.

ب) مدام فرمان به خوبی‌ها دادن.

ج) توجه نکردن به انسان‌های احمق و نادان.

د) پرهیز جدی از دام‌های شیطان.

ه) توجه شایان به قرآن.

و) ذکر مدام در همه‌ی حالات و همه‌ی زمان‌ها. (۱۹۹ - ۲۰۶)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سوره‌ی اعراف را بخواند، خداوند میان او و شیطان پرده‌ای قرار می‌دهد و روز قیامت حضرت آدم شفیع اوست.^{۷۰}

امام صادق (علیه السلام):

هر کس سوره‌ی اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت از کسانی خواهد بود که نه ترسی بر آن‌ها است و نه غمی دارند (مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ). و اگر در هر جمعه بخواند، در روز قیامت از کسانی می‌باشد که بدون حساب به بهشت می‌رود. و نیز فرمود: در این سوره آیات محکمی است، قرائت و تلاوت و قیام به آن‌ها را فراموش نکنید، زیرا این‌ها روز رستاخیز در پیشگاه خدا برای کسانی که آن‌ها را خوانده‌اند گواهی می‌دهند!^{۷۱}

نکته‌ای که از روایت فوق به خوبی استفاده می‌شود، این است که روایاتی که درباره‌ی فضیلت سوره‌ها آمده است به این معنی نیست که تنها قرائت این سوره‌ها دارای آن همه نتایج و ثمرات بزرگ است، بلکه آنچه به این خواندن ارزش نهایی می‌بخشد همان ایمان به مفاد آن‌ها و سپس عمل کردن بر طبق آن است.

و لذا در روایت فوق می‌خوانیم «قرائتها و تلاوتها و القیام بها»، و نیز در همین روایت می‌خوانیم که فرمود: کسی که این سوره را بخواند، در قیامت مصداق (الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ) است و این در حقیقت اشاره لطیفی به آیه‌ی ۳۵ همین سوره است که می‌فرماید: «فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ / آن‌ها که تقوا پیشه کنند و (خویش و جامعه را) اصلاح نمایند، نه ترسی خواهند داشت و نه غمی».

راغب اصفهانی در کتاب «المفردات»، در ذیل ماده‌ی تلاوت می‌گوید مراد از (يَتْلَوْنَ حَقًّا تِلَاوَتَهُ)^{۷۲} این است که با علم و عمل از آیات قرآن، پیروی می‌کنند یعنی تلاوت مفهومی بالاتر از مفهوم قرائت دارد و با یک نوع تدبّر و تفکر و عمل همراه است.

کاربرد سوره

الف، ب) ایمنی از درنده و دشمن

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس این سوره را با زعفران بنویسد و با خود همراه سازد به اذن خداوند درنده و دشمن به او نزدیک نخواهد شد.^{۷۳}

أنفال (۸)

نام سوره

نام سوره از آیه‌ی نخست آن گرفته شده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ».

«نفل» به معنی غنیمت است. در حدیث آمده است که «أنفال» هر چیزی است که بدون قتال از منطقه‌ای که مردمانش در جنگ با مسلمین هستند به دست آید و هر زمینی است که مردم آن بدون جنگ از آنجا بروند و فقها چنین زمینی را «فَیء» گویند. املاک پادشاهان هرگاه آن را غصب نکرده باشند و بیشه‌ها و نیزارها و درون خشک‌رودها و زمین‌های موات از این زمره می‌باشند.

می‌توان أنفال را به طور موجز چنین تعریف کرد: أنفال هر چیزی است که از ملکیت خصوصی آزاد می‌شود و به ملکیت عمومی در می‌آید و در دست امام امت قرار می‌گیرد. در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) طبعاً در دست آن حضرت قرار می‌گرفت. نام «بدر» نیز با توجه به شأن نزول این سوره، برای آن گرفته شده است.

تعداد آیات

تعداد آیات آن به نظر بصری ۷۶، و به نظر کوفی ۷۵ آیه است:
بصری هر کدام از «ثُمَّ يُغْلَبُونَ» (۳۶) و «مَفْعُولاً» اَوَّل (۴۲) را یک آیه شمرده‌اند.
کوفی، «بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (۶۲) را آیه می‌داند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و دویست و سی و یک.
تعداد حروف: پنج هزار و دویست و نود و چهار.

محل نزول

این سوره مدنی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مکی است:

- ۱- آیه ۳۰ (وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ...) مکی است زیرا در قصه‌ی دارالندوة نازل شده است که در آنجا مشرکین برای قتل پیامبر توطئه نمودند. پاسخ: آیه‌ای در رابطه با قصه‌ای دلیل نمی‌شود که آن آیه در همان زمان و مکان نازل شده باشد. خصوصا این که آیه با «اذ» شروع است که مربوط به زمان گذشته است.
- ۲- آیه ۳۳ (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ...) مکی است زیرا در شأن مشرکین مکه نازل شده است.

پاسخ: شأن نزول این آیه نیز مانند آیه‌ی قبل دلیلی بر نزول آیه در مکه نیست. بلکه می‌تواند در مدینه نازل شده باشد و خبر از اموری بدهد که قبلا در مکه واقع شده است. ظاهر آیه حکایت از این دارد که مشرکین مکه عذاب نمی‌شوند زیرا عده‌ای از مسلمانان که نتوانستند هجرت کنند هنوز در آنجا ساکن هستند و آن‌ها اهل استغفار می‌باشند. (وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ).

۳- آیه ۶۴ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) مکی است زیرا درباره‌ی عمر بن خطاب نازل شده است. از خود او نقل شده که من چهارمین از چهل نفری بودم که ایمان آوردم و بعد خداوند این آیه را نازل نمود!

پاسخ: اولاً: این شأن نزول با آنچه بعضی دیگر از اهل سنت نقل می‌کنند منافات دارد. آن‌ها می‌گویند این آیه در جنگ بدر نازل شده است و بعضی دیگر می‌گویند در قصه‌ی بنی‌نظیر و بنی‌قریظه نازل شده است.

ثانیا: سیاق آیه با توجه به آیات قبل تحریک مسلمین بر جهاد است که کاملا متناسب با نزول در مدینه است.

ثالثا: وجود چهل مرد، نمی‌تواند به مسلمین قدرت و عزت بدهد و لذاست که امر به هجرت به حبشه و بعد از آن امر به هجرت به مدینه شدند. بنابر این معنی ندارد خداوند در مکه به پیامبرش بفرماید: «تو را مؤمنین (یعنی همین چهل نفر) بس است!» البته آیه طبق شأن نزول ادعایی، زمانی نازل شده است که چهار نفر بیش‌تر ایمان نیاورده بودند!!

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۸۹

سوره‌ی قبل: آل عمران

سوره‌ی بعد: احزاب

تاریخ نزول آن پس از جنگ بدر است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۱ بخش است:

۱. صفات مؤمنین: (۱ - ۶)
۲. غزوه‌ی بدر (۱): (۷ - ۱۹)
۳. اطاعت از رهبری: (۲۰ - ۲۹)
۴. لیلۃ المبیّت: (۳۰ - ۴۰)
۵. غزوه‌ی بدر (۲): (۳۶ - ۴۹)
۶. سرانجام معاصی: (۵۰ - ۵۵)
۷. یهود پیمان شکن: (۵۶ - ۵۹)
۸. شرط صلح: (۶۰ - ۶۴)
۹. جهاد: (۶۵ - ۶۶)
۱۰. حکم فقهی (برخورد با اسیران جنگی): (۶۷ - ۷۱)
۱۱. طبقات مختلف انصار و مهاجرین: (۷۲ - ۷۵)

محتوای سوره

مباحث بسیار مهمی در این سوره مطرح شده است:

نخست اشاره به بخش مهمی از مسائل مالی اسلام از جمله انفال و غنائم که پشتوانه‌ی مهمی برای بیت المال محسوب می‌گردد، شده است.

سپس مباحث دیگری مطرح شده است، مانند:

۱. صفات و امتیازات مؤمنان واقعی، و داستان جنگ بدر، یعنی نخستین برخورد مسلحانه‌ی مسلمانان با دشمنان، و حوادث عجیب و عبرت‌انگیزی که در این جنگ واقع شد.
۲. قسمت قابل ملاحظه‌ای از احکام جهاد و وظایف مسلمانان در برابر حملات پی‌گیر دشمن.

۳. جریان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و داستان آن شب تاریخی هجرت (لیلۃ المبیّت).

۴. وضع مشرکان و خرافات آن‌ها قبل از اسلام.

۵. چگونگی ضعف و ناتوانی مسلمانان در آغاز کار، و سپس تقویت آن‌ها در پرتو اسلام.

۶. حکم خمس و چگونگی تقسیم آن.

۷. لزوم آمادگی رزمی و سیاسی و اجتماعی برای جهاد در هر زمان و مکان.

۸. برتری نیروهای معنوی مسلمانان بر دشمن، به رغم کمبود ظاهری نفرات آن‌ها.

۹. حکم اسیران جنگی و طرز رفتار با آن‌ها.

۱۰. هجرت‌کنندگان و آن‌ها که هجرت نکرده‌اند.

۱۱. مبارزه و درگیری با منافقان و راه شناخت آن‌ها.

۱۲. و بالاخره یک سلسله مسائل اخلاقی و اجتماعی سازنده دیگر.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در سوره‌ی اعراف، داستان انبیا ذکر شد و در پایان آن از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وصفی به میان آمد. اکنون سوره‌ی انفال نیز با نام ایشان و ماجرای که میان آن بزرگوار و مردم روی داد، آغاز می‌شود.

ارتباط آیات

۱. مؤمنین در تقسیم غنائم جنگ بدر و در اصل این جنگ به‌خصوص آن زمان که بعضی نظرشان بر جنگ در داخل شهر بود، اطاعت از رسول کردند و خداوند نیز آنچنان آنان را یاری کرد که «بدریان» نشان بزرگ «مجاهد فی سبیل الله» را دریافت نمودند. در هیچ مبارزه بین دو جبهه‌ی حق و باطل، این قدر دست قدرت خداوند به عیان دیده نشد. لذا بخش نخست از سوره‌ی انفال با «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» شروع شده و با «إِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ» ادامه یافته و با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» به پایان خود نزدیک می‌شود. در انتهای این بخش به شدت مؤمنین را از همانندی با کفار - که بدترین موجودات هستی می‌باشند - پرهیز می‌دهد و به مؤمنین سفارش می‌کند که: «مدام آماده لبیک گویی به فرامین رسول باشید. و همیشه به‌یاد بیاورید که اطاعت چقدر در شوکت آن‌ها نقش اساسی داشته است». (قسمت دوم قصه‌ی جنگ بدر از آیه‌ی ۴۱ به بعد آمده است) (۱ - ۲۶)

۲. خیانت، آن روی سکه‌ی اطاعت است. لذا آنچه سبب خیانت است وابستگی به خانواده و دارایی است. این وابستگی انسان را از تقوا دور نموده و آن وقت دیگر فرد نمی‌تواند درست را از غلط در کارهایش تشخیص دهد و لذا خطاهایش بی آن که بخشیده شود روی هم انبار شده و در آن زمان است که خیانت به جامعه‌ی اسلامی تحقق می‌یابد. سوره‌ی انفال با این مقدمه سراغ قصه‌ی بنی قریظه می‌رود و می‌گوید: این قصه دو سو دارد: یک سو مربوط به افشای راز جنگی از سوی یک از مسلمانان به نام ابو لبابه است و سوی دوم آن عهد شکنی یهودیان بنی قریظه در بی طرف بودن در جنگ مسلمین با مشرکین است. سوی دوم این ماجرا در آیات ۵۵ به بعد آمده است. (۲۷ - ۲۹)

۳. سوره‌ی انفال در یک حرکت از بالا به پایین آیات خود را از اطاعت مؤمنین ارزشمند شروع نمود و بعد خیانت مؤمنین ضعیف را مطرح کرد و در ادامه بحث را به مکر مشرکین مگه برای کشتن پیامبر اسلام می‌کشاند: مشرکین مگه در رفتار خلاف منطق خود، تابع تفکرات غیر منطقی در برخورد با دین جدید بودند. آن‌ها مدعی بودند که می‌توانند مثل قرآن بیاورند و در وقتی دیگر از خداوند طلب می‌کردند که اگر این دین حق است بر آن‌ها عذاب نازل شود. آن‌ها دلگرم این بودند که چون اهل مگه هستند و خانه خداوند را پاسبانی نموده و گرد آن طواف می‌کنند پس عذابی بر آن‌ها نازل نشده و کذب سخنان پیامبر روشن می‌شود. خداوند در پاسخ

آن‌ها فرمود: «شما کاملاً استحقاق عذاب را دارید ولی تا زمانی که پیامبر در میان شما باشد این عذاب تحقق نمی‌یابد». بعد از هجرت پیامبر از مکه، عذاب الهی بر آن‌ها فرود آمد و به صورت شکست‌های پی در پی نمایان شد که مهم‌ترین آن شکست در جنگ بدر با آن همه برتری نفراتی و تجهیزاتی بود.

با این حال خداوند به کفار این وعده را می‌دهد که اگر دست از نقشه‌های ساده انگاره‌ی خود برای از بین بردن اسلام بردارند، مورد غفران الهی واقع خواهند شد. و الا مسلمین دستور دارند تا از بین رفتن هم‌هی ریشه‌های فتنه با آن‌ها بجنگند. (۳۰ - ۴۰)

۴. بعد از این که سوره‌ی **انفال** گشتی در مدینه زد و حادثه‌ی بنی‌قریظه را بررسی کرد و بعد به مکه آمد و از مشرکین مکه مطالبی را مطرح نمود، دوباره به بحث جنگ بدر بازگشت. این، روش همیشگی قرآن است که در قصه‌های بلند، خستگی و یا غلبه‌ی احساسات خواننده را در نظر می‌گیرد و با ایجاد فاصله‌ای متفاوت - و البته مرتبط - خواننده را کمک می‌کند تا آیات الهی را با جذابیتِ تفکر برانگیز مناسبی، مطالعه کند. قسمت نخست آیات مربوط به جنگ بدر با بحث غنائم آن جنگ شروع شد، قسمت دوم آن نیز با همین بحث آغاز می‌شود و خمس غنائم را مطرح می‌کند. گرچه غنائم در آیه‌ی مورد بحث (آیه‌ی ۴۱) اختصاص به غنیمت‌ها و بهره‌های از جنگ ندارد و مطلق بهره‌های اقتصادی را شامل می‌شود. (۴۱ - ۴۹)

۵. کافرین، چه در میدان جنگ کشته شوند و یا در بستر بمیرند، فرشتگان مرگ از آن‌ها با عذابی سخت استقبال می‌کنند. آن‌گونه که با هم‌هی کفار امت‌های پیشین برخورد نموده‌اند. در این میان کفار عهدشکن (مانند یهودیان بنی‌قریظه) وضعیتی بدتر دارند. با آن‌ها نه تنها هنگام مرگ بلکه قبل از آن نیز باید با شدیدترین سختگیری برخورد نمود و از هم‌هی امکانات در تقابل با آن‌ها باید بهره جست. البته نباید بوی خون شامه را پر سازد بلکه آن‌ها اگر به راستی از سر صلح درآمدند باید برایشان بال گشود! (إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا) (۵۰ - ۶۲)

۶. مهم‌ترین دارایی هر حکومتی مردمی هستند که وفادار به آن حکومت هستند و در این میان حکومت اسلامی وضعیتی برتر دارد زیرا مردمش، مؤمنینی هستند که خداوند قلب‌هایشان را به یکدیگر نزدیک ساخته لذا به راحتی با تهییج پیامبر تشویق شده و بسته به میزان ایمانشان از «یک به ده» تا «یک به دو» می‌توانند دشمنان را مغلوب کنند. (۶۲ - ۶۶)

۷. یکی از احکام جنگ نگرفتن اسیر در حین جنگ است. و زمانی که اسیری گرفته شد می‌توان او را در ازای پولی که خانواده‌اش می‌پردازند آزاد نمود. و در صورتی که پولی پرداخت نشد به آن‌ها اسلام عرضه شود تا از مزایای مادی و معنوی مسلمانی بهره‌مند گردند؛ منتها باید مواظب بود که آن‌ها از این فرصت سوء استفاده ننموده و خیانت نکنند. (۶۷ - ۷۱)

۸. آیات آخر سوره‌ی **انفال** بحثی را درباره‌ی مهاجرین و انصار و گروه‌های دیگر مسلمین و ارزش وجودی هر یک از آنان، مطرح کرده و بحث‌های گذشته را که پیرامون جهاد و مجاهدان بود بدین‌وسیله تکمیل می‌کند. به تعبیر دیگر در این آیات نظام جامعه‌ی اسلامی از نظر پیوندهای مختلف بیان شده است، زیرا برنامه‌ی جنگ و صلح مانند سایر برنامه‌های عمومی

بدون در نظر گرفتن یک پیوند صحیح اجتماعی ممکن نیست. در این آیات از چهار گروه از مسلمانان سخن به میان آمده است؛ که عبارتند از: مهاجران نخستین؛ انصار و یاران مدینه؛ آن‌ها که ایمان آوردند ولی مهاجرت نکردند؛ آن‌ها که بعداً ایمان آوردند و به مهاجران پیوستند. (۷۲ - ۷۵)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی **انفال** و **برائت** را بخواند من در روز رستاخیز، شفیع و شاهد اویم. چنین کسی از نفاق دور است و به شمار هر زن و مرد منافق در دنیا ده حسنه به او داده می‌شود و ده بدی از او برکنار می‌گردد و ده درجه بالا می‌رود و عرش و حاملان آن در روزگار حیاتش بر او درود می‌فرستند.^{۷۴}

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی **انفال** و **برائت** را در هر ماه بخواند، هرگز روح نفاق در وجود او وارد نخواهد شد و از پیروان حقیقی امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) خواهد بود و در روز رستاخیز از مائده‌های بهشتی با آن‌ها بهره می‌گیرد، تا مردم از حساب خویش فارغ شوند.^{۷۵} همانطور که سابقاً هم اشاره شد فضائل سوره‌های قرآن و پاداش‌های بزرگی که به تلاوت‌کنندگان وعده داده شده تنها در پرتو خواندن الفاظ آن به دست نمی‌آید، بلکه خواندن مقدمه‌ای است برای اندیشه، و اندیشه وسیله‌ای است برای فهم، و فهم مقدمه‌ای است برای عمل، و از آنجا که در سوره‌ی **انفال** و **برائت**، صفات منافقان و همچنین مؤمنان راستین تشریح شده، آن‌ها که آن‌را بخوانند و در زندگی خود پیاده کنند هیچ‌گاه گرفتار روح نفاق نخواهند شد. و همچنین از آنجا که در این دو سوره به صفات مجاهدان راستین و گوشه‌ای از فداکاری‌های سرور مجاهدان علی (علیه‌السلام) اشاره شده، آن‌ها که محتویات این دو سوره را درک و اجرا نمایند از شیعیان راستین امیرمؤمنان (علیه‌السلام) خواهند بود.

کاربرد سوره

برای گرفتن حق خود از صاحب قدرت

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و به خود بیاویزد، نزد هیچ حاکمی نمی‌رود مگر این که حقش را از او می‌گیرد و حاجتش برآورده می‌شود... در نهایت با سرور از نزد او خارج می‌شود.^{۷۶}

نکته: سوره‌ی ولایی

محمد بن مسلم از امام باقر (علیه‌السلام) نقل کرده است که: در سوره‌ی **انفال** قطع بینی‌هاست.^{۷۷}

سوره‌ی انفال مشتمل بر آیه‌ی خُمس است و یکی از ادله‌ی بر امامت است که بینی مخالفین را بر خاک مالیده و آن‌ها را سر جایشان می‌نشاند.

توبه (۹)

نام سوره

نام این سوره برگرفته از آیه‌ی ۱۱۸ است که توبه‌ی آن سه نفری را طرح می‌کند که در جنگ تبوک شرکت نجستند: «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ/ و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند، [و قبول توبه‌ی آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه‌ی فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است.»

نام دیگر معروف این سوره «براءة» است که برگرفته از آیه‌ی نخست این سوره است: «بِرَاءةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.»

در احادیث و سخنان مفسرین این سوره دارای چند توصیف است:

۱. «فاضحة» (رسواکننده): سعید بن جبیر گوید: پیش ابن عباس نام سوره‌ی توبه را بر زبان جاری کردم. گفت: این سوره‌ی فاضحه است، زیرا همچنان آیات (این سوره) درباره‌ی آنان - منافقین - پشت سر هم نازل شد تا جایی که ما ترسیدیم نام هیچ یک از آنان را نیز باقی نگذارد، و خلاصه بدان جهت آن را بدین اسم نامیدند که موجب رسوایی منافقین گشت.
۲. «مبعثرة» (کاونده): ابن عباس گوید: وجه تسمیه‌ی بدین نام آنست که از اسرار درونی منافقان کاوش می‌کند.

۳. «مقشقه» (رهاننده): ابن عباس گوید: آن را بدین نام خواندند به خاطر آنکه هر که بدان ایمان داشته باشد، از نفاق و شرک رها گردد زیرا در این سوره دعوت به اخلاص شده، و در حدیث است که سوره‌ی «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را «مقششان» می‌نامیدند، و این نام به همان خاطر بود که این دو سوره، انسان را از شرک می‌رهاند.

۴. «بحوث» (کاونده) أبو ایوب انصاری وجه تسمیه‌ی بدین نام را نیز همان کاوش از اسرار منافقان ذکر کرده.
۵. «مدمدمه» (نابودکننده) چون «مدمدم» به معنای هلاکت آمده و آیه‌ی: «فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ...»^{۷۸} نیز به همین معنا است.
۶. «حافرة» (آشکارکننده) چون از روی مقاصد قبلی منافقین پرده برداشته و آنچه در دل مستور می‌داشتند آشکار ساخت.
۷. «مشیره» (افشاکننده) به خاطر آنکه زشتی‌ها و رسوایی‌های منافقان را برملا می‌سازد. و این وجه از قتاده نقل شده است.
۸. «سوره‌ی عذاب» و این را حذیفه ذکر کرده به خاطر آنکه درباره‌ی عذاب کافران نازل گشته. و عاصم به سندش از حذیفه روایت کرده که گفته: مردم این سوره را سوره‌ی توبه نامند، ولی سوره‌ی عذاب است.^{۷۹}

تعداد آیات

تعداد آیات آن در مکتب کوفی ۱۲۹، و در مکتب بصری ۱۳۰ آیه است، زیرا:
بصری‌ها «بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۳) را آیه‌ای مستقل دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: دو هزار و چهارصد و نود و هفت.
تعداد حروف: ده هزار و یکصد و هشتاد و هفت.

محل نزول

این سوره مدنی است.

بررسی آیاتی که ادعای مکی بودن آن‌ها شده است:

۱- آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ که در رابطه با نهی از استغفار برای مشرکین است. در روایتی از طریق اهل سنت آمده است که پیامبر در وقت مرگ ابوطالب تلاش می‌کرد تا شهادتین را به او تلقین کند ولی مشرکینی که آنجا بودند او را از پذیرش اسلام منع می‌کردند و در نهایت هم ابوطالب گفت من طبق دین عبدالمطلب می‌میرم و شهادتین نگفت. پیامبر فرمود: من برای تو تا زمانی که نهی نشوم، استغفار خواهم کرد.

همچنین گفته شده است آیات فوق زمانی نازل شد که حضرت می‌خواست برای پدرش استغفار کند و نیز برای مادرش وقتی که از خداوند اجازه‌ی زیارت قبر او را گرفت و خداوند این اجازه را به او داد! با نزول این آیات خداوند پیامبر را منع کرد از این که برای پدر و مادرش مشرکش!! استغفار کند.

پاسخ: خداوند بکشد عصبیت جاهلی را! پدر و مادر و همچنین ابوطالب بزرگ‌ترین حامی پیامبر را مشرک اعلان می‌کنند تا فضیلت بزرگی را از بنی‌هاشم غصب کنند و پدران معصومین (علیهم‌السلام) را همچون پدران مشرک خود، معرفی کنند. و حال آن که آن‌ها از اصلاّب شامخه و ارحام مطهره پا به عرصه گیتی نهاده‌اند. آیا خداوند درباره‌ی کسانی که پیامبر را پناه دادند نمی‌فرماید: «الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أَوْلِيكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ/ کسانی که آن‌ها را پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود.» (انفال: ۷۴)

(آیا خداوند مغفرت خود را به کسانی که پیامبر را پناه دادند وعده نداده است؟ پس چگونه می‌شود که پیامبر وقتی از خداوند می‌خواهد به همین وعده‌اش درباره‌ی آمرزیدن ابوطالب عمل کند، مورد نهی او قرار می‌گیرد؟! آیا این تناقض در قرآن نیست؟!)

اما شأن نزول درست آیات فوق طبق نقل مرحوم طبرسی در مجمع البیان این است که: مسلمین نزد پیامبر می‌آمدند و از ایشان می‌خواستند تا برای پدرانشان که بر کفر یا نفاق مرده‌اند دعا کند و سؤال می‌کردند که: «آیا ما نباید برای مردگان خود که در عصر جاهلی مرده‌اند استغفار کنیم؟!» در پاسخ به اینان آیات فوق نازل شد.

چیزی که دلالت بر صحت این شأن نزول می‌کند این است که مؤمنین و پیامبر را کنار هم مورد خطاب قرار داده است: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَ لَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ/ بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که برای مشرکان - پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند - طلب آمرزش کنند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند.» (توبه: ۱۱۳)

۲- دو آیه‌ی آخر این سوره در مکه نازل شده است. ظاهراً علت این مکی دانستن این آیات این باشد که خداوند می‌فرماید: اگر کفار از تو اعراض نمودند تو به خداوند توکل کن! و این لحن با آیات مکی سازگاری دارد.

پاسخ: آیات سوره‌ی براءت از آخرین آیاتی است که بر پیامبر در مدینه نازل شده است بنابراین هیچ وجهی ندارد این دو آیه از زمان نزولشان در مکه همچنان معطل بمانند تا سال آخر هجرت و بعد وارد سوره‌ی مورد نظر خداوند شوند.

در مقابل قول فوق، قولی دیگر می‌گوید: این دو آیه آخرین آیاتی است که بر پیامبر نازل شده است.^{۸۰}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۱۱۴

سوره‌ی قبل: فتح

سوره‌ی بعد: -

تاریخ نزول آن، ما بین جنگ تبوک و رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

شأن نزول

این سوره آخرین سوره یا از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مدینه نازل گردید، و همان‌گونه که گفتیم دارای ۱۲۹ آیه است. آغاز نزول آن را در سال نهم هجرت می‌دانند، و مطالعه‌ی آیات سوره نشان می‌دهد که قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک، و قسمتی به هنگام آمادگی برای جنگ، و بخش دیگری از آن، پس از مراجعت از جنگ نازل شده است. از آغاز سوره تا آیه‌ی ۲۸، قبل از فرا رسیدن مراسم حج نازل گردیده، و همانطور که شرح آن به خواست خدا خواهد آمد، آیات آغاز این سوره که پیرامون وضع باقی‌مانده مشرکان بود در مراسم حج به وسیله‌ی امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) به مردم ابلاغ شد.

محتوای سوره

از آنجا که این سوره به هنگام اوج گرفتن در جزیره‌ی عرب و پس از در هم شکسته شدن آخرین مقاومت مشرکان نازل گردیده، محتوای آن دارای اهمیت ویژه و فرازهای حساسی است. قسمت مهمی از آن پیرامون باقی‌مانده‌ی مشرکان و بت‌پرستان و قطع رابطه‌ی با آن‌ها، و الغای پیمان‌هایی است که با مسلمانان داشتند (به خاطر نقض مکرر این پیمان‌ها از طرف آنان) تا بقایای بت‌پرستی برای همیشه از محیط اسلام برچیده شود. و از آنجا که با گسترش اسلام و در هم شکسته شدن صفوف دشمنان، عده‌ای تغییر چهره داده، خود را در صفوف مسلمانان جای دادند، تا در فرصت مناسب به اسلام ضربه کاری زنند، قسمت مهم دیگری از این سوره از منافقان و سرنوشت آنان سخن می‌گوید، و به مسلمانان شدیداً هشدار می‌دهد و نشانه‌های منافقان را برمی‌شمرد. بخش دیگری از این سوره پیرامون اهمیت جهاد در راه خدا است، زیرا در این موقع حساس، غفلت از این موضوع حیاتی باعث ضعف و عقب‌نشینی و یا شکست مسلمانان می‌شد. بخش مهم دیگری از این سوره به عنوان تکمیل بحث‌های گذشته، از انحراف اهل کتاب (یهود و نصاری) از حقیقت توحید، و انحراف دانشمندانشان از وظیفه‌ی رهبری و روشنگری سخن می‌گوید. و نیز در آیات دیگری به تناسب بحث‌های مربوط به جهاد، مسلمانان را به اتحاد و فشرده‌گی صفوف دعوت می‌کند، و متخلفین یعنی افراد سست و تنبلی را که به بهانه‌های مختلف شانه از زیر بار وظیفه‌ی جهاد تهی می‌کردند شدیداً سرزنش و ملامت کرده، و به عکس از مهاجرین نخستین و سایر مؤمنان راستین مدح و ستایش می‌کند. و از آنجا که جامعه‌ی گسترده‌ی اسلامی در آن روز نیازهای مختلفی پیدا کرده بود، که می‌بایست برطرف گردد، به همین مناسبت بحثی از زکات، و پرهیز از تراکم ثروت و گنجینه نمودن آن، و لزوم تحصیل علم، و وجوب تعلیم افراد نادان را یادآور می‌شود.

علاوه بر مباحث فوق، مباحث دیگری مانند داستان هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، مسأله‌ی ماه‌های حرام که جنگ در آن ممنوع است، موضوع گرفتن جزیه از اقلیت‌ها و امثال آن به تناسب مطرح گردیده است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی انفال با تأکید بر ضرورت برائت از کفار پایان پذیرفت، سوره‌ی توبه نیز با همین مطلب آغاز شد و به طور تفصیل آن را بسط داد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۵ بخش است:

۱. الغای پیمان‌های مشرکین: (۱ - ۱۲)
۲. جهاد (۱): (۱۳ - ۱۶)
۳. توحید، شرط عمران مسجد: (۱۷ - ۲۲)
۴. قطع ارتباط دوستی با دوستان و خویشان مشرک: (۲۳ - ۲۴)
۵. جنگ حنین: (۲۵ - ۲۷)
۶. جهاد با اهل کتاب: (۲۸ - ۲۹)
۷. انحرافات اهل کتاب: (۳۰ - ۳۵)
۸. ماه‌های حرام: (۳۶ - ۳۷)
۹. جهاد (۲): (۳۸ - ۴۱)
۱۰. منافقین در جنگ: (۴۲ - ۹۶)
۱۱. طبقات مختلف مسلمین: (۹۷ - ۱۰۶)
۱۲. منافقین (مسجد ضرار): (۱۰۷ - ۱۱۰)
۱۳. صفات مؤمنین: (۱۱۱ - ۱۱۲)
۱۴. حکم استغفار برای مشرکین!: (۱۱۳ - ۱۱۶)
۱۵. اجر مجاهدین و عقوبت منافقین: (۱۱۷ - ۱۲۹)

ارتباط آیات

۱. سوره‌ی برائت اعلام رسمی انزجار از مشرکین و اعلان جنگ به آنهاست. بعد از آن دیگر پیمان آشتی نباید با مشرکین بسته شود هر چند پیمان‌های موجود - تا طرف مقابل آن را نقض نکرده است - به قوت خود باقی می‌ماند. مسلمین مأموریت یافتند بعد از اتمام ماه‌های حرام، هر جا مشرکین را یافتند در تقاص با رفتارهایی که با آنها داشتند به هلاکت برسانند. مگر این که کسی بخواهد درباره‌ی اسلام تحقیق کند که در آن صورت به مدینه آورده می‌شود

و بعد به جای اولش بازگردانده می‌گردد. به هر حال همیشه آغوش اسلام به روی آن‌ها که اسلام بیاورند، توبه کنند و نماز بخوانند و زکات بدهند باز است. (۱ - ۱۲)

۲. نبرد با مشرکین دو سو دارد: یک سوی آن جاری شدن عذاب خداوند بر مشرکین و خوار شدنشان و آرام شدن دل‌های ستم‌دیده‌ی مؤمنین، و سوی دیگرش آزمونی برای مسلمین. این آزمون دارای چهار جهت بود:

الف) وجود دوستان و خویشان‌شان در میان مشرکین. مسلمین باید توجه داشته باشند که خداوند و جهاد در راه او، باید برتر از دلبستگی‌های دنیوی باشد.

ب) تقدسی که بعضی از مشرکین به خاطر تولیت مسجدالحرام به دست آورده بوده بودند لذا نبرد با آن‌ها برای بعضی مسلمین سخت می‌نمود. و حال آن که مقام مؤمنی که مجاهد فی سبیل الله است از مناصب عمرانی مسجدالحرام بسیار بالاتر است.

ج) جمعیت زیاد مسلمین و غرور احتمالی آن‌ها. در قصه‌ی جنگ حنین نیز همین اتفاق افتاد و البته خداوند مهربانی کرد و آرامش را بعد از شکست اولیه به مسلمین باز گرداند و آن‌ها توانستند در آن جنگ پیروز شوند.

د) بحرانی شدن اقتصاد شهر مکه با اخراج مشرکین از این شهر. خداوند وعده داد که از فضلش مسلمین را بی‌نیاز می‌کند. (۱۳ - ۲۷)

۳. بعد از اعلان براءت از مشرکین، نوبت به اهل کتاب می‌رسد. اهل کتاب بر خلاف مشرکین می‌توانند مسلمان نباشند ولی باید به پرداخت جزیه احساس حقارت نمایند. علت این نوع برخورد با اقلیت‌های مذهبی را قرآن اینگونه توضیح می‌دهد:

الف) اینان ایمان به خداوند و روز قیامت نداشته و محرمات الهی را حرام ندانسته و متدین به دین حق نیستند.

ب) اینان غزیر و مسیح را فرزندان خداوند می‌دانند و راهب‌های خود را در حد خدایی قبول دارند.

ج) آن‌ها همه‌ی تلاششان را برای خاموش نمودن نور خدایی نموده‌اند ولی موفق نشدند.

د) اربابان کلیسا اموال مردم را به اسم‌های دروغین در اختیار گرفته و از آن برای خود گنجینه می‌سازند. گنجینه‌هایی که روز قیامت به ابزاری برای داغ نمودن بدن‌هایشان تبدیل می‌شود. (۲۸ - ۳۵)

۴. قرآن بعد از آیات مربوط به اعلان جنگ با اهل کتاب، قصه‌ی جنگ تبوک را - که نبرد با رومیان در مرز سرزمین‌های شامات است - بیان می‌کند و در مقدمه‌ی آن به ماه‌های حرام اشاره می‌کند و تأکید می‌کند جای این ماه‌ها را عوض نکنید آن‌گونه که در زمان جاهلیت این کار را می‌کردید (سنت نسیء). جنگ تبوک سیمای منافقین را به خوبی روشن ساخت. زیرا رسوایی منافقین مهم‌ترین خاصیت جنگ است. خصوصاً جنگ تبوک که باید در فصل گرما، زمان برداشت محصول، با پیمودن راه زیاد و جمعیتی نابرابر با کفار، انجام می‌گرفت.

قرآن در ضمن بیان قصه‌ی تبوک فرصت را مناسب می‌بیند تا به نشانه‌های منافقین به طور مبسوط بپردازد و قسمت اعظم آیات این سوره را به این بحث اختصاص دهد. (۳۵ - ۱۲۹)

۵. خداوند در ضمن آیات این بخش به مؤمنین گوشزد می‌کند که پیامبر نیازی به یاری شما ندارد، خداوند می‌تواند شما را با گروهی دیگر عوض کند (آن‌گونه که عرب‌های صدر اسلام با مسلمین ایرانی تعویض شده و در این زمان آن‌ها بار جهاد با یهود و نصاری را بر دوش دارند) و یا اصلاً به تنهایی از پیامبرش دفاع نماید همچنان که او را در غار هنگام هجرت به مدینه یاری کرد. (۳۹ و ۴۰)

۶. سوره‌ی براءت، اعلان بیزاری از همه‌ی مشرکین را مطرح می‌کند بسیار مناسب می‌نماید که مسأله‌ی استغفار حضرت ابراهیم برای عمویش آذر را بررسی کند زیرا این استغفار ظاهراً با براءت از مشرکین نمی‌سازد. خداوند می‌فرماید اولاً: ابراهیم استغفار نکرد بلکه وعده‌ی استغفار داد. ثانیاً: این وعده نیز مشروط به توبه‌ی آذر بود. لذا وقتی متوجه شد او توبه نخواهد کرد و راه دشمنی با خداوند را پی گرفته است از استغفار برای او پرهیز نمود، زیرا بعد از روشن شدن موضوع تبری، تخطی از آن موجب گمراهی شده و فرد از ولایت خداوند خارج می‌گردد. (۱۱۳ - ۱۱۶)

۷. سوره‌ی براءت بدون بسم الله و با خشم و غضب خدا و رسول آغاز گشت و با توصیه‌ی به توکل به خداوند در صورت پشت نمودن مسلمین از جهاد با مشرکین، پایان می‌پذیرد. (۱۲۹)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

قرآن آیه آیه و حرف حرف نازل شد جز سوره‌ی «براءة» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» که آن دو با هفتاد صف از فرشتگان (یک جا) بر من نازل شد.^{۸۱}
امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی براءت و انفال را در هر ماه بخواند، روح نفاق در او داخل نمی‌شود و از پیروان راستین علی (علیه‌السلام) خواهد بود.^{۸۲}

از آنجا که صفوف مؤمنان راستین و منافقان و خطوط اصلی زندگی آنان در این دو سوره به طرز واضحی مشخص شده، و برای آن‌ها که مرد عملند نه سخن، راه را کاملاً روشن ساخته است، بنابراین تلاوت آن‌ها به ضمیمه‌ی فهم محتوا و پیاده کردن آن در زندگی، این اثر فوق‌العاده را دارد و آن‌ها که به قرآن و آیات نورانش همانند یک افسون می‌نگرند در حقیقت از روح این کتاب تربیتی و انسان‌ساز بیگانه‌اند.

اهمیت نکات مختلفی که در این سوره به آن اشاره شده، به قدری زیاد است که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که فرمود سوره‌ی براءت و توحید با هفتاد هزار صف از صفوف ملائکه بر من نازل گردید و هر کدام اهمیت این دو سوره را توصیه می‌کردند!

کاربرد سوره

الف، ب) ایمنی از دزد و آتش سوزی
پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و در عمامه و یا کلاهش بگذارد در هر مکانی که باشد از دزد ایمن است و دزدان وقتی به او برسند از او برمی‌گردند و اگر محله‌اش آتش بگیرد، آتش به منزل او نمی‌رسد مادامی که نوشته نزدش باشد.^{۸۳}

چند نکته

۱- چرا این سوره «بسم الله» ندارد؟

پاسخ این سؤال را چگونگی شروع این سوره به ما می‌دهد، زیرا این سوره در واقع با اعلان جنگ به دشمنان پیمان شکن، و اظهار براءت و بی‌زاری و پیش گرفتن یک روش محکم و سخت در مقابل آنان آغاز شده است، و روشن‌گر خشم خداوند نسبت به این گروه است و با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که نشانه صلح و دوستی و محبت، و بیان‌کننده صفت رحمانیت و رحیمیت خداست، تناسب ندارد.

این موضوع در روایتی از علی (علیه‌السلام) نقل شده است.

گروهی نیز معتقدند این سوره در حقیقت دنباله‌ی سوره‌ی انفال است، زیرا در سوره‌ی انفال پیرامون پیمان‌ها سخن گفته شده، و در این سوره پیرامون الغای پیمان‌های پیمان‌شکنان بحث شده، لذا «بسم الله» در میان این دو ذکر نشده است! روایتی نیز در این باره از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است.

و هیچ مانعی ندارد که علت ترک «بسم الله» هر دو موضوع باشد، که به یکی در روایت نخست و به دیگری در روایت دوم اشاره شده است.

۲- آخرین سوره

بعضی گفته‌اند: آیه‌ی آخر سوره‌ی توبه «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» آخرین آیه‌ای است که از آسمان نازل شد، و آخرین سوره‌ی کاملی که نازل گشت سوره‌ی براءت بود. و همچنین گفته شده است: آخرین آیه‌ای که از آسمان نازل شد دو آیه‌ی آخر سوره براءت است.^{۸۴}

۳- یک واقعیت تاریخی که بعضی سعی دارند آن را بیوشانند..

تقریباً تمام مفسران و مورخان اتفاق نظر دارند که هنگامی که این سوره -یا آیات نخستین آن- نازل شد و پیمان‌هایی را که مشرکان با پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) داشتند لغو کرد، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای ابلاغ این فرمان، آن را به ابوبکر داد تا در موقع حج در مکه برای عموم مردم بخواند سپس آن را گرفت و به علی (علیه‌السلام) داد و علی (علیه‌السلام) مأمور ابلاغ آن گردید و در مراسم حج به همه مردم ابلاغ کرد. گرچه جزئیات و شاخ و برگ آن را متفاوت نقل کرده‌اند ولی توجه به چند نکته زیر می‌تواند حقیقتی را برای ما روشن سازد:

۱- احمد حنبل پیشوای معروف اهل سنت در کتاب مسند خود از ابن عباس چنین نقل می‌کند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فلان شخص^{۸۵} را فرستاد و سوره‌ی توبه را به او داد (تا به هنگام حج به مردم ابلاغ کند) سپس علی (علیه‌السلام) را به دنبال او فرستاد و آن را از او گرفت و فرمود: ابلاغ این سوره تنها به وسیله‌ی کسی باید باشد که او از من است و من از اویم.^{۸۶}

۲- و نیز در همان کتاب از انس بن مالک نقل می‌کند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سوره‌ی براءت را با ابوبکر فرستاد اما هنگامی که به ذی الحلیفه^{۸۷} رسید فرمود: این سوره را جز خودم یا کسی که از خاندان من است نباید ابلاغ کند. سپس آن را با علی (علیه‌السلام) فرستاد.^{۸۸}

۳- و نیز در همان کتاب به سند دیگر از علی (علیه‌السلام) نقل می‌کند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هنگامی که سوره‌ی براءت را با او فرستاد علی (علیه‌السلام) عرض کرد: ای پیامبر خدا! من خطیب و سخنور نیستم. پیامبر فرمود. چاره‌ای جز این نیست، که یا من آن را باید ببرم یا تو، علی (علیه‌السلام) گفت: اکنون که چنین است من می‌برم. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: برو که خداوند زبان تو را ثابت می‌دارد و قلب تو را هدایت می‌کند. سپس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستش را بر دهان علی (علیه‌السلام) گذارد (تا به برکت آن زبانش گویا و فصیح گردد).^{۸۹}

۴- نسایی پیشوای مشهور اهل سنت در کتاب خصائص از زید بن سبیع از علی (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سوره‌ی براءت را با ابوبکر به سوی اهل مکه فرستاد. سپس او (علی «علیه‌السلام») را به دنبال وی فرستاد و گفت: نامه را از او بگیر و به سوی مکه برو. علی (علیه‌السلام) در راه به ابوبکر رسید و نامه را از او گرفت. ابوبکر محزون بازگشت و به پیامبر عرض کرد: آیا درباره من آیه‌ای نازل شده (که مرا از این کار عزل کردی)؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: نه، من مأمور شدم که یا خودم آن را ابلاغ کنم یا مردی از خاندانم آن را ابلاغ کند.^{۹۰}

۵- و نیز به سند دیگر از عبدالله ابن ارقم چنین نقل می‌کند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سوره‌ی براءت را با ابوبکر فرستاد، هنگامی که قسمتی از راه را پیمود، علی را فرستاد و سوره را

از او گرفت و آن را با خود (به مکه) برد و ابوبکر در دل یک نوع ناراحتی احساس کرد (و خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمد) پیامبر فرمود: لا یؤدی عنی إلّا أنا أو رجُلٌ مِنی.^{۹۱}

۶- دانشمند معروف ابن کثیر در تفسیر خود از احمد حنبل از حنش از علی (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: هنگامی که ده آیه از سوره‌ی براءت بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شد، ابوبکر را خواند و او را برای تلاوت این آیات برای اهل مکه مبعوث نمود، سپس به دنبال من فرستاد، و فرمود: به دنبال ابوبکر برو و هر کجا به او رسیدی نامه را از او بگیر... ابوبکر به سوی پیامبر بازگشت، و پرسید: آیا درباره من چیزی نازل شده؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: نه، و لکن جبرئیل نزد من آمد و گفت تو و یا کسی از خانواده‌ات باید این مأموریت را انجام دهد.^{۹۲}

۷- عین همین مضمون را ابن کثیر از زید بن یسیغ نقل کرده است.^{۹۳}

۸- و نیز همان دانشمند اهل سنت این حدیث را به سند دیگر از امام باقر (علیه‌السلام)، در تفسیر خود آورده است.^{۹۴}

۹- علامه ابن اثیر دانشمند دیگر اهل سنت در جامع‌الأصول از ترمذی از انس بن مالک چنین نقل کرده است: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سوره‌ی براءت را با ابوبکر فرستاد، سپس او را خواست و فرمود: برای هیچ کس سزاوار نیست که این سوره را ابلاغ کند مگر مردی از خاندانم، سپس علی (علیه‌السلام) را خواست و سوره را به او داد.^{۹۵}

۱۰- محب‌الدین طبری اهل سنت در کتاب ذخائر‌العقبی از ابوسعید یا ابوهیرة چنین نقل می‌کند: رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ابوبکر را مأمور نظارت بر امر حج کرد. هنگامی که به سرزمین ضحنان رسید، صدای شتر علی (علیه‌السلام) را شنید، و آن را شناخت، و به سراغ او آمده و گفت: برای چه آمدی؟

گفت خیر است، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سوره‌ی براءت را با من فرستاده است، هنگامی که ابوبکر بازگشت (و از تغییر این رسالت اظهار نگرانی کرد) پیامبر فرمود: هیچ کس جز خودم نباید از طرف من ابلاغ کند، مگر کسی که از من است، منظور ایشان علی (علیه‌السلام) بود.^{۹۶}

در روایات دیگر تصریح شده که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شتر مخصوص خود را به علی سپرد تا بر آن سوار شود و به مکه برود و این دعوت را ابلاغ کند، در وسط راه هنگامی که ابوبکر صدای شتر را شنید شناخت.

این حدیث با آنچه در بالا ذکر شد، در واقع یک مطلب را می‌رساند، و آن اینکه شتر، شتر مخصوص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که در آن موقع در اختیار علی (علیه‌السلام) قرار داده بود، زیرا مأموریت او مأموریت مهمی بود.

در بسیاری دیگر از کتب معروف اهل سنت این حدیث گاهی به صورت مسند، و گاهی به صورت مرسل نقل شده است، و از احادیثی است که هیچ کس در اصل آن ایرادی ندارد.

مطابق بعضی از روایات که از طرق اهل تسنن وارد شده ابوبکر پس از آنکه از منصب ابلاغ این آیات عزل شد، به عنوان امیر‌الحاج به مکه آمد، و بر امر حج نظارت داشت.

توضیح و بررسی:

این حدیث به روشنی، فضیلت بزرگی را برای علی (علیه‌السلام) اثبات می‌کند، ولی متأسفانه مانند سایر احادیثی که از اینگونه است، مورد بی‌مهری قرار گرفته، و جمعی تلاش و کوشش می‌کنند آن را یا به کلی از ارزش بیاندازند، و یا از اهمیت آن بکاهند، و برای این کار راه‌هایی انتخاب کرده‌اند!

۱- گاهی مانند نویسنده المنار از میان احادیث مربوط به این قسمت، تنها آن احادیثی را انتخاب کرده‌اند که درباره نظارت ابوبکر بر مراسم حج سخن می‌گوید، ولی درباره گرفتن سوره‌ی بَرَاءت از او و گفتاری که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره علی (علیه‌السلام) فرمود، سکوت اختیار کرده‌اند!

در حالی که سکوت قسمتی از احادیث از این موضوع دلیل بر آن نمی‌شود که آن همه‌ی احادیث را که در این باره بحث می‌کند نادیده بگیرند، روش تحقیقی ایجاب می‌کند که همه‌ی احادیث را مورد توجه قرار دهند، هر چند خلاف میل و پیش‌داوری‌های آن‌ها باشد.

۲- زمان دیگری به تضعیف سند بعضی از احادیث مانند حدیثی که روایان به «سِمَاک» و «خَنَش» منتهی می‌شود، پرداخته‌اند (همانند همان مفسر مذکور).

در حالی که این حدیث یک طریق و دو طریق ندارد، و روای آن منحصر به «سِمَاک» و «خَنَش» نیست، بلکه به طرق متعدد در کتب معتبر آنان آمده است.

۳- و زمانی به توجیه‌های شگفت‌انگیزی درباره‌ی متن حدیث پرداخته‌اند، مثل اینکه گفته‌اند اگر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، مأموریت ابلاغ سوره را به علی (علیه‌السلام) داد، به خاطر این بوده که بنا به عادت عرب، لغو پیمان‌ها باید به وسیله‌ی خود شخص یا یکی از خاندان او ابلاغ گردد.

در حالی که..

اولاً: در طرق متعددی تصریح شده که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: جبرئیل برای من این دستور را آورده، و یا چنین مأموریتی پیدا کرده‌ام.

ثانیاً: در بعضی از طرق این احادیث که در بالا ذکر شد می‌خوانیم که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به علی (علیه‌السلام) فرمود اگر تو این کار را نکنی من خودم باید اقدام به این کار کنم؛ مگر عباس عموی پیامبر یا یکی دیگر از بستگان او در میان مسلمانان وجود نداشتند که اگر علی (علیه‌السلام) نرود باید شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اقدام به این کار کند؟!

ثالثاً: برای اصل این موضوع که عادت عرب چنین بوده است هیچ گونه مدرکی ذکر نکرده‌اند، و چنین به نظر می‌رسد که حدس و تخمین و گمانی برای توجیه حدیث فوق، طبق میل خود بوده است.

رابعاً: در بعضی از طرق معتبر این حدیث جمله «لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ هُوَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ» یا مانند آن آمده است که نشان می‌دهد پیامبر، علی (علیه‌السلام) را همچون خودش و خویش را همچون او می‌دانست (همان مضمونی که در آیه‌ی مباحثه آمده است).

از آنچه در بالا آوردیم چنین نتیجه می‌گیریم که اگر تعصّب‌ها و پیش‌داوری‌ها را کنار بگذاریم، پیامبر با این کار برتر بودن مقام علی (علیه‌السلام) را از همه‌ی صحابه مشخص ساخته است.
إِنْ هَذَا إِلَّا بَلَاغٌ...

یونس (۱۰)

نام سوره

نام سوره برگرفته از آیه ۹۸ است: «فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةً آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ / چرا هیچ یک از شهرها و آبادی‌ها ایمان نیاوردند که (ایمانشان به موقع باشد و) مفید به حالشان افتد، مگر قوم یونس، به هنگامی که ایمان آوردند عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدت معینی (پایان زندگی و اجلشان) آن‌ها را بهره‌مند ساختیم.»

با این که قصه‌ی حضرت یونس در دو سوره‌ی صافات (آیات ۱۳۹ - ۱۴۸) و سوره‌ی انبیا (آیات ۸۷ و ۸۸) آمده است ولی هیچ کدام نام یونس نگرفته است زیرا آنچه در زندگی حضرت یونس شاخص است همین نکته است که قوم او تنها قومی بودند که ایمانشان برایشان نفع داشت، هرچند پیامبرشان کم صبری نمود!

تعداد آیات

این سوره به اتفاق قاریان، ۱۰۹ آیه دارد.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و هشتصد و سی و هفت.
تعداد حروف: پنج هزار و پانصد و شصت و هفت.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیاتی که ادعا شده است مدنی است:

۱- آیهی ۴ (فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ) تا دو آیهی بعد. مدنی هستند زیرا از اهل کتاب در این آیات سخن به میان آمده است.

پاسخ: صرف این که آیه‌ای از اهل کتاب سخن گفته باشد دلیل نمی‌شود تا آن آیه مدنی باشد زیرا آیه: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» که در دو سوره‌ی نحل (آیهی ۲) و انبیا (آیهی ۷) آمده است قطعا در مکه نازل شده است. مراد از ذکر در این آیه تورات بوده و مراد از «اهل الذکر» یهودیان می‌باشند.

۲- آیهی ۴۰ (وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ) مدنی است زیرا در شأن یهود نازل شده است. پاسخ: برای شأن نزول ادعا شده دلیلی اقامه نشده است.^{۹۷}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۱

سوره‌ی قبل: هود

سوره‌ی بعد: اسراء

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

محتوای سوره

این سوره همانند بسیاری از سوره‌های مکی روی چند مسأله اصولی و زیربنایی تکیه می‌کند، که از همه مهم‌تر مسأله مبدأ و معاد است.

منتها نخست از مسأله‌ی وحی و مقام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سخن می‌گوید، سپس به نشانه‌هایی از عظمت آفرینش که نشانه عظمت خدا است می‌پردازد. پس از آن، مردم را به ناپایداری زندگی مادی دنیا و لزوم توجه به سرای آخرت، و آمادگی برای آن از طریق ایمان و عمل صالح متوجه می‌سازد. و به تناسب همین مسائل، قسمت‌های مختلفی از زندگی پیامبران بزرگ از جمله حضرت نوح و موسی و یونس را بازگو می‌کند و به همین مناسبت، نام سوره‌ی یونس بر آن گذارده شده است.

و باز برای تأیید مباحث فوق، سخن از لجاجت و سرسختی بت‌پرستان به میان می‌آورد، و حضور و شهود خدا را در همه جا برای آن‌ها ترسیم می‌کند، و مخصوصاً برای اثبات این مسأله از اعماق فطرت آنان که به هنگام مشکلات آشکار می‌شود و به یاد خدای واحد یکتا می‌افتند، کمک می‌گیرد.

و بالأخره برای تکمیل بحث‌های فوق، در هر مورد مناسبی از بشارت و انذار -بشارت به نعمت‌های بی‌پایان الهی برای صالحان و انذار و بیم دادن طاغیان و گردنکشان- استفاده می‌کند.

ارتباط با سوره ی قبل

سوره ی قبل با این حقیقت پایان یافت که کفار با آیات الهی برخوردی جاهلانه دارند و در این سوره نیز این برخورد کفار با آیات الهی توضیح بیشتری داده شده است. آن‌ها مدام اظهار شگفتی می‌کنند از اینکه این آیات بر مردی مثل خودشان نازل شده است.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۱۲ بخش است:
۱. نبوت، معاد، توحید: (۱ - ۶)
 ۲. صفات بهشتیان و دوزخیان: (۷ - ۱۴)
 ۳. مبارزه با بت پرستی: (۱۵ - ۳۶)
 ۴. تحدی قرآن: (۳۷ - ۴۳)
 ۵. تعجیل کفار در آمدن عذاب! (۴۴ - ۵۶)
 ۶. تحریم‌های خرافی: (۵۷ - ۶۵)
 ۷. انتساب فرزند به خداوند: (۶۶ - ۷۰)
 ۸. حضرت نوح: (۷۱ - ۷۳)
 ۹. حضرت موسی و نجات بنی اسرائیل: (۷۴ - ۹۳)
 ۱۰. تردید در قرآن: (۹۴ - ۹۷)
 ۱۱. امتیاز قوم یونس: (۹۸ - ۱۰۳)
 ۱۲. تعیین مرز با مشرکین: (۱۰۴ - ۱۰۹)

ارتباط آیات

۱. توجه به مبدأ و معاد سبب می‌شود تا انسان به ماندن راضی نشده (رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا) و بدون غفلت از نشانه‌ها، حرکت خود را به سوی جامع همه‌ی کمال‌ها ادامه دهد، تا پناهگاهش آتش نباشد بلکه به «بهشتِ نعمت» وارد شود و آنجا نیز با سلام و حمد به رشد خود ادامه دهد. حال این سؤال مطرح است که چرا خداوند در همین دنیا آتش دوزخ را به انسان نمی‌نمایاند؟! پاسخ این است که اولاً: در این صورت دیگر مهلتی برای برگشت داده نمی‌شود و ثانیاً: وجود عذاب در دنیا، انسان را وادار به توبه‌ی ساختگی می‌کند؛ همچنان که در رنج‌های دنیوی، انسان خداوند را می‌خواند و بعد از آن که رنج برطرف شد، خدا را کلاً فراموش می‌کند. ثالثاً: انسان تاریخ امت‌هایی که به سختی هلاک شده‌اند را به خوبی می‌داند، اگر قرار باشد از «عذاب دیدن» و «هلاک شدن» عبرت بگیرد، تاریخ دیگران برای عبرت او کافی است. (۱ - ۱۴)

۲. عدم توجه به مبدأ و گرایش به بت‌پرستی سبب شده بود تا مشرکین بهانه‌های مختلفی را برای تقابلشان با دین توحیدی بیاوردند:

الف) مشرکین به سختی پایبند بت‌های خود بودند و قرآن را از این نظر قبول نمی‌کردند که از بت‌های آن‌ها بد می‌گفت و آن‌ها را موجوداتی بی‌خاصیت می‌دانست. بت‌پرستی مهم‌ترین عاملی بود که انسان‌ها را دچار اختلاف کرد، زیرا قبلاً آن‌ها به خاطر وجود فطرت توحیدی، از وحدت نظر برخوردار بودند.

ب) از پیامبر می‌خواستند همه وقت آماده باشد تا که خواست معجزه بیاورد (معجزات اقتراحی).

ج) زندگی پر از راحت و زحمت است. از بین رفتن زحمت نشان مهربانی خدا و به پایان رسیدن راحت، نشان زوال‌پذیری دنیا است و هر دوی این‌ها می‌تواند انسان را متوجه مبدأ کند ولی مشرکین همه‌ی زحمت و رحمت دنیا را منسوب به اراده‌ی بت‌ها می‌کردند!

د) آن‌ها قرآن را نوشته‌ای بشری معرفی می‌کردند و حال آن که پیامبر قبل از بعثت در میان آن‌ها بود و آن‌ها چنین سخنانی از او نشنیده بودند و تازه اگر قرآن را بشری نوشته است پس آن‌ها هم می‌توانند مثلش را بیاورند. (۱۵ - ۳۹)

۳. قرآن در خلال آیات فوق و در بین ذکر بهانه‌جویی‌های مشرکین این مطلب را متذکر می‌شود که: توجه به معاد باعث سلامت در آخرت می‌شود و عدم توجه به آن موجب روسیاهی در محکمه‌ی عدل الهی می‌گردد، محکمه‌ای که مشرکین و بت‌ها هر کدام جداگانه مورد بازخواست قرار می‌گیرند. عین محکمه‌ی در قیامت، در دنیا نیز توسط پیامبر تشکیل شده است و از مشرکین درباره‌ی بت‌هایشان سؤال شده است که این بت‌ها چه توانایی دارند؟! آیا می‌توانند چیزی را بیافرینند و یا کسی را به راه خودشان هدایت نمایند؟! آیا تنها به خاطر توهماتی، می‌توان خداوند قادر را کنار زد و به بت‌ها پایبند شد؟! (۲۵ - ۳۶)

۴. با این همه بهانه‌جویی مشرکین، راهی برای پیامبر باقی نمی‌ماند جز آن که در مقابل آن‌ها که ایمان نمی‌آورند و کور و کر با آیات الهی برخورد می‌کنند بگوید: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم!». این کوری و کری، مادرزادی نبوده، ستمی به آن‌ها نشده، بلکه با انتخاب خودشان بوده است. این کوری و کری زمانی پایان می‌یابد که یا روز قیامت شود و آن‌ها دریابند عمر دنیا کوتاه‌تر از آن است که انسان برای آن آخرتش را بر باد دهد. و یا در همین دنیا، عمر جمعیت مشرک - مانند هر جمعیت فاسد دیگری - به پایان رسد و شب یا روز خروش عذاب الهی، پایان عمرشان را رقم زند. مشرکین در هر دو صورت زبان به پشیمانی می‌گشایند؛ ولی دیگر برای پشیمانی و جبران خیلی دیر است، هر چند همه‌ی زمین را مالک باشند و آن را فدیة دهند.

همه‌ی آنچه گفته شد، به مشرکین اطلاع داده می‌شود و آن‌ها هنوز از صحت این مطالب مطمئن نیستند و پیامبر به آن‌ها اطمینان می‌دهد که: قسم به پروردگرم که این‌ها حق است! (إِی وَ رَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ) درست مثل همه‌ی وعده‌های خداوند و شما نمی‌توانید جلوی این وقایع را بگیرید. (۴۰ - ۵۶)

۵. قرآن کتاب موعظه و شفاء و هدایت و رحمت است ولی تنها مؤمنین از آن سود می‌برند و دیگران خرافه بافی نموده و آن را به خداوندی نسبت می‌دهند و افتراء می‌زنند که از همه‌ی کارهای آن‌ها آگاه است و در نهایت جز مؤمنین و متقین و اولیا خداوند، همه در خوف و حزن گرفتار خواهند آمد و عزت موهومشان بر باد خواهد رفت. (۵۷ - ۶۵)

۶. قرآن هیچ‌گاه از هدایت دست بر نمی‌دارد و دوباره و ده‌باره و صد باره از توحید و نبوت و معاد می‌گوید. و بین این سه، مدام رفت و آمد می‌کنند. در آیات این فصل، قرآن دوباره به مسأله‌ی دلائل توحید بر می‌گردد و خود را بی‌نیاز از داشتن فرزند دانسته و همه‌ی شرک‌ها را معلول دلبستگی‌های دنیوی معرفی می‌کند و بعد از نبوت گفته و به اختصار به تلاش‌های ارزنده‌ی حضرت نوح اشاره نموده و سپس با بسطی بیشتر، به زندگی حضرت موسی می‌پردازد و اهل کتاب را شاهد بر صحت تاریخ انبیا گرفته و در نهایت نتیجه می‌گیرد که هیچ امتی ایمان سودمندی به پیامبرش نیاورد جز قوم یونس. متأسفانه امت‌ها زمانی ایمان می‌آوردند که نزول عذاب قطعی شده بود. (۶۶ - ۹۸)

۷. عدم ایمان جمعیت‌های انسانی به پیامبران به معنای عدم توانایی خداوند در مدیریت معنوی انسان‌ها نیست بلکه این انسان‌ها هستند که از عقل خود استفاده نکرده و خود را دچار «رجس» و پلیدی می‌کنند. خداوند مسئول کارهای انسان نیست، این خود اوست که باید پاسخگوی نحوه‌ی زندگی‌اش باشد و پیامدهای ناگوار آن را انتظار کشد و یا ایمان بیاورد و از هلاکت نجات یابد. (۹۹ - ۱۰۳)

۸. اگر از هدایت خداوند هیچ کس بهره نگیرد انبیا بیش‌ترین بهره را از آن می‌گیرند و بهترین لبیک را به ندای توحید و لزوم مبارزه با شرک می‌گویند؛ زیرا آن‌ها تنها تابع وحی هستند. آن‌ها تا حکم نهایی خداوند درباره‌ی کفار صبر پیشه می‌کنند. (۱۰۴ - ۱۰۹)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بخواند ده حسنه خدا به او عطا می‌کند، به شماره هر کس که یونس پیامبر را تصدیق کرده و یا تکذیب نموده، و به شماره هر کس که همراه فرعون غرق شده است.^{۹۸}

امام صادق (علیه السلام):

کسی که سوره‌ی یونس را در هر دو یا سه ماه بخواند بیم آن نمی‌رود که از جاهلان و بی‌خبران باشد، و روز قیامت از مقربان خواهد بود.^{۹۹} این به خاطر آن است که آیات هشداردهنده و بیدارکننده در این سوره فراوان است، و اگر با دقت و تأمل خوانده شود، تاریکی جهل را از روح آدمی برطرف می‌کند، و اثر آن حداقل چند ماهی در وجود او خواهد بود، و هرگاه علاوه بر درک و فهم محتوای سوره، به آن نیز عمل کند، به طور یقین روز رستاخیز در زمره‌ی مقربان قرار خواهد گرفت.

کاربرد سوره

برای کشف جرم

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

اگر سوره‌ی یونس را در تشریح بنویسند و بعد با آب پاکیزه‌ای بشویند و آنگاه با آن آردی را خمیر ساخته و سپس نان بپزند و در میان کسانی که متهم به جرمی هستند تقسیم کنند، مجرم تا لقمه‌ای از آن نان را ببلعد، به سرقت اعتراف خواهد کرد.^{۱۰۰}

هود (۱۱)

نام سوره

نام سوره از قصه‌ی حضرت هود در این سوره گرفته شده است. بیش‌ترین یاد از این پیامبر در این سوره شده است (آیات: ۵۰، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۸۹) و همچنین در سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۶۵، و سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۱۲۴. البته نام حضرت نوح در این سوره شش بار تکرار شده است ولی چون سوره‌ای به نام ایشان وجود دارد که در آن سوره بیش‌تر تاریخ زندگی این پیامبر بزرگ در آن آمده است طبیعتاً مناسب‌ترین نام برای این سوره «هود» است.

هود در قرآن به عنوان مخفّف یهود نیز استعمال شده است: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارًا» (بقره: ۱۱۱).

حضرت هود در احقاف مبعوث شد. قوم او انسان‌های ما قبل تاریخ‌اند و ذکری در تواریخ از آن‌ها نیامده و در تورات فعلی اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. فقط قرآن کریم مقداری از حالات آن‌ها را در ضمن آیاتی نقل کرده است.

در احقاف و ریگ‌زارهای جنوب جزیره‌ی العرب، حضرت هود بر قومی به نام عاد مبعوث شد و در اثر عدم قبول دعوت وی چون مهلت خدایی به سر آمد، بادی سرد و سوزان و زوزه‌کش، هفت شب و هشت روز به دیار آن‌ها وزیدن گرفت و خون را در بدن‌ها منجمد کرد و همه تار و مار شدند. (توضیح بیش‌تر در سوره‌ی احقاف).

تعداد آیات

عدد آیات بر طبق قرائت قرآء بصری ۱۲۱ آیه و بر طبق گفته کوفی ۱۲۳ آیه است: کوفی «بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (۵۴) و «فِي قَوْمٍ لُّوطٍ» (۷۴) را آیاتی مستقل می‌داند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و هفتصد و پانزده.

تعداد حروف: هفت هزار و پانصد و شصت و هفت.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده است مدنی است:

آیه ۱۱۴ (أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ) در مدینه نازل شده است زیرا درباره مردی در مدینه نازل شده است که مراحل از زنا را انجام داد و بعد از کارش نزد پیامبر گزارش داد آن وقت این آیه نازل شد.

پاسخ: اگر قرار بود آیه فوق طبق این شأن نزول بیاید باید در آیه به جای پیامبر، آن شخص مورد خطاب قرار می‌گرفت. و از طرفی در بیش تر روایات دارد که پیامبر در آن قضیه این آیه را تلاوت نمود نه این که آیه در آن وقت نازل شده باشد.

بر اساس آنچه گفته شد و به خاطر حفظ وحدت سیاق آیات قبل، نمی‌توان آیه ۱۱۴ را مدنی دانست.^{۱۰۱}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۲

سوره‌ی قبل: یوسف

سوره‌ی بعد: یونس

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

محتوای سوره

قسمت عمده‌ی آیات سوره را سرگذشت پیامبران پیشین، مخصوصاً نوح که با وجود نفرت کم بر دشمنان بسیار پیروز شدند، تشکیل می‌دهد.

ذکر این سرگذشت‌ها، هم وسیله‌ی آرامش خاطر برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مؤمنان در برابر آن انبوه دشمنان بوده، و هم درس عبرتی برای مخالفان نیرومندان.

و به هر حال آیات این سوره، همانند سایر سوره‌های مکی، اصول معارف اسلام مخصوصاً مبارزه با شرک و بت‌پرستی، و توجیه به معاد و جهان پس از مرگ، و صدق دعوت پیامبر را تشریح می‌کند، و در لایه‌لای مباحث، تهدیدهای شدیدی نسبت به دشمنان، و دستورهای مؤکدی در زمینه‌ی استقامت به مؤمنان، داده می‌شود.

در این سوره علاوه بر حالات نوح پیامبر و مبارزات شدیدش که مشروحا آمده است به سرگذشت هود و صالح و ابراهیم و لوط و موسی و مبارزات دامنه‌دارشان بر ضد شرک و کفر و انحراف و ستمگری اشاره شده است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

چون خدای تعالی سوره‌ی یونس را با بحث از «وحی» به پایان رسانید، و فرمود: «وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ...» در این سوره با بیان محتوای آن وحی، سخن خود را آغاز فرمود.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۲ بخش است:

۱. اصول رسالت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (۱ - ۷)
۲. تعجیل کفار در عذاب: (۸ - ۱۱)
۳. تحدی قرآن: (۱۲ - ۲۴)
۴. حضرت نوح: (۲۵ - ۴۹)
۵. حضرت هود: (۵۰ - ۶۰)
۶. حضرت صالح: (۶۱ - ۶۸)
۷. بشارت به تولد حضرت اسحاق: (۶۹ - ۷۶)
۸. حضرت لوط: (۷۷ - ۸۳)
۹. حضرت شعیب: (۸۴ - ۹۵)
۱۰. فرعون و دوزخ: (۹۶ - ۹۹)
۱۱. سرنوشت اقوام: (۱۰۰ - ۱۰۸)
۱۲. عبرت از تاریخ: (۱۰۹ - ۱۲۳)

ارتباط آیات

۱. انسان به خاطر رشد نیافتگی‌اش و انسی که با باطل پیدا نموده است لفظ و معنای قرآن را سحر دانسته و عاری از حقیقت می‌پندارد و بر همین اساس توقع دارد تا انبیا، قیامت و معاد و دوزخ را در همین دنیا به نمایش بگذارند تا آن‌ها باور کنند! در پاسخ آن‌ها قرآن می‌فرماید: اولاً: شما رنج‌های بسیار اندک این دنیا را تاب نمی‌آورید چگونه می‌خواهید عذاب آخرت را ببینید؟! ثانیاً: بر فرض که معاد و عذاب الهی نشان‌تان داده شد، بعد از عادی شدن اوضاع باز به حالت عادی برگشته و اطمینان کاذب می‌یابید که: «دیگر خبری نیست!» آن‌گونه که در موارد مشابه این چنین بودید. (۱ - ۱۱)

۲. سحر دانستن قرآن و معجزه ندانستن آن و در نتیجه به دنبال معجزات دیگر بودن، سخن همیشگی مشرکین در مقابل پیامبر بوده است. خب اگر قرآن سحر است به جایی این که

دنبال معجزات دیگر باشید، بیایید سحر بودن آن را ثابت کنید. شماها کسانی را خبر کنید تا مثل این سحر را انجام دهند! (آن‌گونه که فرعون برای اثبات سحر معجزه موسی، ساحرین را خبر کرد). ولی آن‌ها خود می‌دانستند که به دورغ به خداوند افتراء می‌بندند (و می‌گویند خداوند کتابی را نفرستاده است) و این بدترین ستمی است که به خود و به دیگران روا داشتند و کور و کر، مسیر خود را از بینا و شنوا جدا نمودند. (۱۲ - ۲۴)

۳. قرآن در ادامه بحثِ پاسخ به بهانه جویی‌های مشرکین، قصه‌ی مفصل حضرت نوح و در ادامه آن قسمتی از تاریخ حضرت هود، صالح، لوط، شعیب و موسی را آورده و در انتها نتیجه می‌گیرد که این‌ها اقوامی بودند که به خود ستم روا داشتند و لذا هلاک شدند. (۲۵ - ۱۰۴)

۴. قرآن برای تسلی پیامبر (و همه‌ی مصلحان) دو نکته را همیشه به آن‌ها گوشزد می‌کند؛ اول این که: به آن‌ها گوشزد می‌کند که شقاوت و سعادت‌ی که هر انسانی برای خود رقم می‌زند دارای آثاری است که نباید انتظار داشت که این آثار در همین دنیا سراغ فرد بیاید. قانون خداوند (كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ) حکم می‌کند دنیا محل مهلت و فرصت باشد و آخرت محل جزا. بر این اساس نه مشرکین از تأخیر در عذاب احساس ایمنی کنند و نه مؤمنین در ایمان خود سست گردند. بلکه مؤمنین باید همچنان استقامت ورزند و به هیچ روی پشت به قدرت ستمگران ندهند. و پیوسته با نماز، زشتی‌های خود را بشویند تا زیادی گناهان، آن‌ها را در اعتقادات سست نکند و صبرشان را از بین نبرد و از نهی از منکر بازشان ندارد که تازمانی که مصلحان وجود داشته باشند عذاب بر امتی نازل نمی‌شود.

دوم این که اگر مشیت خداوند بر ایمان، اجباری بود همه‌ی انسان‌ها یکدست می‌شدند ولی آن‌ها پیوسته مختلف هستند و تاریخ انبیا پیشین بر این مطلب گواه است و همانطور که در نکته‌ی اول گفته شد آن‌ها آثار اعمال زشتشان را به انتظار خواهند نشست و از آن طرف مؤمنین باید همچنان ارتباط معنوی خود را با خداوند حفظ نموده و بر او توکل کنند. (۱۰۵ - ۱۲۳)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که این سوره را بخواند، پاداش و ثوابی به تعداد کسانی که به هود و سایر پیامبران ایمان آوردند و کسانی که آن‌ها را انکار نمودند خواهد داشت، و روز قیامت در مقام شهدا قرار می‌گیرد، و حساب آسانی خواهد داشت.^{۱۰۲}

روشن است که تنها تلاوت خشک و خالی این اثر را ندارد، بلکه تلاوت این سوره توأم با اندیشه، و سپس عمل است که انسان را به مؤمنان پیشین نزدیک، و از منکران پیامبران دور می‌سازد. و به همین دلیل به تعداد هر یک از آن‌ها پاداشی خواهد داشت، و چون با شهیدان

امت‌های گذشته هم‌هدف خواهد بود، جای تعجب نیست که در درجه‌ی آنان قرار گیرد، و حسابی ساده و آسان داشته باشد.

کاربرد سوره

برای غلبه بر دشمن در جنگ

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که این سوره را بر پوست آهویی بنویسد و با خود داشته باشد، خداوند نیروی فوق‌العاده‌ای به او خواهد داد که بر دشمنانش غلبه نموده و آن‌ها از او همیشه بترسند (ترجمه به مضمون).^{۱۰۳}

نکته: این سوره مرا پیر کرد.

آیات این سوره به روشنی این امر را اثبات می‌کند که مسلمانان هرگز نباید به خاطر کثرت دشمنان و حملات شدید آنان میدان را خالی کنند، بلکه باید هر روز بر استقامت خویش بیافزایند.

به همین دلیل در حدیث معروفی می‌خوانیم که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «شَیْئَتِنِی سُوْرَةُ هُوْدٍ/ سوره‌ی هود مرا پیر کرد!»^{۱۰۴} و یا اینکه هنگامی که یارانش عرضه داشتند آثار پیری زودرس در چهره شما ای رسول خدا نمایان شده، فرمود: سوره‌ی هود و واقعه مرا پیر کرد!^{۱۰۵} و در بعضی از روایات سوره‌ی مرسلات و عَمَّ یَتَسَاءَلُوْنَ و تکویر و غیر آن نیز اضافه شده است.^{۱۰۶}

و از ابن عباس در تفسیر این حدیث چنین نقل شده که:

هیچ آیه‌ای بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شدیدتر و دشوارتر از آیه‌ی «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ...» (استقامت کن آن چنان که دستور یافته‌ای و همچنین کسانی که با تو هستند) نبود.^{۱۰۷}

بعضی از مفسران نقل کرده‌اند که یکی از دانشمندان، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در خواب دید، و از حضرتش سؤال کرد، اینکه از شما نقل شده سوره‌ی هود مرا پیر کرد آیا علتش بیان سرگذشت امت‌های پیشین و هلاک آن‌ها است، فرمود: نه، علتش آیه‌ی «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمِرْتُ...» بود.^{۱۰۸}

به هر حال این سوره علاوه بر این آیه، آیات تکان‌دهنده‌ای مربوط به قیامت و بازپرسی در آن دادگاه عدل الهی و آیاتی پیرامون مجازات اقوام پیشین و دستوراتی درباره‌ی مبارزه با فساد دارد که همگی مسئولیت‌آفرین است، و جای تعجب نیست که اندیشه در این مسئولیت‌ها آدمی را پیر کند.

در حدیثی دیگر می‌خوانیم که پیامبر فرمودند: من تعجّب می‌کنم از این که قرآن می‌خوانم و پیر نمی‌شوم: «إِنِّي لَأَعْجَبُ كَيْفَ لَا أُشِيبُ إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ»^{۱۹۶} تمام آیات قرآن این استعداد را دارد که انسان را از زیادی تفکر و اندوه پیر کند.

یوسف (۱۲)

نام سوره

تمام آیات این سوره جز چند آیه که در آخر آن آمده، سرگذشت جالب و شیرین و عبرت انگیز پیامبر خدا حضرت یوسف را بیان می‌کند و به همین دلیل این سوره به نام یوسف نامیده شده است. و نیز به همین جهت از مجموع ۲۷ بار ذکر نام یوسف در قرآن، ۲۵ مرتبه آن در این سوره است، و فقط دو مورد آن در سوره‌های دیگر (سوره‌ی غافر آیه‌ی ۳۴ و انعام آیه‌ی ۸۴) می‌باشد.

کریم بن کریم بن کریم بن کریم

یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم

گفته شده است که یوسف از ماده «أسف» گرفته شده است. و «أسف» هم به معنای خشم شدید و هم اندوه شدید است. حضرت یوسف هم مورد خشم برادران بود و هم مورد اندوه پدرش قرار داشت.

تعداد آیات

این سوره به اتفاق قاریان، ۱۱۱ آیه دارد.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و هفتصد و هفتاد و شش.

تعداد حروف: هفت هزار و صد و شصت و شش.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده است مدنی است:
چهار آیه‌ی نخست آن که در مدینه نازل شده است.
پاسخ: مدعی برای اثبات ادعای خود هیچ دلیلی را اقامه ننموده است لذا صاحب «الاتقان»
استثناء نمودن این آیات را سخنی سخیف می‌داند. همچنین زنجانی در تاریخ القرآن.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۳

سوره‌ی قبل: فجر

سوره‌ی بعد: هود

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خدای سبحان سوره‌ی هود را به ذکر داستان‌های پیامبران پایان داد، لذا این سوره را به
بهترین داستان از همان داستان‌های پیامبران آغاز کرد.

محتوای سوره

محتوای این سوره برخلاف سوره‌های دیگر قرآن همگی به هم پیوسته و بیان فرازهای
مختلف یک داستان است، که در بیش از ده بخش با بیان فوق‌العاده گویا، جذاب، فشرده، عمیق
و مهیج آمده است.

گرچه داستان پردازان بی‌هدف، و یا آن‌ها که هدف‌های پست و آلوده‌ای دارند سعی
کرده‌اند از این سرگذشت آموزنده یک داستان عشقی محرک برای هوس‌بازان بسازند و چهره‌ی
واقعی یوسف و سرگذشت او را مسخ کنند، و حتی در شکل یک فیلم عشقی به روی پرده
سینما بیاورند، ولی قرآن که همه چیزش الگو و اسوه است، در لابه‌لای این داستان عالی‌ترین
درس‌های عفت و خویشتن‌داری و تقوی و ایمان و تسلط بر نفس را منعکس ساخته، آن چنان
که هر انسانی-هر چند، بارها آن را خوانده باشد- باز به هنگام خواندنش بی‌اختیار تحت تأثیر
جذبه‌های نیرومندش قرار می‌گیرد.

و به همین جهت قرآن نام زیبای أحسن القصص (بهترین داستان‌ها) را بر آن گذارده
است، و در آن برای اولوا الألباب (صاحبان مغز و اندیشه) عبرت‌ها بیان کرده است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۲ بخش است:

۱. حضرت یوسف: (۱ - ۱۰۲)

۲. عدم ایمان اکثریت: (۱۰۳ - ۱۱۱)

ارتباط آیات

سوره‌ی یوسف دارای دو بخش است. در بخش نخست قصه‌ی حضرت یوسف به طور مشروح و با ترتیب زمانی که اتفاق افتاده است بیان می‌شود (از ابتدای سوره تا آیه‌ی ۱۰۱) و در بخش دوم که ده آیه انتهایی سوره را شامل می‌شود نتیجه‌گیری است که از این قصه شده است اینگونه که: بیان قصه‌های امت‌ها و انبیای پیشین متأسفانه سبب نمی‌شود که اکثریت مردم ایمان بیاورند، نه تنها قصه‌ها که هر معجزه و نشانه‌ی دیگری هم بسیاری از مردم را به خود نمی‌آورد و آن‌ها با اطمینان خاطر و غافل از مرگ و یا عذاب دنیوی همچنان در شرک غوطه‌ور هستند.

ولی انبیا و همه‌ی مصلحان، همچنان وظیفه دارند که از طرفی راه خود را به درستی مشخص نمایند و از طرفی دیگر امت‌هایشان را به پندگیری از تاریخ امت‌های پیشین که آثاری از آن‌ها هنوز در زمین باقی است، دعوت کنند هر چند تاریخ، تنها برای صاحبان مغز و اندیشه عبرت آموز است.

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

به بردگانتان سوره‌ی یوسف را تعلیم کنید که هر مسلمانی این سوره را بخواند و به خاندان و بردگان خود آن را یاد بدهد، خداوند سختی‌های مرگ را بر وی آسان گرداند.^{۱۱۰}
امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌ی یوسف را هم روز و هم شب بخواند، خداوند او را روز رستاخیز برمی‌انگیزد در حالی که زیبایی‌اش همچون زیبایی یوسف است و هیچ‌گونه ناراحتی روز قیامت به او نمی‌رسد و از بندگان صالح خدا خواهد بود.^{۱۱۱}

اگر کسی برنامه زندگی خود را از این سوره بگیرد و در برابر طوفان‌های شدید شهوت و مال و جاه و مقام خویشتن‌داری کند تا آنجا که سیاه‌چال زندان را توأم با پاکدامنی بر قصر آلوده‌ی شاهان مقدم دارد، چنین کسی زیبایی روح و جان او همانند زیبایی یوسف است و در قیامت که هر چیز در درون است آشکار می‌گردد جمال خیره‌کننده‌ای پیدا خواهد کرد و در صف بندگان صالح خدا خواهد بود.

کاربرد سوره

برای رفع رذیله‌ی حسادت

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی یوسف را یاد بگیرد خداوند به او نیرویی می‌دهد که به هیچ مسلمانی حسد نوزد.^{۱۱۲}

چند نکته:

۱- قرآن در تمام ابعادش معجزه است

دقت در آیات این سوره این واقعیت را برای انسان روشن تر می‌سازد که قرآن در تمام ابعادش معجزه است، چرا که قهرمان‌هایی که در داستان‌ها معرفی می‌کند - قهرمان‌های واقعی و نه پنداری - هر کدام در نوع خود بی‌نظیرند.

ابراهیم قهرمان بت‌شکن با آن روح بلند و سازش‌ناپذیر در برابر طاغوتیان. نوح آن قهرمان صبر و استقامت و پایمردی و دلسوزی در آن عمر طولانی و پربرکت. در برابر قومی لجوج.

موسی آن قهرمان تربیت یک جمعیت لجوج در برابر یک طاغوت عصیانگر. یوسف آن قهرمان پاکی و پارسایی و تقوی، در برابر یک زن زیبای هوسباز و حيله‌گر. و از این گذشته، قدرت بیان وحی قرآنی در این داستان آن چنان تجلی کرده که انسان را به حیرت می‌اندازد، زیرا این داستان چنان که می‌دانیم در پاره‌ای از موارد به مسائل بسیار باریک عشقی منتهی می‌گردد، و قرآن بی‌آنکه آن‌ها را درز بگیرد، و از کنار آن بگذرد تمام این صحنه‌ها را با ریزه‌کاری‌هایش طوری بیان می‌کند که کمترین احساس منفی و نامطلوب در شنونده ایجاد نمی‌گردد؛ در متن تمام قضایا وارد می‌شود اما در همه جا اشعه‌ی نیرومندی از تقوا و پاکی، بحث‌ها را احاطه کرده است.

۲- داستان یوسف قبل از اسلام و بعد از آن

بدون شک قبل از اسلام نیز داستان یوسف در میان مردم، مشهور و معروف بوده است، چرا که در تورات در چهارده فصل از سفر پیدایش (از فصل ۳۷ تا ۵۰) این داستان مفصلاً ذکر شده است.

البته مطالعه‌ی دقیق این چهارده فصل نشان می‌دهد که آنچه در تورات آمده تفاوت‌های بسیاری با قرآن مجید دارد، و مقایسه این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که تا چه حد آنچه در قرآن آمده پیراسته و خالص و خالی از هرگونه خرافه می‌باشد و اینکه قرآن به پیامبر می‌گوید: پیش از این از آن غافل بودی (بنا بر اینکه منظور از أحسن القصص داستان یوسف باشد) اشاره به عدم آگاهی پیامبر از واقعیت خالص این سرگذشت عبرت‌انگیز است.

از تورات کنونی چنین برمی‌آید که یعقوب هنگامی که پیراهن خون‌آلود یوسف را دید چنین گفت: این قبای پسر من است و جانور درنده او را خورده، یقین که یوسف دریده شده است - پس یعقوب جامه‌های خود را درید و پلاس به کمرش بست و روزهای بسیاری از برای پسرش نوحه‌گری نمود - و تمامی پسران و تمامی دخترانش از برای تسلی دادن به او برخاستند، اما او از تسلی گرفتن امتناع نمود و گفت به خاطر پسر، اندوهگین به قبر فرود خواهیم رفت.

در حالی که قرآن می‌گوید: یعقوب با هوشیاری و فراست، از دروغ فرزندان آگاه شد و در این مصیبت جزع و فزع و بی‌تابی نکرد، بلکه آن چنان که سنت انبیا است با آن مصیبت، برخورد صبورانه‌ای داشت. هر چند قلبش می‌سوخت و اشکش جاری می‌شد و طبعاً از کثرت گریه چشمش را از دست داد، ولی به تعبیر قرآن با صبر جمیل و با خویشتن‌داری (کظم) سعی کرد از کارهایی همچون دریدن جامه و نوحه‌گری و پلاس به کمر بستن که علامت عزاداری مخصوص بود، خودداری کند.

به هر حال بعد از اسلام نیز این داستان در نوشته‌های مورّخین شرق و غرب گاهی با شاخ و برگ‌های اضافی آمده است. در شعر فارسی نخستین قصّه‌ی یوسف و زلیخا را به فردوسی نسبت می‌دهند، و پس از او یوسف و زلیخای شهاب‌الدین عمیق و مسعودی قمی است و بعد از او، یوسف و زلیخای عبد‌الرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم^{۱۱۳} است.

۳- چرا برخلاف سرگذشت‌های سایر انبیا، داستان یوسف یک‌جا بیان شده است؟

یکی از ویژگی‌های داستان یوسف این است که همه‌ی آن یک‌جا بیان شده، برخلاف سرگذشت سایر پیامبران که به صورت بخش‌های جداگانه در سوره‌های مختلف قرآن پخش گردیده است.

این ویژگی به این دلیل است که تفکیک فرازهای این داستان با توجه به وضع خاصی که دارد پیوند اساسی آن را از هم می‌برد، و برای نتیجه‌گیری کامل همه باید یک جا ذکر شود. فی‌المثل داستان خوب یوسف و تعبیری که پدر برای آن ذکر کرد که در آغاز این سوره آمده، بدون ذکر پایان داستان مفهومی ندارد.

لذا در اواخر این سوره می‌خوانیم، هنگامی که یعقوب و برادران یوسف به مصر آمدند و در برابر مقام پر عظمت او خضوع کردند، یوسف رو به پدر کرد و گفت: «یا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا / پدرم! این تأویل همان خوابی است که در آغاز دیدم. خداوند آن را به واقعیت پیوست.» (۱۰۰).

این نمونه پیوند ناگسستنی آغاز و پایان این داستان را روشن می‌سازد، در حالی که داستان‌های پیامبران دیگر این چنین نیست و هر یک از فرازهای آن مستقلاً قابل درک و نتیجه‌گیری است.

یکی دیگر از ویژگی‌های این سوره آن است که داستان‌های سایر پیامبران که در قرآن آمده معمولاً بیان شرح مبارزاتشان با اقوام سرکش و طغیانگر است که سرانجام گروهی ایمان می‌آوردند، و گروه دیگری به مخالفت خود تا سرحدّ نابودی به‌وسیله‌ی مجازات الهی ادامه می‌دادند.

اما در داستان یوسف، سخنی از این موضوع به میان نیامده است، بلکه بیشتر بیانگر زندگانی خود یوسف و عبور او از کوران‌های سخت زندگی است که سرانجام به حکومتی نیرومند تبدیل می‌شود که در نوع خود نمونه بوده است.

۴- روایت نهی از تعلیم سوره‌ی یوسف به زنان

لازم به تذکر است که در چند حدیث از تعلیم دادن این سوره به زنان نهی شده است. شاید به این دلیل که آیات مربوط به همسر عزیز مصر و زنان هوسباز مصری با تمام عفت بیانی که در آن رعایت شده برای بعضی از زنان تحریک‌کننده باشد و به عکس تأکید شده است که سوره‌ی نور (که مشتمل بر آیات حجاب است) به آن‌ها تعلیم گردد.

ولی اسناد این روایات چندان قابل اعتماد نیست و به علاوه در بعضی از روایات عکس این مطلب دیده می‌شود و در آن تشویق به تعلیم این سوره به خانواده‌ها شده است. از این گذشته، دقت در آیات این سوره نشان می‌دهد که نه تنها هیچ نقطه منفی برای زنان در آن وجود ندارد بلکه ماجرای زندگی آلوده‌ی همسر عزیز مصر درس عبرتی است برای همه‌ی آن‌هایی که گرفتار وسوسه‌های شیطانی می‌شوند.

رعد (۱۳)

نام سوره

نام سوره از آیه‌ی ۱۳ گرفته شده است: «وَيَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ».

تعداد آیات

شماره آیات این سوره به عقیده‌ی بصریان ۴۵ و به نظر کوفیان ۴۳ آیه است، زیرا: غیر کوفیان هر یک از دو عبارت «لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ» (۵) و «الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ» (۱۶) را پایان آیه‌ای دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هشتصد و پنجاه و پنج.

تعداد حروف: سه هزار و پانصد و شش.

محل نزول

آیا این سوره مدنی یا مکی است؟

مضمون سوره به سوره‌های مکی شبیه است ولی روایات ترتیب، این سوره را مدنی دانسته و نزول آن را بعد سوره‌ی محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌دانند.

به همین خاطر مفسرین در محل نزول این سوره اختلاف نموده‌اند و هر دسته که معتقد به مدنی و یا مکی بودن سوره شده‌اند آیاتی از آن را استثناء نموده‌اند.

در صورت مکی بودن، آیه‌ی آخر این سوره - به خاطر شأن نزولی که آن را مربوط به اسلام آوردن عبد الله بن سلام که از یهودیان مدینه بود می‌داند - در مدینه نازل شده است.

و در صورت مدنی بودن، آیه‌ی ۳۰ و همچنین آیات ۳۱ و ۳۲ این سوره در مکه نازل شده است زیرا شأن نزول‌هایی در این باره وجود دارد. ولی به نظر می‌رسد این سوره بعد از صلح حدیبیه نازل شده باشد لذا از طرفی چون بعد از هجرت نازل شده مدنی است و از طرفی چون بعد از صلح حدیبیه نازل شده است حال و هوای آیات مکی را دارد.^{۱۱۴}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۹۷

سوره‌ی قبل: محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

سوره‌ی بعد: الرحمن

تاریخ نزول آن، ما بین صلح حدیبیه و جنگ تبوک است.

محتوای سوره

سوره‌های مکی چون در آغاز دعوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به هنگام درگیری شدید با مشرکان نازل شده است غالباً پیرامون مسائل عقیدتی مخصوصاً دعوت به توحید و مبارزه با شرک و اثبات معاد سخن می‌گوید، در حالی که سوره‌های مدنی که پس از گسترش اسلام و تشکیل حکومت اسلامی نازل گردید، پیرامون احکام و مسائل مربوط به نظامات اجتماعی، طبق نیازمندی‌های جامعه بحث می‌کند.

سوره‌ی مورد بحث که از سوره‌های مکی است نیز همین برنامه را تعقیب کرده است و پس از اشاره به حقایق و عظمت قرآن، به بیان آیات توحید و اسرار آفرینش که نشانه‌های ذات پاک خدا هستند، می‌پردازد.

گاهی از برافراشتن آسمان‌های بی‌ستون، سخن می‌گوید و زمانی از تسخیر خورشید و ماه به فرمان خدا.

گاه از گسترش زمین و آفرینش کوه‌ها و نهرها و درختان و میوه‌ها، و زمانی از پرده‌های آرام‌بخش شب که روز را می‌پوشاند.

و گاه دست مردم را می‌گیرد و به میان باغ‌های انگور و نخلستان و لابه‌لای زراعت‌ها می‌برد، و شگفتی‌های آن‌ها را برمی‌شمرد.

سپس به بحث معاد و زندگی نوین انسان و دادگاه عدل پروردگار می‌پردازد. و این مجموعه معرفی‌مبدأ و معاد را، با بیان مسئولیت‌های مردم و وظایفشان و اینکه هرگونه تغییر و دگرگونی در سرنوشت آن‌ها، باید از ناحیه‌ی خود آنان شروع شود، تکمیل می‌کند.

دگر بار به مسأله‌ی توحید بازمی‌گردد، و از تسبیح رعد و وحشت آدمیان از برق و صاعقه بحث می‌کند، و زمانی از سجده‌ی آسمانیان و زمینی‌ها در برابر عظمت پروردگار.

سپس برای اینکه چشم و گوش‌ها را بگشاید و اندیشه‌ها را بیدار کند، و بی‌خاصیت بودن بت‌های ساخته و پرداخته دست بشر را روشن سازد، آن‌ها را دعوت به اندیشه و تفکر می‌کند و برای شناخت حق و باطل، مثال می‌زند. مثال‌هایی زنده و محسوس، و قابل درک برای همه. و از آنجا که ثمره نهایی ایمان به توحید و معاد، همان برنامه‌های سازنده عملی است به دنبال این بحث‌ها، مردم را به وفای به عهد و صله‌ی رحم و صبر و استقامت و انفاق در پنهان و آشکار، و ترک انتقام‌جویی دعوت می‌کند. بار دیگر به آن‌ها نشان می‌دهد که زندگی دنیا ناپایدار است، و آرامش و اطمینان جز در سایه‌ی ایمان به خدا حاصل نمی‌شود. و سرانجام دست مردم را می‌گیرد و به اعماق تاریخ می‌کشانند و سرگذشت دردناک اقوام یاغی و سرکش گذشته، و آن‌هایی که حق را پوشاندند یا مردم را از حق بازداشتند به طور مشخص نشان می‌دهد، و با تهدید کردن کفار با تعبیراتی تکان‌دهنده سوره را پایان می‌بخشد. بنابراین، سوره‌ی رعد از عقاید و ایمان شروع می‌شود، و به اعمال و برنامه‌های انسان‌سازی پایان می‌یابد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی یوسف را به عبرت آموزی از قصه‌های انبیا پایان داد، اکنون این سوره را این طور آغاز می‌کند که همه‌ی این‌ها آیات کتاب آسمانی بوده و نازل‌کننده آن خداوند یکتاست.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۹ بخش است:
۱. طبیعت و توحید: (۱ - ۴)
 ۲. انکار معاد: (۵ - ۷)
 ۳. علم خداوند: (۸ - ۱۱)
 ۴. تسلط خداوند: (۱۲ - ۱۶)
 ۵. حق و باطل: (۱۷ - ۱۸)
 ۶. صفات اولوا الألباب: (۱۹ - ۲۶)
 ۷. عاقبت هدایت‌شدگان و لجوجان: (۲۷ - ۳۰)
 ۸. برخورد متفاوت مردم با نزول قرآن: (۳۱ - ۳۷)
 ۹. تعجیل کفار در عذاب: (۳۸ - ۴۳)

ارتباط آیات

۱. جهان هستی مملو از تغییر و تحول و رویش و حیات است ولی همه‌ی این پدیده‌ها از یک نظم پیروی نموده و از یک آب سیراب می‌شوند. بنابراین با کمی تدبّر می‌توان دریافت که جهان از هدفی خاص تبعیت می‌کند و نمی‌تواند پایانش نیستی باشد. ولی با این وصف بسیار باعث تعجب است که چرا گروهی معاد و رویش دوباره‌ی از خاک را منکر می‌شوند و وقتی به عذاب الهی هشدار داده می‌شوند مدام از پیامبر می‌خواهند که این عذاب - اگر راست است - بر آن‌ها نازل شود؟! آن‌ها می‌خواهند برای هر کدامشان نشانه‌های خاص بیاید تا معاد را باور کنند! و حال آن که جهان هستی مملو از نشانه‌های معاد و رویش دوباره است و خداوندی خبر معاد را به آن‌ها می‌دهد که همه‌ی امور پنهان و آشکار را می‌داند. لذا است که در وقت مناسب، انسان‌ها را از انواع خطرهای حفظ می‌کند. سرچشمه‌ی خطرها - که از آن جمله رعد و برق آسمان است - و محافظین از این خطرها، همه تسبیح گو و تسلیم او هستند. (۱ - ۱۳)

۲. در برابر دعوت حق همیشه دو گروه قرار دارند: گروهی دعوت حق را استجابت نموده و همچنان دعوت معبودهای مجازی را لبیک می‌گویند، آنها دست به سوی چاه دراز می‌کنند تا تشنگی خود را برطرف نمایند. در جهانی که همه چیز تسلیم اویند تنها این انسان است که چموشی می‌کند و سرپرستی جز خداوند برای خود بر می‌گزیند و حق را پس می‌زند. هرچند بالاخره حق از باطل به درستی جدا خواهد شد و باطل از بین رفته و همه‌ی جوامع انسانی تسلیم حق خواهند گشت (در زمان ظهور امام مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف»).

گروهی دیگر دعوت پروردگارش را استجابت می‌نمایند و بر خلاف گروه نخست، پایبندی خود را به فطرت الهی نشان می‌دهند و در نهایت با خانواده و دوستان صالح خود به بهشت خواهند رفت و در بدو ورود به خاطر صبرشان، به آن‌ها درود فرستاده می‌شود. ولی گروه نخست به همین بهشت دنیایی خود راضی هستند. آن‌ها خبر ندارند بسط رزق دنیوی، طبق مشیت و تدبیر خداوند و برای هدفی خاص است نه برای خوشامد آن‌ها که دعوت حق را استجابت نمودند. (۱۴ - ۲۶)

۳. کفار همچنان به دنبال معجزات تازه هستند، معجزاتی همانند آنچه برای امت‌های قبلی آورده شد. اینان فقط می‌خواهند با انبیا تفریح کنند! انسان جوای حقیقت، معبودهای مجازی - که خداوند هم از آن‌ها اطلاعی ندارد - را نمی‌پرستد؛ معبودهایی با تعدادی نام‌های اختراع شده بر اساس توهمات سطحی. انسان جوای حقیقت، وقتی ببینند کسی آمد و از خداوند برای آن‌ها خبر آورد، به حقیقت رسیده، آنگاه یاد خداوند آن‌ها را آرام می‌نماید و دیگر نیاز نیست از پیام آور خداوند مدام معجزه جدید بخواهند.

انسان جوای حقیقت، گروه و دسته و حزب ندارد؛ چون هنوز به حقیقتی که به دنبالش هست نرسیده است، اینان وقتی به وسیله‌ی آیات روشن قرآن (حُكْمًا غَرِيبًا) به ایمان دست یافتند حزبی می‌یابند به نام «حزب الله». (۲۷ - ۳۷)

۴. آن‌ها که به دنبال حقیقت نیستند و به باطل خو نموده‌اند، وقتی حقیقت برایشان روشن می‌شود بهانه‌جویی نموده تا حقیقت را نپذیرند. مثلاً می‌گویند: «کسی که مثل ما ازدواج نموده و دارای فرزند است نمی‌تواند حامل پیام خداوند باشد!» و یا می‌گفتند: «انبیا باید دارای قدرتی مستقل باشند و بدون اذن خداوند کارهای عجیب و غریب کنند». این بهانه‌جویی‌ها نهایتی جز عذاب الهی ندارد و این سنت الهی است که در گوشه گوشه‌ی زمین در حال اجرا است و هیچ چاره اندیشی (و مکرری) نمی‌تواند مانع اجرای این سنت شود. البته بر انبیا و مصلحان است که در مقابل منکران، مدام این حقیقت را بگویند: «همین که خداوند و همه‌ی آگاهان به مضامین کتب آسمانی، گواه بر حقیقت این رسالت اصلاحی هستند کافی است.» (۳۸ - ۴۳)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر که سوره‌ی **رعد** را بخواند، اجر ده حسنه را می‌برد، به شمار هر ابری که می‌گذرد و همه‌ی ابرهایی که تا روز قیامت به وجود می‌آیند و روز قیامت از وفاکنندگان عهد خدا خواهد بود.^{۱۱۵}

امام صادق (علیه‌السلام):

هر که سوره‌ی **رعد** را بسیار بخواند... اگر مؤمن باشد، بی آنکه با او حساب کنند به بهشت درمی‌آید و درباره‌ی همه‌ی آشنایان از افراد خانواده و برادران شفاعت می‌کند.^{۱۱۶}

کاربرد سوره

الف) ایمنی از صاعقه

امام صادق (علیه‌السلام):

هر که سوره‌ی **رعد** را بسیار بخواند از صاعقه ایمن خواهد بود و لو این که ناصبی^۹ باشد.^{۱۱۷}

ب) از بین بردن ستمگر

امام صادق (علیه‌السلام):

اگر سوره‌ی **رعد** در شبی تاریک بعد از نماز عشاء نوشته شود و... بر درب ستمگری (غیر سلطان) و یا کفری و یا مرتدی گذاشته شود، او به اذن خداوند هلاک خواهد شد.^{۱۱۸}

^۹ ناصبی کسی است که نسبت به ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) هتاک می‌کند!

ابراهیم (۱۴)

نام سوره

این سوره را به نام ابراهیم که نماد توحید و شکننده‌ی بت‌هاست، خوانده‌اند، زیرا بر محور پیام توحید - که پیامبران حاملان آنند و بر آن پای می‌فشارند - می‌گردد. حضرت ابراهیم جدّ اوّل حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پیامبران بنی‌اسرائیل، مورد تصدیق مسلمین و یهود و نصاری است. نام مبارکش ۶۹ بار در قرآن مجید آمده، و دین مبین اسلام همان دین ابراهیم است «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» نحل (۱۲۳) این پیامبر بزرگ در شهر «اور» از شهرهای بابل به دنیا آمد و نیز تولّد او را در شهر «فدّام آرام» نوشته‌اند و در آنجا بزرگ شد و با بت‌پرستان به مبارزه برخاست. و سپس به شام هجرت فرمود. قرآن مجید قسمت‌های بزرگی از زندگی و مبارزات وی را برای معرفی او و ارشاد دیگران نقل کرده است.

در سوره‌ی ابراهیم هر چند تنها یک بار نام ایشان آمده است اما مهم‌ترین بخش زندگی حضرت که ایجاد بنای کعبه است، و دعا‌های ایشان با مضمون رهایی بشر از شرک و نیل او به معنویت، در این سوره (آیات ۳۵ تا ۴۱) نمود پیدا کرده است.

تعداد آیات

اهل بصره شمار آیات را ۵۱ و اهل کوفه ۵۲ دانسته‌اند، زیرا:
کوفیان «بِخَلْقِ جَدِيدٍ» (۱۹) را یک آیه شمرده‌اند،
اما اهل بصره «بِعَزِيزٍ» (۲۰) را آخر آیه، به حساب آورده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هشتصد و سی و یک.
تعداد حروف: سه هزار و چهارصد و چهار.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

دو آیه‌ی ۲۸ و ۲۹ (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا...) که درباره‌ی کشته‌گان بدر نازل شده است.

پاسخ: ظاهراً روایاتی که مورد استناد این قول قرار گرفته است تطبیق مصداق است نه شأن نزول. در بعضی از روایات شیعه آمده است که این آیات درباره‌ی کفار و منافقین قریش نازل شده است که برای نعمت اهل البیت (علیهم‌السلام) جایگزین برگزیند. (بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا)^{۱۱۹}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۷۰

سوره‌ی قبل: شوری

سوره‌ی بعد: انبیا

تاریخ نزول آن کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی رعد را با اثبات رسالت پیامبر و آسمانی بودن قرآن، خاتمه داد. اکنون این سوره را با بیان هدف رسالت و قرآن آغاز کرده است.

محتوای سوره

چنان‌که از نام سوره پیداست، قسمتی از آن درباره‌ی قهرمان توحید ابراهیم بت‌شکن (بخش نیایش‌های او) نازل گردیده است.

بخش دیگری از این سوره اشاره به تاریخ انبیای پیشین همچون نوح، موسی، و قوم عاد و ثمود، و درس‌های عبرتی است که در آن‌ها نهفته می‌باشد. مجموعه این‌ها، بحث‌های فراوانی را که در این سوره در زمینه‌ی موعظه و اندرز و بشارت و انذار نازل گردیده تکمیل می‌نماید.

و همان‌گونه که در غالب سوره‌های مکی می‌خوانیم قسمت قابل ملاحظه‌ای نیز بحث از مبدأ و معاد است، که با راسخ شدن ایمان به آن‌ها در قلب انسان، روح و جان و سپس گفتار و کردار او، نور و روشنایی دیگری پیدا می‌کند و در مسیر حق و الله قرار می‌گیرد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. تقابل یکسان کفار با انبیا: (۱ - ۲۳)
۲. حق و باطل: (۲۴ - ۲۷)
۳. عاقبت کفران نعمت: (۲۸ - ۳۴)
۴. دعاهای حضرت ابراهیم: (۳۵ - ۴۱)
۵. عاقبت ظالمین: (۴۲ - ۵۲)

ارتباط آیات

۱. وظیفه‌ی انبیا این است که مردم را آن‌گونه هدایت کنند که آن‌ها خودشان نور را بر ظلمت و آخرت را بر دنیا ترجیح دهند. حضرت نوح، هود، صالح، موسی و دیگر انبیا وظایفشان را به خوبی انجام دادند. در آیات فصل نخست این سوره گفتگوهای اساسی که همه‌ی انبیا با امت‌هایشان داشتند مطرح شده است. و بعد گفتگوی گمراه شدگان با گمراه‌گران - خصوصا شیطان - در روز قیامت ذکر شده است. (۱ - ۲۳)
۲. تاریخ، گواه این است که سخن انبیا و اولیا خداوند همانند درختی بی آفت و پاک، ریشه می‌دواند، ریشه‌هایی سخت و ثابت تا بتواند شاخه‌هایش سر از آسمان در آورد! ولی سخن خبیث (شرک)، چون بوته‌ای، تنها روی زمین می‌روید. این نعمتی بزرگ است که کسی نمی‌تواند آن را تغییر دهد (و جای ثابت و زائل را عوض نماید) بنابراین باید از بوته بی‌ریشه شرک به سایه درخت استوار توحید پناه برد و نماز به پا داشت و از این همه نعمت خدادادی که قابل شمارش نیست به دیگران نیز انفاق نمود. (۲۴ - ۳۴)
۳. سخن حضرت ابراهیم و توکل او، سراسر توحید و نفی شرک است. او خانواده‌اش را در سرزمینی بدون هیچ آبادی به امر خداوند رها نمود و از خداوند خواست که خانواده‌اش را و آن سرزمین را در سایه‌ی توحید ایمن کند و خداوند را به خاطر این که نسل انبیا را از او قرار داد و اسماعیل و اسحاق را به عطا نمود، سپاس گفت و برای والدین خویش نیز طلب آمرزش نمود. (۳۵ - ۴۱)
۴. وقتی وظیفه‌ی انبیا مشخص شد و ماهیت سخن توحید و شرک روشن گشت و از بت‌شکن بزرگ سخن به میان آمد، حال نوبت مشرکین است که آینده پر عذاب آن‌ها به تصویر درآید تا سوره‌ی ابراهیم که بحثی جامع درباره‌ی توحید است به پایان برسد. (۴۲ - ۵۲)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

کسی که سوره‌ی ابراهیم و حجر را بخواند، خداوند به تعداد هر یک از آنها که بت می‌پرستیدند و آنها که بت نمی‌پرستیدند، ده حسنه به او می‌بخشد.^{۱۲۰}

همان‌گونه که بارها گفته‌ایم پادشاهی که درباره‌ی تلاوت سوره‌های قرآن وارد شده پاداشی است در برابر خواندن توأم با اندیشه و سپس عمل، و از آنجا که در این سوره و همچنین سوره‌ی حجر، بحث از توحید و شرک، و شاخه‌ها و فروع آن به میان آمده مسلماً توجه و عمل به محتوای آنها چنان فضیلتی را نیز در بر خواهد داشت، یعنی آدمی را به رنگ خود درمی‌آورد و شایسته چنان مقام و پاداشی می‌کند.

کاربرد سوره

الف، ب) جلوگیری از گریه و بی‌تابی کودک، پایان پذیرفتن آسان ایام شیرخوارگی
امام صادق (علیه السلام):

اگر سوره‌ی ابراهیم را بر پارچه سفید نوشته و به بازوی کودک ببندند از گریه و بی‌تابی و دیگر این امور ایمن خواهد شد و مرحله‌ی شیرخوارگی را خداوند به اذنش بر او آسان خواهد نمود.^{۱۲۱}

حجر (۱۵)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی هشتاد که درباره‌ی اصحاب حجر (قوم صالح) سخن می‌گوید انتخاب شده است، چرا که در این سوره پنج آیه درباره‌ی اصحاب حجر است، و تنها سوره‌ای است که از قوم صالح به عنوان اصحاب حجر نام می‌برد.

در آیه‌ی ۸۰ این سوره آمده است: «كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ». اصحاب حجر یعنی قوم ثمود، همان قوم صالح‌اند. طبرسی گوید: علت این تسمیه آنست که نام شهرشان حجر بود و گفته‌اند نام دره‌ای بود که در آن ساکن بودند. راغب اصفهانی صاحب کتاب المفردات می‌گوید: حجر محلی محصور از سنگ‌هاست و چون آن‌ها از کوه‌ها خانه می‌تراشیدند (چنانکه ذیل آیه‌ی فوق است) و خانه‌هایشان محصور در سنگ‌ها بوده، اصحاب حجر خوانده شدند یعنی مردمی که در محل محاط در سنگ زندگی می‌کردند.

تعداد آیات

این سوره بدون اختلاف دارای ۹۹ آیه است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: دویست و هفتاد.

تعداد حروف: دو هزار و هفتصد و یک.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه‌ی ۲۴: مربوط به نماز جماعت است بنابر این در مدینه نازل شده است. پاسخ: این سخن نمی‌تواند درست باشد زیرا سیاق آیات قبل و بعد، با نماز جماعت هماهنگی ندارد.

۲- آیه‌ی ۸۷ (وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ). منظور از «سبعاً من المثنائی» سوره‌ی حمد است و چون سوره‌ی حمد در مدینه نازل شده است پس این آیه نیز در مدینه نازل شده است.

پاسخ: سوره‌ی حمد به اتفاق مفسرین در مکه نازل شده است لذا آیه، مربوط به آن نیز مکی خواهد بود.

۳- آیه‌ی ۹۰ و ۹۱ (كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ، الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ) در مدینه نازل شده است زیرا منظور از مقتسمین اهل کتاب هستند که بعضی از کتاب آسمانی خود را که به آن ایمان آورده و به بعضی دیگر (که نشانه‌های پیامبر اسلام در آن بود) کافر گشتند. پاسخ: در روایات شیعه آمده است که «منظور از مقتسمین، قریش هستند»^{۱۲۲} آن‌ها قسمتی از قرآن را سحر دانسته و قسمتی را افترا و قسمتی را اساطیر الاولین قلمداد می‌کردند.^{۱۲۳}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۴

سوره‌ی قبل: یوسف

سوره‌ی بعد: انعام

تاریخ نزول آن کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی ابراهیم، نامی از قرآن به میان آمد. در آنجا فرمود: «قرآن کریم، برای راهنمایی مردم مسلمان است» اکنون این سوره را نیز با مطلبی پیرامون قرآن و اینکه این کتاب آسمانی بیان‌کننده احکام دین است، آغاز می‌کند.

محتوای سوره

می‌توان محتوای این سوره را در هفت بخش خلاصه کرد:

۱- آیات مربوط به مبدأ عالم هستی و ایمان به او از طریق مطالعه در اسرار آفرینش.

۲- آیات مربوط به معاد و کیفر بدکاران.

۳- اهمیت قرآن و عظمت این کتاب آسمانی.

۴- داستان آفرینش آدم و سرکشی ابلیس و سرانجام کار او، و به عنوان یک هشدار و بیدار

باش برای همه‌ی انسان‌ها!

- ۵- اشاره به سرگذشت اقوامی همچون قوم لوط و صالح و شعیب، برای تکمیل این هشدار.
- ۶- انذار و بشارت و اندرزهای مؤثر و تهدیدهای کوبنده و تشویق‌های جالب.
- ۷- دعوت از پیامبر به مقاومت، و دلداری او در برابر توطئه‌های شدید مخالفان که مخصوصاً در محیط مکه بسیار زیاد و خطرناک بود.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۶ بخش است:

۱. استهزاء انبیا: (۱ - ۱۵)
۲. نظام آسمان‌ها و زمین: (۱۶ - ۲۲)
۳. آغاز و پایان کار شیطان و عاقبت پرهیزکاران: (۲۳ - ۴۸)
۴. داستان میهمانان حضرت ابراهیم و هلاکت قوم لوط: (۴۹ - ۷۷)
۵. قوم ایکه و حجر: (۷۸ - ۸۴)
۶. برخورد مناسب با کفار و مؤمنین: (۸۵ - ۹۹)

ارتباط آیات

۱. توحید و نبوت و معاد دارای ارتباطی اصیل با هم هستند: نبوت، با بشارت و انذاری که نسبت به معاد دارد انسان‌ها را به توحید می‌رساند. و از آن طرف شرک و به سخریه گرفتن انبیا و بهانه جویی‌های مختلف برای نپذیرفت سخن اینان و غفلت از آخرت و احساس ماندگاری در دنیا، در تقابل همیشگی با سه مفهوم پر ارزش توحید و نبوت و معاد است.
۲. در این سوره چون تصمیم بر این است که قصه‌ی شیطان به طور مبسوط مطرح شود، به عنوان مقدمه‌ی این بحث، اشاره به این نکته می‌شود که اگر دربی از آسمان به روی مشرکین باز شود و آن‌ها از آن طریق راه به آسمان و ملکوت جهان هستی یابند، خواهند گفت که: «چشمانمان را مبهور ساخته و جمعیتمان را مسحور نموده‌اند!» (هرچند دربی از آسمان گشوده نشده است ولی) آسمان دارای برج‌ها و ستارگانی زینتی است که می‌تواند برای شناخت خداوند کافی باشد. آسمانی که ملکوت آن از حضور شیاطین محافظت می‌شود مگر بعضی که به صورت مخفیانه برای «استراق سمع» می‌آیند که آن‌ها نیز با شهاب‌های تندور تعقیب شده و رانده می‌شوند. قرآن با این مقدمه سراغ قصه‌ی رانده شدن شیطان از درگاه خداوند می‌رود و قبل از آن از نعمت زمین و کوه و گیاه و باد و ابر و باران می‌گوید که همه در مسیر رزق دهی به انسان و دیگر موجودات قرار دارند تا انسان وادار شود به هدفمندی جهان بیاندیشد. (۱ - ۲۵)
۳. خداوند انسان را از گل خشک بدبو و جن را از آتشی بسیار سوزان آفرید. انسان را با روح خود به حد بالایی از قوام و اعتدال رساند و ملائک تحت تأثیر عظمت او قرار گرفته و به فرمان خداوند بر او سجده کردند مگر ابلیس! ابلیس سجده نکرده و رانده شد و تصمیم به راندن

انسان‌ها از درگاه خداوند گرفت و در این میان تابعینش خوراک دوزخ گشتند و متقین از شر او ایمن شده و به سلامت و امنیت وارد بهشتی پر از درخت و چشمه گشتند. (۲۶ - ۴۸)

۴. خداوند بعد از بیان قصه‌ی ابلیس و تقسیم انسان‌ها به دو گروه دوزخی و بهشتی، به پیامبر دستور می‌دهد که مردم را از مهربانی من و از خشم من خبر بده، به آن‌ها خبر بده که مهربانی من چگونه ابراهیم را در برگرفت و خشم من لوطیان (قوم لوط) و اصحاب ایکه و حجر را هلاک ساخت. (۴۹ - ۸۴)

۵. قرآن پس از ذکر مصادیقی تاریخی از مهربانی و خشم خداوند، این حقیقت را بیان می‌کند که جهان هستی هدفمند است و قیامت که غایت این جهان است خواهد رسید و در نتیجه مؤمنین و در رأس آن‌ها پیامبر باید در برخورد با کفار اولاً: بی‌حقد و کینه، جهالت‌های آن‌ها را نادیده بگیرند و ثانیاً: چشم به امکانات دنیوی آن‌ها ندوزند و از این که دنیا در دست کفار است غمگین نباشند زیرا ما به پیامبر - در نتیجه به مؤمنین - سوره‌ی حمد و قرآن را دادیم. هر چند این قرآن اختصاص به مؤمنین ندارند ولی تنها مؤمنین بودند که به همه‌ی قرآن ایمان آوردند. دیگران قرآن را تقسیم نموده و آنچه باب میلشان نبود تأویل نموده، رد کرده و مورد ایراد قرار دادند. پاسخ اعراض اینان را باید با اعراض داد و در این راه تا لحظه‌ی مرگ باید به عبودیت خداوند مشغول بود. (۸۵ - ۹۹)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌های ابراهیم و حجر را بخواند، خداوند ده حسنه به شمار کسانی که بت‌ها را پرستیده و به شمار آنهايي که نپرستیده‌اند به وی می‌دهد.^{۱۲۴}

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را قرائت کند، به عدد تمام مهاجرین و انصار و آنهايي که محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را استهزاء کرده‌اند، خداوند به او ده حسنه خواهد داد.^{۱۲۵}

امام حسین (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌های ابراهیم و حجر را با هم در هر جمعه‌ای بخواند، فقر و جنون و بلا بر او مسلط نمی‌شود.^{۱۲۶}

کاربرد سوره

الف، ب) زیاد شدن شیر زن شیرده، رونق کسب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی حجر را با زعفران بنویسد و به زنی که شیر کمی دارد بنوشاند، شیرش زیاد خواهد شد و اگر نوشته این سوره را بر بازوی کسی که برای خرید و فروش اقدام می‌کند

ببندند، خرید و فروشش زیاد شود و مردم دوست خواهند داشت که با او معامله کنند. رزقش به اذن خداوند تا زمانی که آن نوشته همراهش باشد زیاد خواهد شد.^{۱۲۷}

نحل (۱۶)

نام سوره

نام این سوره از دو آیه‌ی ۶۸ و ۶۹ این سوره گرفته شده است: «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. / پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که در کوه‌ها و درختان و کندوها که مردم می‌سازند لانه کن، و از همه‌ی میوه‌ها بخور و به آسانی به راه‌های خدایت وارد شو. از شکم آن شربتی به رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن مردمان را شفاست و در عمل زنبور عسل عبرتی است بر اهل تفکر که در اسرار عالم تفکر کنند.»

نحل از ماده نحل به معنای عطیه است. به زنبور عسل نحل می‌گویند زیرا او عسل خود را بدون عوض مالی در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد.

ممکن است به این سوره «نعم» هم گفته شود به خاطر آیه‌ی ۱۸: «وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ».

تعداد آیات

این سوره بدون اختلاف ۱۲۸ آیه دارد.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و هشتصد و چهل و یک.

تعداد حروف: هفت هزار و هفتصد و هفت.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه‌ی ۴۱ صراحتاً مسأله‌ی هجرت را گزارش داده و ارزش مهاجرین را برمی شمارد. لذا

این آیه در مدینه نازل شده است.

پاسخ: آیه‌ی فوق ظهور در هجرت به حبشه دارد نه به مدینه.

۲- آیه‌ی ۹۵ و ۹۶ در مورد شخصی نازل شده است که زمینی را غصب کرده بود و منکر

این غصب بود و وقتی از او خواسته شد تا قسم بخورد، قسم خوردن برایش خیلی سنگین آمد و قسم نخورد. این قصه در مدینه اتفاق افتاده است.

پاسخ: دلیلی برای این شأن نزول وجود ندارد. و لحن دو آیه عام بوده و با آیات قبل و و

بعد بسیار منسجم و در یک سیاق است.

۳- آیه‌ی ۱۲۶ (وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ...) در جریان جنگ احد و یا فتح

مکه نازل شده است بنا بر این مدنی است.

پاسخ: با توجه به سیاق آیات قبل و بعد، منظور آیه، هر گونه تجاوزگری است و اختصاص

به جنگ احد و یا فتح مکه ندارد لذا در آیه‌ی ۱۲۷ می‌فرماید: «و صبر کن و صبر تو جز به

[توفیق] خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می‌کنند دل تنگ مدار» این آیه

دقیقا با برخورد مشرکین با پیامبر در مکه سازگاری دارد.^{۱۲۸}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۷۲

سوره‌ی قبل: انبیا

سوره‌ی بعد: سجده

تاریخ نزول آن کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

همان طوری که سوره‌ی حجر به تهدید کفار، خاتمه یافت، این سوره نیز با تهدید اینان

آغاز می‌شود.

محتوای سوره

محتوای این سوره را امور زیر تشکیل می‌دهد که به شکل جالب و متناسبی با هم آمیخته

شده است:

۱- بیش از همه بحث از نعمت‌های خداوند در این سوره به میان آمده و آن‌چنان ریزه‌کاری‌های آن تشریح گردیده که حس شکرگزاری هر انسان آزاده‌ای را بیدار می‌کند، و از این راه او را به آفریننده این همه نعمت و موهبت نزدیک می‌سازد.

این نعمت‌ها شامل نعمت‌های مربوط به باران، نور آفتاب، انواع گیاهان و میوه‌ها و مواد غذایی دیگر، و حیواناتی که خدمتگزار انسان‌ها هستند و منافع و برکاتی که از این حیوانات عائد انسان می‌شود، و انواع وسایل زندگی و حتی نعمت فرزند و همسر، و خلاصه شامل انواع طبیعت می‌گردد.

و درست به همین علت است که بعضی آن را سوره‌ی نِعَم (جمع نعمت) نامیده‌اند. ولی مشهور و معروف در نام‌گذاری این سوره همان سوره‌ی نحل است، چرا که ضمن برشمردن نعمت‌های گوناگون الهی اشاره‌ای کوتاه و پرمعنی و عجیب به زنبور عسل کرده است؛ مخصوصاً روی ماده‌ی غذایی مهمتی که از آن عائد انسان‌ها می‌شود، و نشانه‌های توحیدی که در زندگی این حشره وجود دارد تکیه نموده است.

۲- بخش دیگری از آن از دلایل توحید و عظمت خلقت خدا، و معاد، و تهدید مشرکان و مجرمان بحث می‌کند.

۳- قسمت دیگری از آن از احکام مختلف اسلامی همانند دستور به عدل و احسان و هجرت و جهاد و نهی از فحشا و منکر و ظلم و ستم و پیمان‌شکنی و همچنین دعوت به شکرگزاری از نعمت‌های او سخن می‌گوید، و در همین رابطه از ابراهیم، قهرمان توحید به عنوان یک بنده شکرگزار در چند آیه نام می‌برد.

۴- از بخش دیگری از بدعت‌های مشرکان سخن می‌گوید و در همین رابطه، مثل‌های حسی جالبی ذکر می‌کند.

۵- و بالاخره در قسمت دیگری، انسان‌ها را از وسوسه‌های شیطان برحذر می‌دارد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۳ بخش است:

۱. طبیعت و توحید: (۱ - ۱۹)
۲. مبارزه با بت پرستی: (۲۰ - ۲۳)
۳. برخورد کفار و مؤمنین با قرآن: (۲۴ - ۳۲)
۴. جبرگرایی کفار: (۳۳ - ۴۲)
۵. انکار نبوت (۱): (۴۳ - ۵۰)
۶. دخترکشی مشرکین: (۵۱ - ۶۳)
۷. طبیعت و توحید: (۶۴ - ۸۳)
۸. عاقبت آخری مشرکین: (۸۴ - ۸۹)
۹. فرامین الهی: (۹۰ - ۱۰۰)

۱۰. انکار نبوت (۲): (۱۰۱ - ۱۱۱)
۱۱. تحریم حلال: (۱۱۲ - ۱۱۹)
۱۲. اوصاف حضرت ابراهیم: (۱۲۰ - ۱۲۴)
۱۳. ده دستور در برخورد با مخالفان: (۱۲۵ - ۱۲۸)

ارتباط آیات

۱. مشرکین به دنبال تحقق تهدیدات انبیا بوده و انبیا به دنبال هدایت آن‌ها بودند و زمانی که تهدیدها تحقق پیدا کند، دیگر هدایتی محقق نخواهد شد، انسان باید با تفکر در آیات الهی نسبت به خداوند شناخت پیدا کند و قبل از آمدن عذاب از آن رهایی یابد. در ابتدای سوره‌ی نحل نمونه‌های متنوعی از آیات الهی شمارش شده است و تأکید شده است که انسان نمی‌تواند از پسِ شمارش همه‌ی نعمت‌های خداوند برآید. ولی مشرکین خدای صاحب این همه نعمت را رها نموده و دست نیاز سوی بت‌هایی دراز می‌کنند! بت‌هایی که هیچ نمی‌دانند و هیچ چیز نیافریدند بلکه خود مخلوق هستند؛ آن‌هم مخلوقاتی بی‌جان که هرگز استعداد حیات ندارند! بت‌هایی که ادعا شده است ثواب و عقاب در دستان آنهاست! اگر این چنین است پس چرا از زمان حشر عبادات کننده‌های خود، بی‌اطلاع هستند. مشرکین با پذیرش این چنین بت‌هایی، روشن‌ترین مسأله را منکر شدند، این نشان استکبار آنهاست و خداوند مستکبرین را دوست ندارد! (۱ - ۲۳)

۲. در پاسخ به این سؤال که «حقیقت قرآن چیست؟»، هر یک از مشرکین و متقین پاسخی متفاوت می‌دهند؛ مشرکین آن را همچون افسانه‌های پیشینیان می‌دانند. اینان این سخن را به خاطر فریب دیگران می‌گویند، فریبی که بالاخره گریبانشان را می‌گیرد و خانه خرابشان می‌سازد و هر چند هنگام مرگ، منکر کارهای زشت خود می‌شوند ولی این انکار برایشان سودی ندارد و در نهایت خواری روز قیامت و دوزخ را نصیب خود می‌سازند. متقین حقیقت قرآن را، تماما خیر می‌دانند و پاداششان این است که هنگام مرگ، فرشتگان بر آن‌ها درود فرستند و آن‌ها را دعوت به بهشت کنند. حال با این توضیح آیا مشرکین منتظر مرگ و یا عذاب هستند که آن‌وقت توبه کنند؟! هرگز! زشتی‌ها و مسخره بازی‌هایشان آنچنان آن‌ها را دربر می‌گیرد که فرصت هر نوع برگشت و توبه‌ای را از آن‌ها می‌گیرد. (۲۴ - ۳۴)

۳. مشرکین برای تقابل با پیام انبیا، دست به هر علف خشکی می‌زنند تا شاید حجتی بیابند و پیروز در مجادله با انبیا شوند. آن‌ها می‌گفتند: «پرستیدن بت و تحریم بعضی از چهارپایان، در گذشته‌های دور وجود داشته است، اگر خداوند راضی به آن نبود یقیناً پیامبرانی را می‌فرستاد تا پیشینیان ما را متوجه کنند و آن‌ها نیز دست از کار خود بر می‌داشتند» خداوند پاسخ می‌دهد: «پیشینیان شما هم، در مقابل انبیا همین سخن را می‌گفتند! ما در هر امتی پیامبری را فرستادیم که می‌گفت: خداوند را عبادت کنید و از طاغوت‌ها اجتناب نمایید. بعضی

هدایت یافتند و بعضی گمراه ماندند.» (و در آیه‌ی ۴۳ و ۴۴ می‌فرماید می‌توانید درباره‌ی وجود انبیا در امت‌های قبل و معجزات و کتاب‌هایی که داشتند از اهل ذکر که یهودیان باشند سؤال کنید. ذکر در اینجا به معنای تورات است.)

ولی همچنان مشرکین بر گمراهی خود اصرار داشتند و حتی قسم یاد می‌کردند که خداوند کسی را که مرده است محشور نمی‌کند! آن‌ها این کار را فوق قدرت خداوند می‌دانستند و حال آن که خداوند هر وقت بخواهد چیزی را خلق نماید، کافی است بگوید: «باش!» آن وقت او خواهد بود! البته بودند کسانی که هدایت یافتند و به خاطر ستم‌هایی که از طرف مشرکین به آن‌ها می‌شد مهاجرت نمودند و با صبر و توکل ایمان خود را حفظ نمودند؛ حال مشرکین با چه چیزی می‌خواهند خود را از عذاب الهی حفظ نمایند؟! (۳۵ - ۴۷)

۴. عبادت غیر خداوند، همچنان که بر خلاف منطق و فطرت است، ناهماهنگ با همه‌ی اجزای هستی است زیرا هیچ چیز در این جهان نیست مگر این که برای خداوند سجده می‌کند. زیرا تنها این خداوند است که صاحب همه‌ی نعمت‌هاست و تنها اوست که به وقت مشکل، به داد دیگران می‌رسد. (۴۸ - ۵۵)

۵. در مقابل دلایل روشن توحید، مشرکین نه تنها به خود نمی‌آمدند بلکه شرک خود را با انواع خرافات نیز همراه ساخته بودند:

(الف) آن‌ها سهمی از چهارپایان را به بت‌ها اختصاص می‌دادند.

(ب) آن‌ها فرشتگان را دختر دانسته و دختران را (که از آن ناخشنود بودند) از آن خداوند می‌دانستند و برای خود، آنچه میلشان بود (یعنی پسر که آن را نیکوتر می‌دانستند) قرار می‌دادند.

(ج) آن‌ها به شدت از «دختر دار شدن» خشمگین می‌شدند.

این خرافات همه به خاطر صفت زشت شرک به خداوند است که انسان را این چنین خرافه پرست می‌کند. وقتی شیطان شرک را برای انسان زینت داده و معقول جلوه دهد دیگر اعتقاد به بقیه‌ی خرافات چندان مسأله‌ی عجیبی جلوه نمی‌کند. (۵۶ - ۶۴)

۶. شرک با همه‌ی جلوه‌های خداوند در جهان هستی سر ستیز دارد. یک طرف خداوندی این چنین پر قدرت و طرفی دیگر بت‌هایی این چنین ناتوان و عاجز و بعد انسانی که خود را عاقل می‌پندارد و بت‌ها را لایق پرستش می‌داند!! آیا این، انکار این همه نعمت‌های خداوند نیست؟! آیا کافری این چنین را دیگر می‌توان در روز قیامت اذن سخن گفتن و دفاع نمودن و یا حتی اجازه عذرخواهی نمودن داد؟! اگر به آن‌ها اذن سخن گفتن هم داده شود باز همان یابوهای خودشان را خواهند گفت! آن‌ها گمراهی خود را به گردن دیگران می‌اندازند. ولی گواهانی برخواهند خواست و به آن‌ها ثابت می‌کنند که همه‌ی ادله‌ی توحید برای آن‌ها توضیح داده شده و آن‌ها هیچ عذری برای گمراهی ندارند. (۶۵ - ۸۹)

۷. یکی دیگر از ادله‌ی حق بودن رسالت انبیا مضمون این رسالت است، مضمونی که همه دارای پیام‌های بسیار ارزشمند انسانی است. مثل عدالت و صلح‌ی ارحام و جلوگیری از فحشا و

منکر و ستم و پایبند بودن به تعهدات و نقض نکردن سوگندها، ذخیره نمودن اموال نزد خداوند به وسیله‌ی انفاق نمودن آن در دنیا.

این است محتوای قرآن؛ با این وجود مشرکین دست از بهانه جویی برداشته و زمانی که مضمون آیه‌ای نسخ شده و آیه‌ای دیگر به جای آن می‌آید زبان به طعنه می‌گشایند و نسخ را دلیلی بر این می‌دانند که این کتاب، توسط انسانی برای او نوشته شده است! این سخنان را آن‌ها به خاطر عدم ایمان به آیات الهی می‌گویند. (نه این که عدم ایمانشان به خاطر وجود این شبهه‌ها باشد). (۹۰ - ۱۰۵)

۸. ممکن است کسی از روی اجبار سخن کفری بر زبان جاری کند که مورد بخشش خداوند است چون قلبش مطمئن به ایمان است ولی کسانی که با آزادی سخن کفر را می‌گویند، قلب و چشم و گوششان را زندگی دنیوی مهر زده است و هرچند زندگی دنیوی نیز به آن‌ها وفا نخواهد کرد! زیرا هم عذاب الهی آن‌ها را مبتلا به گرسنگی و ترس خواهد کرد و هم خرافات و تحریم‌های نابجا زندگی را بر کفار تنگ می‌نماید. (۱۰۶ - ۱۱۹)

۹. هر جا سخن از شرک به صورت مبسوط مطرح می‌شود سخن از بت‌شکن بزرگ، حضرت ابراهیم نیز به میان می‌آید. ابراهیمی که حنیف و خالص بود و هرگز از مشرکین نبود. ابراهیمی که به پیامبر بزرگ اسلام نیز امر می‌شود تا از او تبعیت کند!

سؤال: اگر همه‌ی انبیا باید پیرو حضرت ابراهیم باشند چرا حضرت ابراهیم روز جمعه را روز تعطیل و عبادت قرار داد ولی برای بنی‌اسرائیل روز شنبه روز مورد احترام قرار گرفت؟ پاسخ این است که حضرت موسی نیز روز جمعه را برای عبادت و تعطیل قرار داد ولی یهودیان از این دستور حضرت موسی تخطی کردند و روز شنبه را برای این منظور در نظر گرفتند و خداوند نیز آن‌ها را مجازات نمود و برای روز شنبه مقررات سختی را وضع نمود. (۱۲۰ - ۱۲۴)

۱۰. همه‌ی استدلال‌ها، موعظه و مجادله‌ها و تهدیدهایی که در این سوره آمده است، راهنمایی عملی خداوند در رابطه با نحوه‌ی تبلیغ دین است. دینی که باید با استدلال (حکمت) و موعظه و مناظره تبلیغ شده و با جهاد همراه گشته و البته صبر نیز سرلوحه‌ی همه‌ی این امور قرار گیرد. (۱۲۵ - ۱۲۸)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس، این سوره را بخواند، خداوند نعمت‌هایی که در دنیا به او داده، با او حساب نخواهد کرد و اجر او به اندازه‌ی کسی است که بمیرد و وصیتی نیکو از خود به یادگار گذارد و اگر در همان روز یا شبی که این سوره را خوانده، بمیرد، اجر او مانند کسی است که با وصیت نیکو و پسندیده از دنیا رفته است.^{۱۲۹}

روشن است تلاوت این آیات که قسمت مهمی از نعمت‌های الهی را برشمرده، آن هم تلاوتی توأم با تفکر و سپس تصمیم‌گیری و عمل، و گام نهادن در طریق شکرگزاری، سبب

می‌شود که هر نعمتی را درست در هدفی که برای آن آفریده شده است مصرف کند، و با چنین حالی دیگر چه محاسبه‌ای از او خواهند کشید؟! مگر نعمت را به جا مصرف ننموده است!!

کاربرد سوره

برای رهایی از انواع بلا

امام باقر (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌ی نحل را در هر ماه بخواند، در دنیا زیان نبیند و هفتاد نوع بلا - که آسان‌ترین آن‌ها جنون و جذام و پیسی است - از او دور خواهد شد و جای او در «بهشت عدن» است، که در وسط بهشت‌های دیگر قرار دارد.^{۱۳۰}

إِسْرَاءَ (۱۷)

نام سوره

نام این سوره از آیهی نخست آن گرفته شده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى».

«سُورَى» به معنای حرکت در شب و «إِسْرَاءَ» به معنای حرکت دادن در شب است. در سوره‌ی إِسْرَاءَ تنها یک آیه درباره معراج پیامبر آمده است، ولی در سوره‌ی نَجْم پنج آیه‌ی (۱۳ تا ۱۸) به این موضوع اختصاص یافته است.

نام این سوره در روایات، «بنی اسرائیل» است. این نام به این خاطر برای این سوره انتخاب شده است زیرا بخش قابل ملاحظه‌ای در آغاز و پایان این سوره پیرامون بنی اسرائیل است. همچنین از این سوره به «سبحان» نیز یاد شده است.

«إِسْر» در زبان عبری به همان معنای اسارت و عبودیت است و «ئیل» نیز برگردان «الله» است. پس اسرائیل یعنی «عبدالله» که نام حضرت یعقوب (علیه السلام) می‌باشد.

بنی اسرائیل نسل حضرت یعقوب هستند که نوادگان حضرت یوسف و دوازده برادر اویند. نسل اولیهی آن‌ها از کنعان به مصر آمدند و هر چند در ابتدا به خاطر حضرت یوسف مورد احترام بودند، ولی بعد از مدتی در همان شهر به بردگی گرفته شدند و خداوند حضرت موسی را برای رهایی آن‌ها فرستاد.

تعداد آیات

تعداد آیات آن، به نظر کوفیان ۱۱۱، و به نظر دیگران ۱۱۰ آیه است، زیرا کوفیان «لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا» را که جزو آیه‌ی ۱۰۷ است، آخر آیه شمرده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و پانصد و سی و سه.

تعداد حروف: شش هزار و چهارصد و شصت.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه‌ی ۲۶ (وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ) در جریان فدک نازل شده است که پیامبر مأموریت یافت تا طبق این آیه فدک را به فاطمه زهراء (علیهاالسلام) اعطا نماید.

پاسخ: ممکن است این آیه در مکه نازل شده باشد و در قصه‌ی فدک جبرئیل پیامبر را متذکر به آن نموده باشد و یا دوباره آن را نازل نموده باشد.

۲- آیه‌ی ۲۳ و ۳۳ مدنی است زیرا مربوط به حکم شرعی قتل نفس و زنا است و احکام شرعی در مدینه نازل شده اند.

پاسخ: کلیات احکام شرعی در آیات مکی نیز آمده است منتها جزئیات آن تنها در آیات مدنی نازل شده است.

۳- آیات ۷۶ و ۷۷ (وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا) مدنی هستند زیرا شأن نزول درباره یهودیانی است که به پیامبر پیشنهاد دادند تا به شام که مرکز بعثت انبیا بوده است برود.

پاسخ: در حدیثی دیگر آمده است که مشرکین این پیشنهاد را به حضرت دادند و حتی با زور می‌خواستند ایشان را روانه‌ی شام کنند. از کلمه‌ی «لَيَسْتَفِزُّوكَ» که به معنای اخراج است نیز همین معنا برمی‌آید.

۴- آیات ۷۸ تا ۸۱ نیز که مربوط به موضوع نماز و زهق باطل است ادامه‌ی دو آیه‌ی قبل است، بنابر این مدنی است. و همچنین این دو آیه دارای مفادی است که از موضوعاتی مدنی می‌باشد.

پاسخ: اولاً: چون ثابت شد که آیات ۷۶ و ۷۷ مکی است پس این دو آیه نیز که ادامه دو آیه‌ی قبل است مکی خواهد بود. و ثانیاً: نماز در مکه واجب شده است و زهق باطل نیز تبیین حقیقت باطل است لازم نیست که حتماً فعلیت پیدا کرده باشد بلکه همین که در آینده اتفاق می‌افتند برای اثبات مکی بودن آیه آن کافی است.

۵- آیه‌ی ۸۵ (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ) مربوط به یهودیانی است که از پیامبر در رابطه با روح سؤال نموده‌اند و یهودیان در مدینه با پیامبر ملاقات داشته اند.

پاسخ: امکان دارد یهود این سؤال را در مراوداتی که با مشرکین مکه داشتند یاد آن‌ها داده باشند، تا حضرت را به چالش بکشانند.

۶- آیه...

آیات دیگری نیز ادعای شده است که مدنی هستند ولی نه دلیل قوی بر مدنی بودن آنها اقامه شده است و نه مدنی بودن آنها با سیاق آیات قبل و بعدشان هماهنگی دارد.^{۱۳۱}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۰

سوره‌ی قبل: قصص

سوره‌ی بعد: یونس

تاریخ نزول آن در سال دوازدهم بعثت است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی نحل را با یادی از پیامبر گرامی اسلام، خاتمه داد. اکنون سوره‌ی بنی‌اسرائیل را به یاد او و شرح سفر معراج او آغاز کرده است.

محتوای سوره

به طور کلی می‌توان گفت آیات این سوره بر محور امور زیر دور می‌زند:

- ۱- دلایل نبوت مخصوصاً قرآن و نیز معراج.
- ۲- بحث‌هایی مربوط به معاد، مسأله‌ی کیفر و پاداش، و نامه‌ی اعمال و نتایج آن.
- ۳- بخشی از تاریخ پرماجرایی بنی‌اسرائیل که در آغاز سوره و پایان آن آمده است.
- ۴- مسأله‌ی آزادی اراده و اختیار، و اینکه هرگونه عمل نیک و بد، نتیجه‌اش به خود انسان بازگشت می‌کند.
- ۵- مسأله‌ی حساب و کتاب در زندگی این جهان که نمونه‌ای است برای جهان دیگر.
- ۶- حق‌شناسی در همه‌ی سطوح، مخصوصاً درباره‌ی خویشاوندان، و به خصوص پدر و مادر.
- ۷- تحریم اسراف و تبذیر و بخل و فرزندکشی و زنا و خوردن مال یتیمان و کم‌فروشی و تکبر و خونریزی.
- ۸- بحث‌هایی در زمینه‌ی توحید و خداشناسی.
- ۹- مبارزه با هرگونه لجاجت در برابر حق، و اینکه گناهان میان انسان و مشاهده‌ی چهره حق پرده می‌افکند.
- ۱۰- شخصیت انسان و فضیلت و برتری او بر مخلوقات دیگر.
- ۱۱- تأثیر قرآن برای درمان هرگونه بیماری اخلاقی و اجتماعی.
- ۱۲- اعجاز قرآن، و عدم توانایی مقابله با آن.
- ۱۳- وسوسه‌های شیطان و هشدار به همه‌ی مؤمنان درباره‌ی راه‌های نفوذ شیطان در انسان.

۱۴- بخشی از تعلیمات مختلف اخلاقی.

۱۵- و سرانجام فرازهایی از تاریخ پیامبران به عنوان درس‌های عبرتی برای همه‌ی انسان‌ها و شاهدهی برای مسائل بالا.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۴ بخش است:

۱. تاریخ بنی‌اسرائیل: (۱ - ۸)
۲. انسان و انتخاب: (۹ - ۲۲)
۳. مصادیق حکمت: (۲۳ - ۴۰)
۴. دلایل توحید: (۴۱ - ۴۴)
۵. پرده‌ی غفلت: (۴۵ - ۴۸)
۶. انکار معاد: (۴۹ - ۵۲)
۷. برخورد با مخالفان: (۵۳ - ۵۵)
۸. نفی شرک: (۵۶ - ۶۰)
۹. عصیان ابلیس: (۶۱ - ۶۵)
۱۰. دریا و توحید: (۶۶ - ۷۰)
۱۱. وظیفه‌ی انبیا در برخورد با مخالفان: (۷۱ - ۸۴)
۱۲. تحدی قرآن: (۸۵ - ۸۹)
۱۳. بهانه‌جویی‌های مشرکین: (۹۰ - ۱۰۴)
۱۴. تأثیر قرآن: (۱۰۵ - ۱۱۱)

ارتباط آیات

۱. با معراج پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مسجد الاقصی به طرف آسمان، این مسجد به حد نهایت «مبارک بودن» رسید. این تبرک از قبل توسط حضرت موسی شروع شده بود. هر چند سرزمین فلسطین (که مسجد الاقصی در آن واقع شده است) برای بنی‌اسرائیل برکتی به همراه نداشت زیرا آن‌ها طبق پیش‌بینی تورات رو به فساد آوردند و در نتیجه مغضوب دیگران واقع شدند و (توسط بخت النصر) قتل عام گشتند و خداوند دوباره به آن‌ها قدرت داد و باز به خاطر فسادی که ادامه دادند بیت المقدس از دست آن‌ها گرفته شد. (۱ - ۸)

۲. قرآن با نقل فرازهای مهم تاریخ، بهترین شیوه را برای هدایت انسان‌ها پی گرفته است. لذا اگر انسان‌ها به آخرتی که قرآن معرفی می‌کند ایمان نیاورند لایق عذابی دردناک خواهند بود. انسان‌ها با لجاجت، آن‌چنان به این عذاب شتاب می‌ورزند که انگار به سمت خیر و نیکی گام بر می‌دارند! و این به خاطر حبّ دنیا و اتراف و خوشگذرانی است که نمی‌گذارد انسان به

پرونده‌ی اعمال خود به‌درستی بیاندیشد و آن را مرور نماید. هم پرونده‌ی اعمال خود و هم پرونده‌ی آن‌ها که به خاطر کفرشان هلاک شدند. (۹ - ۱۷)

۳. انسان می‌تواند دنیا را انتخاب کند و می‌تواند آخرت را برگزیند. برای هر کدام تلاش کند به همان خواهد رسید. اگر می‌خواهد برای آخرت تلاش کند باید جز خداوند را نپرستد و والدین خود را - که مظهر مهربانی خداوند در حق او هستند - اکرام نموده و هیچ نیازارد و همچنین اموالش را درست هزینه کند (مبذّر نباشد) و از آن - البته به اعتدال - برای دستگیری مستمندان استفاده کند و هیچ از فقر نترسد و از قتل و زنا و خوردن مال ایتام و کم فروشی پرهیز کند و در مسائل اعتقادی همیشه به دنبال علم بوده و از گمانه زنی در این امور اجتناب نماید. و از نظر روحی، متواضع باشد. (۱۸ - ۳۸)

۴. وجود حکمت‌های ارزشمند انسانی در قرآن، دلیل بر استناد درست این کتاب به خداوند است. لذا باید به پیمان توحیدی این کتاب، التزام داشت و خداوند را از هرگونه شرکی مبرا دانست. خداوندی که همه‌ی اجزای هستی به یگانه بودن و مبرا بودنش از شریک، معترف هستند (یعنی او را تسبیح می‌کنند).

ولی با این وجود بین قرآن و بین آنهایی که به دنبال ایمان نیستند حجابی قطور وجود دارد. لذا آن‌ها تنها زمانی قرآن را می‌شنوند که بخواهند توصیفات زشتی برای آیات آن بیابند. (۳۹ - ۴۸)

۵. توحید اثر خودش را در اعتقاد به معاد می‌گذارد. مشرکین درباره‌ی بازپروای جسم پوسیده و تبدیل آن به انسان و این که چه کسی می‌خواهد این قدرت نمایی را انجام دهد و در چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد، ایرادات اساسی را - به گمان خودشان - به معاد وارد می‌کردند که قرآن به بهترین نحوی به آن‌ها پاسخ می‌دهد. و بعد با ملاحظت توصیه می‌کند که: «بندگان من! خوب سخن بگوید! مبدا شیطان میان شما فتنه ایجاد کند! زیرا شیطان دشمن آشکاری برای انسان است!»

این سخنان چه قدر در انسان‌ها تأثیر خواهد گذاشت؟ کسی جز خداوند پاسخ آن را نمی‌داند و پیامبر نیز نباید به دنبال پاسخ این سؤال باشد. همانطوری که خداوند تفاوت رتبه‌ای انبیا را در معرفت می‌داند، تفاوت ایمان و کفر دیگر انسان‌ها را نیز می‌داند. (پیامبر باید اهل وظیفه باشد نه نتیجه). (۴۹ - ۵۵)

۶. در ادامه‌ی بحث قبلی که پیامبر باید با برهان سخن بگوید و تأثیر گذاری آن را به خداوند واگذارد، قرآن به پیامبر دو پاسخ می‌آموزد: یک این که معبودهای مجازی (مثل جنیان و ملائک و عزیر و مسیح) اگر می‌توانستند مشکلی را حل کنند، خود هنگام بروز مشکل متوسل به خداوند نمی‌شدند و دوم این که خداوند می‌تواند هر معجزه‌ای که مشرکین خواستند بیاورد ولی امت‌های پیشین در مقابل این معجزات همچنان به تکذیب خود ادامه دادند لذا این سخن که «معجزات قطعاً موجب ایمان خواهند شد» سخن درستی نیست.

خداوند وضعیت تأسفبار موجود در صدر اسلام را برای پیامبر به صورت رؤیا به نمایش می‌گذارد، رؤیای منبری که میمون‌ها از آن بالا می‌روند (بنی‌امیه‌ای که همچون میمون از یکدیگر تقلید می‌کنند و دین را به سخریه می‌گیرند) و رؤیای درخت نفرین شده (سلسله‌ی منحوس منافقین غاصب). ولی با این همه پیامبر باید به تلاش خود ادامه دهد و نتیجه‌گیری را به خداوند واگذارد. (۵۶ - ۶۰)

۷. رؤیای اندوهبار پیامبر ثمره‌ی حسادت شیطان به آدم بود که او را واداشت تا همه - جز کمی - از ذریه‌ی آدم را گمراه سازد و خداوند نیز این امکان را به او داد تا هرکس را که می‌خواهد و به هر نحو که می‌تواند بفریبد و از آن طرف به انسان‌ها مدام گوشزد نمود که در طوفان حوادث تنها خداوند است که می‌تواند به شما کمک کند و از شیطان و معبودهای مجازی کاری برنمی‌آید، لذا به وعده‌های آن‌ها نباید مغرور شد.

خداوند انسان را تکریم نمود و همه‌ی امکانات زیستن و رشد یافتن را برای او مهیا نمود و او را آزاد گذارد تا هر پیشوایی را که می‌خواهد برای خود برگزیند. در آخر هرکس پرونده‌اش را به دستش می‌دهند تا معلوم شود چه کسی دنیا را به کوری گذرانده که در آخرت نیز این چنین باشد. (یکی پیشوایش را پیامبر و آل او برمی‌گزیند و دیگری پیشوایش را میمون‌هایی که منبر پیامبر را غصب نمودند و چون درختی منحوس به جان شجره‌ی طیبه افتادند.) (۶۱ - ۷۲)

۸. تلاش شیطان برای فریب انسان، محدود به امت‌ها نمی‌شود بلکه او از طریق شیطان‌های انسی تلاش می‌کند تا پیامبران را نیز وادارد تا به خداوند افترا بزنند. هر چند خداوند انبیا را با نیروی عصمت مقاوم نموده تا صحت وحی به مخاطره نیافتد. تلاش بعدی شیاطین انسی این است که پیامبر را منزوی نموده و به جایی دور دست تبعید کنند که در این نقشه نیز ناکام ماندند. پیامبران باید مدام ارتباط معنوی خود را با خداوند حفظ کنند تا از انواع دسیسه‌ها سالم بمانند. (۷۳ - ۸۷)

۹. قرآن سراسر شفا و رحمت است و انسان ضعیف کم ظرفیت را رشد داده و در مقابل نعمت و رنج، پرتوان می‌نماید و روح او را که همه‌ی کارهایش بر طبق آن انجام می‌گیرد، رشد می‌دهد و در این میان انبیا بیش‌ترین بهره را از قرآن برده و ادامه‌ی فضل و رحمت خداوند را بر خود تضمین می‌نمایند.

حال چه کسی می‌خواهد مانند این قرآن را - که دربرگیرنده‌ی همه‌ی مسائل انسان است - بیاورد؟! هیچ کس! ولی انسان لجوج، معجزه بودن قرآن را به هیچ انگاشته و به دنبال معجزات دیگر می‌باشد. واقعا جای تأسف است! چرا انسان به کتاب آسمانی ایمان نمی‌آورد آیا صرف این که پیامبر بشری مثل دیگر انسان‌ها است، دلیل موجهی برای نپذیرفتن هدایت است؟! به هر حال همین که خداوند گواه بر صحت رسالت پیامبر باشد کافی است. (۸۸ - ۹۶)

۱۰. هدایت خدایی، «هدایت» است و هر چه غیر آن، گمراهی خدایی است و خروج از ولایت خداوند است که ثمره‌اش کور و کر و لال محسور شدن در قیامت خواهد بود. و این ثمره، تنها به خاطر نوع برخورد گمراهان با ادله و نشانه‌های معاد در دنیا است. (۹۷ - ۹۹)

۱۱. این که مشرکین از معجزه بودن قرآن سخنی نمی‌گفتند و به دنبال معجزات جدید بودند، مسأله‌ای است که قرآن مدام به آن می‌پردازد. در این آیات اینگونه وارد بحث می‌شود که خداوند بخیل نیست بلکه شما انسان‌های بخیل هستید، خداوند بر اساس جودش، معجزات نهگانه‌ای را در اختیار حضرت موسی قرار داد ولی نتیجه چه شد؟ نه فرعون به موسی ایمان آورد و نه بنی‌اسرائیل بعد از آن همه معجزات از پیامبرشان اطاعت نمودند! بلکه به راحتی به گوساله پرستی مایل گشتند.

بنابر این تنها معجزه‌ای که باید انسان‌ها روی آن تدبّر کنند قرآن است، زیرا این کتاب به درستی از ناحیه‌ی خداوند فرو فرستاده شده و به درستی (و بدون دخالت شیطان) نیز فرود آمده است. آن‌ها که از قرآن طلب هدایت می‌کنند ارتباطی اوج یافته با خداوند یگانه برقرار می‌سازند. (۱۰۰ - ۱۱۱)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی بنی‌اسرائیل را قرائت کند و هنگام خواندن آیه‌ای که درباره‌ی پدر و مادر است، دچار رقت قلب شود، در بهشت اجری به او داده می‌شود که برابر دو هزار و چهارصد پیمان‌ه و هر پیمان‌ه از تمام نعمت‌های دنیا بهتر است.^{۱۳۲}

کرارا گفته‌ایم پاداش‌ها و فضیلت‌هایی که برای سوره‌های قرآن بیان شده هرگز برای خواندن تنها نیست، بلکه خواندنی است که توأم با تفکر و اندیشه، و سپس الهام گرفتن برای عمل بوده باشد.

مخصوصاً در یکی از همین روایات مربوط به فضیلت این سوره می‌خوانیم «فرق قلبه عند ذکر الوالدین»: کسی که این سوره را بخواند و به هنگامی که به توصیه‌های خداوند در ارتباط با پدر و مادر در این سوره می‌رسد، عواطف او تحریک گردد و احساس محبت بیشتر نسبت به پدر و مادر کند دارای چنان پاداشی است.

بنابراین الفاظ قرآن هر چند بلاشک محترم و پر ارزش است، ولی این الفاظ مقدمه‌ای است برای معانی، و معانی مقدمه‌ای است برای عمل.

کاربرد سوره

الف) درک امام زمان (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام):

کسی که سوره‌ی بنی اسرائیل را هر شب جمعه بخواند از دنیا نخواهد رفت تا اینکه قائم را درک کند، و از یارانش خواهد بود.^{۱۳۳}

ب، ج، د) به هدف خوردن تیر و باز شدن زبان و زیاد گشتن فهم

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سوره‌ی اسراء را بنویسد و در پارچه سبزی قرار دهد و آن را مواظبت کند و بعد تیر بیاندازد، تیرها به هدف خواهند خورد و اصلا خطا نمی‌روند و اگر آن را در ظرفی بنویسند و بعد آب آن را کسی که مشکل سخن گفتن دارد بنوشد زبانش به سخن درست، باز می‌شود و فهمش زیاد خواهد گشت.^{۱۳۴}

کَهِف (۱۸)

نام سوره

نام این سوره کَهِف است و کَهِف به معنای غار است؛ غاری که جمعی از جوانان باشخصیت، که بر ضدّ طاغوت و دجال زمان خود قیام نمودند در آن پناه بردند و خداوند آن‌ها را حفظ نمود. آیات ۹ تا ۲۵ به قصّه‌ی اصحاب کَهِف اختصاص داده شده است.

تعداد آیات

شماره آیاتش به نظر اهل بصره ۱۱۱ و به نظر اهل کوفه ۱۱۰ است.
اهل بصره «عِنْدَهَا قَوْمًا» (۸۶) را یک آیه گرفته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و پانصد و هفتاد و هفت.
تعداد حروف: شش هزار و ششصد و شصت.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادّعا شده مدنی است:

بعضی معتقد شده‌اند که ۳۲ آیه این سوره مدنی است! این میزان از آیات یک سوّم سوره را تشکیل می‌دهد، خصوصاً استثنای ۸ آیه از ابتدای سوره سبب می‌شود سوره مدنی شود! زیرا اتفاق علما برای مدنی و یا مکی بودن یک سوره، آیات ابتدایی و انتهایی آن است.
به دو مورد از آیات استثناء شده اشاره می‌شود:

۱- آیهی ۲۸ در مورد عیینة بن حصن فزاری است که در مدینه زندگی می‌کرد. او از پیامبر خواسته بود که فقرای اطرافت را طرد کن تا ما به تو ایمان بیاوریم!
پاسخ: این شأن نزول با مدینه اصلاً سازگاری ندارد علاوه بر این که در نقلی دیگر آمده است که شخصی به نام امیة بن خلف که در مکه بود این پیشنهاد را داد.
۲- آیات ۸۳ تا ۱۰۱ در پاسخ به یهودیان نازل شده است و ملاقات یهودیان با پیامبر و سؤال از او در مدینه اتفاق می‌افتاده است.

پاسخ: در این مورد و موارد مشابه، یهودیان مستقیماً از پیامبر این نوع سؤالات را مطرح نمی‌کردند بلکه آن‌ها را بنا بر درخواست مشرکین، به آن‌ها تعلیم می‌دادند تا پیامبر را به چالش بکشاند چنانچه در شأن نزول سوره نیز آمده است.^{۱۳۵}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۹۸

سوره‌ی قبل: غاشیه

سوره‌ی بعد: شوری

تاریخ نزول آن، بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

شأن نزول

از ابن عباس روایت است که گفت مشرکان قریش نضر بن حارث و عقبه بن ابی‌معیط را نزد علمای یهودی مدینه فرستادند، و گفتند از آن‌ها درباره‌ی محمد سؤال کنید و او را برای ایشان توصیف کنید و گفتار او را برای ایشان نقل کنید چون به هر حال آن‌ها اهل کتاب اول هستند و آن‌ها در مورد پیامبران و علوم ایشان اطلاعاتی دارند که ما نداریم، آن دو به‌راه افتادند و چون به مدینه رسیدند از علمای یهودی درباره‌ی پیامبر پرسش‌هایی نمودند و آن دو حضرت را برای آن‌ها توصیف کردند و برخی از گفتار پیامبر را برای آن‌ها بازگو کردند، دانشمندان یهودی به آن‌ها گفتند سه مسأله‌ای که به شما می‌گوییم از او بپرسید، اگر پاسخ داد بدون تردید پیامبر فرستاده شده از جانب خداست، و اگر پاسخ نداد مردی است که پیش خود مطالبی را به‌خدا بسته است و در آن صورت خودتان درباره‌اش تصمیم بگیرید، نخست درباره‌ی گروهی از جوان‌ها که در روزگارهای بسیار گذشته زندگی می‌کرده‌اند و داستان عجیبی دارند بپرسید، و هم درباره‌ی مردی جهانگرد که همه‌ی خاوران و باختران را گشته است بپرسید که داستان او چه بوده است، و هم از او بپرسید که روح چیست؟

نضر و عقبه به‌راه افتادند تا به مکه رسیدند و پیش قریش رفتند و گفتند ما به دلیل قاطعی برای قضاوت میان شما و محمد آمده‌ایم، دانشمندان یهود به ما گفتند که در مورد مسألتی از او سؤال کنیم و پرسش‌ها را به آن‌ها گفتند و پیش رسول خدا آمدند و گفتند پاسخ

این پرسشهای ما را بده، و سؤال‌هایی را که یهودی‌ها گفته بودند طرح نمودند، حضرت فرمود فردا پاسخ پرسشهای شما را خواهیم داد و نفرمود که ان‌شاء الله (اگر خدا بخواهد)، سؤال کنندگان رفتند، و پانزده شب وحی از پیامبر قطع شد و جبرئیل به حضورش نیامد، و اهل مکه شروع به گفتگوهای نامربوط کردند و گفتند محمد گفت فردا پاسخ میدهد و حال آنکه امروز پانزده روز گذشته است و پاسخی در مورد آنچه که پرسیده‌ایم نداده است، و این مسأله موجب اندوه پیامبر گردید، در این هنگام جبرئیل سوره‌ی کَهِف را بر آن حضرت آورد که در آن سوره نسبت به اندوه پیامبر عتابی شده است و پاسخ دو پرسش ایشان که مربوط به جوانان اصحاب کَهِف و مردی جهانگرد (ذو القرنین) باشد در آن سوره آمده است و در مورد روح هم که خداوند آیه‌ی «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» (اسراء: ۸۵) را نازل فرموده است.^{۱۳۶}

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی بنی‌اسرائیل را با حمد و توحید و یادی از پیامبر خاتمه داد، سوره‌ی کَهِف را نیز با حمد و توحید و وصف قرآن و پیامبر، آغاز می‌کند.

محتوای سوره

این سوره با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌شود، و با توحید و ایمان و عمل صالح پایان می‌یابد.

محتوای این سوره همچون سایر سوره‌های مکی، بیشتر بیان مبدأ و معاد، و بشارت و انذار است. همچنین به مسأله‌ی مهمتی که مسلمانان در آن روزها سخت به آن نیاز داشتند اشاره می‌کند، و آن اینکه یک اقلیت - هر چند کوچک باشد - در برابر یک اکثریت (هر چند ظاهراً قوی و نیرومند باشند) نباید تسلیم گردد و در فساد محیط حل شود، بلکه همچون گروه کوچک اصحاب کَهِف باید حساب خودشان را از محیط فاسد جدا کنند، و بر ضد آن قیام نمایند.

آن روز که توانایی دارند به مبارزه ادامه دهند و در صورت عدم توانایی، هجرت نمایند. همچنین از جمله داستان‌های این سوره، داستان دو نفر است که یکی بسیار ثروتمند و مرفه اما بی‌ایمان، و دیگری فقیر و تهیدست اما مؤمن بود، ولی او هرگز عزت و شرف خود را در برابر آن فرد بی‌ایمان از دست نداد، و تا آنجا که می‌توانست او را نصیحت و ارشاد کرد و سرانجام اعلام بی‌زاری نمود و پیروزی هم با او بود. تا مؤمنان در شرایطی همچون آغاز دعوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بدانند اگر ثروتمندان بی‌ایمان جنب و جوشی دارند موقت است و خاموش‌شدنی، همانند فقر و تنگدستی افراد باایمان.

بخش دیگری از این سوره به داستان موسی و خضر (هر چند نام خضر در این سوره نیامده است) اشاره می‌کند که چگونه موسی (علیه‌السلام) در برابر کارهایی که ظاهر آن زننده بود

اما باطنش پرمصلحت نتوانست صبر و حوصله به خرج دهد، ولی پس از توضیحات خضر به عمق مسائل کاملاً آگاه شد و از بی‌تابی خود پشیمان گشت.

این نیز درسی است برای همه، تا به ظواهر حوادث و رویدادها ننگرند، و بدانند در زیر این ظواهر باطنی است بسیار عمیق و پرمعنی.

بخش دیگری از این سوره ماجرای ذوالقرنین را شرح می‌دهد که چگونه شرق و غرب عالم را پیمود، و با اقوام گوناگونی که سنن و آداب بسیار متفاوتی داشتند روبه‌رو شد، و سرانجام با کمک گروهی از مردم به مقابله‌ی با توطئه‌ی قبیله‌ی وحشی یاجوج و ماجوج، برخاست و سدی آهنین بر سر راه آن‌ها کشید، و نفوذشان را قطع کرد تا مسلمانان با بینشی وسیع‌تر، خود را برای نفوذ در شرق و غرب جهان آماده سازند، و برای مبارزه با یاجوج‌ها و ماجوج‌ها دست اتحاد به هم دهند!

جالب اینکه در این سوره به سه داستان اشاره شده (داستان اصحاب کهف، داستان موسی و خضر، و داستان ذوالقرنین) که برخلاف غالب داستان‌های قرآن در هیچ جای دیگر از قرآن سخنی از این‌ها به میان نیامده است (تنها در سوره‌ی انبیاء آیه‌ی ۹۶ به مسأله یاجوج و ماجوج بدون ذکر نام ذوالقرنین اشاره شده است). و این یکی از ویژگی‌های این سوره است. و به هر حال محتوایش از هر نظر پربار، و تربیت‌کننده می‌باشد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۹ بخش است:

۱. نفی شرک: (۱ - ۸)
۲. تاریخ اصحاب کهف: (۹ - ۲۶)
۳. عدم طرد مؤمنین فقیر: (۲۷ - ۳۱)
۴. دو باغ‌دار: (۳۲ - ۴۶)
۵. عاقبت مستکبرین: (۴۷ - ۵۳)
۶. انسان لجوج: (۵۴ - ۵۹)
۷. ملاقات حضرت موسی و حضرت خضر: (۶۰ - ۸۲)
۸. تاریخ ذوالقرنین: (۸۳ - ۹۸)
۹. عاقبت مشرکین: (۹۹ - ۱۱۰)

ارتباط آیات

۱. شکر خدایی را که قرآن را فرستاد تا مؤمنین دارای اعمال صالح را بشارت دهد و شرک ورزان یاوه‌گویی را که برای خداوند فرزند قائل هستند، هشدار دهد. ای پیامبر! خودت را رنج مده! دنیا محل فریب (مشرکین) است. ولی بعضی در همین دنیای پر فریب، بی آن که پیامبری آن‌ها را انداز کرده باشد تنها بر اساس فطرت سلیم خود راه توحید را رفتند و... و این

چنین خداوند قصه‌ی عبرت آموز اصحاب کهف را نقل می‌کند و از پیامبر می‌خواهد از این قصه تعجب نکند زیرا انسان خودش هست که تصمیم می‌گیرد، لذا نباید به حال گمراهان تأسف خورد. (۱ - ۲۷)

۲. اصرار بر هدایت مشرکین ممکن است پیامبر را از اصول خود منحرف سازد؛ مثلاً مؤمنین فقیر را بنابر درخواست مشرکین از خود براند لذا قرآن به پیامبرش توصیه‌ی اکید می‌کند که از اصول قرآنی تخطی نکند و در خاطر داشته باشد که عقوبت و پاداش کافرین و مؤمنین به دست خداست.

قرآن با این مقدمه سراغ دو نفر دارا و ندار می‌رود و توضیح می‌دهد که چگونه دارا به خاطر بخلش از خداوند روی بر تافته بود و متوسل بت‌ها شده بود و منکر معاد گشته بود و دیگری که مال کمتری داشت، او را نسبت به شرک و انکار معاد هشدار می‌داد؛ در نهایت بلایی آمد و دارا را خاکستر نشین نمود و او تأسف می‌خورد که ای کاش متوسل بت‌ها نشده بود. آری دنیا مدام در حال تغییر و تحول است و نمی‌توان به آن خوشنود بود بلکه باید هراس از روزی داشت که همه در مقابل خداوند به صف می‌ایستند و ترازوی اعمال گذاشته می‌شود و پرونده‌هایی که کوچک و بزرگ اعمال در آن ثبت شده است گشوده می‌گردد. (۲۸ - ۴۹)

۳. غرور موجب کفر است؛ آن‌گونه که باغ‌دار دارا - که در فصل قبل توصیفش آمده بود - به کفر رسید و آن‌گونه که شیطان کافر گشت. این غرور سبب می‌شود تا فرد متوسل به شرک شود و خود را بی‌نیاز از عبودیت خداوند دانسته و از تسلیم در مقابل انبیا ابا کند. غافل از آن که معبودهای مجازی نمی‌توانند او را هنگام بروز حوادث کمک کنند. چرا انسان به قرآن ایمان نمی‌آورد؟! این قرآن چه چیزی کم دارد؟! چرا انسان کارش به بازی گرفتن حقیقت است؟! چه کسی ستمکارتر از انسانی است که پشت به آیات الهی می‌کند؟! بالاخره وقتی زمانش برسد هلاکت سراغ انسان‌هایی این‌چنینی خواهد آمد. (۵۰ - ۵۹)

۴. پیامبر در ابتدای سوره امر به صبر و اعراض از مشرکین شد و در اینجا مناسب می‌نماید که قصه‌ی کم صبری حضرت موسی را در مقابل حضرت خضر به عنوان عبرت نقل شود تا پیامبر در مسیر راهبری مردم به سمت صراط مستقیم، بیش‌تر توفیق یابد. قصه‌ی ملاقات حضرت موسی با حضرت خضر دارای درس‌های متعددی است که سزاوار است در این درس‌ها به درستی تعمق شود. (۶۰ - ۸۲)

۵. داستان اصحاب کهف و ملاقات موسی و خضر و قصه‌ی ذوالقرنین سه سؤال عمده‌ای بود که مشرکین، با کمک فکری یهودیان، از پیامبر سؤال نمودند و اینک سومین این قصه‌ها را قرآن نقل می‌کند. درباره‌ی شخصیت ذوالقرنین باید به درستی تحقیق نمود تا مسائل زیادی از این طریق کشف گردد. (۸۳ - ۹۸)

۶. سوره‌ی کهف با انذار مشرکین به پایان می‌رسد. و به همین منظور وضعیت آن‌ها در قیامت به تصویر کشده شده است. و در مقایسه با عذاب آن‌ها، فردوس به عنوان سرانجام مؤمنین معرفی شده است. (۹۹ - ۱۰۸)

۷. سوره‌ی کهف شامل سه قصه‌ی عجیب بود لذا در پایان آن به این نکته اشاره می‌کند که این‌ها کمی از ناگفته‌های خداوند است، کلماتی که پایانی ندارد. منتها اساس این کلمات همان توحید و نبوت و معاد است و این که باید با عبادت خالصانه و اعمال صالح توشه خود را برای آخرت مهیا نمود. (۱۰۹ و ۱۱۰)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

آیا سوره‌ای را به شما معرفی کنم که هفتاد هزار فرشته به هنگام نزولش آن را بدرقه کردند و عظمتش آسمان و زمین را پر کرد؟ یاران عرض کردند: آری. فرمود: آن سوره‌ی کهف است. هر کس آن را روز جمعه بخواند خداوند تا جمعه‌ی دیگر او را می‌آمرزد (و طبق روایتی او را از گناه حفظ می‌کند)... و به او نوری می‌بخشد که به آسمان می‌تابد و از فتنه‌ی دجال محفوظ خواهد ماند.^{۱۳۷}

و از آنجا که یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سوره داستان قیام جمعی از جوانان باشخصیت، بر ضد طاغوت و دجال زمان خود بود، قیامی که جان آن‌ها را به خطر افکند و تا سرحد مرگ پیش رفتند، اما خدا آن‌ها را حفظ کرد، توجه به این واقعیت می‌تواند نور ایمان را در دل‌های آماده، شعله‌ور سازد و او را در برابر گناهان و وسوسه دجالان و حل شدن در محیط فاسد حفظ کند.

کاربرد سوره

الف) توفیق شهادت

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که در هر شب جمعه سوره‌ی کهف را بخواند شهید از دنیا می‌رود، و با شهدا مبعوث می‌شود و در روز قیامت در صف شهدا قرار می‌گیرد.^{۱۳۸}

توصیف‌های تکان‌دهنده‌ای که از مجازات‌های دوزخ در آیات این سوره به چشم می‌خورد، و همچنین سرنوشت شومی که در انتظار مستکبران است و در آیات این سوره انعکاس وسیع یافته، و توجه به علم بی‌پایان خدا که در ضمن مثال جالبی در این سوره منعکس است، همگی می‌تواند این اثر را تکمیل نماید و انسان را از فتنه‌های شیاطین حفظ کند، نور پاکی و عصمت در قلب او بیافشاند و سرانجام با شهادت‌ش محشور کند.

ب) بیدار شدن در ساعت دلخواه

امام صادق (علیه‌السلام):

هیچ بنده‌ای نیست که آیه‌ی آخر سوره‌ی کهف را بخواند مگر این که در ساعتی که می‌خواهد بیدار شود.^{۱۳۹}

ج، د) رهایی از فقر و اذیت مردم

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سوره‌ی کهف را بنویسد و در ظرفی شیشه‌ای با ذری تنگ قرار دهد، فقر و بدهی از او و خانواده‌اش برطرف شده و از اذیت مردم ایمن خواهد شد.^{۱۴۰}

ه) جلوگیری از فساد حبوبات

اگر سوره‌ی کهف نوشته شده و در ظروف حبوبات مثل جو و گندم و برنج و نخود و غیر آن قرار داده شود، خداوند هر مودی که به حبوبات راه پیدا می‌کند دفع خواهد کرد.^{۱۴۱}

نکته: توصیه به حفظ آیاتی از سوره‌ی کهف

در حدیثی از پیامبر می‌خوانیم:

هر کس ۱۰ آیه از اول سوره‌ی کهف را حفظ کند دجال به او زیانی نمی‌رساند، و کسی که آیات آخر سوره را حفظ کند نور و روشنایی برای او در قیامت خواهد بود.^{۱۴۲}

مریم (۱۹)

نام سوره

حضرت مریم دختر عمران، مادر حضرت عیسی، زنی که قرآن به پاکی او شهادت داده است، نامش سی و چهار بار در کلام الله مجید مذکور می‌باشد.

چهل آیه‌ی نخست این سوره به قصه‌ی حضرت مریم و زکریا و عیسی می‌پردازد.

نام این سوره در روایات «کهیصص» برگرفته از آیه‌ی نخست این سوره آمده است.

در خصوص حروف مقطعه این سوره، دو دسته از روایات در منابع اسلامی دیده می‌شود:

نخست روایاتی است که هر یک از این حروف را اشاره به یکی از اسمای بزرگ خداوند (اسماء الحسنی) می‌داند: «کاف» اشاره به کافی که از اسما بزرگ خداوند است، «هاء» اشاره به هادی، «یاء» اشاره به ولی، «عین» اشاره به عالم، و «صاد» اشاره به صادق الوعد (کسی که در وعده‌ی خود صادق است)^{۱۴۳}.

دوم روایاتی است که این حروف مقطعه را به داستان قیام امام حسین (علیه‌السلام) در کربلا تفسیر کرده است: «کاف» اشاره به کربلا، «هاء» اشاره به هلاک (شهادت) خاندان پیامبر (علیهم‌السلام)، «یاء» به یزید، «عین» به مسأله عطش، و «صاد» به صبر و استقامت حسین و یاران جانبازش^{۱۴۴}.

تعداد آیات

این سوره دارای ۹۸ آیه است:

کوفیان «کهیصص» (۱) را یک آیه شمرده‌اند ولی دیگران، یک آیه ندانسته‌اند.

کوفیان «الرحمن مدآ» (۷۵) را یک آیه مستقل شمرده‌اند، اما دیگران آن را یک آیه

دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: نهصد و شصت و دو.

تعداد حروف: سه هزار و هشتصد و دو.

محل نزول

این سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۴

سوره‌ی قبل: فاطر

سوره‌ی بعد: طه

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه و معراج است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در آخر سوره‌ی کهف، درباره‌ی یگانگی خدا و دعا کردن گفتگو شد. در آغاز این سوره درباره‌ی پیامبران که بر این روش برانگیخته شده‌اند تا مردم به آن‌ها اقتدا کنند و به وسیله‌ی آن‌ها هدایت شوند، گفتگو می‌کند.

محتوای سوره

این سوره از نظر محتوا دارای چندین بخش مهم است:

۱- مهم‌ترین بخش این سوره را قسمتی از سرگذشت حضرت زکریا و مریم و مسیح و یحیی، و ابراهیم قهرمان توحید و فرزندش اسماعیل و ادريس و بعضی دیگر از پیامبران بزرگ الهی، تشکیل می‌دهد که دارای نکات تربیتی خاصی است.

۲- قسمت دیگری از این سوره که بعد از بخش نخست، مهم‌ترین بخش را تشکیل می‌دهد مسائل مربوط به قیامت و چگونگی رستاخیز و سرنوشت مجرمان و پاداش پرهیزگاران و مانند آنست.

۳- بخش دیگر مواعظ و نصایحی است که در واقع مکمل بخش‌های گذشته می‌باشد.

۴- بالاخره آخرین بخش، اشارات مربوط به قرآن و نفی فرزند از خداوند و مسأله‌ی شفاعت است که مجموعاً برنامه‌ی تربیتی مؤثری را برای سوق نفوس انسانی به ایمان و پاکی و تقوا تشکیل می‌دهد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۸ بخش است:

۱. حضرت زکریا و حضرت یحیی: (۱ - ۱۵)
۲. حضرت مریم و حضرت عیسی: (۱۶ - ۳۳)
۳. نفی الوهیت از عیسی: (۳۴ - ۴۰)
۴. بت شکنی حضرت ابراهیم: (۴۱ - ۵۰)
۵. انبیا و پیروان آنان: (۵۱ - ۶۵)
۶. حتمیت روز محشر: (۶۶ - ۷۲)
۷. ظالمین مرقه: (۷۳ - ۸۷)
۸. شرک، زشت ترین سخن: (۸۸ - ۹۸)

ارتباط آیات

۱. قسمت عمده آیات سوره‌ی مریم گذری است به تاریخ انبیا و صلحای بزرگی همچون حضرت زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، موسی، اسماعیل صادق الوعد و ادریس و در آخر می‌فرماید: اینان از نسل مسافران کشتی نوح و از خانواده ابراهیم و اسرائیل (یعقوب) بودند که هنگام تلاوت آیات الهی به شدت منقلب می‌شدند. ولی کسانی جایگزین آن‌ها شدند که نماز را تباه ساختند و تابع شهوات گشتند و البته عده‌ای هم توبه نمودند و با اعمال صالح مفاسدشان را اصلاح نمودند و به این خاطر مستحق بهشت شدند. (۱ - ۶۳)
۲. همه‌ی انبیا دعوت به توحید داشته و انسان‌ها را نسبت به معاد انذار و بشارت می‌دادند. به آن‌ها از این حقیقت سخن می‌گفتند که: «مالک جهان هستی خداوند یگانه است لذا باید تنها در مقابل او کرنش نمود و تنها او را عبادت کرد و هیچ نباید از زنده شدن دوباره در قیامت متعجب شد زیرا انسان خود از هیچ به هستی گام گذاشته است. لذا قطعا روزی فراخواهد رسید که همه‌ی امت‌ها با پیشوایان شیطانی و راهنمایان الهی خویش حاضر خواهند شد و همه از دوزخ عبور داده شده و آنگاه متقین نجات یافته و ظالمین گرفتار خواهند گشت.» (۶۴ - ۷۲)
۳. ظالمین در دنیا به مال و منال خود می‌نازیدند ولی در آنجا خواهند فهمید که چه کسی دارای مکان و ارزش است! چه کسی از صالحاتی که از خود در دنیا باقی گذاشته است بهره‌مند خواهد شد! آیا صرف داشتن مال و فرزند، برتری ایجاد می‌کند؟! آیا کسی در این باره از خداوند قولی گرفته است؟! این‌ها ادعاهایی است که مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. ظالمین از بت‌های خود عزت می‌جستند ولی به زودی (در روز قیامت) از آن‌ها اعلان بیزاری خواهند کرد، آن روز به درستی خواهند فهمید که این شیاطین بودند که همه‌ی وجود آن‌ها را درنوردیدند و دگرگونشان ساختند. (۷۳ - ۸۴)
۴. به زودی متقین به صورت میهمان بر خداوند رحمان وارد شده و مجرمین به زور به دوزخ روانه می‌شوند. آن‌ها هیچ نمی‌توانند شفاعت شوند و یا شفاعتی کنند، آن‌ها گفتند خداوند «فرزند خوانده» دارد! عجب سخن زنده‌ای گفتند! سخنی که نزدیک



است آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از خشم متلاشی شوند. روز قیامت همه، به عنوان عبد او، تنها و بی‌کس، حاضر می‌شوند ولی مؤمنین با خداوند بوده و دیگر غریب و تنها نیستند و این بشارتی نیکو برای متقین است. (۸۵ - ۹۸)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بخواند به تعداد کسانی که زکریا را تصدیق یا تکذیب کردند، و همچنین یحیی و مریم و عیسی و موسی و هارون و ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسماعیل، آری، به تعداد هر یک از آن‌ها خداوند ده حسنه به او می‌دهد. همچنین به تعداد کسانی که (به دروغ و تهمت) برای خدا فرزندی قائل شدند و نیز به تعداد کسانی که فرزند قائل نشدند.^{۱۴۵} در حقیقت این حدیث دعوت به تلاش و کوشش در دو خط مختلف می‌کند: خط حمایت از پیامبران و پاکان و نیکان، و خط مبارزه با مشرکان و منحرفان و آلودگان؛ زیرا می‌دانیم این ثواب‌های بزرگ را به کسانی نمی‌دهند که تنها الفاظ را بخوانند و عملی بر طبق آن انجام ندهند، بلکه این الفاظ مقدس مقدمه‌ای است برای عمل.

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس مداومت به خواندن این سوره کند، از دنیا نخواهد رفت مگر اینکه خدا به برکت این سوره او را از نظر جان و مال و فرزند بی‌نیاز می‌کند. در آخرت نیز از اصحاب عیسی بن مریم است و اجر او در آخرت، به اندازه‌ی ملک سلیمان است در این جهان.^{۱۴۶} این غنا و بی‌نیازی مسلماً بازتابی است از پیاده شدن محتوای سوره در درون جان انسان و انعکاسش در خلال اعمال و رفتار و گفتار او.

کاربرد سوره

الف) آسان شدن زایمان

در روایت است که: اگر زایمان بر زنی سخت شد نزد او سوره‌ی قدر زیاد خوانده شود و اگر وضع حمل سر نگرفت، همسر پایش را بین دو کتف او بگذارد و سوره‌ی مریم را تلاوت کند.^{۱۴۷}

ب) دیدن خواب خوب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی مریم را بنویسد و با خود همراه داشته باشد در خواب جز خوبی نخواهد دید.^{۱۴۸}

ج، د) حفظ اموال از دزد و از بین رفتن ترس
امام صادق (علیه السلام):

اگر نوشته سوره‌ی مریم در دیوار منزلی قرار داده شود، از ورود دزدها محافظت می‌شود و اموال درون منزل محفوظ خواهد ماند و اگر (سوره در ظرفی نوشته شده و بعد با آبی نظیف شسته شود و) ترسیده‌ای از آن بنوشد احساس امنیت خواهد کرد.^{۱۴۹}

طه (۲۰)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی نخست آن گرفته شده است: طه.
مَلَّا فَتَحَ اللَّهُ كَاشَانِي دَر تَفْسِيرِ «مَنْهَجِ الصَّادِقِينَ فِي إِلْزَامِ الْمُخَالَفِينَ»،^{۱۵۰} می‌گوید (با تلخیص و تغییر بعضی از واژگان):

در هیچ یک از حروف مقطعه که مبادی سُورند این مقدار اختلاف نیست که در طه است. از ابن عباس و سعید بن جبیر و حسن و مجاهد و کلبی مرویست که این لفظ از حروف مقطعه نیست بلکه معنی آنست که «یا رجل» به لغت عک و حبشه و نبطیه و سریانیة... و محتمل است که اصل آن «یا هذا» بوده باشد که یا قلب شده است به طا و اکتفا کرده باشند بر حرف اولِ هذا... و بنا بر صحت آن، مراد حضرت رسالت است (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).
و کسانی که این را حروف مقطعه می‌دانند گویند که اسم سوره است یا اسم قرآن یا اسمی از اسمای الهی و یا مفتاح اسم طاهر و هادی. و جمعی بر آنند که اسمی است از اسمای حضرت رسالت پناهی چنان که مَزْمَل و مَدْتَّر. پس منادی باشند که حرف ندا از او محذوف شده است. و یا اشارت است به دو اسم آن حضرت که طاهر است و هادی... (لذا) مذکور است که از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) مرویست که طه سوگند است به طهارت اهل بیت رسول (علیهم‌السلام) لقوله تعالی «وَيُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً» و به روایت دیگر از آن حضرت، معناه: «طَوَّبِي لِمَنْ هُدِي».

... در بعضی دیگر از تفاسیر آمده که طاء به حساب جمل نه است، و هاء پنج. مجموع چهارده باشد و غالب آنست که ماه را مرتبه بدریه در شب چهاردهم حاصل می‌شود. پس در ضمن این خطاب مندرج است که ای ماه شب چهارده، و منادی حضرت رسالت است و بدریت اشارت است به کمال مرتبت جامعیت آن حضرت کما لا یخفی علی العرفاء.

و بعضی از علمای ما گفته‌اند که طه اشارت است به حضرت رسالت و فاطمه‌ی زهرا و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) که چهارده معصومند.

و در نزد جمعی دیگر طاها در اصل «طأها» بوده است که امر است از وطأً یطأ و «ها» کنایه است از زمین. و همزه به جهت سبکی تلفظ به الف مبدل گشته؛ یعنی: ای محمد! بینه قدمین خود را به زمین وقتی که ادای صلوات می‌کنی و به طاعت قیام نمای (چون حضرت هنگام نماز به خاطر ریاضت بیش‌تر یک گام خود را بلند می‌کردند و یا دو پاشنه‌شان را حرکت داده و روی پنجه می‌ایستادند)...

از این سوره، به سوره‌ی کلیم و موسی نیز یاد شده است. علت این نام‌گذاری، گفتگوی خداوند با حضرت موسی است که در آیات مختلف آن نقل شده است.

تعداد آیات

آیات آن نزد کوفیان ۱۲۵، و نزد بصریان ۱۳۲ آیه است:
کوفیان هر یک از «طه» (۱) و «تَسْبَحَكَ كَثِيراً» (۳۳) و «تَذُكَّرَكَ كَثِيراً» (۳۴) و «لِنَفْسِي» (۴۱) و «مَا غَشِيَهُمْ» (۷۸) و «رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا» (۹۲) را یک آیه شمرده‌اند.
اما بصریون هر یک از جملات: «فَتُونَا» (۴۰) و «مِنِّي هُدًى» (۱۲۳) و «زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۱۳۱) را آیه‌ای جداگانه دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و سیصد و پنجاه و یک.
تعداد حروف: پنج هزار و چهارصد و شصت و شش.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیه‌ای که ادعا شده مدنی است:
آیه‌ی ۱۳۱ (وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا...) به خاطر شأن نزول آن در مدینه نازل شده است. میهمانی برای پیامبر خدا آمد و حضرت ابو رافع را نزد یهودی فرستاد تا از او غذایی را بخرد و به او بگوید که پولش در ماه رجب پرداخت خواهد شد. یهودی از این کار امتناع نمود و حضرت مجبور شد زره خود را در ازای طعام بدهد، آن وقت این آیه نازل شد.^{۱۵۱}
پاسخ: بر فرض که این قصه صحیح هم باشد، می‌تواند از باب تطبیق باشد نه شأن نزول چون سیاق آیات قبل و بعد می‌گوید این آیه با دیگر آیات نازل شده است.^{۱۵۲}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۵

سوره‌ی قبل: مریم
سوره‌ی بعد: واقعه
تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی مریم به نزول قرآن و اینکه قرآن بشارت متّقین و انذار کافرین است اشاره شد، اینک در آغاز این سوره به ذکر این نکته می‌پردازد که قرآن برای سعادت پیامبر نازل شده است، نه برای بدبختی اینان.

محتوای سوره

بخش اول: این سوره اشاره‌ی کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار است.

بخش دوم: بیش از هشتاد آیه را در برمی‌گیرد و از داستان حضرت موسی سخن می‌گوید، از آن زمان که به نبوت مبعوث گردید و سپس با فرعون جبار به مبارزه برخاست، و پس از درگیری‌های فراوان او با دستگاه فرعونیان و مبارزه با ساحران و ایمان آوردن آن‌ها، خداوند به صورت اعجاز‌آمیزی فرعون و فرعونیان را در دریا غرق کرد، و موسی و مؤمنان را رهایی بخشید. بعد ماجرای گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل و درگیری هارون و موسی را با آن‌ها بیان می‌کند. سومین بخش: بخش‌هایی درباره‌ی معاد و قسمتی از خصوصیات رستاخیز آمده است. بخش چهارم: سخن از قرآن و عظمت آن است.

بخش پنجم: سرگذشت آدم و حوا را در بهشت، و سپس ماجرای وسوسه‌ی ابلیس و سرانجام هبوط آن‌ها را به زمین توصیف می‌کند. و بالاخره در آخرین قسمت، نصیحت و اندرزهای بیدارکننده‌ای، برای همه‌ی مؤمنان بیان می‌دارد که روی سخن در بسیاری از آن‌ها به پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۶ بخش است:

۱. خداوند، نازل‌کننده قرآن: (۱ - ۸)
۲. تاریخ مفصل حضرت موسی: (۹ - ۱۰۴)
۳. عاقبت مجرمین: (۱۰۵ - ۱۱۴)
۴. آدم و شیطان: (۱۱۵ - ۱۲۳)
۵. عاقبت غافلین: (۱۲۴ - ۱۳۲)
۶. بهانه‌جویی‌های کفار: (۱۳۳ - ۱۳۵)

ارتباط آیات

۱. قسمت‌های عمده‌ای از زندگی حضرت موسی در سوره‌ی طه آمده است. آیات این بخش با این مقدمه آغاز شده است که قرآن می‌تواند انسان‌هایی را که هراس از خدا و معاد دارند مدام بیدار نگه داشته و بر هراسشان بیافزاید. و همچنین این نکته را یادآور می‌شود که خداوند بر همه‌ی زندگی موجودات هستی اشراف داشته و از همه‌ی سخنان پنهان و آشکارشان آگاه است و لذاست که تاریخ آن‌ها را به درستی نقل می‌کند. آنگاه قرآن زندگی حضرت موسی را در چهار بخش مطرح می‌سازد: (۱) آغاز نبوت؛ (۲) برخورد حضرت موسی و هارون با فرعون؛ (۳) خروج موسی و بنی اسرائیل از مصر؛ (۴) گوساله پرستی بنی اسرائیل.

قرآن پس از ذکر تاریخ حضرت موسی نتیجه می‌گیرد که هر کس از تاریخ نیاموزد، بار گناهانش زیاد شده و مجبور خواهد بود همیشه آن را بر دوش بکشد. (۱ - ۱۰۱)

۲. قرآن در ادامه‌ی آیات قبل از مجرمینی سخن می‌گوید که از تاریخ عبرت نگرفتند و در ادامه، نحوه‌ی حضور آن‌ها را در قیامت شرح می‌دهد و این روز بزرگ را به صورت هراس آوری به تصویر می‌کشد. (۱۰۲ - ۱۱۲)

۳. قرآن مجموعه‌ای کامل از هشدارها است که در حفظ تقوا و زدودن غفلت بسیار کارساز است. تأثیر زیاد آیات الهی در غفلت زدایی، سبب می‌شد که گاهی پیامبر قبل از اتمام مرحله‌ای از وحی، آن آیات را برای مشرکین بخواند تا آن‌ها را متنبه سازد. (۱۱۳ و ۱۱۴)

۴. خداوند از همان آغاز خلقت بارها انسان را نسبت به شیطان هشدار داده است. ولی انسان عزم راسخ برای تقابل با شیطان از خود بروز نداده است. و همین سبب شد تا آدم از بهشت رانده شود و دشمنی دائم بین او و شیطان آغاز گردد. در این میان بسیاری این دشمنی را فراموش نموده و با فریب او، از یاد خداوند اعراض نموده و زندگی سختی را برای خود رقم زده‌اند و در آخرت نیز نابینا و فراموش شده محشور خواهند شد. این جزای اسراف نعمت هدایت است. نعمت این همه تاریخ عبرت آموز. (۱۱۵ - ۱۲۹)

۵. انبیا همیشه باید با حفظ ارتباط قوی معنوی خود و خانواده خود با خداوند، تحمل خود را در برخورد با مخالفین زیاد کنند و به این وسیله این بصیرت را بیش‌تر پیدا کنند که آبادانی دنیایی کفّار، دلیل بر مهربانی خداوند و یا غفلت خداوند از زشتی‌های آن‌ها نیست. بلکه باید حجت بر آن‌ها تمام شود تا روز قیامت نگویند: «چرا برای ما پیامبر نفرستادی؟!» (۱۳۰ - ۱۳۵)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

* خداوند سوره‌ی طه و یس را قبل از آفرینش آدم به دو هزار سال برای فرشتگان بازگو کرده هنگامی که فرشتگان این بخش از قرآن را شنیدند گفتند:

«خوشا به حال امتی که این سوره‌ها بر آن‌ها نازل می‌گردد، خوشا به دل‌هایی که این آیات را در خود پذیرا می‌شود، و خوشا به زبان‌هایی که این آیات بر آن جاری می‌گردد».^{۱۵۳}
* هر کس آن را بخواند، در روز رستاخیز ثواب مهاجران و انصار نصیبش خواهد شد.^{۱۵۴}
امام صادق (علیه‌السلام):

تلاوت سوره‌ی طه را ترک نکنید، چرا که خدا آن را دوست می‌دارد، و دوست می‌دارد کسانی را که آن را تلاوت کنند. هر کس تلاوت آن را ادامه دهد خداوند در روز قیامت، نامه‌ی اعمالش را به دست راستش می‌سپارد و بدون حساب به بهشت می‌رود، و در آخرت آن قدر پاداش به او می‌دهد که راضی شود.^{۱۵۵}

کاربرد سوره

الف، ب) سر گرفتن ازدواج مرد و زن، آشتی دادن
امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که این سوره را بنویسد و در پارچه سبزی قرار دهد و با خود همراه ببرد، اگر به دنبال تزویج با کسی باشد، این ازدواج سرمی‌گیرد، اگر به دنبال آشتی دادن بین گروهی باشد این کار برایش به اتمام می‌رسد و هیچ کس از آنان با او مخالفت نمی‌کند... و اگر زنی که خواستگار ندارد با آب سوره غسل کند، خواستگار پیدا کرده و به اذن خداوند ازدواجش محقق می‌شود.^{۱۵۶}

انبیاء (۲۱)

نام سوره

این سوره چنان که از نامش پیدا است، سوره‌ی پیامبران است، چرا که نام شانزده پیامبر، بعضی با ذکر فرازهایی از حالاتشان، و بعضی تنها به صورت اشاره در این سوره آمده است: حضرت موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذا الكفل، ذا النون (یونس)، زکریا و یحیی. (علی نبینا و آله و علیهم السلام). هر چند در سوره‌ی انعام نام ۱۸ پیامبر آورده شده است ولی چون سوره‌ی انبیاء زودتر از سوره‌ی انعام نازل شده است، لذا این سوره از استحقاق بیشتری برای این نام برخوردار گشته است.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره به نظر کوفیان ۱۱۲ آیه، و به نظر دیگران ۱۱۱ آیه دارد: کوفیان «ما لا یَنْفَعُکُمْ شَيْئاً وَ لا یَضُرُّکُمْ» (۶۶) را یک آیه‌ی مستقل شمرده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: یک هزار و صد و هشت.
تعداد حروف: چهار هزار و هشتصد و نود.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیه‌ای که ادعا شده مدنی است:

آیه ۴۴ (... اَنَا نَاتِي الْأَرْضَ نَنْقِصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا...) شبیهش در سوره رعد نیز آمده است و سوره رعد طبق روایات ترتیب مدنی است.
پاسخ: این دلیل اصلا کافی برای تشخیص محل نزول نیست و سیاق آیات نیز مدنی بودن آیه ۴۴ را رد می‌کند.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۷۱

سوره‌ی قبل: فصلت

سوره‌ی بعد: نحل

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

محتوای سوره

- ۱- این سوره چنان که از نامش پیدا است، سوره‌ی پیامبران است، چرا که نام شانزده پیامبر، بعضی با ذکر فرازهایی از حالاتشان و بعضی تنها به صورت اشاره در این سوره آمده است. بنا بر این تکیه‌ی بحث‌های مهم این سوره بر روی برنامه‌های انبیا است.
- علاوه بر این‌ها پیامبران دیگری هستند که نامشان صریحا در این سوره برده نشده، ولی پیرامون آن‌ها سخنی آمده است. (مانند پیامبر اسلام و حضرت مسیح).
- ۲- ویژگی سوره‌های مکی که از عقائد دینی، مخصوصا از مبدأ و معاد سخن می‌گویند، کاملا در این سوره منعکس است.
- ۳- در این سوره از وحدت خالق و اینکه جز او معبود و آفریدگاری نیست و نیز از آفرینش جهان براساس هدف و برنامه، و وحدت قوانین حاکم بر این عالم و همچنین وحدت سرچشمه حیات و هستی، و نیز وحدت موجودات در برنامه‌ی فنا و مرگ، بحث به میان آمده است.
- ۴- بخش دیگری از این سوره، از پیروزی حق بر باطل، توحید بر شرک، و لشکریان عدل و داد بر جنود ابلیس سخن گفته شده است.
- ۵- جالب اینکه این سوره با هشدارهای شدید نسبت به مردم غافل و بی‌خبر از حساب و کتاب آغاز شده، و پایان آن نیز با هشدارهای دیگری در این زمینه تکمیل می‌گردد.
- پیامبرانی که نامشان در این سوره آمده، بعضا بیان زندگی و برنامه‌های مشروحشان در سوره‌های دیگر ذکر شده است، ولی در این سوره بیشتر روی این بخش از حالات انبیا تکیه شده که آن‌ها هنگامی که در تنگناهای سخت گرفتار می‌شدند چگونه دست توسل به دامن لطف حق می‌زدند و چگونه خداوند این بن‌بست‌ها را بر آن‌ها می‌گشود و از طوفان و گرداب نجاتشان می‌بخشید.
- ابراهیم به هنگامی که در آتش نمرود گرفتار شد.
- یونس هنگامی که در شکم ماهی فرو رفت.

زکریّا هنگامی که آفتاب عمر خود را نزدیک به غروب دید ولی جانشینی نداشت که برنامه‌هایش را تکمیل کند.
و همچنین سایر پیامبران، به هنگام گرفتاری در طوفان های سخت.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی طه را خداوند به تهدید از روز قیامت، پایان داد و این سوره را با ذکر قیامت آغاز کرده است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۱ بخش است:

۱. غفلت، علت انکار نبوت: (۱ - ۱۰)
۲. عبرت از پیشینیان: (۱۱ - ۱۵)
۳. هدف‌دار بودن خلقت جهان: (۱۶ - ۲۰)
۴. نفی شرک: (۲۱ - ۳۳)
۵. تعجیل کفار در عذاب: (۳۴ - ۴۰)
۶. تکذیب انبیا: (۴۱ - ۴۷)
۷. توصیف تورات: (۴۸ - ۵۰)
۸. ابراهیم بت‌شکن: (۵۱ - ۷۳)
۹. یادی از انبیا: (۷۴ - ۹۱)
۱۰. عاقبت مشرکین و موحدین: (۹۲ - ۱۰۷)
۱۱. ندای توحید: (۱۰۸ - ۱۱۲)

ارتباط آیات

۱. انسان لجوج، سخن خداوند را جدّی نمی‌گیرد، کافی است سخن خداوند با آنچه با آن خو نموده مخالفت داشته باشد تا پیام آور این سخن را به باد انتقاد و ناسزا بگیرد و بگوید:

الف) «این بشری است مثل ما، پس نمی‌تواند متصل به آسمان باشد و از آنجا خبر بیاورد!»

ب) «سخنانش چون صرفا دارای قالبی زیبا است تأثیر گذار است ولی از حقیقت عاری است!»

ج) «سخنان او مجموعه از خواب‌های پریشان و بدون تعبیر است!»

د) «او به دروغ سخنان خودش را به خداوند نسبت داده است»

ه) «این سخنان تنها مجموعه‌ای شعر است که الفاظ آن لزوما معنای واقعی خود را ندارند.»

مشرکین بعد از آن که به زعم خودشان قرآن را با این اتهامات پنجگانه از حجیت ساقط نمودند به پیامبر می‌گفتند: «باید برای ما مثل انبیا پیشین معجزه بیاوری!» و حال آن که هر امتی که هلاک شده است قبلاً برای او معجزه آورده شده است! و از طرفی مشرکین باید از اهل کتاب بپرسند: «آیا پیامبری تا حال آمده است که بدنی مثل بقیه نداشته و غذا نمی‌خورد است؟!» در انتهای این فصل قرآن با آیاتی چند، مشرکین را از متذکر نشدن از قرآن هشدار می‌دهد. (۱ - ۱۵)

۲. مشرکین سخنان خداوند را به بازی می‌گرفتند و حال آن که جهان هستی برای بازی آفریده نشده است! جهان دارای هدفی است و آن از بین بردن باطل توسط حق است. از بین رفتن بت‌های باطل و توحید در عبادت است. البته خداوند نیاز به عبودیت مردمان ندارد زیرا در واقع همه چیز (حتی جسم و جان مشرکین) از آن اوست. مهم آن است که به این عبودیت تکوینی اعتراف کنند. آن‌گونه که ملائکه اعتراف می‌کنند و در تمام ساعات روز و شب به عبادت او مشغول هستند و خسته نیز نمی‌شوند. (۱۶ - ۲۰)

۳. مشرکین چه برهانی برای شرک خود دارند؟! و حال آنکه نظام واحدی که بر جهان حاکم است همه حاکی از یگانگی مدبر آن است، هر چند در تدبیر عالم خداوند از ملائکه استفاده می‌کند اما نه به این معنا که مانند پدری که به فرزندانش نیاز دارد، به آن‌ها نیاز داشته باشد، آن‌ها بندگانی هستند که تکریم شدند و افتخار یافتند که در خدمت خداوند باشند. کسی نمی‌تواند ملائک را شفیع خود بداند زیرا هیچ کس بدون رضایت خداوند از کسی شفاعت نمی‌کند.

قرآن در ادامه قدرت خداوند را در ایجاد جهان هستی تبیین نموده و بعد به این نکته اشاره می‌کند که همه‌ی موجودات تحت سلطه‌ی اویند لذا مرگ را حتی شخص پیامبر نیز خواهد چشید؛ آن‌ها نیز خواهند مرد و یا عذاب الهی آن‌ها را به یکباره دربر خواهد گرفت و در آن وقت هیچ کس نمی‌تواند به انسان کمک کند و زمانی که قیامت شود و «میزان» بر پا گردد حتی خردلی از اعمال نیز از محاسبه مغفول نخواست. (۲۱ - ۴۷)

۴. هر جا سخن از شرک و توحید به صورت مبسوط می‌آید سخن از بت‌شکن بزرگ، حضرت ابراهیم نیز می‌شود. در اینجا قرآن فراز بت‌شکنی ایشان را به صورت مفصل ذکر می‌کند و در ادامه از مبارزات توحیدی لوط و نوح و داود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادریس و یونس و زکریا و یحیی و مریم می‌گوید. (۴۸ - ۹۱)

۵. قرآن بعد از نقل تلاش انبیا در ابلاغ رسالت خویش در فصل قبل، نتیجه می‌گیرد که: همه‌ی انبیا دارای یک هدف بودند و آن تبلیغ توحید؛ ولی بسیاری از مردم از این هدف دور ماندند و جز اندکی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند مابقی موجب هلاک خود و شهرشان گشتند و این قصه‌ی پر غصه‌ی انسان همچنان ادامه دارد تا جهان هستی به اواخر خود برسد آن‌ها جهان پر خواهد شد از انسان‌ها وحشی (یأجوج و ماجوج) و بعد (که امام زمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» ظهور نمود) قیامت بر پا خواهد شد و مشرکین و بت‌هایشان هیزم دوزخ

خواهند گشت و از طرفی آنان که وعده‌ی پاداش داده شده‌اند از دوزخ و هراس بزرگ (فزع اکبر) در امانند. هر چند در دنیا نیز آنان نهایتاً وارث دنیا خواهند شد (در زمان ظهور حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» (۹۲ - ۱۰۶)

۶. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رحمتی برای همه‌ی جهانیان است زیرا پیام توحید را برای همه‌ی آن‌ها آورده است و آن‌ها را نسبت به شرک هشدار داده است و خداوند را آن‌گونه معرفی نموده است که همه خداوند را ناظر اعمال خود دانسته و رفاه در دنیا را نشان مهربانی خداوند ندانسته و دنیا را زوال پذیر بدانند. (۱۰۷ - ۱۱۲)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی انبیاء را بخواند خداوند حساب او را آسان می‌کند (و در محاسبه‌ی اعمالش در روز قیامت سخت‌گیری نخواهد کرد) و هر پیامبری که نام او در قرآن ذکر شده با او مصافحه کرده و سلام می‌فرستد.^{۱۵۷}

نویسنده‌ی تفسیر سور آبادی می‌گوید: خبر است از حضرت مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که او گفت هر که سوره‌ی الانبیاء بخواند هر چه در این جهان چیز است بر وی آفرین کنند.

کاربرد سوره

الف) هیبت پیدا کردن در چشم دیگران

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌ی انبیاء را از روی عشق و علاقه بخواند، با همه‌ی پیامبران در باغ‌های پر نعمت بهشت، رفیق و هم‌نشین می‌گردد، و در زندگی دنیا نیز در چشم مردم پرابهت خواهد بود.^{۱۵۸}

جمله «از روی عشق و علاقه» در واقع کلیدی است برای فهم معنی روایاتی که در زمینه‌ی فضیلت سوره‌های قرآن به ما رسیده، یعنی هدف تنها تلاوت و خواندن الفاظ نیست، بلکه عشق به محتوا است و مسلماً عشق به محتوا بدون عمل معنی ندارد و اگر کسی چنین ادعایی کند که من عاشق فلان سوره‌ام، اما عملش بر ضد مفاهیم آن باشد دروغ می‌گوید.

ب) رفع بیدار خوابی

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی انبیاء را بنویسد و در بستر خود بگذارد، چنانچه به خاطر فکر و خیال زیاد، یا ترس یا مرضی، بیدار خوابی‌اش زیاد شده است به اذن خداوند بهبود می‌یابد.^{۱۵۹}

حج (۲۲)

نام سوره

این سوره به خاطر بخشی از آیاتش (۲۵ تا ۳۷) که پیرامون حج سخن می‌گوید به نام سوره‌ی حج نامیده شده است.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره به عقیده‌ی کوفیان ۷۸، و به عقیده‌ی مکیان ۷۷، و به عقیده‌ی اهل مدینه ۷۶، و به عقیده‌ی اهل بصره ۷۵، و به عقیده‌ی اهل شام ۷۴ آیه است:

«الحمیم» و «الجلود» (۱۹ و ۲۰) را کوفیان پایان آیه می‌دانند.
«عَادًا وَ ثَمُودًا» (۴۲) را جز شامیان پایان آیه دانسته‌اند.
«قَوْمٌ لُوطٌ» (۴۳) را حجازیان و کوفیان پایان آیه دانسته‌اند.
«سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ» (۷۸) را اهل مکه آیه‌ای دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و دویست و نود و یک.
تعداد حروف: پنج هزار و صد و هفتاد.

محل نزول

این سوره مدنی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مکی است:

۱- آیات ۱۹ تا ۲۴ (هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ...) در مکه نازل شده است.

پاسخ: دلیلی برای مدّعی فوق آورده نشده است و شأن نزول نقل شده نیز مخالف این ادّعا است. در روایت است که این آیات در شأن حمزه، عبیده و امام علی (علیه السلام) در قصّه‌ی جنگ بدر نازل شده است.

۲- آیات ۵۲ تا ۵۵ (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ...) اشاره به قصّه‌ی غرانیق دارد و این ماجرا در مکه اتفاق افتاده است.

پاسخ: قصّه‌ی غرانیق (آن گونه که در منظر «نکته» توضیح داده شده است) پرداخته‌ی مشرکین است و نمی‌تواند شأن نزول برای آیات فوق باشد. این آیه بحث از حفظ قرآن از تحریف توسط علمای ربانی دارد لذا مانعی برای نزولش در مدینه نیست.^{۱۶۰}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۱۰۵

سوره‌ی قبل: نور

سوره‌ی بعد: منافقین

تاریخ نزول آن، ما بین صلح حدیبیه و جنگ تبوک است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی انبیاء را با دعوت به توحید و اینکه پیامبر رحمة للعالمین است، تمام کرد. این سوره را با دعوت مردم به اجتناب از شرک و مخالفت دین، آغاز می‌کند.

محتوای سوره

از نظر محتوا مطالب این سوره را به چند بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱- آیات فراوانی که در زمینه‌ی معاد و دلایل منطقی آن، و انداز مردم غافل از صحنه‌های قیامت، و مانند آن است که از آغاز این سوره شروع می‌شود و بخش مهمی از آن را در بر می‌گیرد.

۲- بخش قابل ملاحظه‌ای نیز از مبارزه با شرک و مشرکان، سخن می‌گوید و با توجّه دادن به آیات پروردگار در عالم هستی انسان‌ها را متوجّه عظمت آفریدگار می‌سازد.

۳- بخشی از این سوره نیز مردم را به بررسی سرنوشت عبرت‌انگیز گذشتگان و عذاب‌های دردناک الهی که بر آن‌ها نازل شد دعوت کرده، از جمله سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود، و قوم ابراهیم و لوط، و قوم شعیب و موسی را یادآور می‌شود.

۴- بخش دیگری از آن پیرامون مسأله‌ی حج و سابقه‌ی تاریخی آن از زمان حضرت ابراهیم و سپس مسأله‌ی قربانی و طواف و مانند آن است.

۵- بخشی از آن هم پیرامون مبارزه در برابر ظالمان و پیکار با دشمنان مهاجم است.

۶- و سرانجام قسمتی از آن پند و اندرزهایی است در زمینه‌های مختلف زندگی و تشویق به نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و توکل و توجه به خداوند.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۱۲ بخش است:
۱. دلایل معاد: (۱ - ۱۰)
 ۲. ضعیف‌الایمان: (۱۱ - ۱۸)
 ۳. دوزخ و بهشت: (۱۹ - ۲۴)
 ۴. فریضه‌ی حج: (۲۵ - ۳۲)
 ۵. فلسفه‌ی قربانی: (۳۳ - ۳۷)
 ۶. نخستین فرمان جهاد: (۳۸ - ۴۱)
 ۷. تکذیب انبیا: (۴۲ - ۴۸)
 ۸. شیطان مانع اهداف انبیا: (۴۹ - ۵۴)
 ۹. لجاجت کفار: (۵۵ - ۵۹)
 ۱۰. نصر الهی: (۶۰ - ۶۶)
 ۱۱. جدل با کفار: (۶۷ - ۷۴)
 ۱۲. پنج فرمان: (۷۵ - ۷۸)

ارتباط آیات

۱. اعتقاد به معاد و پارسایی ارتباط هماهنگی با یکدیگر دارند. هرچه بی‌تقوایی و تبعیت از شیطان بیشتر باشد انسان در مقابل براهین واضح معاد بیشتر جدل می‌نماید و دل به معبودهای مجازی بسته و آن‌ها را منجی خود می‌داند. معبودهایی که هیچ در نفع و ضرر انسان مؤثر نیستند و از آن طرف هر چه آخرت انسان، باکارهای پسندیده‌ای که انجام داده و پیش فرستاده، آباد شود به معاد بیشتر معتقد می‌شود و ایمان و عمل صالحش افزایش می‌یابد. (۱ - ۱۴)

۲. بعضی بدون این که روی پیام انبیا که همان توحید و معاد است تدبیر کنند، جنبه‌های سیاسی مسأله را بررسی نموده و در صورتی ایمان به انبیا می‌آوردند که موفقیت آن‌ها در دین جدید ارتقا یافته و یا لاقلاً محفوظ بماند. این نوع محاسبه سبب می‌شود که اگر ایمان منافقانه بوده و در نهایت در دین انحراف ایجاد نماید. آنچه از اختلاف ادیان مشاهده می‌شود همه معلول همین مسأله است.

انبیا نباید از ایمان آوردن‌های منافقانه نگران باشند زیرا اولاً: خداوند روز قیامت بین همه‌ی ادیان حکم خواهد کرد و اهالی ادیان باطل به سختی مجازات خواهند شد و از مؤمنین به خاطر فروتنی در مقابل حقیقت و حرکت در مسیر صراط‌ مورد پسند عقل و فطرت، در

بهشت جای خواهند گرفت و ثابا: همه‌ی اجزای هستی و بسیاری از مردم در مقابل خداوند فروتن هستند. نباید انبیا احساس غربت کنند. (۱۵ - ۲۴)

۳. بیشترین موقعیتی که مشرکین مگه از آن برخوردار بودند و در بررسی دین جدید نیز به حفظ همین موقعیت می‌اندیشیدند، کعبه و مراسم حج بود که باعث رونق حیثیتی و اقتصادی آن‌ها شده بود. مشرکین خود را منسوب به حضرت ابراهیم می‌دانستند لذا خداوند در ادامه‌ی فصل قبل به این مسأله پرداخته و حضرت ابراهیم را تطهیر کننده کعبه از لوث شرک دانسته و حج را نمود توحید معرفی می‌کند. لذا به همین مناسبت مسائلی از حج را مطرح می‌کند و در لابه‌لای آن مباحثی را در تبیین حقیقت توحید بیان می‌دارد. (۲۵ - ۳۷)

۴. وقتی برای کفار اتمام حجت شود و از آن طرف هم مؤمنین قدرتمند گردند، راهی نمی‌ماند جز ستیز با کفار! زیرا وجود آن‌ها فتنه‌ای است که همیشه ایمان مؤمنین را تهدید می‌کند و خداوند با فرمان جهاد، از ایمان مؤمنین دفاع می‌کند، ایمانی که در نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر تبلور یافته است. «هلاکت کفار به دست مؤمنین» سرنوشتی است که برای کفار دین اسلام در نظر گرفته شده است هرچند هلاکت اقوام گذشته - تا آنجا که قرآن زندگی آن‌ها را بررسی نموده است - تنها توسط عذاب‌های آسمانی بوده است. (۳۸ - ۴۸)

۵. نقش شیطان در ایجاد مانع در مسیر راه انبیا همیشه پر رنگ بوده است. البته این مانع تراشی‌ها، تنها انسان‌های دارای قلب‌های مریض (و پر هوس) را جذب اهداف شیطان می‌کند و از آن طرف موجب بصیرت اهل علم می‌شود. شیطان برای ایجاد مانع، از تردید افکنی نسبت به پیام انبیا سود می‌جوید و تا زمانی که قیامت بر پا شود و حاکمیت مطلق خداوند به منصه‌ی ظهور برسد، این تردید ادامه خواهد داشت و در این میان مؤمنین با هجرت از محیط شک و تردید، خود را از فریب شیطان رها می‌کنند. (۴۹ - ۵۹)

۶. مؤمنین تا هنوز قدرتی به دست نیاورده‌اند، باید از محیط کفر هجرت کنند ولی به محض یافتن قدرت باید با جهاد، کفار را از محیطشان خارج نمایند و خداوندی که جهان را مدیریت می‌کند، آن‌ها را یاری خواهد کرد؛ زیرا خداوند (معبود مؤمنین) بر حق است و بت‌های مجازی بر باطل و کمکی از طرف آن‌ها به مشرکین نمی‌شود. (۶۰ - ۶۶)

۷. احکام حجی که خداوند مطرح نمود، با بعضی از آنچه در آیین‌های گذشته بود اختلاف داشت و همین دستمایه‌ای گشت برای این که مشرکین دین اسلام را منسوب به خداوند ندانند و پیامبر در پاسخ آن‌ها مأمور شد که بگوید: «خداوندی که همه چیز را می‌داند، این را هم می‌داند که برای هر امتی چه آیینی مناسب است.» در این مسأله معنا ندارد مشرکین با پیامبر خود به نزاع و جدل برخیزند. آن‌ها باید به جای ایراد بر قرآن، تلاش کنند تا برای اثبات معبودهای مجازی خود، برهان بیاورند. و به جای ابراز خشونت نسبت به تلاوتگران قرآن به این بیاندیشند که معبودهای آن‌ها نه تنها نمی‌توانند مگسی بیافرینند که حتی نمی‌توانند اگر مگسی چیزی از آن‌ها ربود آن را پس بگیرند. (۶۷ - ۷۳)

۸. واقعا که انسان‌ها قدر خداوند را نمی‌دانند، خداوندی که بهترین انسان‌ها را برگزید تا پیامبرش باشند و از میان ملائک نیز بهترین‌ها را برگزید تا وحی را به انبیا منتقل سازند آنگاه انسان‌ها اینگونه سطحی با آیات الهی برخورد می‌کنند. ای مؤمنین! شما ارتباط عبادیتان را با خداوند محکم کنید و با کفار به شدت جهاد نمایید و بدانید شما در زمان پدرتان ابراهیم، «مسلمان» نامیده شدید و در این زمان نیز این پیامبر است که بر صحت راه شما گواه می‌دهد و البته شما مؤمنین نیز، گواه و سندی خواهید بود برای آن‌ها که بعدا می‌آیند و به شما اقتدا می‌کنند. (۷۴ - ۷۸)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی حج را بخواند پاداش حج و عمره را خدا به او می‌دهد به تعداد تمام کسانی که در گذشته و آینده حج و عمره به جا آورده یا خواهند آورد!^{۱۶۱}
امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس سه روز یک بار این سوره را بخواند، از سال خارج نمی‌شود، مگر اینکه به زیارت خانه خدا برود و اگر در سفر بمیرد، اهل بهشت خواهد بود.^{۱۶۲}
کسی که این سوره و محتوای آن را از مبدأ و معاد گرفته، تا دستورات عبادی و اخلاقی، و مسائل مربوط به جهاد و مبارزه با ستمگران، در اعماق جان خود قرار دهد و برنامه عملی خود سازد، پیوندی با تمام مؤمنان گذشته و آینده از نظر معنوی و روحانی پیدا می‌کند، پیوندی که او را در اعمال آن‌ها شریک، و آن‌ها را نیز در اعمال او شریک و سهیم می‌سازد، بی آنکه از پاداش آنان چیزی کاسته شود و حلقه‌ی اتصالی خواهد بود، بین همه‌ی افراد با ایمان در تمام قرون و اعصار.

و با این اوصاف و شرایط، ثواب و پاداشی که در حدیث فوق آمده عجیب به نظر نمی‌رسد.

کاربرد سوره

الف) تشریف به حج

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس در هر سه روز یک بار سوره‌ی حج را قرائت کند در همان سال به خانه خدا خواهد رفت و اگر در سفرش بمیرد به بهشت می‌رود. از امام سؤال شد حتی اگر مخالف (غیر شیعه) باشد؟ امام فرمود: قسمتی از آنچه در اوست تخفیف داده می‌شود.^{۱۶۳}

نکته: افسانه‌ی ساختگی غرانیق!

بعضی با سند قرار دادن قصه‌ی جعلی غرانیق و این که این قضیه در مکه اتفاق افتاده است و نزول آیه‌ی ۵۲ را نیز در همین مورد می‌دانند، نتیجه می‌گیرند پس سوره‌ی حج مکی است. در اینجا مناسب است قصه‌ی غرانیق بیش‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

در بعضی از کتب اهل سنت روایات عجیبی در اینجا از ابن عباس نقل شده که: پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مکه مشغول خواندن سوره‌ی نجم بود، چون به آیاتی که نام بت‌های مشرکان در آن بود رسید (أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ) در این هنگام شیطان این دو جمله را بر زبان او جاری ساخت: تلك الغرانیق العلی، و ان شفاعتهن لترتجی! (این‌ها پرندگان زیبای بلند مقامی هستند و از آن‌ها امید شفاعت است!) غرانیق جمع «غرَنوق» یک نوع پرندۀ آبی سفید یا سیاه رنگ است و به معانی دیگر نیز آمده (قاموس اللغة).

در این هنگام مشرکان خوشحال شدند و گفتند محمد تا کنون نام خدایان ما را به نیکی نبرده بود، در این هنگام پیامبر سجده کرد و آن‌ها هم سجده کردند، جبرئیل نازل شد و به پیامبر اخطار کرد که این دو جمله را من برای تو نیاورده بودم، این از القانات شیطان بود در این موقع آیات مورد بحث (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ...) نازل گردید و به پیامبر و مؤمنان هشدار داد! ^{۱۰} گر چه جمعی از مخالفان اسلام برای تضعیف برنامه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به گمان این که دستاویز خوبی پیدا کرده‌اند این قضیه را با آب و تاب فراوان نقل کرده و شاخ و برگ‌های زیادی به آن داده‌اند ولی قرائن فراوان نشان می‌دهد که این یک حدیث مجعول و ساختگی است که برای بی اعتبار جلوه دادن قرآن و کلمات پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به وسیله‌ی شیطان صفتان جعل شده است زیرا:

اولاً- به گفته محققان، روایان این حدیث افراد ضعیف و غیر موثقند، و صدور آن از ابن عباس نیز به هیچ وجه معلوم نیست، و به گفته محمد بن اسحاق این حدیث از مجعولات زندیق‌ها (مرتدین) می‌باشد و او کتابی در این باره نگاشته است ^{۱۶۴}.

ثانیاً- احادیث متعددی در مورد نزول سوره‌ی نجم و سپس سجده کردن پیامبر و مسلمانان در کتب مختلف نقل شده، و در هیچ‌یک از این احادیث سخنی از افسانه غرانیق نیست، و این نشان می‌دهد که این جمله بعداً به آن افزوده شده است. ^{۱۶۵}

ثالثاً- آیات آغاز سوره‌ی نجم صریحاً این خرافات را ابطال می‌کند آنجا که می‌گوید «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ / پیامبر از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید تنها وحی الهی است» این آیه با افسانه فوق چگونه سازگار است؟

رابعاً- آیاتی که بعد از ذکر نام بت‌ها در این سوره آمده، همه بیان مذمت بت‌ها و زشتی و پستی آن‌ها است و با صراحت می‌گوید: این‌ها اوهامی است که شما با پندارهای بی اساس خود

^{۱۰} در تفسیر المیزان ذیل آیات مورد بحث، این حدیث از جماعتی از حفاظ اهل سنت از جمله ابن حجر نقل شده است.

ساخته‌اید و هیچ‌گونه کاری از آن‌ها ساخته نیست «إِن هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى».

با این مذمت‌های شدید چگونه ممکن است چند جمله قبل از آن، مدح بت‌ها شده باشد بعلاوه قرآن صریحا یادآور شده که خدا تمامی آن را از هر گونه تحریف و انحراف و تزییع حفظ می‌کند چنان‌که در آیه ۹ سوره‌ی حجر می‌خوانیم: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».

خامسا- مبارزه‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با بت و بت پرستی یک مبارزه‌ی آشتی ناپذیر و پی‌گیر و بی‌وقفه از آغاز تا پایان عمر او است، پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در عمل نشان داد که هیچ‌گونه مصالحه و سازش و انعطافی در مقابل بت و بت پرستی- حتی در سخت‌ترین حالات- نشان نمی‌دهد، چگونه ممکن است چنین الفاظی بر زبان مبارکش جاری شود.

و سادسا- حتی آن‌ها که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از سوی خدا نمی‌دانند و مسلمان نیستند او را انسانی متفکر و آگاه و مدبر می‌دانند که در سایه تدبیرش به بزرگترین پیروزی‌ها رسید، آیا چنین کسی که شعار اصلیش لا اله الا الله و مبارزه آشتی ناپذیر با هرگونه شرک و بت پرستی بوده، و عملا نشان داده است که در ارتباط با مسأله‌ی بت‌ها حاضر به هیچ‌گونه سازشی نیست، چگونه ممکن است برنامه اصلی خود را رها کرده و از بت‌ها این چنین تجلیل به عمل آورد؟! از مجموع این بحث به‌خوبی روشن می‌شود که افسانه‌ی غرائق ساخته و پرداخته دشمنان ناشی و مخالفان بی‌خبر است که برای تضعیف موقعیت قرآن و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین حدیث بی‌اساس را جعل کرده‌اند.

لذا تمام محققان اسلامی اعم از شیعه و اهل تسنن این حدیث را قویا نفی و تضعیف کرده‌اند و به جعل جاعلین نسبت داده‌اند.^{۱۶۶}

البته بعضی از مفسران توجیهی برای این حدیث ذکر کرده‌اند که بر فرض ثبوت اصل حدیث، قابل مطالعه بود و آن اینکه: پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آیات قرآن را آهسته و با تأنی می‌خواند، و گاه در میان آن لحظاتی سکوت می‌کرد، تا دل‌های مردم آن را به‌خوبی جذب کند، هنگامی که مشغول تلاوت آیات سوره‌ی نجم بود و به آیه‌ی «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّىٰ وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» رسید بعضی از شیطان صفتان (مشرکان لجوج) از فرصت استفاده کرده و جمله‌ی (تلك الغرائق العلی و ان شفاعتهن لترتجی) را در این وسط با لحن مخصوصی سر دادند تا هم ذهن کجی به سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کنند و هم کار را بر مردم مشتبه سازند، ولی آیات بعد به خوبی از آن‌ها پاسخ گفت و بت پرستی را شدیداً محکوم کرد.^{۱۶۷}

و از اینجا روشن می‌شود اینکه بعضی خواسته‌اند داستان غرائق را نوعی انعطاف از ناحیه‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نسبت به بت پرستان به خاطر سرسختی آن‌ها و علاقه‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به جذب آنان به سوی اسلام بدانند و از این راه تفسیر کنند، مرتکب اشتباه بزرگی شده‌اند، و نشان می‌دهد که این توجیه‌گران موضع اسلام و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را در برابر بت و بت پرستی درک نکرده‌اند و مدارک تاریخی که می‌گوید

دشمنان هر بهایی را حاضر شدند به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه بپردازند و او قبول نکرد و ذره‌ای از برنامه خود عدول ننمود ندیده‌اند، و یا عمداً تجاهل می‌کنند.^{۱۶۸}

مؤمنون (۲۳)

نام سوره

بخش مهمی از این سوره که مجموعاً یازده آیه‌ی نخست آن را تشکیل می‌دهد سخن از اوصاف برگزیده‌ی مؤمنان است. لذا به سوره‌ی مؤمنون نامیده شده است. به این سوره ممکن است «قَدْ أَفْلَحَ» و «فلاح» نیز گفته شود.

تعداد آیات

شماره آیاتش به نظر کوفیان ۱۱۸، و به نظر غیر آن‌ها ۱۱۹ آیه است: کوفی جمله «وَ أَخَاهُ هَارُونَ» (۴۵) را آیه‌ی جداگانه‌ای نشمرده است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و هشتصد و چهل.
تعداد حروف: چهار هزار و هشتصد و دو.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- یازده آیه‌ی نخست این سوره مدنی است زیرا در پی شمارش اوصاف مؤمنین اشاره به موضوع زکات می‌کند و حکم زکات در مدینه نازل شده است.

پاسخ: اولاً: زکات مفهوم وسیعی دارد که واجب و مستحب را شامل می‌شود، و معنی آن منحصر به زکات واجب نیست، لذا در روایات می‌خوانیم که نماز و زکات همیشه با هم بوده است.

ثانیا: به عقیده بعضی، زکات در مکه نیز واجب بوده، ولی به صورت اجمالی و سرپسته، یعنی هر کس موظف بوده مقداری از اموال خود را به نیازمندان بدهد. ولی در مدینه که حکومت اسلامی تشکیل شد، زکات تحت برنامه‌ی دقیقی قرار گرفت و برای آن نصاب‌بندی شد و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مأموران جمع زکات را به هر سو فرستاد تا از مردم زکات بگیرند.^{۱۶۹}

۲- آیات ۶۴ تا ۷۷ از سوره‌ی مؤمنون مدنی است زیرا این آیات درباره‌ی عذاب دنیوی مشرکین در روز بدر و فتح مکه سخن می‌گویند.

پاسخ: آیات فوق خبر از عذاب آینده می‌دهد نه گذشته.^{۱۷۰}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۷۶

سوره‌ی قبل: طور

سوره‌ی بعد: ملک

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی حج را به امر مکلفین به عبادت و نیکوکاری به طور اجمال تمام کرد. اکنون این سوره را به تفصیل آن مجمل، و بیان کارهای نیکو آغاز کرده است.

محتوای سوره

مجموع مطالب این سوره را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

بخش اول که از آیه‌ی «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» آغاز می‌شود، تا چندین آیه بیانگر صفاتی است که مایه‌ی فلاح و رستگاری مؤمنان است و خواهیم دید این اوصاف آن قدر حساب‌شده و جامع است که جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

و از آنجا که خمیرمایه‌ی همه‌ی آن‌ها ایمان و توحید است، در بخش دوم به نشانه‌های مختلف خداشناسی، و آیات آفاقی و آنفوسی پروردگار در پهنه‌ی عالم هستی اشاره کرده، و نمونه‌هایی از نظام شگرف عالم آفرینش را در آسمان و زمین و آفرینش انسان و حیوانات و گیاهان برمی‌شمارد.

و برای تکمیل جنبه‌های عملی در بخش سوم به شرح سرگذشت عبرت‌انگیز جمعی از پیامبران بزرگ همچون حضرت نوح، هود، موسی، عیسی پرداخته و فرازهایی از زندگی آن‌ها را بیان می‌کند.

در بخش چهارم روی سخن را به مستکبران کرده، و با دلایل منطقی و گاه با تعبیرات تند و کوبنده به آن‌ها هشدار می‌دهد، تا دل‌های آماده به خود آید و راه بازگشت به سوی خدا را پیدا کند.

در بخش پنجم بحث‌های فشرده‌ای درباره‌ی معاد بیان کرده است. و در بخش ششم از حاکمیت خداوند بر عالم هستی و نفوذ فرمانش در همه‌ی جهان سخن می‌گوید.

سرانجام در بخش هفتم باز هم سخن از قیامت، حساب، جزا و پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران به میان می‌آورد، و با بیان هدف آفرینش انسان سوره را پایان می‌دهد. و به این ترتیب محتوای این سوره مجموعه‌ای است از درس‌های اعتقادی و عملی، و مسائل بیدارکننده و بیان خطّ سیر مؤمنان از آغاز تا پایان.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۷ بخش است:

۱. صفات مؤمنین: (۱ - ۱۱)
۲. خلقت انسان و جهان: (۱۲ - ۲۲)
۳. رابطه‌ی مشرکین و مؤمنین با انبیا: (۲۳ - ۶۱)
۴. غفلت، علت انکار نبوت: (۶۲ - ۷۳)
۵. انکار معاد: (۷۴ - ۹۰)
۶. نفی شرک: (۹۱ - ۹۸)
۷. گفتگوی خداوند با دوزخیان: (۹۹ - ۱۱۸)

ارتباط آیات

۱. همه‌ی انسان‌ها سهمی از بهشت دارند؛ ولی با انتخاب دوزخ، سهمشان را مؤمنین به ارث می‌برند! مؤمنینی که دارای صفات ارزشی بسیاری هستند. زیرا حقیقت این است که انسان از نطفه آفریده شد و همه چیز در دنیا برای او مهیا گشت که رشد کند و بعد خواهد مرد و دوباره زنده خواهد گشت و در این میان انبیا آمدند و او را دعوت به توحید کردند. این همه برای این است که سهم بهشتش را به دیگری وانگذارد. ولی افسوس که بسیاری این چنین کردند.

قرآن برای تبیین آنچه گفته شد، ابتدا صفات مؤمنین را ذکر می‌کند و بعد از چند آیه که امکانات دنیوی انسان را ذکر می‌کند، گذری به آموزه‌های چند پیامبر داشته و نحوه‌ی برخورد مردم را با این آموزه‌ها توضیح می‌دهد. (۱ - ۵۰)

۲. انسان‌ها با پس زدن هدایت انبیا، و روی آوردن به تفکرهای باطل، دچار چند حزبی شدند و تصور کردند با رفاه مادی که دارند حتما مورد عنایت خداوند قرار گرفته‌اند! و حال آن که خداوند به آنهایی عنایت دارد که از او ترسان بوده و به آیات او ایمان داشته و شریک برای او قائل نمی‌شوند. البته خداوند انتظار ندارد همه‌ی انسان‌ها به بالاترین درجات ایمان برسند، مهم

آن است که هر کس تلاشش را بکند و از غفلت بیرون بیاید و راه بیافتد و آن گونه نباشد که تنها عذاب الهی او را بیدار سازد زیرا آنوقت هر چه فریاد کشد بی ثمر خواهد بود. (۵۱ - ۶۷)

۳. قرآن در تحلیل غفلت مشرکین، پنج گزینه را مطرح می کند و جز گزینه‌ی نخست - که عدم تدبیر در قرآن باشد - که حقیقت هم همان است، ما بقی گزینه‌ها را پاسخ می گوید و بعد در ادامه، این حقیقت تلخ را مطرح می کند که: خداوند مدام انسان را از خطرات می رهاند و همه‌ی امکانات رشد را برایش آماده می سازد ولی باز در نهایت این انسان است که از پدیده‌ی معاد با شگفتی یاد نموده و آن را افسانه‌ای بیش نمی داند و با همه‌ی معرفت فطری که نسبت به خداوند دارد، دین را افیون می داند (فَأَنى تَسْحَرُونَ) و خود معتقد به شرکی می شود که نظم جهان به شدت در تقابل با آن است. (۶۸ - ۹۲)

۴. با این انسان چه باید کرد؟! طبیعی است که انبیا بعد از سال‌ها تلاش خسته شوند و از خداوند بخواهند که بر کافران عذاب فرستاده و آن‌ها و پیروانشان را نجات دهد. ولی خداوند باز هم از انبیا می خواهد که صبور باشند و زشتی‌های کفار را «با زیبایی» و «به زیبایی» پاسخ گویند و مواظب باشند در مسیر رضایت شیطان گام برندارند. هر چند بسیاری از انسان‌ها از این همه فرصتی که خداوند به آن‌ها می دهد سودی نمی برند و تنها زمان مرگ می گویند: «ای کاش بر می گشتیم و کار شایسته انجام می دادیم!» ولی دیگر وقت تمام شده است.

قرآن در آیات پایانی سوره‌ی **مؤمنون**، مسیر مشرکین را به طرف دوزخ پی گرفته و گفتگوی آن‌ها را با خداوند ذکر می نماید و در آخر به پیامبر توصیه می کند که: از خداوند طلب آمرزش و رحمت کن! زیرا آخرت به شدت سنگین است. (رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ) (۹۳ - ۱۱۸)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سوره‌ی **مؤمنون** را تلاوت کند، فرشتگان در روز قیامت او را به روح و ریحان بشارت می دهند و هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روح او می آید چنان بشارتی به او می دهد که چشمش روشن می شود.^{۱۷۱}

امام صادق (علیه السلام):

هر کس سوره‌ی **مؤمنون** را بخواند و در هر جمعه آن را ادامه دهد، خداوند پایان زندگی او را با سعادت قرار می دهد و جایگاه او فردوس اعلی (بهشت برین) است، همراه پیامبران و رسولان.^{۱۷۲}

به راستی اگر کسی برنامه‌های عقیدتی و عملی خود را با محتوای این سوره و حتی چند آیه آغاز آن که بیان صفات مؤمنان است تطبیق دهد، آن همه افتخارات باید نصیب او شود. و لذا در بعضی از روایات از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده: هنگام نزول آغاز این سوره فرمود: ده آیه بر من نازل شده که هر کس آن‌ها را برپا دارد وارد بهشت خواهد شد!^{۱۷۳}

تعبیر به «أقام» (برپادارد) به جای «قرء» (بخواند) گویای همان حقیقتی است که در بالا اشاره کردیم که هدف اصلی، پیاده کردن محتوای این آیات در متن زندگی است، نه مجرد خواندن.

کاربرد سوره

برای ترک شراب

امام صادق (علیه السلام):

هر کس سوره‌ی مؤمنون را در شب بر پارچه سفیدی بنویسد و بر کسی که شراب می‌نوشد آویز کند دیگر شراب ننوشیده و به اذن خداوند از شراب بدش خواهد آمد.^{۱۷۴}

نور (۲۴)

نام سوره

آیه‌ی نور دلیل نام سوره است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يُضْرَبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ / خدا نور آسمان‌ها و زمین است. مَثَلِ نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویبی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند، و این مثل‌ها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست.» (۳۵)

تعداد آیات

به نظر عراقیان و شامیان ۶۴ آیه، و به نظر حجازیان ۶۲ آیه است. اختلاف در دو آیه است: «بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ» (۳۶) و «يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ» (۴۳) عراقیان و شامیان آنها را آیه می‌دانند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و سیصد و بیست و شش.

تعداد حروف: پنج هزار و ششصد و هشتاد.

محل نزول

این سوره مدنی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۱۰۰

سوره‌ی قبل: نصر

سوره‌ی بعد: حج

تاریخ نزول آن ما بین صلح حدیبیه و جنگ تبوک است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی مؤمنون را به این مطلب ختم کرد که مردم را بیهوده نیافرید، بلکه برای تکلیف آفرید. اکنون این سوره را به ذکر تکالیف، و بیان مقررات دینی آغاز کرده است.

محتوای سوره

این سوره را در حقیقت می‌توان سوره‌ی پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگی‌های جنسی دانست؛ چرا که قسمت عمده‌ی دستوراتش بر محور پاکسازی اجتماع از آلودگی‌های جنسی از طرق مختلف دور می‌زند و این هدف در چند مرحله پیاده شده است:

مرحله اول بیان مجازات شدید زن و مرد زناکار و توضیح شرایط این مجازات است. سپس به همین مناسبت حدیث معروف «إفک» و تهمتی را که به یکی از همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زدند مطرح کرده، و قرآن شدیداً این مسأله را تعقیب می‌کند، تا کاملاً روشن شود شایعه‌سازی درباره‌ی افراد پاک چه گناه سنگینی دارد.

در مرحله‌ی دوم نهی از چشم‌چرانی مردان نسبت به زنان، و زنان نسبت به مردان، و موضوع حجاب زنان مسلمان مطرح می‌شود.

در مرحله‌ی سوم به مسأله‌ی ازدواج برای پیشگیری از آلوده شدن به اعمال منافی عفت پرداخت شده است.

در مرحله‌ی چهارم بخشی از آداب معاشرت و اصول تربیت فرزندان نسبت به پدران و مادران را بیان می‌کند.

و به همین مناسبت بعضی دیگر از آداب زندگی خانوادگی را، هر چند ارتباط با مسائل جنسی ندارد، ذکر می‌کند.

در مرحله‌ی پنجم که در لابه‌لای این بحث‌ها طرح شده، بخشی از مسائل مربوط به توحید و مبدأ و معاد، و تسلیم بودن در برابر فرمان پیامبر را ذکر می‌کند.

ضمنا به مناسبت بحث‌های مربوط به ایمان و عمل صالح، سخن از حکومت جهانی مؤمنان صالح العمل به میان آمده، و به بعضی از دستورات دیگر اسلام نیز اشاره شده است که در مجموع یک واحد کامل و جامع را تشکیل می‌دهد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. حکم فقهی (زنا، قذف، اذن ورود (۱)، حجاب (۲)، ازدواج): (۱ - ۳۴)
۲. ایمان، کفر و نفاق: (۳۵ - ۵۴)
۳. نصرت الهی: (۵۵ - ۵۷)
۴. حکم فقهی (اذن ورود (۲)، حجاب (۲)، خوردنی‌های حلال، سلام): (۵۸ - ۶۱)
۵. برخورد متفاوت مؤمنین و منافقین با پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (۶۲ - ۶۴)

ارتباط آیات

۱. بیشترین آیات این سوره، اختصاص به مسائل فقهی در حوزه‌ی خانواده دارد و چون رعایت این مسائل به شدت مهم است در ابتدای سوره می‌فرماید که: «ما این سوره را واجب نمودیم!»

قرآن در ادامه از زنا و قذف (تهمت به زنا) گفته و برای اعضای خانواده لازم می‌داند که حتما برای ورود به اطلاق اختصاصی والدین در زمان‌های خاص قبلا اجازه بگیرند زیرا عدم رعایت این ادب زمینه را برای انحراف جنسی (زنا) آماده می‌کند و بعد در ادامه از حجاب گفته و مسائلی را درباره‌ی ازدواج با کنیزان و ایتم و دیگر زنان مطرح می‌سازد. (۱ - ۳۴)

۲. عفت و پاکدامنی وقتی در خانواده نهادینه شود، آن خانه محل تابش نور الهی شده و آن وقت مردانی در آنجا تربیت می‌شوند که هیچ چیز، آن‌ها را از یاد خداوند غافل نخواهد کرد. ولی در طرف مقابل، خانواده‌های کافر، شاید ظاهری از ارزشمندی‌ها داشته باشند، ولی وقتی جویای حقیقت، در این خانواده‌ها تحقیق می‌کند می‌فهمد جز سراب چیزی نبودند. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که واقعیت آن تسبیح و تسلیم است و اگر در این مسیر نباشیم همان «سراب» را خواهیم بود که ربطی به واقعیت نداریم. (۳۵ - ۴۵)

۳. آیات برجسته قرآن (همچون آیات دو فصل قبل)، یقینا انسان‌ها را وا می‌دارند تا در مقابلش تعظیم کنند و آن را تصدیق نمایند! ولی بعضی آنجا که حق را در تقابل با هوسشان بیابند به آن پشت می‌کنند، چرا؟ آیا به خاطر مرض نفاق است؟ و یا هنوز واقعا در تردید نسبت به احکام اسلام هستند؟ و یا فکر می‌کنند این قوانین، سختگیرانه و ظالمانه است؟! این نوع تفکر، عین ستم به خود است. وقتی کسی اسلام را بعد از شناخت خداوند و رسول او پذیرفت، باید بگوید: «سَمِعْنَا وَ اطَّعْنَا» این راه سعادت‌مندی و بهره‌مندی (و فوز) است. بالاخره وظیفه‌ی پیامبر ابلاغ درست احکام است. اگر به درستی این احکام مورد اطاعت قرار گیرد، انسان هدایت

می‌شود و مؤمنین هدایت یافته حاکمیت زمین را در دست خواهند گرفت و آن وقت کفار دیگر نخواهند توانست در این مسیر مانعی جدی ایجاد کنند. (۴۶ - ۵۷)

۴. سوره‌ی نور با احکام خانوادگی شروع شد و به تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری ایمانی هسته‌ی خانواده اشاره شد و این تأثیر نهایتاً به تشکیل حکومت جهانی توسط صالحان منجر گشت و لذا قرآن آیات پایانی این سوره را نیز به احکام خانوادگی اختصاص می‌دهد و در آخر نتیجه می‌گیرد که وقتی پیامبر، شما را به مسأله‌ای دعوت می‌کند اعم از این که دعوت برای جهاد باشد یا التزام به احکام فقهی، باید با آن جدی برخورد کنید و آن را مثل دیگر دعوت‌ها ندانید؛ زیرا آخرتی در پیش دارید که اعمالتان در آن روز، جلوی چشمتان ظاهر می‌شوند. (۵۸ - ۶۴)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی نور را بخواند (و محتوای آن را در زندگی خود پیاده کند)، خداوند به عدد هر زن و مرد با ایمانی در گذشته و آینده ده حسنه به عنوان پاداش به او خواهد داد.^{۱۷۵}

کاربرد سوره

الف، ب) حفظ اموال و کنترل شهوت

امام صادق (علیه‌السلام):

اموال خود را از تلف، و دامان خود را از ننگ بی‌عفتی حفظ کنید به وسیله‌ی تلاوت سوره‌ی نور. و زنانتان را در پرتو دستوراتش از انحرافات مصون دارید که هر کس قرائت این سوره را در هر شبانه‌روز ادامه دهد، احدی از خانواده او هرگز تا پایان عمر گرفتار زنا نخواهد شد و در وقت مردن هفتاد هزار ملک تا کنار قبر او را تشییع جنازه می‌کنند و برای او دعا و استغفار می‌کنند تا وارد قبر شود.^{۱۷۶}

ب) جلوگیری از احتلام شبانه

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی نور را بنویسد و در بسترش قرار دهد، هرگز محتلم نمی‌شود...^{۱۱}

^{۱۱} البته باید مواظب باشد چون ممکن است روی قوای جنسی‌اش کلاً اثر منفی داشته باشد و قدرت آمیزش را از او بگیرد.

فرقان (۲۵)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی اوّل آن گرفته شده که از قرآن تعبیر به فرقان (جداکننده حق از باطل) می‌کند. قرآن قریب به ۵۰ نام دارد که مهم‌ترین آن فرقان است، زیرا رسالت قرآن کمک به انسان برای فرق گذاردن بین حق و باطل است. در بعضی از احادیث از این سوره به «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ» نیز یاد شده است.

تعداد آیات

این سوره به اتفاق قاریان، ۷۷ آیه دارد.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هشتصد و نود و دو.

تعداد حروف: سه هزار و هفتصد و سی و سه.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادّعا شده مدنی است:

آیات ۶۸ تا ۷۰ (وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ...) مدنی هستند زیرا در آن‌ها سخن از احکامی مانند حرمت قتل نفس و زنا مطرح شده است.

پاسخ: دقت در آیات قبل و بعد آیات فوق به خوبی نشان می‌دهد که یک رشته کاملاً متصل و منسجم پیرامون بندگان خاص خدا (عباد الرحمن) و اوصاف آن‌ها را بیان می‌کند، لذا ظاهر این است که همه‌ی سوره در مکه نازل شده است.^{۱۷۷}

در تفسیر طبری و غیر آن تصریح شده است به این که این آیات در مکه نازل شده است.^{۱۷۸}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۲

سوره‌ی قبل: یس

سوره‌ی بعد: فاطر

تاریخ نزول آن در سال دهم بعثت (ما بین هجرت مسلمین به حبشه و معراج) است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی قبل این آیه بود: «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، در آغاز این سوره نیز چنین است: «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ».

محتوای سوره

این سوره در حقیقت از سه بخش تشکیل می‌شود:

بخش اول که آغاز این سوره را تشکیل می‌دهد منطق مشرکان را شدیداً در هم می‌کوبد، و بهانه‌جویی‌های آن‌ها را مطرح کرده و پاسخ می‌گوید، و آن‌ها را از عذاب خدا و حساب قیامت و مجازات‌های دردناک دوزخ بیم می‌دهد. و به دنبال آن قسمت‌هایی از سرگذشت اقوام پیشین را که بر اثر مخالفت با دعوت پیامبران گرفتار سخت‌ترین بلاها و کیفرها شدند، به عنوان درس عبرت، برای این مشرکان لجوج و حق‌ستیز بازگو می‌کند.

در بخش دوم برای تکمیل این بحث قسمتی از دلایل توحید و نشانه‌های عظمت خدا را در جهان آفرینش، از روشنایی آفتاب، تا ظلمت و تاریکی شب، و وزش بادهای و نزول باران، و زنده شدن زمین‌های مرده، و آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها در شش دوران، و آفرینش خورشید و ماه و سیر منظم آن‌ها در بروج آسمانی و مانند آن سخن می‌گوید.

در حقیقت بخش اول مفهوم «لا اله الا الله» را مشخص می‌کند و بخش دوم «الا الله» را.

بخش سوم فشرده‌ی بسیار جامع و جالبی از صفات مؤمنان راستین (عباد الرحمن) و بندگان خالص خداست که در مقایسه‌ی با کفار متعصب و بهانه‌گیر و آلوده‌ای که در بخش اول مطرح بودند، موضع هر دو گروه کاملاً مشخص می‌شود و چنان که خواهیم دید، این صفات مجموعه‌ای است از اعتقادات، عمل صالح، مبارزه با شهوات، داشتن آگاهی کافی، و تعهد و احساس مسئولیت اجتماعی.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۶ بخش است:

۱. تکذیب توحید، نبوت و معاد: (۱ - ۱۶)
۲. بهانه‌جویی‌های مشرکین: (۱۷ - ۳۴)
۳. برخورد کفار با انبیا: (۳۵ - ۴۴)
۴. طبیعت و توحید: (۴۵ - ۵۰)
۵. جهاد: (۵۱ - ۵۸)
۶. صفات عباد الرحمن: (۵۹ - ۷۷)

ارتباط آیات

۱. سوره‌ی فرقان مجموعه‌ای از همه‌ی بهانه‌جویی‌های کفار در عدم پذیرش قرآن است که در چهار فصل مطرح شده است: ابتدای سوره با نفی شرک از ذات ربوبی شروع شده و به بهانه‌های مختلف مشرکین می‌پردازد؛ بهانه‌ای مثل این که:

الف) گروهی او را کمک کرده‌اند تا قرآن را بنویسد!

ب) این همان افسانه‌های پیشین است!

ج) کسی که می‌خورد و در بازار راه می‌رود نمی‌تواند مرتبط با آسمان باشد!

د) چرا نه گنجی دارد و نه باغی که او را تأمین کند!

ه) «باید فرشتگان را ببینیم تا ایمان بیاوریم!».

و) «چرا قرآن (مثل تورات) به یکباره نیامد؟!»

ز) وقتی به آن‌ها گفته می‌شد: رحمان را سجده کنید! آن‌ها می‌گفتند رحمان چیست؟ (با این که رحمان را بخوبی می‌شناختند).

در این سوره از میان موارد هفتگانه فوق تنها به سه مورد اخیر آن در سه فصل آتی پاسخ داده شده است و مابقی در دیگر آیات قرآن به آن پرداخته شده است.

مشکل اصلی مشرکین با توحید، به خاطر فرار از اعتقاد به معاد است! ولی قیامت خواهد آمد و وقتی دوزخ آن‌ها را ببینند نفس‌های بلندی می‌زند و فریادی از خشم می‌کشد. ای مشرکین! آیا این بهتر است یا بهستی که به متقین وعده داده شده است؟! روز قیامت «معبودهای حاضر شده» شما را تکذیب خواهند کرد! پس به یاری چه کسی دلخوش نموده‌اید؟! (۱ - ۱۹)

۲. بهانه‌ی پنجم: مشرکین می‌گویند: «باید فرشتگان را ببینیم تا ایمان بیاوریم!» آن‌ها فرشتگان را خواهند دید منتها روزی که اصلاً برای مجرمین خوشایند نیست، روزی که فریاد کمک خواهی بلند است و کارها برای غیر خدا بر باد است و کسی که به خود ستم نموده است، دست خود را می‌گزد که: «ای وای کاش با فلانی دوست نمی‌شدم که من را این چنین از هدایتی که به سویم آمده بود منحرف ساخت!» و از طرفی دیگر این پیامبر است که از مهجور ماندن قرآن توسط امتش گلایه می‌کند. آری دشمنی مجرمین و پیامبران سنتی قدیمی است. (۲۰ - ۳۱)

۳. بهانه‌ی ششم: مشرکین می‌گویند: «چرا قرآن (مثل تورات) به یکباره نیامد؟!» قرآن به این بهانه این گونه پاسخ می‌دهد: مگر تورات که به یکباره بر موسی نازل شد امتش به او ایمان آوردند؟! و یا دیگر اقوام. ای مشرکین! شهر سنگباران شده قوم لوط را نمی‌بینند؟! مشرکین فقط می‌خواهند مسخره بازی در بیاورند، اینان همچون حیوانات، پیرو هوس‌های خود هستند و حتی بدتر از آنها، زیرا هوس‌هایشان را پرستش می‌کنند! و الا دلایل وحدانیت خداوند آن قدر در جهان هستی جلوه دارد که کسی نمی‌تواند به این بهانه‌های واهی به شرک روی بیاورد. تنها راه باقی مانده، مبارزه سخت با مشرکین است و در این راه باید به او توکل نمود به کسی که مرگ و زندگی به دست اوست و از همه‌ی زشتکاری‌ها خبر دارد و پر قدرت بر جهان مدیریت می‌کند (ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ). (۳۲ - ۵۹)

۴. بهانه‌ی هفتم: وقتی به مشرکین گفته می‌شد: «رحمان را سجده کنید!» آن‌ها می‌گفتند: «رحمان چیست؟!» خداوند رحمان را معرفی می‌نماید و صفات ارزشمند بندگان رحمان را نیز برمی‌شمارد و در آخر نتیجه می‌گیرد که: اگر خداوند یگانه را نخوانید، هیچ ارزشی نزد پروردگار ندارید و عاقبت تکذیب آیات الهی، دامن شما را خواهد گرفت. (۶۰ - ۷۷)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی فرقان را بخواند (و به محتوای آن بیاندیشد و در اعتقاد و عمل از آن الهام گیرد) روز قیامت مبعوث می‌شود در حالی که در صف مؤمنان به رستاخیز است، کسانی که یقین داشتند که قیامت فرامی‌رسد و خداوند مردگان را به زندگی جدید بازمی‌گرداند.^{۱۷۹}

امام کاظم (علیه‌السلام):

تلاوت سوره‌ی تبارک (فرقان) را ترک مکن چرا که هر کس آن را در هر شب بخواند خداوند او را هرگز عذاب نمی‌کند و او را مورد حساب قرار نمی‌دهد، و جایگاهش در بهشت برین است.^{۱۸۰}

شعراء (۲۶)

نام سوره

نام شعراء با توجه با آیات آخر این سوره است. این آیات، شعرای هَجُوگو و شعرای حق گو را مورد بررسی قرار می دهد. نام این سوره در بعضی از روایت «طسم» است، برگرفته از آیه ی نخست. همچنین از این سوره به «جامعه» نیز یاد شده است.

تعداد آیات

این سوره از نظر کوفیان دارای ۲۲۷ آیه، و از نظر دیگران ۲۲۶ آیه است: آیه ی «طسم» (۱)، کوفی است. آیه ی «فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۴۹) غیر کوفی است. آیه ی «أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ» (۹۲) غیر بصری است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و دویست و نود و هفت.
تعداد حروف: پنج هزار و پانصد و چهل و دو.

محل نزول

این سوره مکی است

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه ی ۲۲۴ تا آخر (وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ...) مدنی است زیرا بحث از استثنای شاعران مؤمن از شاعران جاهلی است و می دانیم که در مکه مؤمن شاعری وجود نداشته است.

پاسخ: اولاً: این آیات پاسخ از تهمتی است که مشرکین به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌زدند و او را شاعر می‌خواندند و این جواب از تهمت دوّم ایشان است و اوّلی آن، این بود که می‌گفتند او شیطانی دارد که قرآن را به وی وحی می‌کند. و این دو تهمت از تهمت‌هایی بود که در مکه و قبل از هجرت همواره آن‌ها را تکرار می‌کردند و به این وسیله مردم را از دعوت حقه‌ی او دور می‌کردند.

ثانیاً: این آیات مشتمل است بر آیه‌ای که سوره با آن ختم می‌شود و آن آیه‌ی «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» است و معنا ندارد سوره‌ای که از قدیم‌ترین سوره‌های مکی است، همچنان ناتمام بماند و سال‌ها بگذرد، بعد در مدینه تکمیل شود. و اما اینکه در آیات مورد بحث، شعرای با ایمان را از مذمت شعرا مستثنا دانسته، هیچ دلالتی ندارد بر اینکه این شعرای با ایمان، مؤمنین بعد از هجرتند.^{۱۸۱}

۲- آیه‌ی ۱۹۷ مربوط به علمای بنی‌اسرائیل از آن جمله عبدالله بن سلام است که در مدینه می‌زیستند.

پاسخ: هرچند موضوع آیه یهودیان هستند ولی مخاطب، مشرکین مکه می‌باشند زیرا مشرکین ارتباط فکری با علمای یهود داشتند و لازم بود که خداوند وضعیت آن‌ها را برای مشرکین قریش توضیح دهد.^{۱۸۲}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۷

سوره‌ی قبل: واقعه

سوره‌ی بعد: نمل

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی فرقان درباره‌ی تکذیب کتاب گفتگو شد. در آغاز این سوره در وصف کتاب سخن می‌گوید.

محتوای سوره

می‌توان محتوای این سوره را در چند بخش خلاصه کرد:

بخش اوّل طلبه‌ی سوره است که از حروف مقطعه، و سپس عظمت مقام قرآن و تسلی خاطر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در برابر پافشاری و خیره‌سری مشرکان، و اشاره‌ای به بعضی از نشانه‌های توحید و صفات خدا سخن می‌گوید.

بخش دوّم فرازهایی از سرگذشت هفت پیامبر بزرگ و مبارزات آن‌ها را با قومشان، و لجاجت‌ها و خیره‌سری‌های آنان را در برابر این پیامبران بازگو می‌کند، که بعضی مانند داستان

موسی و فرعون مشروح‌تر، و بعضی دیگر مانند سرگذشت ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب کوتاه‌تر است.

مخصوصاً در این بخش، اشاره به منطق ضعیف و تعصب‌آمیز مشرکان در هر عصر و زمان در برابر پیامبران الهی شده است که شباهت زیادی با منطق مشرکان عصر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) داشته و این مایه‌ی تسلی خاطر برای ایشان و مؤمنان اندک نخستین بود که بدانند تاریخ از این گونه افراد و منطق‌ها بسیار به خاطر دارد، و ضعف و فتوری به خود راه ندهند.

و نیز مخصوصاً روی عذاب دردناک این اقوام و بلاهای وحشتناکی که بر آن‌ها فرود آمد تکیه شده است که خود، تهدید مؤثری برای مخالفان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آن شرایط است.

بخش سوّم که در حقیقت، جنبه‌ی نتیجه‌گیری از بخش‌های گذشته را دارد، پیرامون پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، عظمت قرآن، تکذیب مشرکان، و دستوراتی به آن حضرت در زمینه روش دعوت، و چگونگی برخورد با مؤمنان سخن می‌گوید، و سوره را با بشارت به مؤمنان صالح و تهدید شدید ستمگران پایان می‌دهد.

ضمناً نام این سوره از چند آیه‌ی آخر که پیرامون شعرای بی‌هدف سخن می‌گوید گرفته شده است. این مطلب که قبلاً ذکر شده بود!!!

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۱۱ بخش است:

۱. کفار لجوج (۱): (۹ - ۱)
۲. حضرت موسی: (۶۸ - ۱۰)
۳. حضرت ابراهیم: (۱۰۴ - ۶۹)
۴. حضرت نوح: (۱۲۲ - ۱۰۵)
۵. حضرت هود: (۱۲۳ - ۱۴۰)
۶. حضرت صالح: (۱۴۱ - ۱۵۹)
۷. حضرت لوط: (۱۶۰ - ۱۷۵)
۸. حضرت شعیب: (۱۷۶ - ۱۹۱)
۹. کفار لجوج (۲): (۲۱۲ - ۱۹۲)
۱۰. چند توصیه به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (۲۱۳ - ۲۲۰)
۱۱. شعرا: (۲۲۱ - ۲۲۷)

ارتباط آیات

۱. سوره‌ی شعراء تبلور قهر و غلبه و عزت خدا از یک سوی و رحیم بودن و مهربانی خداوند از سوی دیگر است. لذا ترجیح بند آیات این سوره جمله «وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» است که هشت بار در این سوره تکرار شده است. این سوره با سیری در زندگی انبیای بزرگی چون ابراهیم، موسی، نوح، هود، صالح، لوط و شعیب شروع شده و عزت و رحمت خداوند را به تصویر می‌کشد. و بعد از ذکر آیاتی که در فصل بعد خواهد آمد، در آیه‌ی ۲۱۷ می‌فرماید «ای پیامبر! تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ». (۱ - ۱۹۱)

۲. قرآن بعد از سیری در زندگی انبیای گذشته به زندگی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در ابتدا به معجزه جاویدان او، قرآن و نحوه‌ی نزول و شیوه‌ی بیان و شرایط تأثیر گذاری آن می‌پردازد و آنگاه وضعیت لجاجت مشرکین زمان حضرت را بررسی نموده و آن‌ها را نسبت به عذابی که در کمینشان است هشدار می‌دهد و به پیامبر دستور می‌دهد که: «در میان همه‌ی لجاجت‌ها تو مواظب باش که موجودی را در عرض خداوند قرار ندهی؛ هدایت را از خویشان نزدیکت شروع کن! و بال مهربانی‌ات را برای مؤمنین بگشای! و در این راه به عزیز رحیم توکل کن! خدایی که در قیام وسجده تو را مشاهده می‌کند». (۱۹۲ - ۲۲۰)

۳. در میان مشرکین، بیش‌ترین ضربه را شاعرانی زدند که با وجودی که می‌دانستند قرآن شعر نیست ولی آن را شعر دانستند و پیامبر را شاعری همچون خود خواندند که هر دم از چیزی می‌گوید و می‌سراید، لذا سخنانش جدی نیست! این شاعران محل فرود دائم شیاطین هستند! مگر این که مسلمان شوند و آثار مسلمانی در اشعارشان نمودار شده و به آنچه می‌گویند و برایش می‌سرایند خود نیز پایبند باشند. (۲۲۱ - ۲۲۷)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی شعراء را بخواند به عدد هر کسی که نوح را تصدیق و یا تکذیب کرده است ده حسنه برای او خواهد بود، و همچنین هود، شعیب، صالح، و ابراهیم، و به عدد تمام کسانی که تکذیب عیسی و تصدیق محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کرده‌اند.^{۱۸۳}

ناگفته روشن است که این همه اجر و پاداش تنها برای تلاوت منهای اندیشه و عمل نیست. اتفاقاً تعبیری که در حدیث فوق آمده نیز مؤید همین مطلب است، زیرا استحقاق حسنات به تعداد تصدیق‌کنندگان و تکذیب‌کنندگان انبیا، به خاطر قرار گرفتن در خط تصدیق‌کنندگان و بیگانگی با خط تکذیب‌کنندگان است.

امام صادق (علیه‌السلام):

هر که «طس» های سه‌گانه را (نمل، شعراء و قصص) در شب جمعه بخواند، از اولیای خدا و در جوار اوست و خدا او را در جنة العدن که در وسط بهشت است با انبیا و رسل و اوصیا

راشدین، قرار می‌دهد و هرگز در دنیا پریشانی نمی‌بیند و در آخرت اجر او بهشت است تا خشنود شود.^{۱۸۴}

در تفسیر سوره آبادی آمده است: خبر است از حضرت مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که او گفت هر که سوره‌ی شعراء را بخواند مرگ او مرگ سَعْدًا باشد و او را چندان ثواب بود که آسیه بنت مزاحم را.

کاربرد سوره

الف) یافتن طلسم و جادو

امام صادق (علیه‌السلام):

اگر این سوره را بنویسند و بر گردن خروس سفیدی که گوشه‌های تاج سرش از هم جدا باشد بیاویزند، خروس حرکت نموده و هر جا که سحری مدفون باشد خواهد ایستاد!^{۱۸۵}

ب) یافتن آب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

به همان روش فوق عمل شود و هر جا خروس بایستد آنجا به اذن خداوند آب یافت خواهد شد.^{۱۸۶}

نمل (۲۷)

نام سوره

نام این سوره برگرفته از قصه‌ی مورچه و حضرت سلیمان است (آیات ۱۷ تا ۱۹). در بعضی از روایات از این سوره به «طس سلیمان» نیز یاد شده است. و همچنین نام سلیمان نیز بر این سوره گذاشته شده است، زیرا بیش‌ترین تاریخ این پیامبر در این سوره ذکر شده است. نام هدهد هم ممکن است بر این سوره گذاشته شده باشد که اشاره به قصه‌ی این پرنده با حضرت سلیمان دارد، در آیات ۲۰ تا ۲۸.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره از نظر بصریان ۹۴ آیه، و از نظر کوفیان ۹۳ آیه است: کوفیان «مِنْ قَوَارِيرَ» (۴۴) را یک آیه خوانده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و صد و نود و نه.

تعداد حروف: چهار هزار و ششصد و نود و نه.

محل نزول

سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۸

سوره‌ی قبل: شعراء
سوره‌ی بعد: قصص
تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

نظر به اینکه سوره‌ی شعراء را به ذکر قرآن خاتمه داد، این سوره را نیز به ذکر قرآن آغاز کرده است.

محتوای سوره

محتوای این سوره از نظر کلی همان محتوای سوره‌های مکی است، از نظر اعتقادی بیشتر روی مبدأ و معاد تکیه می‌کند، و از قرآن و وحی و نشانه‌های خدا در عالم آفرینش و چگونگی معاد و رستاخیز، سخن می‌گوید و از نظر مسائل عملی و اخلاقی، بخش قابل ملاحظه‌ای از سوره، از سرگذشت پنج پیامبر بزرگ الهی، و مبارزات آن‌ها با اقوام منحرف بحث می‌کند، تا هم دلداری و تسلی خاطر برای مؤمنانی باشد که مخصوصاً در آن روز در مکه در اقلیت شدید قرار داشتند، و هم هشدار باشد برای مشرکان لجوج و بیدادگر که سرانجام کار خویش را در صفحه‌ی تاریخ طاغیان گذشته ببینند، شاید بیدار شوند و به خود آیند.
یکی از امتیازات این سوره بیان بخش مهمی از داستان سلیمان و ملکه‌ی سبا و چگونگی ایمان آوردن او به توحید، و سخن گفتن پرندگانی همچون هدهد و حشراتی همچون مورچه، با سلیمان است.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۸ بخش است:
۱. ایمان و انکار معاد: (۱ - ۶)
 ۲. معجزات حضرت موسی: (۷ - ۱۴)
 ۳. حضرت سلیمان: (۱۵ - ۴۴)
 ۴. حضرت صالح و حضرت لوط: (۴۵ - ۵۸)
 ۵. دلایل توحید: (۵۹ - ۶۴)
 ۶. انکار معاد: (۶۵ - ۷۵)
 ۷. کفار، مردگان کور و کر! (۷۶ - ۹۰)
 ۸. مأموریت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (۹۱ - ۹۳)

ارتباط آیات

۱. قرآن از نزد «حکیم علیم» آمده است، لذا تنها آن‌ها که به این نکته واقف باشند از قرآن سود می‌برند و مابقی به عذاب دنیوی و زیانکاری اخروی دچار خواهند شد. سوره‌ی نمل با این مقدمه آغاز شده و بعد سراغ قصه‌ی حضرت موسی رفته و بعد به حضرت سلیمان و هدد و ملکه‌ی سبا می‌پردازد و در آخر از صالح و لوط می‌گوید تا به روشنی ثابت کند قرآن با این آیات روانبخش از ناحیه حکیم علیم آمده است. (۱ - ۵۸)
۲. در پایان فصل پیشین و بعد از سیری در زندگی پیامران بزرگ، خداوند سپاس گفته شده و بر بندگان برگزیده‌ی او درود فرستاده شده است و بعد، از فطرت انسان‌ها سوالات ششگانه اساسی درباره خالق و مدبر جهان هستی پرسیده شده است؛ آنگاه به انسان‌ها گوشرد شده است که: علم غیب - و از آن جمله زمان وقوع قیامت - را تنها خداوند می‌داند ولی این سبب نمی‌شود نسبت به اصل وقوع آن جهل داشته و چشم را بر نشانه‌های قیامت بست و دوباره زنده شدن را امری محال و موجب تعجب دانست. این نوع تفکر، زندگی را آنچنان دچار بی‌هدفی و هرج و مرج می‌کند که چیزی جز هلاکت و نابودی را به همراه ندارد. وجود معاد، تفضّل خداوند به مردم است ولی حیف که بسیاری از مردم سپاسگذار نعمت‌های خداوند نیستند. (۷۳ - ۵۹)
۳. تا اینجا سوره‌ی نمل، مشرکین مورد خطاب قرآن بودند و از این سپس روی سخن به یهودیان است. خداوند بر اساس علمی که به همه‌ی آنچه در آسمان و زمین است دارد همه‌ی سرگذشت بنی‌اسرائیل را دانسته و برای آن‌ها بازگو نموده است و منشأ اصلی انحرافات آن‌ها را برایشان توضیح داده است؛ ولی متأسفانه آن‌ها، مردگان، و یا کرها و کورهایی هستند که نمی‌شود در آن‌ها تأثیری گذاشت و تنها در آخرالزمان است که فرصتشان به پایان می‌رسد و جهان از سلطه‌ی یهود خارج می‌گردد و بعد از آن قیامت می‌شود، با همه‌ی نشانه‌های هراس‌آورش و آنگاه میزان گذاشته می‌شود و انسان‌ها نجات یافته و از هراس آن روز ایمن شده و یا با صورت به آتش می‌افتند. (۷۴ - ۹۰)
۴. در سه آیه‌ی آخر سوره‌ی نمل، پیامبر در خطاب به همه‌ی کفار اعم از مشرکین و اهل کتاب به این نکته تأکید می‌کند که او: تنها عبادت‌کننده‌ی پروردگار شهر مقدّس مکه است و همچنین تلاوت‌کننده قرآن است و هدایت و ضلالت، نفع و زیانش برای خود انسان است و خداوند به زودی نشانه‌هایش را نشان کافرین می‌دهد! (۹۱ - ۹۳)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سوره‌ی طس سلیمان (سوره‌ی نمل) را بخواند خداوند به تعداد کسانی که سلیمان را تصدیق و یا تکذیب کردند، و همچنین هود و شعیب و صالح و ابراهیم را، ده حسنه به او می‌دهد، و به هنگام رستاخیز که از قبرش بیرون می‌آید، ندای «لا اله الا الله» سر می‌دهد.^{۱۸۷}

هر چند در این سوره، سخن از موسی و سلیمان و داوود و صالح و لوط است و سخنی از هود و شعیب و ابراهیم به میان نیامده، ولی از این جهت که همه‌ی انبیا از نظر دعوت یکسانند، این تعبیر جای تعجب نیست.

امام صادق (علیه السلام):

هر کس طواسین ثلاث (سوره‌ی شعراء، نمل، و قصص که همه با طس شروع شده‌اند) را در شب جمعه بخواند از اولیاء الله خواهد بود، و در جوار او و سایه‌ی لطف و حمایتش قرار می‌گیرد.^{۱۸۸}

کاربرد سوره

الف) رهایی از حشرات موزی مثل پشه

امام صادق (علیه السلام):

کسی که این سوره را در شب بر پوست آهوپی بنویسد و بعد بر پوست دباغی شده برش نخورده‌ای بگذارد و در صندوقی قرار دهد، به اذن خداوند به منزلش مار، و عقرب و پشه و هر آنچه موزی باشد، نزدیک نخواهد شد.^{۱۸۹}

قصص (۲۸)

نام سوره

قصص برگرفته از آیه‌ی ۲۵ این سوره است: «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ / پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آزر گام برمی‌داشت - نزد وی آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آبدادن [گوسفندان] برای ما، مزد دهد. و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد، [وی] گفت: مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی.»

قصه‌ی حضرت موسی و بنی‌اسرائیل قریب به ۶۰۰ آیه را در قرآن به خود اختصاص داده است. بنابر این قصه‌ی حضرت موسی شاخص‌ترین قصه از میان قصه‌های قرآن است.

تعداد آیات

این سوره ۸۸ آیه است:

کوفیان «طسم» (۱) را یک آیه می‌دانند.

دیگران «یسقون» (۲۳) را آیه‌ای دانسته‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و چهارصد و چهل و یک.

تعداد حروف: پنج هزار و هشتصد.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه ۸۵ (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٌ...) مدنی است زیرا در جُحْفَه (سرزمینی است میان مکه و مدینه) نازل شده است.

پاسخ: آیه ۸۵ که سخن از بازگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به موطن اصلی یعنی مکه می گوید هیچ مانعی ندارد به هنگام هجرت و خروجش از مکه در نزدیکی این سرزمین مقدس نازل شده باشد، چرا که حضرت به سرزمین مکه که حرم امن خدا و مرکز خانه توحید بود عشق می ورزید، و خداوند در این آیه به او بشارت می دهد که سرانجام تو را به این شهر بازمی گردانم.^{۱۹۰}

۲- آیات ۵۲ تا ۵۵ در مدینه نازل شده است زیرا سخن از اهل کتاب می گوید، و اهل کتاب بیشتر ساکن مدینه بودند.

پاسخ: آیات فوق مربوط به بعضی از اهل کتاب اهل مدینه هستند که مسلمان شده اند و یا بعضی از مهاجرین حبشه که بعد از واقعه ای احد به مدینه آمده و اسلام را پذیرفته اند، منتها این آیات خبر از آینده می دهد نه گزارش از گذشته بنابر این این آیات می تواند مکی باشد و شأن نزول آن نیز اسلام آوردن بعضی از اهل کتاب در آینده باشد. علاوه بر این که طبق شأن نزول دیگری که رسیده است این آیات مربوط به ایمان بعضی از اهل کتاب به پیامبر قبل از بعثت ایشان بوده است آن گونه که طبری و غیر او ذکر نموده اند.^{۱۹۱}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره ی نزول: ۴۹

سوره ی قبل: نمل

سوره ی بعد: اسراء

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

ارتباط با سوره ی قبل

نظر به اینکه در خاتمه ی سوره ی نمل درباره تلاوت قرآن سخن گفت، در این سوره بیان می کند که منظور، تلاوتِ بیش ترِ چه آیاتی از قرآن است؟ آیات مربوط به داستان موسی و فرعون.

محتوای سوره

این سوره در مکه نازل شده است، در شرایطی که مؤمنین در چنگال دشمنان نیرومندی گرفتار بودند، دشمنانی که هم از نظر جمعیت و تعداد، و هم قدرت و قوت بر آنها برتری داشتند، این اقلیت مسلمان، چنان تحت فشار آن اکثریت بودند، که جمعی از آینده اسلام بیمناک و نگران به نظر می رسیدند.

از آنجا که این حالت شباهت زیادی به وضع بنی اسرائیل در چنگال فرعونیان داشت، فصلی از محتوای این سوره را داستان موسی و بنی اسرائیل و فرعونیان در دو قسمت ابتدایی و انتهایی سوره تشکیل می‌دهد، بخشی که در حدود نیمی از آیات این سوره را در بر می‌گیرد. و میان این دو قسمت درس‌های زنده و ارزنده‌ای از توحید و معاد، و اهمیت قرآن، و وضع حال مشرکان در قیامت، و مسأله‌ی هدایت و ضلالت، و پاسخ به بهانه‌جویی‌های افراد ضعیف، آمده است که در حقیقت نتیجه‌ای است از بخش اول، و مقدمه‌ای است برای بخش دوم.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. تاریخ حضرت موسی: (۱ - ۴۶)
۲. برخورد متفاوت اهل کتاب با اسلام: (۴۷ - ۵۵)
۳. دنیاپرستی مانع ایمان: (۵۶ - ۷۵)
۴. قارون: (۷۶ - ۸۴)
۵. هشدار به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (۸۵ - ۸۸)

ارتباط آیات

۱. سوره‌ی قصص از میان قصه‌های قرآن، قصه‌ی حضرت موسی را برمی‌گزیند، قصه‌ای که بیش از همه‌ی قصه‌ها در قرآن به آن پرداخته شده است و البته منحصرأ در این سوره از قارون نیز که سخن به میان آمده است که او هم جزو بنی اسرائیل بوده است. راز پردازش زیاد به بنی اسرائیل، شباهت زیادی است که این گروه با مسلمانان و آینده آن‌ها دارد. مسلمانان می‌توانند با تدبیر در تاریخ بنی اسرائیل خود را از مهلکه‌های پیش روی نجات دهند و همچنین مواظبت زیادی بر شیطنتهای قوم یهود داشته باشند، قومی که متأسفانه همه‌ی جهان را در تسلط خود دارد.

۲. قرآن پس از ذکر تاریخ حضرت موسی، به مشرکین مکه برگشته و این بهانه‌جویی آن‌ها را ذکر می‌کند که آن‌ها از پیامبر، معجزاتی همچون معجزات حضرت موسی می‌خواستند و حال آن که همین معجزات را مشرکین زمان حضرت موسی، سحر دانستند. مشرکین تابع هوس خود هستند و الا اگر تابع منطق بودند سرگذشت دیگران می‌توانست به اندازه‌ی کافی عبرت آموز باشد، آن‌گونه که برای بعضی از یهودیان و مسیحیان عبرت آموز بود و آن‌ها به پیامبر ایمان آوردند و به سخنان بی‌بیهوده پیرامون خود پشت نمودند و خداوند اینان را، هم به خاطر ایمان به کتاب آسمانی خودشان و هم ایمان به قرآن دو بار پاداش خواهد داد. (۱ - ۵۵)

۳. ایمان، مقوله‌ای اختیاری است و در اختیار پیامبر نیست تا هر که را دوست دارد هدایت کند! او فقط باید پیام خداوند را ابلاغ کند هرچه مشرکین به بهانه‌های واهی از ایمان

آوردن به پیامبر سر باز زنند. آن‌ها می‌گفتند: «اگر به تو ایمان بیاوریم ما را از سرزمین مکه طرد خواهند نمود» و حال آن که خداوند همانطور که مکه را محل امن قرار داد و آباد نمود بسیاری از شهرهای دیگر را نابود ساخت. انسان نباید به خاطر حفظ امکانات اندکی که در زندگی دارد اعتقادات شرک آلودش را نگه داشته و آخرتش را به پای دنیایش فدا کند! آیا این شخص فکر می‌کند روز قیامت می‌تواند روی کمک معبودها، حساب کند؟! هیچ راهی ندارد جز آن که توبه کند و راه صلاح را پیش گیرد و به وحدانیت خدایی معتقد گردد که همه‌ی هستی نشان یگانگی و قدرت و رحمت اوست. (۵۶ - ۷۵)

۴. قرآن قصه را برای قصه‌گویی نمی‌گوید. قصه را برای عبرت آموزی می‌گوید؛ لذا بین قصه‌های طولانی همیشه با آیاتی دیگر فاصله می‌اندازد تا خواننده احساس سرگرمی نکند. بر همین اساس قصه‌ی بنی‌اسرائیل در آیه‌ی ۴۶ قطع و باز از آیه‌ی ۷۶ ادامه می‌یابد و در قالب هشت آیه‌ی قصه‌ی قارون را مطرح می‌کند و بعد نتیجه می‌گیرد که خانه آخرت از آن کسی است که در زمین به دنبال برتری جویی (همچون قارون) نباشد. (۷۶ - ۸۴)

۵. در انتهای سوره‌ی قصص، به عظمت قرآن اشاره می‌کند که رحمتی غیر قابل انتظار برای پیامبر است و جای دل‌تنگی‌های پیامبر را نسبت به خروج از مکه یقیناً پر خواهد ساخت و البته خداوند او را به مکه نیز برخواهد گرداند؛ بالاخره علاقه به مکه نباید سبب شود تا پیامبر به خاطر این که در مکه بماند از آیات الهی دست بردارد زیرا این نهایتاً به شرک برمی‌گردد (همچون کسانی که از ترس اخراج شدن از مکه به پیامبر ایمان نیاوردند. رجوع شود به فصل چهارم). (۸۵ - ۸۸)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی قصص را بخواند به تعداد هر یک از کسانی که موسی را تصدیق یا تکذیب کردند، ده حسنه به او داده خواهد شد، و فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست مگر اینکه برای او شهادت می‌دهند که او به راستی می‌گفت: همه چیز تباه می‌شود جز ذات خداوند. (کُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ، آیه‌ی ۸۸ قصص).^{۱۹۲}

کاربرد سوره

الف) جلوگیری از فقر

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که طواسین ثلاث (سوره‌ی قصص، نمل، و شعراء) را در شب جمعه بخواند، از دوستان خدا، و در جوار او خواهد بود، و در کنف حمایت او قرار خواهد گرفت و در دنیا هرگز فقر و ناامنی و ناراحتی شدید پیدا نخواهد کرد، و در آخرت خداوند آن قدر از مواهب خود به او می‌بخشد که راضی شود و برتر از راضی بودن.^{۱۹۳}

آیات ۷۶ تا ۸۳ مربوط به قصه‌ی قارون، سرمایه‌دار بخیل قوم بنی‌اسرائیل است. برای جلوگیری از فقر باید مُدام آیات این سوره را تلاوت نمود و عوامل فقر را به تفکر نشست تا بتوان از آن رهایی یافت.

(ب) درمان دردها

امام صادق (علیه‌السلام):

اگر این سوره در ظرفی نوشته شده و بعد با آب باران شسته شود و آن آب نوشیده شود، دردها از او دفع می‌شود و از مرضش شفا پیدا می‌کند و ورم‌هایش می‌خوابد.^{۱۹۴}

عنکبوت (۲۹)

نام سوره

نام‌گذاری این سوره به عنکبوت از آیه‌ی ۴۱ آن گرفته شده که بت‌پرستان را که تکیه بر غیر خدا می‌کنند تشبیه به عنکبوت می‌کند، آن‌ها تکیه‌گاهشان، تارهای سست و بی‌بنیاد است: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ».

تعداد آیات

عدد آیات این سوره به اتفاق تمام قاریان ۶۹ آیه می‌باشد:
قرآء کوفه «الم» (۱) را یک آیه دانسته‌اند.
قرآء حجاز «تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ» (۲۹) را یک آیه شمرده‌اند.
قرآء بصره و شام «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۶۵) را آیه‌ای مستقل می‌دانند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و هفتصد و هشتاد کلمه.
تعداد حروف: چهار هزار و صد و پنجاه و هفت حرف.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

یازده آیه‌ی نخست مدنی است زیرا شأن نزول آن این است که: بعضی از مسلمانان به مدینه هجرت نکرده بودند، از طرف آشنایانشان در مدینه برای آن‌ها نامه نوشته شده که به

مدینه بیابند، آن‌ها عازم هجرت شدند که با ممانعت مشرکین مواجه شدند و بینشان جنگی صورت گرفت.

پاسخ: ولی طبق آنچه از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که طبری نیز همین تفسیر را می‌پذیرد، این آیات برای تقویت روحیه‌ی مؤمنین در مکه رسیده است. و از طرفی دیگر اگر قرار باشد آیات نخستین سوره‌ای مدنی باشد باید کل آن را مدنی بدانیم و حال آن که طبق روایات ترتیب، سوره‌ی عنکبوت مکی است.^{۱۹۵}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۸۵

سوره‌ی قبل: روم

سوره‌ی بعد: مطففین

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی قصص خداوند بشارت و انذار فرمود، و اینک در آغاز این سوره به ذکر تکالیف بندگان انذار یافته می‌پردازد.

محتوای سوره

به طور کلی می‌توان گفت بحث‌های این سوره در چهار بخش خلاصه می‌شود:

۱- بخش آغاز این سوره پیرامون مسأله امتحان و وضع منافقان است. و این دو پیوندی ناگسستنی با هم دارند، چرا که شناخت منافقان جز در طوفان‌های امتحانات و آزمون‌ها ممکن نیست.

۲- بخش دیگر در حقیقت برای دل‌داری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مؤمنان اندک نخستین، از طریق بیان گوشه‌هایی از سرنوشت پیامبران بزرگی همچون نوح و ابراهیم و لوط و شعیب است که در برابر گردن‌کشانی همچون نمرود و ثروتمندان خودخواه قرار داشتند. ابزار این مبارزه، کیفیت این مبارزه و پایان آن، مشخص شده است تا هم دل‌داری برای مؤمنان باشد و هم هشدار برای بت‌پرستان سنگدل و ستمگر که در عصر حضرت بودند.

۳- بخش دیگری از این سوره - که مخصوصاً در اواخر سوره قرار گرفته - از توحید، و نشانه‌های خدا در عالم آفرینش، و مبارزه با شرک، سخن می‌گوید، و وجدان و فطرت انسان‌ها را در اینجا به داوری می‌طلبد.

۴- قسمت دیگری از این سوره مباحث متنوعی پیرامون ضعف و ناتوانی معبودهای ساختگی، و عابدان عنکبوت‌صفت آن‌ها است. همچنین حول عظمت قرآن و دلایل حقانیت

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، لجاجت مخالفان، و نیز یک سلسله مسائل تربیتی همچون نماز، نیکی به پدر و مادر، اعمال صالح و طرز بحث و برخورد منطقی با مخالفان دور می‌زند.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. آزمایش، سنت الهی: (۱ - ۱۳)
۲. یادی از انبیا (نوح، ابراهیم، لوط، شعیب): (۱۴ - ۴۴)
۳. جدال احسن: (۴۵ - ۴۹)
۴. بهانه‌جویی‌های کفار: (۵۰ - ۵۵)
۵. هجرت: (۵۶ - ۶۹)

ارتباط آیات

۱. هدف از آفرینش آزمودن انسان است تا میزان صدق و کذب او در همه‌ی ابعاد زندگی‌اش برای خودش مشخص شود. کذب و صدق، خود را در کفر و اسلام، نفاق و ایمان، عمل ناشایست و عمل شایسته نشان می‌دهد. در این آزمون هرکس پرونده خودش را داشته و بار مسئولیت اعمالش را خودش بر دوش خواهد کشید.

قرآن با این مقدمه نگاهی به زندگی انبیا می‌اندازد (حضرت نوح، ابراهیم، لوط و شعیب) و بعد از انواع هلاکت طاغوت‌های آنان می‌گوید (ثمود، عاد، قارون، فرعون و هامان) و آنانی را که اعتماد به این طاغوت‌ها می‌کنند، دارای بنیانی به سستی خانه عنکبوت معرفی می‌کند. (۱ - ۴۴)

۲. در مقابل این همه طاغوت و وابستگان آن‌ها، پیامبران همچنان وظیفه دارند به تلاوت آیات الهی ادامه دهند و ارتباط معنوی خود را با خداوند حفظ نمایند و با کفار به بهترین نحوی برخورد نمایند. اگر جویای حق هستند با آن‌ها به مناظره بنشینند و اگر به دنبال ستم به خود و دیگرانند آن‌ها را هشدار دهند تا صف مؤمنین از کافرین مشخص گردد.

کافرین کسانی هستند که به معجزه بودن قرآن و این که کسی آن را آورده است که خطی ننوشته است بسنده نکرده و مدام دنبال معجزاتی دیگر هستند. اینان به خاطر انس و ایمانی که به باطل پیدا کرده‌اند، هرچه تهدید به عذاب الهی هم شوند با گستاخی درخواست عذاب می‌کنند. از آن طرف مؤمنین خود را از محیط کفر دور نموده و بر سختی‌های معیشت صبر و توکل پیشه می‌نمایند و دنیا را به بازی گرفته و تنها خداوند را در تلاطم مشکلات زندگی ناجی خود می‌دانند. آن‌ها حجت هستند بر کسانی که از ترس اخراج از مکه، ایمان به خدای یگانه نیاوردند و بزرگ‌ترین ستم را به خود روا داشتند که اگر در راه خداوند تلاش می‌کردند حتماً خداوند راه‌های خروج از مشکلات را نشان می‌داد. (۴۵ - ۶۹)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس سوره‌ی عنکبوت را بخواند به تعداد تمام مؤمنان و منافقان، ده حسنه برای او نوشته می‌شود.^{۱۹۶}

امام صادق (علیه السلام):

هر کس سوره‌ی عنکبوت و روم را در ماه رمضان شب بیست و سوم تلاوت کند، به خدا سوگند اهل بهشت است، و من هیچ کس را از این مسأله استثنا نمی‌کنم، و نمی‌ترسم که خداوند در این سوگند قاطع من گناهی بر من بنویسد، و مسلماً این دو سوره در پیشگاه خدا بسیار ارج دارد.^{۱۹۷}

بدون شک محتوای پر بار این دو سوره و درس‌های مهم توحیدی آن، و برنامه‌های سازنده عملی که در این دو سوره ارائه شده است، کافی است که هر انسانی را که اهل اندیشه و الهام و عمل باشد به بهشت جاویدان سوق دهد.

بلکه شاید تنها اگر از نخستین آیه‌ی سوره‌ی عنکبوت الهام بگیریم، مشمول سوگند امام صادق (علیه السلام) شویم، همان آیه‌ای که مسأله‌ی امتحان عمومی انسان‌ها را مطرح می‌کند و می‌گوید: همه بدون استثنا در بوته‌ی آزمایش‌ها قرار می‌گیرند تا سیه‌روی شوند آن‌ها که غش دارند.

چگونه ممکن است انسان این آزمون عظیم را کاملاً باور داشته باشد و خود را برای آن آماده نسازد، و اهل تقوا و پرهیزگاری نگردد؟

کاربرد سوره

الف، ب) رهایی از افسردگی و تب

اگر کسی سوره‌ی عنکبوت را بنویسد و از آبش بنوشد، قلبش شاد شده و سینه‌اش گشاده می‌شود و اگر با آبش صورتش را بشوید، حرارت و سرخی از او زائل می‌شود...^{۱۹۸}

روم (۳۰)

نام سوره

روم امپراطوری بزرگی بود که بر متصرفات وسیعی در آسیا و اروپا و آفریقا حکومت داشت و ایتالیا نیز قسمتی از آن محسوب می‌شد. میان آن‌ها و اهل فارس (ایرانیان) جنگ‌های بزرگی واقع شده است و مخصوصاً در نواحی شام که نزدیک به حجاز بود، جنگی رخ داد که به فرار رومیان تمام شد. قرآن عظیم خبر داد که روم پس از مغلوب شدن در عرض سه الی نه سال پیروز خواهد شد.

قرآن به این علت از شکست، و بعد پیروزی رومیان بر ایرانیان خبر می‌دهد که: هنگامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مکه بود، و مؤمنان در اقلیت قرار داشتند، جنگی میان ایرانیان و رومیان در گرفت، و در این نبرد ایرانیان پیروز شدند. مشرکان مکه این را به فال نیک گرفتند و دلیل بر حقانیت شرک خود دانستند! و گفتند: ایرانیان مجوسی هستند و مشرک (دوگانه‌پرست)، اما رومیان مسیحی‌اند و اهل کتاب. همان‌گونه که ایرانیان بر رومیان غلبه کردند، پیروزی نهایی از آن شرک است و طومار اسلام به زودی در هم پیچیده خواهد شد و ما پیروز می‌شویم.

گرچه این‌گونه نتیجه‌گیری‌ها پایه و مایه‌ای نداشت اما در آن جو و محیط برای تبلیغ در میان مردم جاهل خالی از تأثیر نبود، لذا این امر بر مسلمانان گران آمد.

آیات فوق نازل شد و قاطعانه گفت: گرچه ایرانیان در این نبرد پیروز شدند، اما چیزی نمی‌گذرد که از رومیان شکست خواهند خورد و حتی حدود زمان این پیش‌گویی را نیز بیان داشت و گفت این امر فقط در طول چند سال به وقوع می‌پیوندد!

این پیش‌گویی قاطع قرآن که از یک سو نشانه‌ی اعجاز این کتاب آسمانی و اتکای آورنده‌ی آن به علم بی‌پایان پروردگار به عالم غیب است، و از سوی دیگر نقطه‌ی مقابل تفکر مشرکان بود، مسلمانان را طوری دلگرم ساخت که حتی می‌گویند بعضی از آنان با مشرکان

روی این مسأله شرطبندی مهمتی کردند! (آن روز هنوز حکم تحریم این گونه شرطبندی‌ها نازل نشده بود).

تعداد آیات

عدد آیات این سوره از نظر اهل مکه و پیشینیان اهل مدینه ۵۹ آیه، و از نظر دیگران ۶۰ آیه است:

قرآء کوفه «الم» را یک آیه دانسته‌اند.
غیر کوفیان و مدنی اول‌ها «غُلِبَتِ الرَّوْمُ» (۲) را یک آیه‌ی مستقل می‌دانند.
غیر کوفیان و مدنی دوم‌ها «فِي بَضْعِ سِنِينَ» (۴) را آیه‌ای جداگانه شمرده‌اند.
آیه‌ی «يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ» (۵۵) را نیز تنها مدنی اول‌ها آیه‌ای مستقل خوانده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هشتصد و نوزده.
تعداد حروف: سه هزار و پانصد و سی و چهار.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:
دو آیه‌ی ۱۷ و ۱۸ که مربوط به اوقات تسبیح خداوند و نماز است در مدینه نازل شده است. هرچند اصل نماز در مکه واجب شده ولی خصوصیات آن - و از آن جمله زمان آن - در مدینه توضیح داده شده است.
پاسخ: ممکن است ذکر این اوقات کنایه از دوام و همیشگی بودن تسبیح باشد، چنان که در فارسی می‌گوییم هر صبح و شام از فلان کس مراقبت کن (یعنی همیشه و در هر زمان). بنابراین همه‌ی آیات سوره‌ی روم، مکی خواهد بود.^{۱۹۹}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره نزول: ۸۴

سوره‌ی قبل: انشقاق

سوره‌ی بعد: عنکبوت

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

مطالب این سوره را در هفت بخش می‌توان خلاصه کرد:

۱- پیش‌گویی از پیروزی رومیان بر ایرانیان در جنگی که در آینده رخ می‌داد، به مناسبت گفتگویی که میان مسلمانان و مشرکان در این زمینه روی داده بود که مشروح آن به خواست خدا خواهد آمد.

۲- گوشه‌ای از طرز فکر و چگونگی حالات افراد بی‌ایمان، و سپس تهدیدهایی نسبت به آن‌ها در مورد عذاب و کیفر الهی در رستاخیز.

۳- بخش مهمی از آیات عظمت خداوند در آسمان و زمین، و در وجود انسان‌ها از قبیل خروج حیات از مرگ، و مرگ از حیات، خلقت انسان از خاک، نظام زوجیت و آفرینش همسران برای انسان‌ها و رابطه‌ی مودت در میان آن‌ها، آفرینش آسمان و زمین، اختلاف زبان‌ها، نعمت خواب در شب و جنبش در روز، ظهور رعد و برق و باران، و حیات زمین بعد از مرگ، و تدبیر امر آسمان و زمین به امر خدا.

۴- سخن از توحید فطری بعد از بیان دلایل آفاقی و انفسی برای شناخت خدا.

۵- بازگشت به شرح و تبیین حالات افراد بی‌ایمان و گنهکار، و ظهور فساد در زمین بر اثر گناهان آن‌ها.

۶- اشاره‌ای به مسأله‌ی مالکیت، و حقّ ذی القربی و نکوهش از رباخواری.

۷- بازگشت مجددی به دلایل توحید و نشانه‌های حق و مسایل مربوط به معاد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی عنکبوت، خداوند از افرادی که در راه او جهاد نموده‌اند، تقدیر نموده و به اجمال و اختصار گزارده بود و اینک در آغاز این سوره به تفصیلش می‌پردازد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. غلبه رومیان: (۱ - ۱۰)

۲. مبدأ و معاد: (۱۱ - ۱۶)

۳. تسبیح و تحمید خداوند: (۱۷ - ۲۷)

۴. دلایل آفاقی و انفسی توحید: (۲۸ - ۵۴)

۵. گفتگوی مجرمین و مؤمنین روز قیامت: (۵۵ - ۶۰)

ارتباط آیات

۱. امت‌ها غالب می‌شوند و مغلوب می‌گردند و اگر انسان تنها چشم به ظاهر، نداشته باشد می‌تواند با سیر در زمین و مطالعه در سرگذشت ملت‌ها به هدف جهان هستی پی ببرد و باور کند نتیجه‌ی اعمال ناشایست، تکذیب آیات روشن خداوند است که مهم‌ترین این نشانه‌ها، دلایل معاد می‌باشد. قرآن با این مقدمه سراغ جلوه‌های رحمت و قدرت خداوند در جهان

هستی رفته و آن‌ها را به زیبایی تبیین می‌کند و بعد نتیجه می‌گیرد خداوندی با این قدرت به آسانی می‌تواند آفرینش را در روز محشر از سرگیرد. (۱ - ۲۷)

۲. در فصل قبل دلایل آفاقی معرفت خداوند مطرح شد و این که به دلایل انفسی می‌پردازد:

الف) آیا شما مملوک‌های مجازی خود را شریک خود می‌شمایید؟! چگونه مخلوقات خداوند را که مملوک حقیقی او هستند شریک خداوند می‌پندارید؟!

ب) هرکسی طبق فطرت الهی که قابل تبدیل و تغییر نیست خداشناس است منتها زمانی به این فطرت اشراق پیدا می‌کند قطع اسباب مادی شده و دچار مشکل گردد به درگاه خداوند زار می‌زند.

ج) انسان مدام بین امید و ناامیدی در فراز و نشیب‌های زندگی در حال جابه‌جایی است و این نشان باز و بسته شدن سفره‌ی الهی است و دلیل بر این است که همه‌ی انسان‌ها ریزه خوار خوان کرم او هستند.

قرآن به مناسبت برهان سوّم که به مسأله‌ی رزق اشاره نموده است این مسأله را گوشزد می‌کند که کسی با انفاق فقیر نمی‌گردد و کسی هم با رباخواری ثروت نمی‌یابد زیرا بسط و ضیق رزق به دست اوست. و این همه فساد در زمین به خاطر عدم انفاق و رباخواری و دیگر مفاسدی است که انسان‌ها خود به وجود آورده‌اند. مفاسدی که امت‌های بسیاری را هلاک نموده است، می‌توان با سیر در زمین آثاری از این امت‌ها را مشاهده نمود. این‌ها همه به سبب عدم ایمان به دین استوار (قیّم) است. (۲۸ - ۴۵)

۳. باری دیگر قرآن به اثر رحمت خداوند در آفاق جهان هستی می‌پردازد و بعد از ذکر همه‌ی دلایل، مشرکینی که هنوز در شرک و کفر خود غوطه‌ورند را مردگانی کر و کور می‌داند که پیامبر نمی‌تواند آن‌ها را هدایت نماید. اینان روز قیامت هم وقتی از قبرهایشان مبعوث می‌شوند باز خیال می‌کنند در دنیا هستند و ساعتی را به خواب رفته‌اند و حال بیدار گشته‌اند! و وقتی با اشاره‌ی مؤمنین، تازه متوجه عمق فاجعه‌ای که سرشان آمده است می‌شوند، زبان به معذرت خواهی از باطلی که این قدر برآن اصرار داشته‌اند می‌شوند که البته نفعی هم به حالشان ندارد، آنان در دنیا پیامبران را اهل باطل می‌انگاشتند و آن‌ها خفیف می‌شمردند و قلبشان را از پذیرش هر حقیقتی بسته بودند. (۴۶ - ۶۰)

فضیلت سوره

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌ی عنکبوت و روم را در ماه رمضان، در شب بیست و سوّم بخواند، به خدا سوگند اهل بهشت است و هیچ در این سخن استثنا نمی‌کنم... و این دو سوره موقعیت مهمی نزد پروردگار دارند.^{۲۰۰}

کاربرد سوره

برای جبران ثواب‌های از دست داده در یک روز و شب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی روم را بخواند پاداشی معادل ده حسنه به تعداد هر فرشته‌ای که در میان آسمان و زمین تسبیح خدا می‌گوید خواهد داشت، و آنچه را در روز و شب از دست داده جبران خواهد کرد.^{۲۰۱}

لقمان (۳۱)

نام سوره

نام لقمان در دو آیه از قرآن در همین سوره آمده است. در قرآن دلیل صریحی بر اینکه او پیامبر بوده است یا تنها یک فرد حکیم، وجود ندارد، ولی لحن قرآن در مورد لقمان نشان می‌دهد که او پیامبر نبود، زیرا در مورد پیامبران سخن از رسالت و دعوت به سوی توحید و مبارزه با شرک و انحرافات محیط و عدم مطالبه‌ی اجر و پاداش، و نیز بشارت و انذار در برابر امت‌ها معمولاً دیده می‌شود، در حالی که در مورد لقمان هیچ یک از این مسائل ذکر نشده و تنها اندرزهای او که به صورت خصوصی با فرزندش بیان شده - هر چند محتوای آن جنبه عمومی دارد - آمده است، و این گواه بر این است که او تنها یک مرد حکیم بوده است.

در حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده چنین می‌خوانیم:
به حق می‌گویم که لقمان پیامبر نبود، ولی بنده‌ای بود که بسیار فکر می‌کرد، ایمان و یقینش عالی بود، خدا را دوست می‌داشت، و خدا نیز او را دوست داشت، و نعمت حکمت بر او ارزانی فرمود.

در بعضی از تواریخ آمده است که لقمان، غلامی سیاه از مردم سیاه پوست مصر بود، و با وجود چهره‌ی نازیبا، دلی روشن و روحی مصفا داشت. او از همان آغاز به راستی سخن می‌گفت، و امانت را به خیانت نمی‌آلود، و در اموری که مربوط به او نبود دخالت نمی‌کرد.

تعداد آیات

عدد آیات این سوره از نظر اهل حجاز ۳۳ آیه، و از نظر دیگران ۳۴ آیه است:
قرآء کوفه «الم» (۱) را یک آیه دانسته‌اند.
قرآء بصره و شام «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (۳۲) را آیه‌ای می‌دانند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: پانصد و چهل و هشت.

تعداد حروف: سه هزار و صد و ده.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیاتی مانند آیهی چهار که سخن از زکات می‌گوید مدنی است زیرا زکات در مدینه

واجب شده است.

پاسخ: قبلاً نیز گفته شد که زکات به معنای مطلق انفاقات واجب و مستحب است و این در مکه نیز مطرح بوده است و از طرفی بعضی، زکات را در مکه واجب می‌دانستند منتها میزان آن اختیاری بوده است.^{۲۰۲}

۲- آیهی ۲۷ که از علم وسیع پروردگار بحث می‌کند مدنی است زیرا نقل شده است که یهودیان مدینه می‌گفتند: «در تورات ما علم زیادی نهفته است». خداوند آیهی ۲۷ را نازل نمود و بعد پیامبر فرمود، این علمی که از آن سخن می‌گویید در مقابل علم خداوند قلیل است.

پاسخ: اگر سند حدیث فوق صحیح باشد، پیامبر در مقابل تحدی که یهود نمودند، آیهی ۲۷ را تلاوت نمود تا پاسخ آن‌ها را بدهد نه آن که آیهی مذکور آنجا نازل شده باشد با این که سیاق آیات قبل و بعد به شدت مرتبط با این آیه است و نمی‌توان برای آن نزولی جداگانه، آن هم در فاصله زمانی زیادی در مدینه دانست.^{۲۰۳}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۷

سوره‌ی قبل: صافات

سوره‌ی بعد: سبأ

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در پایان سوره‌ی روم خداوند درباره‌ی صحت پیامبری خاتم الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

سخن فرمود و اینک با آیاتی درباره‌ی قرآن (کتاب این پیامبر) سوره را آغاز می‌فرماید.

محتوای سوره

به طور کلی محتوای این سوره در پنج بخش خلاصه می‌شود:

بخش اوّل بعد از ذکر حروف مقطعه به عظمت قرآن و هدایت و رحمت بودن آن برای مؤمنانی که واجد صفات ویژه هستند، اشاره می‌کند. و در نقطه مقابل، سخن از کسانی می‌گوید که در برابر این آیات آن‌چنان سرسختی و لجاجت نشان می‌دهند که گویی گوش‌هایشان کر است، علاوه بر این سعی دارند با ایجاد سرگرمی‌های ناسالم، دیگران را نیز از قرآن منحرف نمایند.

بخش دوّم از نشانه‌های خدا در آفرینش آسمان و برپاداشتن آن بدون هیچ گونه ستون، و آفرینش کوه‌ها در زمین، و جنبندگان مختلف، و نزول باران و پرورش گیاهان سخن می‌گوید. بخش سوّم به همین مناسبت قسمتی از سخنان حکمت‌آمیز لقمان - آن مرد الهی - را به هنگام اندرز فرزندش نقل می‌کند که از توحید و مبارزه با شرک شروع شده، و با توصیه به نیکی کردن به پدر و مادر، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، شکیبایی در برابر حوادث سخت، خوش‌رویی با مردم، تواضع و فروتنی، و اعتدال در امور پایان می‌یابد.

در بخش چهارم بار دیگر به دلایل توحید بازمی‌گردد، و از تسخیر آسمان و زمین و نعمت‌های وافر پروردگار، و نکوهش منطق بت‌پرستانی که تنها براساس تقلید از نیاکان در این وادی گمراهی افتادند، سخن می‌گوید، و از آن‌ها بر مسأله‌ی خالقیت پروردگار که پایه‌ی عبودیت اوست، اقرار می‌گیرد.

و نیز از علم گسترده و بی‌پایان خدا با ذکر مثال روشنی پرده برمی‌دارد، و در همین رابطه علاوه بر ذکر آیات آفاقی، از توحید فطری که تجلی‌اش به هنگام گرفتار شدن در میان امواج بلا است، به طرز جالبی بحث می‌کند.

بخش پنجم اشاره کوتاه و تکان‌دهنده‌ای به مسأله‌ی معاد و زندگی پس از مرگ دارد، به انسان هشدار می‌دهد که مغرور به زندگی این دنیا نشود، و به فکر آن سرای جاویدان باشد. در ادامه، این مطلب را با ذکر گوشه‌ای از علم غیب پروردگار که از همه چیز در ارتباط با انسان آگاه است - از جمله لحظه مرگ او و حتی جنینی که در شکم مادر است - تکمیل کرده، و سوره را پایان می‌دهد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۳ بخش است:

۱. محسنین: (۱ - ۱۱)
۲. مواظ لقمان: (۱۲ - ۱۹)
۳. دلایل توحید: (۲۰ - ۳۴)

ارتباط آیات

۱. قرآن برای آنانی هدیت است که در پی احسان به خود و در فکر تعالی خویش هستند؛ ولی آنانی که با چشم پوشی از این همه جلوه‌های قدرت خداوند، در جهان هستی و اثبات

ناتوانی معبودهای دروغین همچنان به باطل خود اصرار می‌روزند، اینان راه رشد را به سخریه گرفته و مستکبرانه خود را به کری می‌زنند.

قرآن با این مقدمه سراغ حضرت لقمان می‌رود و او را حکیمی معرفی می‌کند که مصداق کامل «محسن» بود و بعد حکمت‌هایی را از او نقل می‌نماید. (۱ - ۱۹)

۲. در مقابل محسنین، کسانی قرار دارند که به بهانه تبعیت از پدران خویش و در واقع به تبعیت از شیطان و هوس‌های خود، این همه بارش نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند را ندید می‌گیرند. قرآن با این مقدمه سراغ جلوه‌های قدرت و رحمت خداوند در جهان هستی می‌رود و فطرت انسان‌ها را به اعتراف وامی‌دارد و از آن‌ها می‌خواهد بترسند از روزی که حتی رابطه‌ی پدر و فرزندی نیز نمی‌تواند برای شخص کاری کند. روز قیامتی که تنها او می‌داند چه زمان فرا خواهد رسید همچنان که فقط او می‌داند در رحم چه گذشته و کدام قطعه از زمین نقطه پایان حیات انسان است. (۲۰ - ۳۴)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی لقمان را بخواند، لقمان در قیامت رفیق و دوست او است، و به عدد کسانی که کار نیک یا بد انجام داده‌اند (به حکم امر به معروف و نهی از منکر در برابر آنها) ده حسنه به او داده می‌شود.^{۲۰۴}

امام باقر (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی لقمان را در شب بخواند، خدا سی فرشته را مأمور حفظ او تا به صبح در برابر شیطان و لشکر شیطان می‌کند. و اگر در روز بخواند این سی فرشته او را تا به غروب از ابلیس و لشکرش محافظت می‌نمایند.^{۲۰۵}

کاربرد سوره

برای رهایی از دردهای معده و تب

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس این سوره را بنویسد و از آب آن بنوشد - چه مرد باشد و چه زن - و در درونش به هم ریختگی باشد، و یا دردی دیگر داشته باشد عافیت می‌یابد، و از تب ایمن شده و و هر نوع اذیتی از او، به اذن خداوند زائل می‌شود.^{۲۰۶}

سجده (۳۲)

نام سوره

نام این سوره برگرفته از آیه‌ی ۱۵ است: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ / تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده‌کنان به روی درمی‌افتند، و به ستایش پروردگارش تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند».

باید توجه داشت که این آیه، نخستین آیه‌ی سجده واجب در قرآن مجید است، و چنان که کسی تمام آن را تلاوت کند یا از دیگری بشنود، واجب است سجده کند.

نام این سوره در بعضی از روایات «الم سجده» است.

گاه برای مشخص ساختن آن از سوره‌ی حم سجده (فصلت)، آن را به نام «سجده‌ی لقمان» می‌خوانند، چرا که بعد از سوره‌ی لقمان قرار گرفته است. همچنان که سوره‌ی فصلت (حم سجده) را، «سجده المؤمن»، نامیده‌اند زیرا بعد از سوره‌ی مؤمن قرار گرفته است.

در بعضی از روایات دیگر نیز از آن به «الم تنزیل»، «الم تنزیل السجده» یا «تنزیل السجده» یاد شده است.

فخر رازی و آلوسی نیز نام سوره‌ی «مضاجع» را از جمله نام‌های آن ذکر کرده‌اند. به تناسب آیه‌ی «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ...» (۱۶)

تعداد آیات

عدد آیات این سوره از نظر اهل بصره ۲۹ آیه، و از نظر دیگران ۳۰ آیه می‌باشد. پسنینیان از قراء کوفه، «الم» (۱) را یک آیه، و نیز قراء حجاز و شام آن را آیه‌ای شمرده‌اند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: سیصد و هشتاد و پنج.
تعداد حروف: یکهزار و پانصد و هجده.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

آیه‌ی ۱۸ تا ۲۰ (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ...) مدنی است زیرا طبق روایتی نقل است که: بین امام علی (علیه‌السلام) و ولید بن عقبه در روز بدر مشاجره‌ای در گرفت، در ادامه آن ولید به حضرت گفت: من نیزه‌ای از تو بُرنده‌تر دارم، و از تو بهتر سخن می‌گویم، و سینه‌ام از کتاب‌ها پرت‌تر است. امام در پاسخ فرمودند: ساکت باش! تو فاسق هستی. در اینجا بود که آیات ۱۸ تا ۲۰ نازل شد.

پاسخ: با مراجعه با آیات قبل و بعد این سه آیه به راحتی می‌فهمیم که این سه آیه نزولی جداگانه نداشته‌اند. و البته هیچ ایرادی ندارد که این آیات باری دیگر در مدینه نیز نازل شده باشد و یا این که وقتی این مشاجره به پیامبر گزارش شده است ایشان این آیات را تلاوت نموده باشند.^{۲۰۷}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۷۳

سوره‌ی قبل: نحل

سوره‌ی بعد: نوح

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

ارتباط با سوره‌ی قبل

چون پایان سوره‌ی پیشین با دلایل ربوبیت پروردگار بوده، لذا این سوره را نیز بدان آغاز می‌فرماید.

محتوای سوره

در این سوره چند بخش جلب توجه می‌کند:

۱- قبل از هر چیز سخن از عظمت قرآن، و نزول آن از سوی پروردگار عالمیان، و نفی اتهامات دشمنان از آن است.

۲- سپس بحثی پیرامون نشانه‌های خداوند در آسمان و زمین، و تدبیر این جهان دارد.

- ۳- بحث دیگری پیرامون آفرینش انسان از خاک و آب نطفه و روح الهی و اعطای وسایل فراگیری علم و دانش، یعنی چشم و گوش و خرد از سوی خداوند به او می‌باشد.
- ۴- بعد از آن از رستاخیز و حوادث قبل از آن یعنی مرگ، و بعد از آن یعنی سؤال و حساب سخن می‌گوید.
- ۵ و ۶- بحث‌های مؤثر و تکان‌دهنده‌ای از بشارت و انذار دارد، مؤمنان را به جنة المأوی نوید می‌دهد و فاسقان را به عذاب آتش تهدید می‌کند.
- ۷- به همین مناسبت اشاره‌ی کوتاهی به تاریخ بنی‌اسرائیل و سرگذشت حضرت موسی و پیروزی‌های این امت دارد.
- ۸- و باز به تناسب بحث بشارت و انذار، اشاره‌ای به احوال گروهی دیگر از امت‌های پیشین و سرنوشت دردناک آن‌ها می‌کند.
- ۹ و ۱۰- بار دیگر به مسأله‌ی توحید و نشانه‌های عظمت خدا بازمی‌گردد و با تهدید دشمنان لجوج، سوره را پایان می‌دهد.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۳ بخش است:
۱. انکار نبوت و معاد: (۱ - ۱۷)
 ۲. مقایسه‌ی مؤمن و فاسق: (۱۸ - ۲۲)
 ۳. مقایسه‌ی صبوران و لجوجان: (۲۳ - ۳۰)

ارتباط آیات

۱. خداوند تدبیر جهان هستی را بر عهده دارد و بر همین اساس همه‌ی مخلوقات را به بهترین نحوی خلق نموده و امکانات رشد آن‌ها را مهیا ساخته است و از آن جمله به انسان روحی را دمیده است که بس عظیم است؛ انگار که روح خداوند است. با این روح، انسان امکان رشد تا بالاترین درجات را دارا شده است. مع ذلک انسان تا نمیرد قدر فرصت‌های زندگی را نمی‌داند. البته هستند قلیل انسان‌هایی که مدهوش آیات الهی هستند و خداوند نیز با پاداش ویژه‌ای که برای آن‌ها در نظر گرفته است و عذاب دنیوی و اخروی که برای فاسقین خواهد بود، اعلان نموده است که بین فاسق و مؤمن فرق خواهد گذاشت. (۱ - ۲۲)
۲. قرآن از مؤمنین و فاسقین زمان پیامبر اسلام، گریزی زده است به وجود این دو گروه در بنی‌اسرائیل و این که بالاخره روز قیامت خواهد آمد و خداوند جایگاه هر یک از این دو گروه را کاملاً ممتاز از هم قرار داده و جدا می‌سازد. فاسقین هر دو امت، تأخیر در پیروزی حق بر باطل را بهانه ساخته و مدام مؤمنین را آزار می‌دهند. روز پیروزی و فتح خواهد آمد ولی در آن روز کفار دیگر فرصتی برای ایمان ندارند. (۲۳ - ۳۰)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

* کسی که سوره‌ی «الم تنزیل و تبارک» را بخواند مانند آن است که شب قدر را احیا گرفته باشد.^{۲۰۸}

از آنجا که در این سوره بحث‌های گسترده‌ای از مبدأ و معاد، مجازات‌های مجرمان در روز رستاخیز، و درس‌های هشداردهنده‌ای مربوط به مؤمنان و کافران آمده است، بدون شک تلاوت آن - البته تلاوتی که سرچشمه‌ی اندیشه، و اندیشه‌ای که مبدأ تصمیم‌گیری و حرکت بوده باشد - می‌تواند آن چنان انسان را بسازد که مشمول این همه فضیلت و افتخار گردد و اثر بیدارکننده‌اش همچون احیای شب قدر باشد، و نتیجه‌اش قرار گرفتن در صف اصحاب الیمین، و رسیدن به افتخار دوستی پیامبر و آلش گردد.

جابر می‌گوید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شب‌ها نمی‌خوابید تا این دو سوره‌ی «الم تنزیل» و «تبارک الذی» را قرائت می‌نمود.^{۲۰۹}
امام صادق (علیه السلام):

هر کس سوره‌ی سجده را در هر شب جمعه بخواند خداوند نامه‌ی اعمال او را به دست راست او می‌دهد، و گذشته او را می‌بخشد، و از دوستان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیتش (علیهم السلام) خواهد بود.^{۲۱۰}

کاربرد سوره

برای بهبود تب، سردرد، و درد مفصل

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و به خود آویزد، از تب و سردرد و درد مفاصل ایمن خواهد شد.^{۲۱۱}

نکته: چند مسأله در موضوع آیات سجده

در اینجا به مناسبت سوره‌ی سجده، مسائل مربوط به آیات سجده را از کتاب «عروة الوثقی» ذکر می‌کنیم. البته هر کس باید به رساله‌ی مرجع تقلید خودش نیز مراجعه کند:

مطلب اول ...

مطلب دوم ...

مطلب سوّم: در سایر اقسام سجود.

آیاتی که سجده واجب دارند:

(١) إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

(٢) وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ
الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ^{١٣}

(٣) فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا^{١٤}

(٤) كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ^{١٥}

آياتي كه سجده مستحب دارند:

(١) إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ^{١٦}

(٢) وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالَهُمْ بِالْعُدُوِّ وَ الْأَصَالِ^{١٧}

(٣) وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ،

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^{١٨}

(٤) وَ يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَنكِبُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا^{١٩}

(٥) أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ

إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكِيًّا^{٢٠}

(٦) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ

الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَ كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَ مَنْ يُؤْنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ^{٢١}

(٧) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{٢٢}

(٨) وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَ مَا الرَّحْمَنُ أَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَ زَادَهُمْ نُفُورًا^{٢٣}

(٩) أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ،

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ^{٢٤}

(١٠) قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَى نَعَاجِهِ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ

رَاكِعًا وَ أَنَابَ^{٢٥}

^{١٢} سجده: ١٥

^{١٣} فصلت: ٣٧

^{١٤} نجم: ٦٢

^{١٥} علق: ١٩

^{١٦} اعراف: ٢٠٦

^{١٧} رعد: ١٥

^{١٨} نحل: ٤٩ و ٥٠

^{١٩} اسراء: ١٠٩

^{٢٠} مريم: ٥٩

^{٢١} حج: ١٨

^{٢٢} حج: ٧٧

^{٢٣} فرقان: ٦٠

^{٢٤} نمل: ٢٥ و ٢٦

(۱۱) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ^{۲۶}

بلکه مستحب است سجده کردن هنگام تلاوت هر آیه ای که در آن امر به سجده شده است. این آیات عبارتند از:

- (۱) يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ^{۲۷}
- (۲) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذِلَّةً وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ^{۲۸}
- (۳) وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا^{۲۹}
- (۴) لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ^{۳۰}
- (۵) أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُوا ظِلَالَهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ^{۳۱}
- (۶) وَالنَّجْمِ وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ^{۳۲}

مسئله ۳: وجوب یا استحباب سجده، مختص به قاری و مستمع و سامع آیات مزبوره است، و واجب نیست بر کسی که آیات مزبوره را بنویسد یا تصور نماید یا آنکه نوشته آن را ببیند یا آیات مزبوره به قلب او خطور کند.

مسئله ۴: سبب وجوب یا استحباب سجده، مجموع آیه است و به قرائت بعض آیات مزبوره - اگر چه کلمه‌ای باشد که امر به سجده را مشتمل است - سجده واجب نمی‌شود.

مسئله ۵: سجده تلاوت، واجب فوری است و تأخیر آن جایز نیست. بلی، اگر فراموش کند سجده را، هر وقت متذکر شود باید سجده کند؛ بلکه همچنین است اگر عصباناً ترک سجده کند که در هر آنی واجب فوری و تأخیر آن حرام، تا سجده کند.

مسئله ۶: اگر بعض آیات مزبوره را خودش قرائت کند و بعض آن را بشنود، احوط، سجده کردن است.

مسئله ۷: اگر آیات مزبوره را خودش غلط خواند یا قاری غلط خواند و او شنید، سجده احوط است.

مسئله ۸: باید مکرر کند سجده را به تکرار قرائت آیات یا تکرار استماع یا خودش بخواند و از دیگران نیز بشنود. بلکه اگر چه در یک زمان باشد به آنکه از جماعتی که مشغول قرائت آن می‌باشند یا خودش هم بخواند، که بر هر کدام از آنها لازم است سجود تلاوت به عدد تمام قرائت‌کنندگان که آیات را از آنها شنیده باشد بنا بر احوط.

^{۲۵} ص: ۲۴

^{۲۶} انشقاق: ۲۱

^{۲۷} آل عمران: ۴۳

^{۲۸} قلم: ۴۳

^{۲۹} انسان: ۲۶

^{۳۰} آل عمران: ۱۱۳

^{۳۱} نحل: ۴۸

^{۳۲} رحمن: ۶

مسأله‌ی ۹: اگر آیات سجده را صغیر یا مجنون به قصد قرائت قرآن بخوانند و کسی بشنود، سجده بر او واجب است.

مسأله‌ی ۱۰: اگر آیات سجده را در اثنای نماز بشنود یا قرائت کند، باید به اشاره و ایماً سجده کند و بعد از اتمام نماز سجده کند و نماز را اعاده کند.

مسأله‌ی ۱۱: اگر کسی در حال سجود، آیات سجده را بشنود یا بخواند، باید سر از سجده بردارد و سجده تلاوت را به عمل آورد، و کافی نیست باقی ماندن به حال سجده، به قصد سجده‌ی تلاوت و نه به کشانیدن پیشانی از آنجا به جای دیگر.

مسأله‌ی ۱۲: ظاهر آن است که نیت سجود در حال جلوس یا قیام واجب نباشد تا آنکه سرازیر شدن نیز به قصد سجده باشد، بلکه کفایت می‌کند نیت آن پیش از گذاردن پیشانی بر زمین یا مقارن آن.

مسأله‌ی ۱۳: ظاهر آن است که در وجوب سجده‌ی تلاوت، معتبر باشد آنکه قصد قاری، قرائت قرآن باشد. پس در صورتی که کسی به قصد غیر قرآن مثل خطاب یا تکلم، آیات را بخواند سجده واجب نیست. و همچنین بر کسی که آیات را از شخص خوابیده یا طفل غیر ممیز یا از صندوق حبس الصوت [ضبط صوت] بشنود، سجده واجب نیست، اگر چه احوط است در جمیع مذکورات.

مسأله‌ی ۱۴: در وجوب سجده تلاوت به شنیدن، معتبر است که حروف و کلمات آن را تمیز دهد و به شنیدن مجرد همهمه، سجده واجب نیست اگر چه احوط است.

مسأله‌ی ۱۵: سجود واجب نیست به شنیدن ترجمه‌ی آیات یا خواندن ترجمه‌ی آن اگر چه مقصود ترجمه، آن‌ها باشد.

مسأله‌ی ۱۶: در سجده‌ی تلاوت علاوه از تحقق مسمای سجده، معتبر است نیت و اباحه‌ی مکان و بلند نبودن سجده‌گاه از جای پای او زیاده از چهار انگشت پیوسته. و احوط گذاردن مواضع هفتگانه است بر زمین مثل سجود نماز و گذاردن خصوص پیشانی بر چیزی که صحیح باشد سجود بر آن در نماز. و لکن معتبر نیست در آن طهارت از حدث و خبث، پس بر جنب و حائض سجده واجب است وقتی که آیات مزبوره را بشنوند یا بخوانند اگر چه خواندن بر آن‌ها حرام است. و سجده مستحب است بر آن‌ها در صورتی که آیات یازده‌گانه‌ی مزبوره را بخوانند یا بشنوند. و هم چنین معتبر نیست در آن استقبال و نه پاک بودن سجده‌گاه پیشانی و نه ستر عورت تا چه رسد به شرایط ستر و ساتر از پاک بودن و حریر یا طلا یا جلد میتنه نبودن. بلی، شرط است که لباس او غصبی نباشد در صورتی که سجده کردن تصرف در آن محسوب شود.

مسأله‌ی ۱۷: در سجده‌ی تلاوت تشهد و سلام و تکبیرة الإحرام نیست. بلی، مستحب است بعد از سر بلند کردن از آن تکبیر بگوید، بلکه احوط است.

مسأله‌ی ۱۸: در سجود تلاوت، ذکر واجب نیست اگر چه مستحب است به هر ذکر، لکن بهتر آن است که بگوید: «سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًا لَا مُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا مُسْتَنْكِفًا وَ لَا مُسْتَغْظِمًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ». یا بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا

وَتَصَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ
أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ». یا بگوید: «إلهی آمینا بما کَفَرُوا وَ عَرَّفْنَا مِنْكَ مَا أَنْكَرُوا وَ
أَجْبَنَّاكَ إِلَيَّ مَا دَعَا إِلَهِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ». یا بگوید آن چیزی را که حضرت رسول در سجده‌ی
سوره‌ی علق فرموده و آن این است: «أَعُوذُ بِهٖ رِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ بِمُعَافَاتِكَ عَنْ عُقُوبَتِكَ وَ
أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ».

مسأله‌ی ۱۹: اگر مکرر، آیات سجده را بشنود و شک کند در اقل و اکثر، جایز است
اكتفای به اقل. بلی، اگر عدد را بداند و شک کند در آنکه آیا به آن عدد سجده کرده یا کمتر؟
باید بنا گذارد بر کمتر و احتیاط کند به اتیان بقیّه.

مسأله‌ی ۲۰: کافی است در صدق تعدّد در این سجده، مجرد برداشتن پیشانی از زمین و
گذاردن آن را دفعه‌ی دیگر به جهت سجده‌ی دیگر. و معتبر نیست آنکه بنشیند و باز به سجده
رود بلکه رفع ما عداى جبهه در آن معتبر نیست اگر چه احوط است. پس در صورت وجوب
تکرار به این نحو کافی است.

احزاب (۳۳)

نام سوره

از آنجا که بخش مهمی از این سوره به ماجرای جنگ احزاب (خندق) می‌پردازد (آیات ۹ تا ۳۵) این نام برای آن انتخاب شده است.

تعداد آیات

این سوره به اتفاق قاریان، ۷۳ آیه دارد.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و سیصد و هشتاد و هشت.
تعداد حروف: پنج هزار و هفتصد و نود و شش.

محل نزول

این سوره مدنی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۹۰

سوره‌ی قبل: انفال

سوره‌ی بعد: مائده

تاریخ نزول آن، ما بین جنگ بدر و صلح حدیبیه است.

محتوای سوره

بحث‌هایی را که در این سوره آمده است می‌توان به هفت بخش تقسیم کرد: بخش اول - سرآغاز سوره است که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به اطاعت خداوند و ترک تبعیت از کافران و پیشنهاد‌های منافقان دعوت می‌کند، و به او اطمینان می‌دهد که در برابر کارشکنی‌های آن‌ها از وی حمایت خواهد فرمود.

بخش دوم - به پاره‌ای از خرافات زمان جاهلیت مانند مسأله‌ی ظهار که آن را وسیله‌ی طلاق و جدایی زن و مرد از هم می‌دانستند، و همچنین مسأله‌ی پسرخواندگی (تَبَتُّی) اشاره کرده و قلم بطلان بر آن‌ها می‌کشد، و پیوندهای خویشاوندی را در پیوندهای واقعی و طبیعی منحصر می‌سازد.

بخش سوم - که مهم‌ترین بخش این سوره است مربوط به جنگ احزاب و حوادث تکان‌دهنده آن، و پیروزی اعجاز‌آمیز مسلمین بر کفار، و کارشکنی‌ها و بهانه‌جویی‌های گوناگون منافقان و پیمان‌شکنی آنان می‌باشد، و در این زمینه دستورهای جامع و جالبی بیان شده است. بخش چهارم - مربوط به همسران پیامبر است که باید در همه چیز الگو و اسوه برای زنان مسلمان باشند، و در این زمینه دستورات مهمی به آن‌ها می‌دهد.

بخش پنجم - به داستان زینب دختر جحش می‌پردازد که روزی همسر پسرخوانده پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) - زینب - بود و از او جدا شد، و به فرمان خدا با حضرت ازدواج کرد و دستاویزی برای منافقان گشت. قرآن در این زمینه پاسخ کافی به بهانه‌جویان می‌دهد. بخش ششم - از مسأله‌ی حجاب سخن می‌گوید که با بخش‌های گذشته نیز رابطه‌ی نزدیک دارد و همه‌ی زنان با ایمان را به رعایت این دستور اسلامی توصیه می‌کند.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند امر فرمود پیامبرش را در پایان سوره‌ی سجده، به انتظار، سپس در اینجا وی را فرمان داد که در انتظارش پرهیزگار و متقی باشد و او را از پیروی خط کفار نهی نمود.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۷ بخش است:
۱. نهی از اطاعت کفار و منافقین: (۱ - ۸)
 ۲. جنگ احزاب: (۹ - ۲۵)
 ۳. غزوه‌ی بنی قریظه: (۲۶ - ۲۷)
 ۴. ای زنان پیامبر! (۱): (۲۸ - ۴۰)
 ۵. صفات مؤمنین: (۴۱ - ۴۸)
 ۶. ای زنان پیامبر! (۲): (۴۹ - ۵۹)

۷. منافقین: (۶۰ - ۷۳)

ارتباط آیات

۱. پیامبر با حفظ تقوای الهی و توکل بر او و به خاطر میثاقی که با خداوند بسته است، باید همچون انبیای پیشین در مقابل انحرافات اعتقادی و خرافات رفتاری کفار و منافقین بایستد تا بتواند مقام ولایت خویش را بر مؤمنین حفظ کند. سوره‌ی احزاب با این مقدمه به گزیده‌ای از تاریخ جنگ احزاب می‌پردازد و بعد اشاره‌ای به غزوه‌ی بنی‌قریظه در پایان جنگ احزاب رخ داد می‌نماید. (۱-۲۷)

۲. در فصل قبل اشاره شد به این که پیامبر مقام ولایت داشته و مانند پدر همه‌ی مؤمنین است در نتیجه همسران او هم مادران آن‌ها هستند. از آیه‌ی ۲۸ به بعد همسران پیامبر را مورد خطاب قرار می‌دهد که: «ای زنان پیامبر! حرمت این مقام را حفظ نمایید و در صفات ارزشی بیش از بقیه بدرخشید.» (۲۹ - ۳۶)

۳. قرآن به مناسبت آیات فصل قبل که به همسران پیامبر اختصاص یافته بود در این فصل به مسأله‌ی ازدواج پیامبر با همسر مطلقه‌ی زید (پسر خوانده پیامبر)، می‌پردازد و آن را بدعت شکنی دانسته و پیامبر اسلام و همه‌ی پیامبران را کسانی معرفی می‌کند که در راه تبلیغ احکام خداوند هیچ ترسی به آن‌ها راه نمی‌یابد و ثمره این پایمردی وجود مؤمنینی است که از ظلمت خارج شده و غرق در انوار الهی هستند؛ بنابر این از طرف پیامبر هیچ تبعیتی نسبت به کفار و منافقین صورت نخواهد پذیرفت و پیامبر همچنان با توکل بر خداوند در مقابل آزار آن‌ها ایستادگی خواهد کرد. (۳۷ - ۴۸)

۴. قرآن در ادامه‌ی مسائل مربوط به همسران پیامبر به بیان احکام اختصاصی در این خصوص پرداخته و در ادامه ارتباط عرفی مؤمنین با زنان پیامبر را تنها در صورت حفظ تقوا و ادب کامل مجاز می‌داند و به همین مناسبت مصادیق محارم را که ارتباط عرفی با آن‌ها محدودیتی کمتر دارد، تشریح می‌کند. (۴۹ - ۵۵)

۵. سوره‌ی احزاب با توصیه به پیامبر به عدم اطاعت از کفار و منافقین شروع شد، مسلم است که کفار و به‌خصوص منافقین وقتی به دلخواهشان عمل نشود آزارها زیادی را برای پیامبر تدارک خواهند دید و این اذیت‌ها به پیامبر محدود نبوده بلکه مؤمنین و خانواده‌های آن‌ها را نیز دربر خواهد گرفت؛ لذا خداوند در ادامه آیات قبل، از طرفی به مؤمنین توصیه می‌کند که همیشه احترام پیامبر را داشته باشند و همچنین به خانواده‌های آن‌ها توصیه می‌کند که حجابشان را بهتر حفظ کنند تا شناخته نشده و مورد آزار قرار نگیرند و از طرفی دیگر دستور برای تبعید منافقینی که دست از آزار خود بردارند داده و در صورت تخطی از قانون تبعید، به کشتن آن‌ها امر می‌کند و بعد هم عذاب دائم اخروی را به آن‌ها وعده می‌دهد. (۵۶ - ۶۸)

۶. انسان با پذیرش امانت «اختیار»، کاری سخت انجام داده و چاره‌ای ندارد جز آن که با تبعیت از انبیا، از این امانت به خوبی پاسداری کند. ولی منافقین و کفار، خائنین به این امانت هستند زیرا آن‌ها انبیای زمان خود را به سختی آزار می‌دهند. (۶۹ - ۷۳)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی احزاب را تلاوت کند و به خانواده خود تعلیم دهد، از عذاب قبر در امان خواهد بود.^{۲۱۲}

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی احزاب را بسیار تلاوت کند، در قیامت در جوار پیامبر و خاندان او (علیهم‌السلام) خواهد بود.

کاربرد سوره

زیاد شدن خواستگار دختر

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس این سوره را روی پوست آهو بنویسد و در منزلش نگه دارد، خواستگاران سوی دخترانش خواهند آمد، و به دنبال ازدواج دختران و خواهران و خویشان‌شان خواهند بود.^{۲۱۳}

سبأ (۳۴)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی ۱۵ گرفته شده است: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ». آیات ۱۵ تا ۲۱ اختصاص به قصه‌ی قوم سبأ دارد. سبأ، نام قومی بود که حضرت سلیمان به دیارشان لشکر کشید و در اثر نافرمانی از دستور پیامبران، سدشان شکست و خانه خراب شدند.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره از نظر شامی ۵۵ آیه، و از نظر دیگران ۵۴ آیه است: اختلاف در آیه‌ی «عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ» (۱۵) است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هشتصد و هشتاد و سه.
تعداد حروف: سه هزار و پانصد و یازده.

محل نزول

این سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۸
سوره‌ی قبل: لقمان
سوره‌ی بعد: زمر

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

به طور کلی باید گفت محتوای این سوره، ناظر به پنج مطلب است:

- ۱- مسأله‌ی توحید و قسمتی از نشانه‌های خداوند در عالم هستی، و صفات پاک او از جمله توحید ربوبیت و الوهیت.
- ۲- مسأله‌ی معاد که از همه‌ی مسائل در این سوره بیشتر مطرح شده، و از طرق مختلف درباره‌ی آن بحث‌های گوناگونی عنوان گردیده است.
- ۳- مسأله‌ی نبوت انبیای پیشین، و مخصوصاً پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پاسخ به بهانه‌جویی‌های دشمنان درباره‌ی او، و بیان پاره‌ای از معجزات انبیای سلف.
- ۴- بیان بخشی از نعمت‌های بزرگ خدا و سرنوشت شکرگزاران و کفران‌کنندگان، ضمن بیان گوشه‌ای از زندگی سلیمان و قوم سبأ.
- ۵- دعوت به تفکر و اندیشه و ایمان و عمل صالح، و تأثیر این عوامل در سعادت و نیک‌بختی بشر، و مجموعاً برنامه‌ی جامعی را برای تربیت جستجوگران حق تشکیل می‌دهد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

چون خداوند سوره‌ی احزاب را به بیان غرض در تکلیف پایان داد و اینکه خدای سبحان نیکوکاران را به نیکویی پاداش و بدکاران را به بدی عملشان کیفر خواهد داد، این سوره را شروع نمود به سپاس و شکر برای او بر نعمت و کمال قدرتش.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۴ بخش است:

۱. انکار معاد: (۱ - ۹)
۲. حضرت داوود و سلیمان: (۱۰ - ۱۴)
۳. قوم سبأ: (۱۵ - ۲۱)
۴. جدال نیکو با مشرکین: (۲۲ - ۵۴)

ارتباط آیات

۱. زمین و آسمان و آنچه در آنها است از اوست و به علم اوست و این علم در آخرت جلوه نموده و هر کس در آنجا آثار رفتار کوچک و بزرگ خود را خواهد دید و هیچ کس نمی‌توان از وقوع آخرت جلوگیری کند و با همه‌ی اعجابی که کفار نادان نسبت به احیای مردگان دارند و پیامبر را به خاطر این ادعا دیوانه می‌خوانند، ولی دانایان به این حقیقت ایمان می‌آورند. ایمان به آخرت این گروه، به خاطر آگاهی به این حقیقت است که زندگی دنیا به

سختی شکننده و غیر قابل اطمینان است. و این نشانه‌هایی است برای آن‌ها که می‌خواهند در منجلاب غفلت نمانند (عَبْدٌ مُّئِيبٌ)، در این دنیای شکننده، سلیمان با آن قدرتش در چنگال مرگ اسیر می‌شود و تا موریه‌ای عصایش را نمی‌خورد و او بر زمین نمی‌افتد کسی از مرگش مطلع نمی‌گردد! و در همین دنیای زائل، قوم سبأ با آن همه‌ی آبادانی پیرامونشان به یکباره با سیلی خروشان (سَيِّلٌ أَلْعَرَمِ) هلاک می‌گردند! (۱ - ۲۱)

۲. به‌راستی مشرکین در بت‌های خود چه دیده‌اند که از خداوند دست کشیده و رو به سوی آن‌ها نموده‌اند؟! بت‌هایی که مثقال ذره‌ای هم قدرت ندارند! آیا مشرکین دل به شفاعت آن‌ها روز قیامت دوخته‌اند؟! آیا بت‌ها باید بار گناهان آن‌ها را بر دوش کشند؟! و یا بار گناهانشان را بر دوش مستکبرینشان بیاندازند و بگویند: «آنها بودند که ما را گمراه ساختند»؟! قرآن هرچند عذر مستضعفین را در گمراهی قبول نمی‌کند، ولی فرصت را مناسب می‌داند تا به مستکبرین بت‌زاد و آن‌ها را ریشه‌ی همه‌ی مفسد معرفی کند. آن‌ها تا توانستند نگذاشتند انبیا در هدایت مردم توفیق یابند. هر چند در نهایت پیروزی از آن حق است زیرا حق به اندازه کافی رسا هست تا کسی عذری برای نپذیرفتن آن نداشته باشد. مستکبرین از بین خواهند رفت همچنان که آنانی که ده برابر اینان قدرت و ثروت داشتند از بین رفتند. (۲۲ - ۴۵)

۳. همه‌ی انسان‌ها وظیفه دارند حتی اگر تنها هستند برای خداوند در مقابل مستکبرین قیام نمایند و فریب اغواهای آن‌ها را در ایجاد شبهه در مقابل پیامبر نخورند. پیامبر نه جنون دارد و نه به دنبال دنیا است؛ بلکه حقی بر قلبش تابیده است و باید آن را به دیگران منتقل سازد تا به این وسیله باطل را از ذهن‌ها پاک نموده و قدرت‌های باطل را نیز از تخت سلطنت پایین کشد و در آن زمان برای آن‌ها هیچ فریادرسی نخواهد بود. (۴۶ - ۵۴)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی سبأ را بخواند، در قیامت تمام انبیا و رسولان رفیق و همنشین او خواهند بود، و همگی با او مصافحه می‌کنند.^{۲۱۴}
در تفسیر سوره‌ی سبأ آمده است که: خبر است از حضرت مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که او گفت: هر که سوره‌ی سبأ را بخواند، چندانیش مزد بود که همه‌ی دنیا او را بودی، در کار خدای بدادی.

کاربرد سوره

الف) حفظ در روز و شب

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که دو سوره‌ای را که با حمد آغاز می‌شود (سوره‌ی سبأ و فاطر) در یک شب بخواند، تمام آن شب را در حفظ و حراست الهی خواهد بود، و اگر آن دو را در روز بخواند هیچ مکروهی

به او نمی‌رسد، و آن قدر از خیر دنیا و آخرت به او داده می‌شود که هرگز به قلبش خطور نکرده، و فکر و آرزویش به آن نرسیده است!^{۲۱۵}

فاطر (۳۵)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی نخست آن گرفته شده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» «فاطر» گرچه در اصل به معنی «شکافنده» است، ولی در اینجا کنایه از «آفریننده» می‌باشد، آفریننده‌ای که با برنامه‌ی حساب شده‌اش چیزی را می‌آفریند و سپس آن را حفظ و نگهداری می‌کند، گویی ظلمت عدم با نور هستی به برکت وجودش از هم شکافته می‌شود، همانگونه که سپیده صبح پرده تاریک شب را می‌برد، و همانگونه که شکوفه‌ی خرما غلافش را از هم می‌شکافد و خوشه‌ی نخل از آن سر بر می‌آورد. (و لذا عرب به آن «فَطَّرَ» می‌گوید.) این احتمال نیز وجود دارد که «فاطر» اشاره به شکافتن توده‌ی ابتدایی ماده‌ی جهان باشد که در علوم روز می‌خوانیم که مجموع ماده عالم یک واحد به هم پیوسته بود سپس شکافته شد و کرات آشکار گشت. توصیفات‌ی که در این سوره برای ملائکه آمده است نیز سبب شده تا این سوره نام «ملائکه» را هم داشته باشد.

تعداد آیات

آیات این سوره نزد شامیان و مدنی‌های اخیر ۴۶ آیه است، و از نظر دیگران ۴۵ آیه می‌باشد. اختلاف در هفت آیه است:

«الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (۷) نزد بصری‌ها و شامی‌ها آیه است.

«يَخْلُقُ جَدِيدًا» (۱۶) «وَوَالْبَصِيرُ» (۱۹) «وَوَاللَّاتُور» (۲۰) این سه آیه نزد غیر بصری‌ها آیه است.

«مَنْ فِي الْقُبُورِ» (۲۲) نزد غیر شامی‌ها آیه است.

«أَنْ تَرْوَلَا» (۴۱) نزد بصری‌ها آیه است.

«تَبْدِيلًا» (۴۳) نزد بصری‌ها و شامی‌ها و مدنی‌های متأخر آیه است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هفتصد و هفتاد و هفت.

تعداد حروف: سه هزار و یکصد و سی.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه‌ی ۲۹ از اقامه نماز توسط مؤمنین می‌گوید و نماز از موضوعاتی است که در مدینه

مطرح بوده است.

پاسخ: قبلاً هم گفته شده است که نماز در ابتدای بعثت واجب شده است و اختصاص به

مدینه ندارد.

۲- آیه‌ی ۳۲ (ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ...) مدنی

است زیرا «ظالم» در آیه به منافق تفسیر شده است و منافقین در مدینه وجود داشته‌اند.

پاسخ: اولاً: تفسیر ظالم به منافق تطبیق و بیان مصداق است نه تفسیر.^{۲۱۶} ثانیاً: بعضی از

منافقین صدر اسلام جزو مهاجرین و مسلمانان مکه بودند.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۳

سوره‌ی قبل: فرقان

سوره‌ی بعد: مریم

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

محتوای سوره

آیات این سوره را در پنج بخش می‌توان خلاصه کرد.

۱- بخش مهمی از آیات این سوره پیرامون نشانه‌های عظمت خداوند در عالم هستی و

دلایل توحید سخن می‌گوید.

۲- بخش دیگری از آن از ربوبیت پروردگار، تدبیر او نسبت به عموم جهان و خصوص

انسان، خالقیت و رازقیت او، آفرینش انسان از خاک، و مراحل تکامل او بحث می‌کند.

۳- بخش دیگر، پیرامون معاد و نتایج اعمال در آخرت، رحمت گسترده‌ی الهی در این

جهان، و سنت تخلف‌ناپذیر او درباره‌ی مستکبران است.

۴- قسمتی از آیات آن نیز اشاره به مسأله‌ی رهبری انبیا و مبارزه پیگیر و مستمرشان با دشمنان لجوج و سرسخت، و دلداری پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این زمینه می‌باشد.
۵- سرانجام بخشی از آن بیان مواعظ و اندرزهای الهی در زمینه‌های مختلف است که مکمل بحث‌های گذشته می‌باشد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

چون خداوند سوره‌ی قبلی را پایان داد بر رتبه‌ی اهل شرک و شک و عناد، این سوره را آغاز نمود به ذکر کمال قدرت و وحدانیت و دلیل‌های توحیدی.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. دلایل کفر: (۱ - ۱۸)
۲. قانون هدایت: (۱۹ - ۲۶)
۳. علم و خشیت: (۲۷ - ۳۵)
۴. عاقبت اخروی کفار: (۳۶ - ۳۹)
۵. عبرت نگرفتن مشرکین: (۴۰ - ۴۵)

ارتباط آیات

۱. جز خداوند نه کسی نعمت می‌دهد و نه کسی نعمت می‌ستاند ولی انسان‌ها فریب دنیایی را می‌خورند که همه چیز را برایشان فراهم نموده است و لذا مقابل انبیا ایستاده و آن‌ها در آنچه می‌گویند تکذیب می‌کنند و شیطان نیز به آن‌ها القا می‌کند که: «کارشان درست و نیکو است!» ولی خداوند همچنان انبیا را همچون ابرهای باران‌زا سویشان می‌فرستد و با سخنان پاکیزه از باطل و اعمال شایسته، توطئه‌های مداوم آن‌ها را خنثی می‌سازد. (۱ - ۱۰)

۲. دنیا همه در سلطه و تدبیر خداوند است، ولی معبودهای دروغین، هسته‌ی خرمایی را هم مالک نیستند! نه آن‌ها، که هیچ یک از مردمان نیز مالک چیزی نیستند و هر زمان وقتش برسد (اجلشان پایان یابد) خداوند آن‌ها را با گروه دیگری (با وارثانشان) تعویض می‌نماید. هر چند انسان‌ها مالک دارایی‌های خود نیستند ولی مالک اعمال خود، مالک کوری و بینایی خود هستند. این خودشان هستند که روشنایی نور و آرامش سایه و تلاش زندگی را بر گمراهی تاریکی و زحمت گرما و خمودی مردگی برمی‌گزینند. و اما اگر مردگی را برگزینند، دیگر به مردگان چه سخنی را می‌توان تفهیم نمود؟! مردگانی که در مقابل معجزات و نوشته‌ها و کتاب‌های الهی به تکذیب خود ادامه می‌دهند تا زمانی که عذاب الهی آن‌ها را بگیرد. (۱۱ - ۲۶)

۳. اهل علم و کتاب آن قدر آیات الهی را به وفور در جهان هستی مشاهده می‌کنند که از خداوند خشیت و هراس داشته و پیوسته در نماز و انفاق می‌کوشند. ولی در این میان بعضی دیگر با وجودی که اهل کتابند، ترجیح می‌دهند که به خود ستم کنند و از بهشت محروم شوند و پیوسته در اندوه و رنج و عذاب باشند و هر چه از خداوند بخواهند که آن‌ها را برگرداند تا صالح زندگی کنند پاسخشان جز این نخواهد بود که: «بپشید! ستمکاران یاور ندارند.» (ذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ). (۲۷ - ۳۸)

۴. خداوند انسان را خلیفه در زمین قرار داد یعنی به او این اختیار را داد تا هر کار می‌خواهد انجام دهد، ولی او بدون برهان، انتساب نعمت‌هایش را به خداوند منکر شد و آن‌ها را منتسب به بت‌ها نمود و وقتی دید دیگران به پیامبری که خواهد آمد فخر می‌فروشند، سوگند یاد کرد اگر این چنین پیامبری بیاید، بهتر از دیگران از او پیروی خواهد کرد! ولی وقتی پیامبر آمد بیش از بقیه نفرت به خرج داد! و بدون آن که هراس از سرنوشت شومی همانند دیگر اقوام کافر داشته باشد به تلاش زشتش برای ایجاد مانع بر سر راه هدایت ادامه داد. (۳۹ - ۴۵)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس سوره‌ی **فاطر** را بخواند، در روز قیامت سه در از درهای بهشت او را به سوی خود دعوت می‌کند که از هر کدام می‌خواهی وارد شو!^{۲۱۷}
با توجه به اینکه می‌دانیم درهای بهشت همان عقائد و اعمال صالحی است که سبب وصول به بهشت می‌شود - همان‌گونه که در بعضی از روایات دری به عنوان باب المجاهدین یا مانند آن ذکر شده - ممکن است این روایت اشاره به ابواب سه‌گانه اعتقاد به توحید، معاد، و رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد.

امام صادق (علیه‌السلام):

دو سوره در قرآن مجید (پشت سر هم قرار دارد) سوره‌ی سبأ و سوره‌ی **فاطر**، که با الحمد لله آغاز می‌شود. هر کسی آن‌ها را در شب بخواند خدا او را در کنف حمایت خود حفظ می‌کند، و هر کس در روز بخواند ناراحتی به او نمی‌رسد، و آن قدر خدا خیر دنیا و آخرت به او می‌بخشد که بر قلب کسی خطور نکرده، و آرزوی کسی به آن نرسیده است.^{۲۱۸}

کاربرد سوره

الف) محافظت از خرابی خانه

امام کاظم (علیه‌السلام):

هیچ کس هنگام خواب این آیه را تلاوت نکرد: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنَّ أُمَّسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (۴۱) و بعد سقف خانه روی او خراب شده باشد.^{۲۱۹}

یس (۳۶)

نام سوره

نام این سوره برگرفته از آیه‌ی نخست آن است: یس.
ملا فتح الله كاشانی در تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین^{۲۲۰}، می‌گوید (با تلخیص و تغییر واژگان):

از امام محمد باقر (علیه‌السلام) روایت است که حضرت رسالت را دوازده اسم است از آن جمله در قرآن پنج اسم واقع شده محمد و احمد و عبد الله و نون و یس و اینکه اهل البیت را آل یس می‌گویند تأیید این قول می‌کند.

و بعضی از علما گفته‌اند که یس از اسمای قرآن است، و یا نامی است از نام‌های الهی و گویند که اسم این سوره است و حدیث «خداوند متعال طه و یس را هزار سال قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین قرائت نمود»، مؤید این قول است.

بعضی دیگر برآنند که معنی یس «یا انسان» است به لغت قبیله طیّ، و در اصل «یا انیسین» بوده که به جهت کثرت ندا، اکتفا بر قسمتی از آن نمود، چنانچه در «أیمنُ الله» که «مَنْ اللهُ» و «مُ اللهُ» گویند و چون در کلام عرب گاه است که کلمه را به حرفی تعبیر می‌کنند، چنانچه در «قَدْ قُلْتُ لَهَا قَفِي فَقَالَتْ لِي قَاف» به او گفتیم بایست! به من گفت: قاف! یعنی «وقف، ایستادم» یس محتمل است که «سین» اشاره به کلمه‌ی «سید» باشد و «یا» حرف ندا و حدیث «أنا سیدُ وُلدِ آدم» مؤید این معنی است. و لهذا از ابوبکر وراق روایت کرده‌اند که «یس» به معنی «یا سید الاولین و الآخین» است یعنی ای بهترین جمیع موجودات...

.... مروی است از حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که نام این سوره در تورات، «مُعِمَّة» است، زیرا که خیر دنیا و آخرت را برخواننده و نویسنده خود تمام می‌کند. و «دافعه» نیز

خوانند به جهت آنکه بلاهای دنیا و هراس‌های آخرت را از قاری خود دفع می‌کند. و «قاضیه» اش نیز خوانند زیرا که جمیع حاجات دنیوی و اخروی را از برای صاحب خود روا می‌کند.

اگر به این سوره «حبیبِ نَجَّار» هم گفته شود به خاطر آیه‌ی ۲۰ است: «جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى»، که در آن قصه‌ی این شخص که ایمانش را مخفی می‌کرد آمده است.

تعداد آیات

عدد آیه‌های آن پیش کوفیان ۸۳ آیه، و نزد غیر کوفیان ۸۲ است: اختلاف در آیه بودن «یس» است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هفتصد و بیست و هفت.

تعداد حروف: سه هزار.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیه‌ی ۴۷ (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ...) مدنی است زیرا این آیه برای منافقین نازل شده است.

پاسخ: نص خود آیه حاکی از این است که مخاطب آیه کفار هستند. طبری در تفسیرش نیز تصریح دارد که این آیه در شأن مشرکین نازل شده است.

۲- آیه‌ی ۱۲ (...نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَرَهُمْ...) مدنی است زیرا در شأن نزول این آیه آمده است: بنو سلمه در اطراف مدینه زندگی می‌کردند و نمی‌توانستند در نماز جماعت پیامبر حضور به هم برسانند، آیه‌ی فوق نازل شد و بعد پیامبر فرمود: در جای خود بمانید زیرا خداوند آثار و اعمال شما (را در محل سکونتتان) نوشته و قبول می‌کند.

پاسخ: این شأن نزول تنها با قسمتی از آیه می‌سازد، ممکن است پیامبر به قسمتی از آیه استشهاد نموده باشد نه این که آیه در این مورد نازل شده باشد.^{۲۲۱}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۴۱

سوره‌ی قبل: جن

سوره‌ی بعد: فرقان

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

محتوای سوره

در این سوره چهار بخش عمده مخصوصا دیده می‌شود:

- ۱- نخست، سخن از رسالت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و قرآن مجید و هدف از نزول این کتاب بزرگ آسمانی و گروندگان به آن است و تا آیه‌ی یازده آن را ادامه می‌دهد.
- ۲- بخش دیگری از این سوره از رسالت سه نفر از پیامبران الهی، و چگونگی دعوت آن‌ها به سوی توحید و مبارزه پیگیر و طاقت‌فرسای آن‌ها با شرک سخن می‌گوید که در حقیقت یک نوع تسلّی و دل‌داری به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ارائه‌ی طریق در انجام رسالت بزرگ او است.
- ۳- بخشی از این سوره که از آیه‌ی ۳۳ شروع می‌شود و تا آیه‌ی ۴۴ ادامه دارد مملوّ از نکات جالب توحیدی، و بیان گویا از آیات و نشانه‌های عظمت پروردگار در عالم هستی است. در قسمت‌های اخیر سوره نیز مجدداً به همین بحث توحیدی و آیات الهی باز می‌گردد.
- ۴- بخش مهمّ دیگری از این سوره در مسائل مربوط به معاد و دلایل گوناگون آن و چگونگی حشر و نشر، سؤال و جواب در روز قیامت، پایان جهان، و بهشت و دوزخ سخن می‌گوید، که در این قسمت نکته‌های بسیار مهم و دقیقی نهفته شده است. و در لابه‌لای این بحث‌های چهارگانه آیاتی تکان‌دهنده برای بیداری و هشجاری غافلان و بی‌خبران آمده است که اثری نیرومند در دل‌ها و جان‌ها دارد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

چون خداوند در آخر سوره‌ی **فاطر** یاد کرد که آن‌ها قسم خورده‌اند به خدا، که اگر پیامبری برای مردم مکه بیاید به او حتماً ایمان خواهند آورد، این سوره شروع شده به اینکه ایشان ایمان نیاوردند و حال آنکه پیامبر بر ایشان آمد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۶ بخش است:

۱. شرط انذارپذیری: (۱ - ۱۲)
۲. مؤمن آل یس: (۱۳ - ۳۲)
۳. طبیعت و توحید و معاد: (۳۳ - ۴۴)
۴. عاقبت کفار لجوج: (۴۵ - ۵۹)
۵. پیمان توحید: (۶۰ - ۶۸)
۶. نبوت و توحید: (۶۹ - ۸۳)

ارتباط آیات

۱. پیامبر اسلام رسالت انذار به قومی را بر عهده داشت که پدران پیشین آن‌ها (تا زمان حضرت آدم) توجّه به هشدارهای انبیا نداشتند. لذا کار ایشان سخت تر از کار همه‌ی انبیا گذشته بود. قوم پیامبر اسلام به خاطر زشتی‌هایشان در لایه‌های ضخیمی از غفلت محصور شده بودند.

انذار کسانى سود دارد که با اولین جرعه «ذکر و یادآوری» راه بیافتند تا همه‌ی غفلت از آن‌ها زدوده شود. همچون مؤمن آل یس که وقتی شنید پیامبرانی میان قومش (به شهر انطاکیه) آمده‌اند سریع خود را به آن‌ها رساند و وقتی دید مردمش آن‌ها را تکذیب می‌کنند، آنان را توبیخ نمود و در تصدیق آن‌ها سخنان توحیدی پر مغزی بیان کرد. ولی قومش توجّه نکرده و مورد عذاب الهی واقع شدند و به خیل کثیری از جمعیت‌های کافری ملحق شدند که همه هلاک شده بودند. (۱ - ۳۱)

۲. اقوام کافری که هلاک شدند با معاد مشکل داشتند و حال آن که دلایل معاد بسیار روشن است. جهان هستی پر از رویش و ریزش است، آمد و رفت شب و روز است، طلوع و غروب خورشید و ماه است و در این میان خداوند یکتاست که منجی انسان‌ها در وقت مشکلات است؛ پس هم، یگانگی خداوند آشکار است و هم قدرت او بر زنده نمودن مردگان. ولی همچنان کافرین از آیات الهی اعراض می‌کنند و وقتی به عذاب الهی تهدید می‌شوند می‌گویند: «کجاست این عذاب؟! وقتی عذاب بیاید آن قدر ناگهانی این اتفاق می‌افتد که فرصت هیچ کاری را پیدا نمی‌کنند و بعد هم که قیامت شود و در صور دمیده شود با آه و ناله می‌گویند: «کیست که ما را از گورهایمان بیرون کشید؟!» آن‌ها با صدایی هولناک بر خاک افتاده بودند و اینک با صدایی هولناک از خاک برخاستند و آنگاه بدون آن که به کسی ستم شود، صف هر یک از مجرمین و مؤمنین از یکدیگر متمایز می‌گردد. (۳۲ - ۵۹)

۳. فطرت انسان‌ها متعهد شده است که از شیطان تبعیت نکند و عبادت مخلصانه‌ی خدای یگانه را، راه مستقیم و درست بداند. انسان مشاهده می‌کند که چگونه بسیاری از انسان‌ها توسط شیطان گمراه شدند (و به آنچه شیطان به آن‌ها وعده داده بود نرسیدند). روز قیامت که می‌شود، دیگر دهانی برای عذر تراشی نخواهند داشت، بلکه این دست و پای آنهاست که بر علیه آن‌ها شهادت خواهد داد. خداوند آن‌ها را در دنیا با گرفتن چشمانشان و یا تبدیل آن‌ها به مجسمه‌هایی بی روح عذاب نکرد بلکه به آن‌ها مهلت داد تا به سن بالاتری برسند، ولی نتیجه چه شد؟! آیات الهی را شعر دانستند و متوجّه فلسفه‌ی آن همه امکانات زیست در دنیا را نشدند و ندانستند که این نعمت‌ها برای تشکر از خداوند است نه دل بستن به موجوداتی که هیچ کاری برای آن‌ها نکرده اند. (۶۰ - ۷۶)

۴. انسان بدون توجه به خلقت خودش که چگونه از نطفه‌ای خلق شده است تعجب می‌کند از این که استخوان پوسیده‌ای چگونه دوباره جان می‌گیرد! او می‌بیند چگونه از دل

شاخه‌ای سبز، آتش بیرون می‌زند، او می‌بیند که چگونه آسمان‌ها و زمین پابرجاست، او باید بفهمد که کار آفرینش تنها با یک اراده ذات حضرت حق می‌چرخد زیرا حقیقت همه چیز به دست اوست. (۷۷ - ۸۳)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

* هر چیز قلبی دارد و قلب قرآن یس است! ^{۲۲۲}

* کسی که سوره‌ی یس را بخواند، اجر دوازده ختم قرآن به او عطا می‌شود. ^{۲۲۳}

* سوره‌ی یس در تورات به عنوان «عمومیت‌آفرین» نامیده شده، سؤال شد از چه رو به آن عمومیت‌آفرین گفته می‌شود؟ فرمود: به خاطر اینکه کسی که همدم و همنشین این سوره باشد او را مشمول تمام خیر دنیا و آخرت می‌کند. ^{۲۲۴}

امام صادق (علیه‌السلام):

* هر کس آن را در روز پیش از آنکه غروب شود بخواند در تمام طول روز محفوظ و پرروزی خواهد بود، و هر کس آن را در شب پیش از خفتن بخواند خداوند هزار فرشته را بر او مأمور می‌کند که او را از هر شیطان رجیم و هر آفتی حفظ کنند... و به دنبال آن فضائل مهم دیگری نیز بیان می‌فرماید. ^{۲۲۵}

* به فرزندانتان سوره‌ی یس را یاد دهید زیرا این سوره ریحانه (گل) قرآن است. ^{۲۲۶}

محتوایی بیدارگر، ایمان‌بخش، مسئولیت‌آفرین، و تقوازا که وقتی انسان در آن اندیشه کند و این اندیشه در اعمال او پرتوافکن گردد خیر دنیا و آخرت را برای او به ارمغان می‌آورد. فی‌المثل در آیه‌ی ۶۰ این سوره سخن از پیمانی به میان می‌آورد که خداوند از تمام فرزندان آدم گرفته که شیطان را پرستش نکنند که شیطان دشمن آشکاری است (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ).

روشن است هرگاه انسان به این پیمان الهی پایبند باشد، همان‌گونه که در احادیث فوق آمده، از هر شیطان رجیمی در امان خواهد بود ولی اگر این آیه را سرسری بخواند و در عمل از دوستان مخلص و یاران وفادار شیطان است، نمی‌تواند به این افتخار بزرگ نائل گردد، همچنین درباره‌ی فرد فرد آیات و کلمات این سوره باید این محاسبه را انجام داد.

کاربرد سوره

الف) جان دادن آسان و سیراب مردن

امام باقر (علیه‌السلام):

هر بیماری که یس را قرائت کند و یا در نزد او قرائت شود، رضوان خازن بهشت با یک لیوان و جام از آب‌های بهشتی نزد او آید و به او بیاشامد و حال آنکه او در بستر بیماری است.

پس می‌نوشد و سیراب می‌میرد و سیراب برانگیخته شود و دیگر نیازی به حوضی از حوض‌های پیامبران ندارد تا داخل بهشت شود و سیراب شود.^{۲۲۷}

(ب) زیاد شدن و کیفیت خوب پیدا کردن شیر زنان شیرده امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس این سوره را بنویسد و بعد آب آن را زنی بیاشامد، به اذن خداوند شیرش زیاد شده و برای کسی که شیر می‌خورد غذای نیکویی آماده می‌شود.^{۲۲۸}

صافات (۳۷)

نام سوره

نام سوره از آیهی نخست آن گرفته شده است: «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا». منظور از «صافات» و صف‌کشیدگان، یا فرشتگانی است که مواظب قلوب مؤمنین هستند تا آلوده به وسوسه شیطان نشود، و یا ملائکی می‌باشند که آماده ابلاغ وحی هستند و یا رزمندگان اسلام هستند که آماده هجوم به کفار می‌باشند. اگر به این سوره «ذبیح» گفته شود به خاطر قصه‌ی ذبح حضرت اسماعیل است که آیات ۱۰۱ تا ۱۰۸ را به خود اختصاص داده است.

تعداد آیات

تعداد آیات این سوره ۱۸۱ آیه از نظر بصری‌ها، و ۱۸۲ در نظر دیگران است: آیه‌ی «وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ» (۲۲) را غیر بصری‌ها یک آیه می‌شمرند. آیه‌ی «وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ» (۱۶۷) را بصری‌ها - غیر ابی جعفر - آیه محسوب می‌کنند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هفتصد و شصت.

تعداد حروف: سه هزار و هشتصد و بیست و شش.

محل نزول

این سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۶

سوره‌ی قبل: انعام

سوره‌ی بعد: لقمان

تاریخ نزول آن، ما بین معراج و هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

به طور کلی محتوای این سوره در پنج بخش خلاصه می‌شود:

بخش اول: بحثی پیرامون گروه‌هایی از ملائکه و فرشتگان خداوند، و در مقابل آن‌ها گروهی از شیاطین سرکش و سرنوشت آن‌ها را مطرح می‌سازد.

بخش دوم: از کفار، و انکارشان نسبت به نبوت و معاد، و عاقبت کار آن‌ها در قیامت سخن می‌گوید، و در همین رابطه، بحث آن‌ها را با یکدیگر در روز قیامت، و انداختن گناه به گردن هم، و گرفتاری تمام آن‌ها در چنگال عذاب الهی، و نیز بخشی از نعمت‌های مهم بهشتی و لذات و زیبایی‌ها و شادکامی‌های بهشتیان را شرح می‌دهد.

بخش سوم: قسمتی از تاریخ انبیای بزرگی مانند نوح، ابراهیم، اسحاق، موسی و هارون، الیاس، لوط، و یونس را به صورت فشرده و در عین حال بسیار مؤثر و نافذ بازگو می‌کند، ولی در این میان بحث درباره‌ی ابراهیم - قهرمان بت‌شکن - و مواضع مختلف زندگی او مشروح‌تر آمده است. و هدف اصلی، آن است که بیانات گذشته با ذکر این شواهد عینی از تاریخ انبیا به صورت محسوس و ملموس مطرح گردد، و حقایق کلی عقلی در قالب‌های حسی مجسم شود.

بخش چهارم: از یکی از انواع شرک که می‌توان آن را بدترین نوع شرک دانست - یعنی اعتقاد به رابطه‌ی خویشاوندی میان خداوند و جن، و خداوند و فرشتگان بحث می‌کند، و در جمله‌های کوتاهی چنان این عقیده‌ی پوшالی را در هم می‌کوبد که کم‌ترین بهایی برای آن باقی نمی‌ماند.

و سرانجام بخش پنجم که آخرین بخش این سوره است، و در چند آیه‌ی کوتاه مطرح شده، پیروزی لشکر حق را بر لشکر کفر و شرک و نفاق، و گرفتار شدن آن‌ها را در چنگال عذاب الهی، ضمن تنزیه و تقدیس پروردگار از نسبت‌های ناروایی که مشرکان به او می‌دهند، بیان می‌دارد و سوره را با حمد و ستایش پروردگار پایان می‌دهد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند این سوره را مانند سوره‌ی یس که به ذکر قیامت و روز بعثت پایان داد، به ذکر بعثت شروع و باز نمود.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۴ بخش است:

۱. شیاطین و آسمان: (۱ - ۱۰)
۲. عاقبت اخروی مجرمین و مؤمنین: (۱۱ - ۷۰)
۳. سلام بر انبیا (نوح، ابراهیم، اسحاق، موسی و هارون، الیاس، لوط، یونس): (۷۱ - ۱۴۸)
۴. خرافات مشرکین: (۱۴۹ - ۱۸۲)

ارتباط آیات

۱. سوره‌ی صافات اولین سوره از سوره‌هایی است که با قسم آغاز شده است. خداوند در این سوره از آسمان‌ها و جدال آسمان نشینان با شیاطین و محافظت «ملاء اعلی» از نفوذ آنان می‌گوید و قدرت خداوند را در مدیریت آسمان و زمین به تصویر می‌کشد تا انسان‌ها باور کنند زنده شدن مردگان در قیامت خارج از قدرت او نیست. ولی انسان‌ها هر نمونه‌ای که از قدرت خداوند ببینند آن را به سخریه گرفته و باز اظهار شگفتی از خلق دوباره خود و پدرانشان می‌کنند. و این شگفتی همچنان تا روز قیامت هم ادامه دارد، وقتی محشور می‌شوند باز شگفت‌زده و وحشت‌زده می‌گویند: «ای وای امروز روز جزا است!» (یا ویَلْنَا هَذَا یَوْمَ الدِّینِ). (۱ - ۲۰)

۲. روز قیامت روز حکم نمودن خداوند در محکمه‌ای است که عابد و معبود در آن حضور دارند. ولی در آنجا هم مشرکین کاری جز مقصر نشان دادن یکدیگر ندارند. حال آن که همه‌ی آن‌ها در عذاب مشترک هستند زیرا جرمشان که مجنون خواندن پیامبر باشد یکسان است. (۲۱ - ۳۹)

۳. در سوره‌ی صافات تصویری بسیار زیبا از بهشتیان و دوزخیان وجود دارد. بعد از این تصویر، به انبیا بزرگوار سلام می‌فرستد؛ به حضرت نوح، ابراهیم، اسحاق، موسی، هارون، الیاس، لوط و یونس. زیرا اینان بودند که بهشتیان را هدایت نمودند و حجت را بر دوزخیان تمام کردند. (۴۰ - ۱۴۸)

۴. در جای جای قرآن، شاهد زحمات طاقت فرسای پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستیم که تحت هدایت خداوند به صورت خستگی ناپذیر مدام مشرکین را از تفکرات باطل باز می‌دارد و به آن‌ها می‌گوید: «یا برای اعتقادات خود برهان بیاورید و یا دست از آن بردارید و دلایل توحید را بشنوید! شما گاهی دختران را (فرشتگان را) و گاه جنیان را، به خداوند نسبت می‌دهید و حال آن که جنیان نیز (مانند انسان‌ها) محشور خواهند شد و فرشتگان هم هر کدام جایگاه خودشان را در این جهان هستی دارند و هیچ نسبت خویشاوندی با خداوند ندارند».

پیامبر باز هم حرص دارد که بگوید، شاید هدایت شوند، ولی خداوند به او فرماید: «بس است! به آن‌ها پشت کن! شب غفلت آن‌ها به زودی به صبح (قیامت) خواهد انجامید و صبح اینان بسیار تأسف برانگیز است.» (۱۴۹ - ۱۸۲)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی صافات را بخواند به عدد هر جن و شیطانی ده حسنه به او داده می‌شود، و شیاطین متمرّد از او فاصله می‌گیرند، و از شرک پاک می‌شود و دو فرشته‌ای که مأمور حفظ او هستند در قیامت درباره‌ی او شهادت می‌دهند که به رسولان خداوند ایمان داشته است.^{۲۲۹}

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی صافات را در هر روز جمعه بخواند از هر آفتی محفوظ می‌ماند، و هر بلایی در زندگی دنیا از او دفع می‌گردد. خداوند وسیع‌ترین روزی را در اختیارش می‌گذارد، و او را در مال و فرزندان و بدن گرفتار زبان‌های شیطان رجیم و گردن‌کشان عنود نمی‌سازد. و اگر در آن روز و شب از دنیا برود، خداوند او را شهید مبعوث می‌کند، و شهید می‌میراند، و او را در بهشت با شهدا هم‌درجه می‌سازد.^{۲۳۰}

با توجه به محتوای این سوره دلیل این همه ثواب‌های عظیم برای تلاوت این سوره روشن می‌شود، زیرا می‌دانیم هدف از تلاوت، اندیشه و سپس اعتقاد و بعد از آن عمل است، و بدون شک کسی که تلاوت این سوره را با این کیفیت انجام دهد هم از شر شیاطین محفوظ خواهد ماند، هم از شرک پاک می‌گردد، و هم با داشتن اعتقاد صحیح و محکم و اعمال صالح و پند آموختن از سرگذشت انبیا و اقوام پیشین در زمره‌ی شهیدان قرار خواهد گرفت.

کاربرد سوره

برای آسانی جان دادن:

سلیمان جعفری می‌گوید من امام کاظم (علیه‌السلام) را دیدم که به فرزندش قاسم امر نمود: پسر! بلند شو و نزد سر برادرت «و الصافات» را تلاوت کن تا آن را تمام کنی، پس شروع به تلاوت نمود، وقتی به آیه‌ی «أَمْ هُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا» (۱۱) رسید جوان جان داد، زمانی که روی آن را پوشاندند و (از نزدش) خارج شدند، یعقوب بن جعفر خدمت امام رسید و گفت: ما وقتی مرگ به او فرود آمد طبق معهود عمل کردیم، نزدش «یس و القرآن الحکیم» خوانده شد! بعد تو ما را امر به «و الصافات» کردی؟! حضرت فرمود: فرزندم! صافات نزد هیچ کسی که از سختی مرگ به تنگ آمده است خوانده نمی‌شود مگر اینکه خداوند عزّوجل در راحتی او شتاب می‌کند!^{۲۳۱}

از این حدیث استفاده شده است که تلاوت صافات بعد از مرگ هم ادامه پیدا کند تا به اتمام برسد.^{۲۳۲}

ص (۳۸)

نام سوره

نام سوره از آیه‌ی نخست آن گرفته شده است: ص.
مَلَّا فَتَحَ اللَّهُ كَاشَانِي دَر تَفْسِيرِ مَنْهَجِ الصَّادِقِينَ فِي إِلْزَامِ الْمُخَالَفِينَ^{۲۳۳}، می‌گوید (با تلخیص و آسان‌سازی واژگان):

از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) منقول است که ص اسمی است از اسمای الهی...
و گویند اشارت است به هر اسمی از اسمای حسنی که در اول او صاد باشد چون صانع و صابر و صمد و صادق.

و ابن عباس گفته که اسم دریایی است که عرش الهی بر بالای آن است که «وَوَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» و آنچه از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) منقول است که ص نام دریایی است در بالای آسمان تایید این قول می‌کند. سعید بن جبیر گفت که دریایی است که خدای تعالی بدان مردگان را زنده گرداند میان دو نفخه.

و اهل اشارت گفته‌اند که: صاد فعل ماضی است و تقدیر کلام اینک: «صاد محمّد قلوب العارفين بالقرآن» صید کرد حضرت رسالت پناه (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دل عارفان را به قرآن. و گفته‌اند که «صاد» به کسر دال است و آن امر است از مُصَادَات که به معنی معارضه است و در این تقدیر که «صَادِ الْقُرْآنَ بِعَمَلِكَ» یعنی معارضه کن قرآن را با عمل خود، پس عمل کن به اوامر آن و بازایست از نواهی آن.

ممکن است به این سوره «داوود» نیز گفته شود و این به خاطر قصّه‌ی این پیامبر است که آیات ۱۷ تا ۲۶ را به خود اختصاص داده است.

تعداد آیات

این سوره پیش کوفیان دارای ۸۸ آیه است، و پیش غیر کوفیان (بصریان - حجازیان - شامیان) ۸۶ آیه است:
آیهی «ذِي الذِّكْرِ» (۱) و «غَوَاص» (۳۷) را با آیهی بعدی یک آیه می‌دانند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هفتصد و سی و دو.
تعداد حروف: سه هزار و شصت و نه.

محل نزول

این سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۳۸

سوره‌ی قبل: قمر

سوره‌ی بعد: اعراف

تاریخ نزول آن، ما بین هجرت مسلمین به حبشه، و معراج است.

محتوای سوره

محتوای این سوره را در پنج بخش می‌توان خلاصه کرد:
بخش اول از مسأله‌ی توحید و مبارزه با شرک، و مسأله‌ی نبوت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سرسختی و لجاجت دشمنان مشرک در برابر این دو امر سخن می‌گوید.
بخش دوم گوشه‌هایی از تاریخ نه نفر از پیامبران خدا را منعکس ساخته، و بالخصوص از داوود و سلیمان و ایوب بحث بیشتری دارد، مشکلات آنها را در زندگی و دعوت به سوی خدا منعکس می‌سازد تا درسی باشد آموزنده برای مؤمنان نخستین که در آن موقع تحت فشار شدیدی قرار داشتند.

بخش سوم، سخن از سرنوشت کفار طاغی و یاغی در قیامت، و تخاصم و جنگ و جدال آنها در دوزخ می‌گوید، و به مشرکان و افراد بی‌ایمان نشان می‌دهد که پایان کار آنها به کجا خواهد رسید.

چهارمین بخش، سخن از آفرینش انسان و مقام والای او و سجده کردن فرشتگان برای آدم می‌گوید، و نشان می‌دهد که فاصله قوس صعودی و نزولی انسان تا چه حد عظیم است، تا این کوردلان بی‌خبر به ارزش وجودی خویش پی برند، و در برنامه‌های انحرافی خود تجدید نظر کنند و از زمره‌ی شیاطین به درآیند.

پنجمین و آخرین بخش، تهدیدی است برای همه‌ی دشمنان لجوج، و تسلی خاطری است برای پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و بیان این واقعیت که او در دعوت خود هیچ گونه اجر و مزدی از کسی نمی‌طلبد، و هیچ درد و رنجی برای کسی نمی‌خواهد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

در آخرین آیات سوره‌ی صافات کفار می‌گفتند: اگر پند[نامه‌ای] از پیشینیان نزد ما بود، قطعاً از بندگان خالص خدا می‌شدیم.» در سوره‌ی ص، قرآن را به عنوان پندنامه معرفی می‌کند و نحوه‌ی برخورد کفار را با آن توضیح می‌دهد.^{۲۳۴}

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۴ بخش است:

۱. تحریک کفار بر شرک: (۱ - ۱۶)
۲. یاد انبیا (حضرت داوود، سلیمان، ایوب، و...): (۱۷ - ۴۸)
۳. عاقبت متقین و طاغین: (۴۹ - ۷۰)
۴. قصه‌ی شیطان اغواگر: (۷۱ - ۸۸)

ارتباط آیات

۱. شگفتی سران مشرکین از داشتن خدای یگانه اولین بار است که در این سوره از آن سخن رفته است، آن‌ها این شگفتی را به دیگران نیز سرایت می‌دهند و اظهار می‌کنند: «ما تا حال از ملت‌های دیگر این چنین سخنی را نشنیدم، این یک سخنی ساختگی است! چرا در میان ما باید بر این شخص وحی نازل شود؟!» قرآن در پاسخ به آن‌ها می‌گوید: «آن‌ها (بر اساس جمله‌ی اخیرشان) در اصل در قرآن تردید دارند آن‌ها هنوز عذاب من را همچون ملت‌های پیشین نچشیده‌اند مگر اینان مالک آسمان‌ها و زمین هستند که حال اعتراض دارند چرا نعمت پیامبری به فلان شخص داده شده است؟!»

قرآن با مقدمه‌ی فوق سراغ انبیا رفته و بیان می‌دارد که طبق مشیت الهی نعمت نبوت نصیب چه اشخاصی شده است. انبیایی که نامشان در این بخش از آیات آمده است عبارتند از: حضرت داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذو الکفل. (۱ - ۴۸)

۲. وقتی قیامت شود معلوم خواهد شد چه کسی دارای چه شأنی است! آیا حق با انبیا و پیروان راستین آن‌ها بوده است یا خیر. در آن روز متقین در بهشت خواهند بود و ظالمین در دوزخ. قرآن در پایان این فصل، تخصص «اهل النار» را (گفتگوی آن‌ها را) مطرح ساخته و در آخر بر تحقق این گفتگو تأکید می‌نماید. (۴۹ - ۶۴)

۳. قرآن حاوی خبرهای بزرگی از تاریخ گذشتگان است مثل آنچه در آیات قبل گذشت و مثل قصه‌ی آدم و ملائک و شیطان که در این فصل آمده است. این خبرها را بشر جز از طریق وحی امکان نداشت مطلع شود.

قرآن در آخر سوره، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که پیامبران برای پول حرف نمی‌زنند، سخنانشان بر عقل‌ها می‌نشیند و زحمتی برای اندیشه‌ها نیست. آنها تنها فراموش شده‌ها را به یاد می‌آورند. و وای اگر انسان‌ها بیدار نشوند! به زودی خبرهای بزرگی در راه خواهد بود!

(۶۵ - ۸۸)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی ص را بخواند به اندازه‌ی هر کوهی که خدا مسخر داوود فرموده بود حسنه به او می‌دهد، و از آلوده شدن و اصرار بر گناه صغیر و کبیر حفظ می‌کند.^{۲۳۵}

امام باقر (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی ص را در شب جمعه بخواند از خیر دنیا و آخرت آن قدر (از سوی خداوند) به او بخشیده می‌شود که به هیچ کس داده نشده، جز پیامبران مرسل، و فرشتگان مقرب، و خدا او و تمام کسانی را که از خانواده‌اش مورد علاقه او هستند وارد بهشت می‌کند، حتی خدمتگزاری که به او خدمت می‌کرده.^{۲۳۶}

هرگاه محتوای این سوره را در کنار این پاداش‌ها بچینیم، پیوند و ارتباط این اجر و پاداش‌ها با آن تعلیمات روشن می‌شود.

کاربرد سوره

برای رسوا شدن ستمگران

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و کنار قاضی و یا والی (ستمگری) قرار دهد، بیش از سه روز کار به دستش نخواهد ماند و برای مردم عیوبش آشکار خواهد شد و مردم از اطرافش پراکنده خواهند شد.^{۲۳۷}

زمر (۳۹)

نام سوره

نام این سوره از آیه‌ی ۷۱ آن گرفته شده است: «وَسِيْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا / آن‌ها که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند.»
«زُمَر» جمع «زُمَره» به معنای گروه‌های اندک است.
و گاه این سوره «غُرْف» نامیده می‌شود به مناسبت آیه‌ی ۲۰. غرف جمع غرفه به معنای اتاق است.

تعداد آیات

عدد آیه‌های این سوره پیش کوفیان ۷۵ آیه، و پیش بصریان ۷۲ آیه است.
آیه‌ی «فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۳)، غیر کوفی است.
آیات «مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» دوّمی (۱۱) و «مُخْلِصًا لَهُ دِينِي» (۱۴) و «مِنْ هَادٍ» دوّمی (۳۶) و «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۳۹)، تماماً کوفی هستند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و صد و هشتاد.
تعداد حروف: چهار هزار و هفتصد و چهار.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

آیات ۵۳ تا ۵۵ (قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ... أُنْيَبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ... أَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم...) مدنی است زیرا درباره‌ی قبول توبه «وحشی» قاتل حضرت حمزه، نازل شده است.

پاسخ: اولاً: قصه‌ی فوق از قبیل تطبیق یک قانون کلی بر یکی از مصادیق آن می باشد زیرا مفهوم کلی و گسترده است.^{۲۳۸}

ثانیا: وحشی آن قدر ارزش ندارد که برایش سه آیه نازل شود آن هم آیاتی پر از لطافت و زیبایی و بیانگر رحمت خاص خداوند.

ثالثا: از ابن عباس به سند صحیح روایت است که این آیه در مکه نازل شده است.^{۲۳۹}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۵۹

سوره‌ی قبل: سبأ

سوره‌ی بعد: غافر

تاریخ نزول آن، بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

این سوره از چند بخش مهم تشکیل یافته است:

۱- چیزی که بیش از همه در سراسر این سوره منعکس است، مسأله‌ی دعوت به توحید خالص می‌باشد، توصیه در تمام ابعاد و شاخه‌هایش، توحید خالقیت، توحید ربوبیت، و توحید عبادت، مخصوصاً روی مسأله‌ی اخلاص در عبادت و بندگی خدا بارها در آیات مختلف این سوره تکیه شده است، و تعبیراتش در این زمینه آن‌چنان مؤثر است که قلب انسان را به سوی اخلاص می‌کشاند و جذب می‌کند.

۲- مسأله‌ی مهم دیگری که در مقاطع مختلف این سوره و تقریباً از آغاز تا انجام آن مورد توجه است، مسأله‌ی معاد و دادگاه بزرگ عدالت خدا است، مسأله‌ی ثواب و جزا، غرفه‌های بهشتی، و سایبان‌های آتشین دوزخی، مسأله‌ی ترس و وحشت روز قیامت، آشکار شدن نتایج اعمال و ظاهر شدن خود آن‌ها در آن صحنه‌ی بزرگ، مسأله‌ی سیاه‌ی شدن صورت دروغگویان و کسانی که بر خدا افترا بستند، رانده شدن کافران به سوی جهنم، ملامت و سرزنش فرشتگان عذاب نسبت به آن‌ها، و دعوت بهشتیان به سوی بهشت و تبریک و تهنیت فرشتگان رحمت به آن‌ها! این مسائل که بر محور معاد دور می‌زند آن‌چنان با مسائل توحیدی آمیخته است که گویی تار و پود یک پارچه را تشکیل می‌دهد.

۳- بخش دیگری از این سوره که تنها قسمت کوتاهی از آن را اشغال می‌کند اهمیت قرآن مجید است، ولی این بخش کوتاه، ترسیم جالبی از قرآن و تأثیر نیرومند آن در قلوب و جان‌ها در بردارد.

۴- بخش دیگری که آن هم نسبتاً کوتاه است، بیان سرنوشت اقوام پیشین و مجازات دردناک الهی نسبت به تکذیب‌کنندگان آیات حق می‌باشد.

۵- و بالاخره بخشی از این سوره نیز پیرامون مسأله‌ی توبه و باز بودن درهای بازگشت به سوی خداست، و مؤثرترین آیات توبه و رحمت در این بخش بیان شده که شاید در قرآن آیه‌ای نویدبخش‌تر از آن در این زمینه نباشد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی قبل با این توصیف آیات قرآن پایان یافت که این‌ها ذکر است و اخبار غیبی آن را به زودی درک خواهید کرد. این سوره نیز با این توصیف آغاز شده است که قرآن آیاتی درست و به حق دارد.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۷ بخش است:

۱. دلایل توحید: (۱ - ۸)
۲. مقایسه متقین و ظالمین: (۹ - ۲۶)
۳. متقین، تصدیق‌کنندگان قرآن: (۲۷ - ۳۵)
۴. بت‌های بی‌آزار! (۳۶ - ۴۴)
۵. کفار، مشمئز از توحید: (۴۵ - ۵۲)
۶. توبه کنید! (۵۳ - ۶۶)
۷. محکمه‌ی الهی: (۶۷ - ۷۵)

ارتباط آیات

۱. هر کس ادّعی سخنی دینی دارد باید برهانی از ناحیه‌ی خداوند برای آن اقامه کند (و عقل یا شرع مؤید آن باشد) بر این اساس، این که مشرکین می‌گفتند ما از طریق این معبودها به خداوند تقرب می‌جوئیم، چه برهانی برای این سخنشان ارائه می‌نمایند؟! اگر هم قرار باشد خداوند دارای واسطه‌ای برای قرب باشد و فرزندی برای او باشد، خودش این کار را می‌کند و به دیگران معرفی می‌نماید؛ نه این که مشرکین هر کس را خواستند به خداوند نسبت دهند. مشرکین را خداوند از تاریکی‌های شکم مادرشان بیرون آورده است، حال کارشان به جایی رسیده است که برای خداوند شریک مشخص می‌کنند!! چه کسی آن‌ها را در مشکلات یاری

می‌کند؟ جز خداوند؟! چرا زمانی که به آسایش می‌رسند دوباره سراغ همان معبودها می‌روند؟
(۱ - ۸)

۲. در مقابل مشرکین لجوج، مؤمنینی وجود دارند که شب و روز در اطاعت خداوند هستند و در رأس آن‌ها پیامبر است که اوّلین مسلمان نسبت به دین خود است. مهم آن است که پیامبر خودش حرف خودش را باور کند، دیگر مهم نیست دیگران می‌خواهند چه زبانی به خود وارد سازند و چگونه آتش دوزخ را از بالا و پست بر خود محیط سازند. ثمره‌ی اطاعت از طاغوتیان و نشنیدن حرف نیکو و یا شنیدن و تبعیت نکردن از آن چیزی جز قطعیت عذاب نیست. (۹ - ۲۰)

۳. وقتی دلی با نور اسلام بسط پیدا کرد، آبی از آسمان بیرون (وحی) و آبی از زمین درون (فطرت و عقل)، دست یکدیگر را می‌فشارند و انسان را آنچنان پر از رعشه معرفت می‌سازند که جز راهبان نور پروردگار کسی دیگر نمی‌تواند آن را به درستی درک کند.
(۲۱ - ۲۶)

بینید قرآن چه زیبا همه چیز را توضیح می‌دهد: اگر جهان دو خدا می‌داشت، خدایان، رفع نیاز نیازمندان را به یکدیگر حواله می‌دادند! سپاس خدا را که اینگونه نیست (الْحَمْدُ لِلَّهِ). با این حساب چه کسی ستمکارتر از کسی است که قرآن را تکذیب می‌کند؟! آن‌ها می‌توانستند قرآن را تصدیق کنند تا هر چه می‌خواستند خداوند به آن‌ها می‌داد و گذشته‌یشان را می‌پوشاند. آیا بنده‌ی خدا به غیر خدا نیاز دارد؟! اگر کسی به هدایت خداوند هدایت شود، آیا کسی می‌تواند او را گمراه کند؟! مگر پیام قرآن را فطرت تأیید نمی‌کند؟! قرآن می‌گوید: خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید و لذا همه‌ی ضرر و سود انسان تنها به اراده‌ی او محقق می‌شود و هیچ قسمت از کار به دست بت‌ها نیست. اوست که می‌میراند، اوست که باید اجازه‌ی شفاعت دهد. آیا نباید این سخنان را پذیرفت؟! یا باید شنیدن آن‌ها عصبانی شد؟! (۲۷ - ۴۵)

۴. همچنان خداوند در هدایت مشرکین اصرار می‌ورزد و در ادامه‌ی آیات فصل قبل می‌فرماید: روز قیامت که بر پا شود، مشرک اگر زمینی پر از طلا هم بدهد خداوند حکمی را به نفع او صادر نمی‌کند زیرا بدی‌های او را رها نمی‌سازد. ریشه‌ی همه‌ی بدی‌های او این بود که در وقت مشکلات، خداوند را می‌خواند و وقتی با نعمتی مشککش حل می‌گشت می‌گفت: «این نعمت به خاطر کاردانی‌ام به من داده شده است!». (۴۶ - ۵۲)

۵. حال در میان این همه انذار و بشارت و برهان اگر کسی خواست توبه کند، راه برای توبه‌اش باز است. باید قبل از مرگ و قیامت توبه کرد و الا آنجا ناله نمودن و اظهار پشیمانی کردن سودی ندارد. باید فکری در همین دنیا برای استکبار نفس نمود تا روز قیامت رو سیاه محشور نشد و همانند متقین در پناه خداوند از هر اندوهی در امان بود و در دنیا نیز با عبادت خالصانه، صاحب کلیدهای گنجینه‌های آسمان و زمین گشت! آیا با این حساب شرک عین نادانی نیست؟! هدر دادن همه‌ی فرصت‌ها و تلاش‌ها نیست؟! (۵۳ - ۶۷)

۶. وقتی نشانه‌های روز قیامت آشکار شود انسان مشاهده می‌کند چگونه همه‌ی آسمان همچون طوماری در دستان خداوند پیچیده شده است و نفخه‌ی صور چگونه همه‌ی اهل آسمان و زمین را به وحشت می‌افکند و وقتی قیامت برپا شود، زمین به نور رب روشن خواهد شد و محکمه‌ی عدل الهی بر پا می‌گردد و پیامبران و گواهان از راه می‌رسند و آن وقت هر کس عاقبت کارهایی را که انجام داده است می‌بیند. کافران به دوزخ برده شده و متقین به بهشت هدایت می‌شوند و فرشتگان همچنان در اطراف عرش، خداوند را تسبیح می‌نمایند؛ آنگاه ندایی به گوش می‌رسد که: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**. (۶۸ - ۷۵)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی زمر را قرائت کند خداوند امیدش را (از رحمت خود) قطع نخواهد کرد، و پاداش کسانی را که از خدا می‌ترسند به او عطا می‌کند.^{۲۴۰}

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی زمر را تلاوت کند، خداوند شرف دنیا و آخرت به او می‌دهد، و بدون داشتن مال و قبیله، قدرت و عزت به او می‌بخشد، آنچنان که هر کس او را ببیند از او حساب می‌برد؛ و بدن او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.^{۲۴۱}

مقایسه‌ی فضیلت‌های فوق با محتوای این سوره در زمینه خوف از پروردگار، امید به رحمت او، اخلاص در عبودیت، و تسلیم مطلق در برابر ذات پاک حق، به خوبی نشان می‌دهد که این پاداش‌ها از آن کسانی است که تلاوت را مقدمه‌ای برای اندیشه و اندیشه را وسیله‌ای برای ایمان و عمل قرار می‌دهند.

کاربرد سوره

برای مورد تمجید قرار گرفتن

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و به خود بیاویزد هر کس بر او وارد شده و یا خارج گردد، از او به خوبی یاد نموده و دائماً شکرگزار او خواهد بود.^{۲۴۲}

غافر (۴۰)

نام سوره

این سوره به دو نام شهرت دارد:

اول: غافر، برگرفته از آیه‌ی سوّم: «غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ. [که] گناه‌بخش و توبه‌پذیر [و] سخت‌گیر [و] فراخ‌نعمت است. خدایی جز او نیست. بازگشت به سوی اوست».

دوّم: مؤمن، برگرفته از قصّه‌ی مؤمن آل فرعون.

در بعضی از روایات از این سوره به «حم المؤمن» تعبیر شده است.

ممکن است به این سوره «طول» نیز بگویند (ذی الطول آیه‌ی ۳). طول یعنی نعمت.

در سوره‌ی مؤمن به فرازی از تاریخ حضرت موسی اشاره می‌کند که معروف به داستان مؤمن آل فرعون (خریبیل قبطی) است. این فراز تنها در سوره‌ی مؤمن آمده است. این شخص از نزدیکان فرعون بود، دعوت حضرت موسی را به توحید پذیرفت ولی ایمان خود را آشکار نمی‌کرد، زیرا خود را موظّف به حمایت حساب شده از حضرتش می‌دید. هنگامی که مشاهده کرد با خشم شدید فرعون جان حضرت به خطر افتاده، مردانه قدم پیش نهاد و با بیانات مؤثر خود توطئه‌ی قتل او را بر هم زد.

«وَ قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ / مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را کتمان می‌کرد گفت: آیا می‌خواهید کسی را به قتل برسانید به خاطر این که می‌گوید پروردگار من الله است؟!»

«وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ / در حالی که معجزات و دلایل روشنی از سوی پروردگارتان با خود آورده است.»

در سوره‌ی مؤمن بیست آیه به مجاهدت‌های مؤمن آل فرعون اختصاص یافته است.

سوره‌ی مؤمن نخستین سوره از حوامیم است (حوامیم هفت سوره از قرآن است که با حم شروع می‌شود و پشت سر هم قرار گرفته است).

تعداد آیات

عدد آیات این سوره ۸۵ است به عدد کوفی و شامی، و ۸۴ حجازی، و ۸۲ بصری. اختلاف در ۹ آیه است:

- «حم» (۱) کوفی است.
- «كَاطِمِينَ» (۱۸) غیر کوفی است.
- «يَوْمَ التَّلَاقِ» (۱۵) غیر شامی است.
- «بَارِزُونَ» (۱۶) شامی است.
- «بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابِ» (۵۳) مکی و کوفی است.
- «وَالْبَصِيرُ» (۵۸) شامی است.
- «يُسْحَبُونَ» (۷۱) کوفی و شامی است.
- «كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ» (۷۳) کوفی و شامی است. ۲۴۳

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هزار و دو بیست.
تعداد حروف: چهار هزار و نهصد و شصت.

محل نزول

این سوره مکی است.

بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

آیه‌ی ۵۵ (وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ) مدنی است؛ زیرا مراد از (عشی) نماز مغرب و از (إبکار) نماز صبح است و این دو نماز در مدینه واجب شده‌اند.

پاسخ: نماز اولین حکمی بوده است که در ابتدای بعثت نازل شده است؛ و مسلمین فردی و یا به جماعت نماز می‌خواندند، لذا چطور می‌توان هر آیه‌ای که بحث وقت نماز را مشخص می‌کند، مدنی دانست؟! و از طرفی دیگر صدر آیه‌ی فوق سفارش به صبر است که مضمونی مکی است.

۲- آیات ۵۶ و ۵۷ مدنی است زیرا این شأن نزول برای آن‌ها ذکر شده است: بیهود مدینه می‌گفتند: «دجالی که قدرت عظیمی دارد و در آخرالزمان ظهور می‌کند از ماست!» خداوند این آیات را فرستاد و عظمت آسمان‌ها و زمین را بزرگ‌تر از قدرت دجال معرفی کرد!

پاسخ: این سخن بسیار سخیفی است که خداوند به خاطر ادعای توخالی یهود آیاتی بیاورد و قدرت آفرینش آسمان‌ها و زمین را با قدرت موهوم دجالی ادعایی مقایسه کند! و بگوید:

«لَخَلَقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ!!» طبری این اقوالی را که جلال الدین سیوطی در «الاتقان» آورده است در کتاب تفسیرش نیاورده است زیرا این‌ها همه بهتان به قرآن است.^{۲۴۴}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۶۹

سوره‌ی قبل: زمر

سوره‌ی بعد: فصلت

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

به هر حال محتوای این سوره را می‌توان در شش بخش خلاصه کرد:
بخش اول که آغاز سوره را تشکیل می‌دهد توجهی است به خداوند و قسمتی از اسمای حُسنای او، مخصوصاً آنچه خوف و رجاء را در دل‌ها برمی‌انگیزد، مانند غافر الذنب و شدید العقاب.

بخش دوم تهدیدهایی است نسبت به کافران جبار، پیرامون عذاب‌های این جهان همانند آنچه اقوام سرکش پیشین به آن گرفتار شدند، و عذاب‌های قیامت با ذکر خصوصیات و جزئیات آن.

بخش سوم پس از مطرح کردن داستان حضرت موسی و فرعون، سخن را به مؤمن آل فرعون سوق می‌دهد و بخش وسیعی از سوره را به شرح گفتگوهای این مرد هوشمند شجاع با فرعونیان اختصاص می‌دهد.

بخش چهارم باز مطلب را به صحنه‌هایی از قیامت می‌کشد تا دل‌های خفتگان را بیدار کند.

در بخش پنجم مسأله‌ی توحید و شرک را که مهم‌ترین مسأله‌ی زندگی انسان است به میان آورده، و قسمتی از نشانه‌های توحید و دلایل بطلان شرک را مطرح می‌کند.

در بخش ششم که آخرین بخش این سوره است ضمن دعوت پیامبر به صبر و شکیبایی، خلاصه‌ای از آنچه در بخش‌های دیگر این سوره گذشت از مسائل مربوط به مبدأ و معاد، عبرت گرفتن از سرنوشت پیشینیان، تهدید مشرکان لجوج، و ذکر گوشه‌ای از نعمت‌های الهی را بیان داشته و سوره را پایان می‌دهد.

هدف و غایتی والا که این آیات به حق در بیان آن می‌کوشند، همانا یادآوری نام‌های نیکوی خداوند است تا معرفت و شناخت نسبت به پروردگار کریم را در نفوس سرشار از ایمان بیافزایند و حجت را بر کافران تمام کنند.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی قبل با یادی از فرشتگان و دوزخ و بهشت پایان یافت، این سوره نیز این چنین آغاز شد.^{۲۴۵}

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۸ بخش است:
۱. گفتگوهای قیامت: (۱ - ۱۴)
 ۲. یوم التلاق و یوم الازفة: (۱۵ - ۲۰)
 ۳. مؤمن آل فرعون: (۲۱ - ۴۶)
 ۴. گفتگو در دوزخ: (۴۷ - ۵۰)
 ۵. نصرت الهی: (۵۱ - ۵۹)
 ۶. مرا بخوانید! (۶۰ - ۶۸)
 ۷. عاقبت مشرکین لجوج: (۶۹ - ۷۷)
 ۸. عبرت از گذشتگان: (۷۸ - ۸۵)

ارتباط آیات

۱. تنها منکرین حقیقت، با توسل به موهومات و اباطیل خود، آیات الهی و پیامبران خداوند را به مجادله فرا می‌خوانند و البته کاری از پیش نمی‌برند. روز قیامت که بشود مؤمنین، مورد دعای خیر فرشتگان واقع می‌شوند و کفار را ندا می‌دهند که: «خشم خداوند از خشمی که نسبت به خود دارید بسیار بزرگ‌تر است! شما به ایمان فراخوانده شدید ولی کفر ورزیدید!» و مشرکین اعتراف به گناهانشان می‌کنند و می‌خواهند که خداوند آن‌ها را از آن موقعیت خارجشان سازد! چه خواسته بی‌پاسخی! (۱ - ۱۳)
۲. وقتی رزق انسان‌ها به دست خداوند است و اوست که انسان‌ها را - به کمک کسی که روح نبوت را در او دمیده - در درجات رشد بالا می‌برد، پس باید عبادت نیز تنها از آن او باشد. رشد انسان در هراس داشتن از «یوم التلاق» و «یوم الازفة» است. روزی که هیچ کس، دیگر قدرتی برای غیر خداوند قائل نیست (لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ؟ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ). (۱۴ - ۲۰)
۳. قرآن از آنانی یاد کرد که دین را برای خداوند خالص نمودند و حال در این بخش از انسان‌ها می‌خواهد با سیر در زمین، تاریخ انسان‌هایی را مطالعه کنند که دین و عبادت را برای خداوند خالص نکردند و چه بر سرشان آمد؟! و از آن طرف کسانی بودند که همچون «مؤمن آل فرعون» به ندای فطرت، گوش دادند و در مقابل فرعون زمانشان ایستادند و در آخر خداوند آن‌ها را از مکر فرعونیان نجات داد. (۲۱ - ۴۶)

۴. یکی از قالب‌هایی که قرآن برای انداز انسان‌ها بارها مورد استفاده قرار داده است، گفتگوی اهل دوزخ با خودشان، یا با بهشتیان، یا به مأمورین دوزخ و یا با خداوند است. در این بخش گفتگوی بین گمراهان و گمراه کنندگان و همچنین با مأموران دوزخ به خوبی بیان شده است و بعد نتیجه گرفته شده است که روز قیامت معذرت خواهی ظالمین نمی‌تواند برایشان سودمند باشد. (۴۷ - ۵۲)

۵. قرآن همچنان سراغ مشرکین می‌رود و آن‌ها را وا می‌دارد تا قرآن را تصدیق کند و به آن‌ها گوشزد می‌کند قرآن همچون تورات است که بر بنی‌اسرائیل نازل شد و الآن هم نزد آنهاست لذا نباید از نزول آیات الهی تعجب کنند و متکبرانه و بدون دلیل در صحت آیات الهی به مجادله برخیزند و یا در آمدن روز قیامت تشکیک کنند زیرا خداوند با خلقت آسمان‌ها و زمین قدرت خود را به نمایش گذاشته است دیگر چه دلیل دارد توان زنده نمودن مردگان را نداشته باشد؟! (۵۳ - ۵۹)

۶. مشرکین باید دست از دعای بت‌های خود بردارند و تنها نزد پروردگارشان عرض نیاز کنند. خدایی که امکانات زیست مطلوب را در زمین برایشان آماده ساخت و حیات و رشد و مرگ آن‌ها را به آسانی مدیریت نمود. اگر انسان ارتباط خود را با خدای یگانه حفظ می‌نمود دیگر قرآن را تکذیب نمی‌کرد و خود را در زنجیرهای حقارت و آتش در روز قیامت گرفتار نمی‌ساخت. انسان وقتی غیر خدا را می‌خواند در واقع هوس خودش را به استمداد می‌گیرد و الا هیچ کس غیر خود را نمی‌خواند (لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا)، آن‌ها که با خداوند قطع ارتباط نموده‌اند سرمست لذت‌های خود هستند و در نتیجه جایی در آخرت جز دوزخ ندارند و ممکن است خداوند در همین دنیا نیز طعم عذاب خود را به آن‌ها بچشاند. (۶۰ - ۷۷)

۷. تمام قصه‌هایی که از انبیا ذکر شده، آیات آفاقی که نشان داده شده، و دعوت به مطالعه‌ی تاریخ اقوامی که هلاک شده‌اند همه به خاطر این است که انسان تا دیر نشده به خدای یگانه و به معاد ایمان بیاورد زیرا زمانی که مرگ و یا عذب الهی فرابرسد دیگر ایمان نفعی ندارد. (۷۸ - ۸۵)

فضیلت سوره

در روایات اسلامی که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده، فضائل بسیاری برای همه‌ی سوره‌های حم عموما، (غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه، و احقاف) و سوره‌ی مؤمن خصوصا وارد شده است.

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

* الحوامیم تاج^{۲۴۶} القرآن: سوره‌های (هفت‌گانه) حم تاج قرآن است!^{۲۴۷}

* هر چیزی مغزی دارد و مغز قرآن سوره‌های حامیم است.^{۲۴۸}

* سوره‌های حامیم هفت سوره‌اند و درهای جهنم نیز هفت در است، هر یک از حامیم‌ها می‌آید و در مقابل یکی از این درها می‌ایستد و می‌گوید خداوندا کسی را که به من ایمان آورده و مرا خوانده از این در وارد مکن!^{۲۴۹}

* هر کس سوره‌ی **حم مؤمن** را بخواند، همه‌ی ارواح انبیا و صدیقان و مؤمنان بر او درود می‌فرستند و برای او استغفار می‌کنند.^{۲۵۰}

روشن است این فضائل بزرگ پیوندی با آن محتوای برجسته دارد، محتوایی که هرگاه در زندگی انسان در بعد اعتقادی و عملی پیاده شود، بدون شک مستحق این فضائل عظیم است، و اگر در این روایات سخن از تلاوت به میان آمده، منظور تلاوتی است که مقدمه‌ای برای ایمان و عمل باشد.

تعبیری پرمعنی که در یکی از روایات نبوی وارد شده و می‌گوید «هر کس حم را بخواند و به آن ایمان داشته باشد»، شاهد گویای این گفتار است.

کاربرد سوره

کاربرد سوره‌های حوامیم:

برای مورد رحمت قرار گرفتن همسایگان و آشنایان

امام صادق (علیه‌السلام):

سوره‌های حامیم گل‌های قرآن است. خدا را سپاس گویند و با حفظ و تلاوت این سوره‌ها او را شکر گزارید. هر بنده‌ای که از خواب برخیزد و سوره‌های حامیم بخواند از دهانش (در قیامت) بوی عطر دل‌انگیزی بهتر از مشک و عنبر خارج می‌شود. و خداوند خواننده این سوره‌ها را رحمت می‌کند، و نیز همسایگان و دوستان و آشنایان و تمام یاران نزدیک و دور او را مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد، و در قیامت عرش و کرسی و فرشتگان مقرب خدا برای او استغفار می‌کنند.^{۲۵۱}

کاربرد سوره‌ی غافر

برای آبادانی باغ و کسب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را نوشته و در باغی آویز کند، آن باغ سبز خواهد شد و رشد می‌کند و اگر در دکانی قرار گیرد خرید و فروش در آن زیاد خواهد شد.

فُصِّلَتْ (۴۱)

نام سوره

این سوره دو نام مشهور دارد:

اول: فُصِّلَتْ، برگرفته از آیه‌ی سوّم: «كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ / کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند.»
دوّم: حم سجده، برگرفته از آیه‌ی نخست و آیه‌ی ۳۷: «... وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ.»

دو نام غیر مشهور نیز برای این سوره ذکر شده است:

اول: أَقْوَات «وَوَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهُ» (۱۰).

دوم: مَصَابِيح «وَوَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» (۱۲).

این سوره جزو سُورِ عَزَائِم است یعنی سوره‌هایی که دارای آیه‌ای است که سجده واجب دارد یعنی همین آیه‌ی ۳۷ (به منظر «نکته» در سوره‌ی سجده مراجعه شود).
به خاطر فرق‌گذاری این سوره با سوره‌ی سجده به آن «سجده‌ی مؤمن» نیز گفته می‌شود، زیرا این سوره بعد از سوره‌ی مؤمن قرار گرفته است.

تعداد آیات

این سوره پیش کوفیان دارای ۵۴ آیه، و پیش بصریان ۵۲ آیه است.
کوفیان هر کدام از «حم» (۱) و «عادٍ وَ ثَمُودٍ» (۱۳) را یک آیه می‌دانند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هفتصد و نود و شش.

تعداد حروف: سه هزار و هفتصد و پنجاه.

محل نزول

این سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۶۱

سوره‌ی قبل: غافر

سوره‌ی بعد: زخرف

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

محتوای این سوره را می‌توان در چند بخش خلاصه کرد:

- ۱- توجه به قرآن و بحث‌های فراوانی پیرامون آن، که در آیات مختلف این سوره آمده است، از جمله بقای حاکمیت قرآن و تسلط منطقی آن در تمام ادوار و اعصار.
- ۲- توجه به آفرینش آسمان و زمین، مخصوصا آغاز آفرینش جهان از ماده‌ی گازی شکل (دخان) و مراحل پیدایش کره زمین و کوه‌ها و گیاهان و حیوانات.
- ۳- اشاراتی به سرگذشت اقوام مغرور و سرکش پیشین، از جمله قوم عاد و ثمود، و سرنوشت دردناک آن‌ها و اشاره کوتاهی به داستان حضرت موسی..
- ۴- انذار و تهدید مشرکان و کافران مخصوصا با ذکر آیات تکان‌دهنده‌ای درباره‌ی قیامت و گواهی اعضای بدن حتی پوست تن انسان، و توبیخ شدید پروردگار نسبت به آن‌ها به هنگامی که در برابر عذاب الهی قرار می‌گیرند.
- ۵- پاره‌ای از دلایل رستاخیز و قیامت، و خصوصیات و ویژگی‌های آن.
- ۶- مواعظ و اندرزهای گوناگون که در لابه‌لای مباحث فوق آمده و به آن‌ها روح و حیات بیشتری می‌بخشد، مخصوصا دعوت به استقامت در راه حق، و طریقه‌ی برخورد منطقی با دشمنان و طرز راهنمایی آن‌ها به آئین خداوند.
- ۷- سرانجام سوره را با بحث جالب و کوتاهی پیرامون آیات آفاقی و انفسی پروردگار و بازگشتی بر مسأله‌ی معاد پایان می‌بخشد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

سوره‌ی قبل با ذکری از منکرین معاد پایان یافت، این سوره نیز این چنین آغاز شده است.^{۲۵۲}

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۵ بخش است:

۱. عبرت از عاد و ثمود: (۱ - ۱۸)
۲. عاقبت اعداء الله، و استقامت کنندگان: (۱۹ - ۳۶)
۳. طبیعت و توحید و معاد: (۳۷ - ۴۰)
۴. انکار قرآن: (۴۱ - ۴۵)
۵. حرص علت کفر: (۴۶ - ۵۴)

ارتباط آیات

۱. قرآن کتابی است عربی یعنی واضح، برای آن‌ها که به دنبال آگاهی و خروج از غفلت هستند. ولی آن‌ها که نمی‌خواهند بشنوند خود را به نفهمی می‌زنند و به پیامبر می‌گویند: «بین ما و تو دیوار وجود دارد». البته پیامبر همچنان استقامت ورزیده و خدای یگانه را تبلیغ می‌کند و برای مشرکینی که به خاطر چسبیدن به دنیا و انفاق نکردن به نیازمندان، پیامبر را تکذیب می‌کنند بسیار متأسف است. آن‌ها آفریده شدن جهان آخرت را مافوق قدرت خداوند می‌پندارند!! قرآن به همین مناسبت سه جلوه از قدرت خداوند را به زیبایی تمام تبیین می‌کند:
(الف) خداوند در دو روز زمین را خلق کرد و در چهار روز همه‌ی امکانات زندگی را در آن فراهم ساخت و بعد در دو روز دیگر همه‌ی آسمان‌ها را آفرید.
(ب) خداوند اقوام پر قدرتی چون عاد و ثمود را هلاک نمود.
(ج) روز قیامت که شود به قدرت خداوند، گوش و چشم و پوست (و زبان و دست و پا / نور: ۲۴) بر علیه دشمنان خداوند شهادت خواهند داد. (۱ - ۲۴)
۲. اطرافیان نقش بارزی در هدایت و گمراهی انسان دارند. اطرافیانی که سخنان تأثیر دارد و یا می‌شود در آن‌ها تأثیر گذارد. اطرافیان شیطانی، کارهای زشت را برای انسان زینت داده و قابل توجه می‌کنند و هرچه کاری زشت‌تر باشد مکر بکار رفته در زینت بخشی آن نیز بیش‌تر است. لذا شیطان بیش‌ترین تلاشش را نموده است تا شرک را نزد انسان زینت دهد و خداوند نیز روز قیامت مشرکین را به خاطر بدترین کارشان که شرک است عقاب می‌کند.
در طرف مقابل، این مؤمنین هستند که فرشتگان قرین و دوستشان بوده و پیوسته آن‌ها را کمک می‌کنند تا در راه خداوند استقامت ورزند. دوستان مؤمن، نیکوترین سخنان را می‌گویند زیرا او را به خداوند و به عمل صالح هدایت می‌کنند و همیشه بهترین راه را برای تقابل با بدی‌ها توصیه می‌نمایند و بسیار می‌شود که این نوع تقابل نیکو، اثر نموده و دشمنان را تبدیل به دوست می‌نماید. البته تحمل دوستان خوب نیازمند به صبر است و شیطان بارها می‌خواهد انسان را از ولایت اولیا خداوند خارج سازد! باید از این وسوسه‌ی شیطان به خداوند پناه برد. (۲۵ - ۳۶)

۳. اصلا تصور نشود که اصرار خداوند بر عبودیت او به خاطر نیاز خداوند است! هرگز! زیرا اگر نیازی هم باشد - که نیست - هستند فرشتگان و بسیاری از انسان‌ها که او را به درستی عبادت کنند. و حتی همه‌ی اجزای هستی فرمانبردار او می‌باشند. این مسأله هیچ اجمالی ندارد ولی مع ذلک عده‌ای با مغالطه، امر را بر خود و بر دیگران مشتبه می‌نمایند ولی بدانند خداوند بر کار آن‌ها آگاه است! (۳۷ - ۴۳)

۴. مشرکین در مقابل وضوح دلایل قرآن چاره‌ای ندیدند جز آن که بگویند: «این قرآن باید به زبان غیر عربی نازل می‌شد تا غیر عرب هم از آن استفاده کنند!» آن‌ها می‌خواستند قرآن به زبان دیگری باشد تا به راحتی بتوانند طبق دلخواهشان آن را تفسیر کنند! خداوند در پاسخشان می‌فرماید: «اگر قرآن به زبانی دیگر بود آن وقت اعتراض می‌کردید که چرا به زبان عربی نیست!» انتقادهای نابجا به کتاب‌های آسمانی اختصاص به قرآن ندارد، بلکه در تورات نیز این اختلاف‌ها را به وجود آوردند. (۴۴ - ۴۶)

۵. قیامت زمان به ثمره نشستن هدف آفرینش است، همچون میوه‌ای که می‌رسد و فرزندی که به دنیا می‌آید. و وقتی آفرینش به ثمر نشست، آنانی که در آزمون توحید، شکست خورده باشند اقرار می‌کنند که بدون دلیل برای خداوند قائل به شریک شده‌اند و خواهند دانست که حرص‌هایی دنیوی آن‌ها بوده است که موجب انکار معاد و شرکشان گشته است؛ حرصی که آن قدر آن‌ها را کور ساخته است که دلایل روشن وحدانیت و معاد را در آفاق هستی مشاهده نمی‌کنند. (۴۷ - ۵۴)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس که «حم سجده» را بخواند خداوند به تعداد هر حرفی از آن ده حسنه به او عطا می‌کند.^{۲۵۳}

در حدیث دیگری از بیهقی نقل شده که خلیل بن مره می‌گوید:

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هیچ شب به خواب نمی‌رفت مگر اینکه سوره‌ی تبارک و حم سجده را می‌خواند.^{۲۵۴}

مسلم است آیات بیدارکننده این سوره با آن همه مواظظ روشنی‌بخش، و آن معارف غنی و پرمایه، در صورتی که با تلاوت جذب روح انسان گردد، و راهنمای زندگی او شود، نوری برای قیامت، و وسیله‌ی مؤثری برای پیروزی او در این جهان خواهد بود، چرا که تلاوت مقدمه‌ی فکر است، و فکر مقدمه‌ی عمل.

کاربرد سوره

الف) محبوبیت بین مردم

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که **حم سجده** را تلاوت کند این سوره در قیامت نوری در برابر او می‌شود تا آنجا که چشمش کار می‌کند، و مایه سرور و خوشحالی او خواهد بود، و در این دنیا نیز مقامی شایسته پیدا می‌کند که مایه‌ی غبطه دیگران می‌شود.^{۲۵۵}

(ب) درمان درد قلب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را در ظرفی بنویسد و بعد آن را با آن بشوید و از آن خمیری درست کند و بگذارد خشک شود و بعد آن را پودر کند، هر کس دارای درد قلب باشد از آن در چند نوبت به فاصله حدود یک ساعت از آن بخورد به اذن خداوند بهبود می‌یابد.^{۲۵۶}

(ج) چشم‌درد

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس این سوره را در ظرفی بنویسد و آن را با آب باران بشوید و بعد در آن آب مقداری سُرْمه نم کند و از آن سُرْمه به چشمش بزند، اگر سفیدی در چشمش باشد و یا ورمی داشته باشد، دردش تسکین می‌یابد و دیگر هرگز دچار چشم‌درد نمی‌شود و اگر سُرْمه در اختیار ندارد با آن آب چشمانش را بشوید به اذن خداوند چشم‌درد از او زائل می‌شود.^{۲۵۷}

شوری (۴۲)

نام سوره

نام‌گذاری این سوره به «شوری» به خاطر آیه‌ی ۳۸ است که مسلمانان را دعوت به مشورت در امور می‌کند: «وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ / و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند». این سوره در روایات به «عسق» و یا «حم عسق» مشهور است.

تعداد آیات

شماره آیات آن به نظر کوفیان ۵۳ آیه، و به نظر دیگران ۵۰ آیه است:
نزد کوفیان، «حم» (۱)، «عسق» (۲) و «كَا لَأَغْلَامِ» (۳۲) سه آیه به شمار آمده است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: ششصد و شصت و شش.
تعداد حروف: سه هزار و هشتصد و هشتاد.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:
۱- آیات ۲۳ تا ۲۶ مدنی است. زیرا در آن سخن از مودت قریبی شده است و این موضوع در مدینه مورد تأکید قرار گرفته است.

ابن عباس گوید: هنگامی که آیه‌ی ۲۳ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) نازل شد، مردی گفت: به خدا که این آیه را خداوند نازل نکرده است، به دنبال این سخن بود که خداوند این آیه را نازل کرد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (۲۴) یعنی می‌گویند: بر خدا افترا بسته است، سپس آن مرد توبه کرده پشیمان شد آنگاه این آیه نازل شد «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ» (۲۵) تا «لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (۲۶)^{۲۵۸}

پاسخ: بُعدی ندارد که پیامبر از ابتدای رسالتش به موضوع مودت قربی پرداخته باشد تا مسیر آینده مسلمین را مشخص نماید.

۲- آیه‌ی ۳۸ (أَمْ لَهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ...) مدنی است زیرا مفاد این آیه مشورت در امور مربوط به جامعه است و در مکه هنوز جامعه اسلامی محقق نشده بوده است.

پاسخ: همیشه جامعه اسلامی شکل خود را دارد چه در قوت باشد و چه در ضعف بنابر این در مکه نیز این جامعه حضور داشته است.^{۲۵۹}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۶۹

سوره‌ی قبل: کهف

سوره‌ی بعد: ابراهیم

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

محتوای این سوره را بخش‌های ذیل تشکیل می‌دهد:

بخش اول: که مهم‌ترین بخش این سوره را تشکیل می‌دهد، بحث پیرامون وحی و ارتباط خداوند با پیامبران از این طریق مرموز است، که می‌توان گفت بر تمام سوره سایه افکنده: با آن آغاز می‌شود، و با آن پایان می‌یابد، و در لابه‌لای سوره نیز از آن سخن به میان آمده، و به تناسب آن، بحث‌هایی پیرامون قرآن و نبوت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آغاز شروع رسالت از زمان حضرت نوح مطرح شده است.

بخش دوم: اشاراتی است پرمعنی به دلایل توحید، و آیات خداوند در آفاق و انفس که بحث وحی را تکمیل می‌کند، و همچنین بحث‌هایی از توحید ربوبیت.

بخش سوم: اشاراتی به مسأله‌ی معاد و سرنوشت کفار در قیامت دارد. این بخش نسبت به بخش‌های دیگر در این سوره، کم است.

بخش چهارم: یک سلسله مباحث اخلاقی است که با ظرافت مخصوصی بیان شده، گاه به ملکات برجسته‌ای همچون استقامت، توبه، عفو و گذشت، شکیبایی، و فرونشاندن آتش خشم با تعبیرات لطیفی دعوت می‌کند.

و گاه از ملکات رذیله‌ای همچون طغیان به هنگام رو آوردن نعمت‌های الهی، لجاجت، دنیاپرستی، و جزع و فزع به هنگام بروز مشکلات، با عبارات زنده‌ای نهی می‌کند. و در نهایت مجموعه‌ای است کامل و دارویی است شفابخش برای رهروان راه حق.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی قبلی را با یاد قرآن ختم فرمود، این سوره را نیز با یاد قرآن شروع کرده است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۴ بخش است:

۱. توحید، دین همه‌ی انبیا: (۱ - ۲۲)
۲. اجر رسالت: (۲۳ - ۲۶)
۳. بسط رزق: (۲۷ - ۴۶)
۴. دعوت خداوند را بپذیرید! (۴۷ - ۵۲)

ارتباط آیات

۱. ناسازگارتر از سخن شرک در جهان هستی، سخنی نیست. این سخن از یاد نخواهد رفت. قرآن و همه‌ی کتب آسمانی آمدند تا انسان‌ها را از عواقب مصیبت بار این سخن آگاه سازند. هر چند خداوند می‌توانست اختیار را از انسان بگیرد و اصلاً این سخن شنیده نگردد، ولی انسان مختار است که رحمت او را شامل خود سازد و یا به خویش ستم نموده و زمام (و ولایت) خویش را به دست غیر او بسپارد و فاصله‌اش را از حقیقت گسترش دهد و از دین انبیا که انسان را به طرف خداوند، صاحب گنجینه‌های آسمان و زمین هدایت می‌کردند بیش‌تر منحرف سازد.

اگر نبود پایان حساب شده‌ای که خداوند برای انسان‌ها و جمعیت‌ها مقرر نموده است، با اولین سخن شرک باید همه دچار عذاب الهی می‌شدند. (۱ - ۱۵)

۲. اهل کتاب اصل دین را که توحید و «معاد هراسی» بود از یاد بردند. در نتیجه سرگرم کشت برای دنیا شده و از کشت آخرت باز ماندند. آن‌ها بدون اذن خداوند، شرک را داخل دین نمودند. بالاخره روزی خواهد رسید که احساس امنیت کفار از معاد و هراس مؤمنین از آن، عکس شده و مؤمنین در امنیت باشند و کفار در هراسی غیر قابل وصف؛ مگر این که تا دیر نشده توبه کنند و با محدودیت‌های رزق بسازند و بدانند بالاخره باران رحمت او بر صابرین خواهد بارید. (۱۶ - ۲۸)

۳. سوره‌ی شوری دوباره به مشرکین غیر اهل کتاب برگشته و نمونه‌های دیگری از قدرت خداوند ارائه نموده و ثابت می‌کند که خداوند قدرت احضار همه‌ی موجودات را در جهانی دیگر دارد. (هُوَ عَلٰی جَمْعِهِمْ اِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ). نمونه‌های قدرت خداوند عبارتند از:

(الف) خلقت آسمان‌ها و زمین و مدیریت این همه جنبه در زمین و آسمان.
(ب) بسیاری از خرابکاری‌های انسان به خیر می‌انجامد. البته مزه‌ی تلخ بعضی از آن‌ها را نیز می‌چشد تا تجربه کسب کند.

(ج) کنترل کشتی‌ها توسط کنترل بادها و غرق نمودن بعضی از کشتی‌ها به خاطر زشتکاری‌هایی که مرتکب شده‌اند و بخشیدن بسیاری دیگر از زشت کاریها. (۲۹ - ۳۴)

۴. دلیل این که این همه نشانه نمی‌تواند انسان را نسبت به معاد معتقد و مؤمن سازد، دل بستن به همین مقدار دنیایی است که به او داده شده است. و حال آن که اصل آزمون در دنیا، همین است که انسان دلبسته نشود و در نتیجه دین الهی را قبول کند و تحت تربیت دینی به ارزش‌های الهی دست یابد و صاحب ارج نزد خداوند گردد و آن وقت دل به ثواب خداوند ببندد و در نهایت مشتاق ملاقات پروردگارش شود. چرا انسان باید زمانی به فکر بازگشت بیافتد که دیگر فرصت توبه را از کف داده است.

مهم‌ترین دلیل بر صحت تحلیل فوق، سرعت انسان در شوق و یأس هنگام دیدن نعمت و نعمت است. شوق مؤمنین به آخرت به خاطر نعمت‌هایی است که انتظار آن‌ها را می‌کشد، اینان نعمت‌های دنیا را نیز همه رحمت‌های او می‌بینند: از فرزندى که عطا می‌کند و همه‌ی نعمت‌های دیگری که می‌بخشد. (۳۵ - ۵۰)

۵. مشرکین و کفار از اهل کتاب به نوبت انواع شبهه‌ها را برای ایجاد مانع در مسیر راه خداوند القا می‌نمودند و گاهی هم با هماهنگی یکدیگر این کار را انجام دادند. مثلاً به پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌گفتند: «حضرت موسی با خداوند سخن می‌گفت تو هم باید این چنین کنی!» خداوند در پاسخ آن‌ها می‌فرمود: «همین که قرآن نازل شده است و پیامبر دانسته است که کتاب چیست و ایمان کدام است، دلیل بر آن است که خداوند با او سخن گفته است.» (۵۱ - ۵۳)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی شوری را تلاوت کند از کسانی است که فرشتگان بر او رحمت می‌فرستند و برای او استغفار و طلب آمرزش می‌کنند.^{۲۶۰}

امام صادق (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی شوری را بخواند روز قیامت با صورتی سفید و درخشانده همچون آفتاب محشور می‌شود، تا به پیشگاه خدا می‌آید می‌فرماید: بندهض من! قرائت سوره‌ی «حم عسق» را تداوم دادی، در حالی که پاداش آن را نمی‌دانستی، اما اگر می‌دانستی چه پاداشی دارد هیچ گاه

از قرائت آن خسته نمی‌شدی، ولی من امروز پاداش تو را به تو خواهم داد، سپس دستور می‌دهد او را وارد بهشت کنند و غرق در نعمت‌های ویژه‌ی بهشتی.^{۲۶۱}

کاربرد سوره

الف) درمان چشم‌درد

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را با آب باران بنویسد و مقداری سُرْمه را با آن خیس کند و کسی که در چشمش سفیدی پدید آمده است از آن سُرْمه به چشمش بزند، به اذن خداوند هر عارضه‌ای که چشمش دچار شده است بهبود می‌یابد.^{۲۶۲}

ب) ایمنی از مردم و ایمنی در سفر

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس این سوره را بنویسد و به خود بیاویزد از مردم ایمن می‌شود، و اگر از آب آن بنوشد در سفر ایمن خواهد بود.^{۲۶۳}

زخرف (۴۳)

نام سوره

نام سوره از آیه ۳۵ گرفته شده که از ارزش‌های مادی و زخرف (طلا و مانند آن) سخن می‌گوید: «و اگر نه آن بود که [همه‌ی] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعا برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می‌ورزیدند، سقف‌ها و نردبان‌هایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می‌دادیم. و برای خانه‌هایشان نیز درها و تخت‌هایی که بر آنها تکیه زنند. (و زُخْرُفًا) و زر و زیورهای [دیگر نیز]. و همه‌ی این‌ها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است.» (آیات ۳۳ تا ۳۵)

تعداد آیات

سوره‌ی زخرف ۸۹ آیه دارد:
کوفیان «حم» (۱) را یک آیه دانسته‌اند
بصریان «هُوَ مَهِينٌ» (۵۲) را یک آیه می‌دانند.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: هفتصد و سی و سه.
تعداد حروف: سه هزار و چهارصد.

محل نزول

این سوره مکی است.
بررسی آیاتی که ادعا شده مدنی است:

۱- آیهی ۴۵ در بیت المقدّس نازل شده است زیرا مربوط به گفت و شنود پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) با پیامبران پیشین است و این در شب معراج اتفاق افتاده است. بنابر این، این آیه مدنی است.^{۲۶۴}

پاسخ: اگر آیهی فوق در بیت المقدّس نیز نازل شده باشد باز هم این آیه مکی است؛ زیرا قبل از هجرت به مدینه نازل شده است. مهم در مکی بودن، نزول قبل از هجرت است نه در نزول در مکه.^{۲۶۵}

۲- آیهی ۴۱ تا آخر سوره مدنی است زیرا در حجّة الوداع نازل شده است.^{۲۶۶}
پاسخ: دلیلی برای این ادعا نیافتیم تا آن را بررسی کنیم.^{۲۶۷}

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۶۸

سوره‌ی قبل: فصلت

سوره‌ی بعد: دخان

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

مباحث این سوره را به طور فشرده می‌توان در هفت بخش خلاصه کرد:

بخش اول: سرآغاز سوره است که از اهمیت قرآن مجید و نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و برخورد نامطلوب افراد نادان در برابر این کتاب آسمانی سخن می‌گوید.

بخش دوم: قسمتی از دلایل توحید را در آفاق، و نعمت‌های گوناگون خداوند را بر انسان‌ها برمی‌شمرد.

بخش سوم: همین حقیقت را از طریق مبارزه با شرک و نفی نسبت‌های ناروا به خداوند و مبارزه با تقلیدهای کورکورانه، و خرافاتی همچون تنفر از دختران یا ملائکه را دختران خدا پنداشتن، تکمیل می‌کند.

در بخش چهارم: برای مجسم ساختن این حقایق قسمتی از سرگذشت انبیای پیشین و اقوام آن‌ها را نقل می‌کند، و مخصوصاً روی زندگی حضرت ابراهیم و موسی و عیسی تکیه می‌کند.

در بخش پنجم: مسأله‌ی معاد و پاداش مؤمنان و سرنوشت شوم کفار مطرح شده و با تهدیدها و اندازهای قوی، مجرمان را هشدار می‌دهد.

بخش ششم: این بخش که از مهم‌ترین بخشهای آن است ناظر به ارزش‌های باطنی است که حاکم بر افکار افراد بی‌ایمان بوده و هست، که به خاطر این ارزش‌های بی‌اساس در ارزیابی خود درباره‌ی مسائل مهمّ زندگی گرفتار انواع اشتباه می‌شوند، تا آنجا که انتظار دارند

قرآن مجید نیز بر یک مرد ثروتمند نازل شده باشد، چرا که شخصیت را در ثروت می‌شمردند. قرآن مجید در آیات متعددی از این سوره این تفکر احمقانه را در هم می‌کوبد، و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی را مشخص می‌کند.

بخش هفتم: بخشی که در غالب سوره‌ها وجود دارد، بخشی است از مواظ و اندرزه‌های مؤثر و پربار برای تکمیل کردن بخش‌های دیگر، تا مجموع آیات سوره را به صورت معجون شفابخش کاملی درآورد و نیرومندترین تأثیر را در شنونده بگذارد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

چون خداوند سوره‌ی «حم عسق» را با یادی از قرآن و وحی ختم فرموده است، این سوره را نیز با همان مطالب آغاز کرده است.

فهرست کلی سوره

- این سوره دارای ۷ بخش است:
۱. دلایل توحید: (۱ - ۱۴)
 ۲. نفی شرک (۱): (۱۵ - ۲۸)
 ۳. «زخرف» ارزش نیست!: (۲۹ - ۳۵)
 ۴. قرین شیطان: (۳۶ - ۴۴)
 ۵. دعوت همه‌ی انبیا به توحید (حضرت موسی، عیسی): (۴۵ - ۶۶)
 ۶. عاقبت متقین و مجرمین: (۶۷ - ۸۰)
 ۷. نفی شرک (۲): (۸۱ - ۸۹)

ارتباط آیات

۱. خداوند قرآن را و زمین را و آسمان را و انواع موجودات و مرکب‌ها را برای انسان قرار داد که او رشد کند ولی او با ناسپاسی، قسمتی از موجودات جهان را در عرض خداوند قرارداد! و گفت که راه پیشینیانش را رفته است! همیشه مرقه‌هین بی درد این چنین بودند و این چنین می‌گفتند. اولاً: چرا سخن توحیدی پیشینیان را که همان سخن ابراهیم بود را دنبال نکردند؟! ثانیاً: هر زمان پیامبری سراغ پیشینیان مشرک می‌آمد او را تکذیب می‌کردند، حال چگونه اعمال آن‌ها دلیل بر صحت رفتار شماست؟! (۱ - ۳۰)

۲. یکی از عمده بهانه جویی‌های مشرکین برای قبول نکردن قرآن این بود که می‌گفتند: «چرا باید شخصی پیامبر باشد که از هیچ قدرت اقتصادی و مالی برخوردار نیست؟» غافل از این که خداوند همانطور که به عده‌ای دنیا داده است و اگر شرایط مناسب بود بیش‌تر هم به آن‌ها می‌داد، به عده‌ای دیگر نبوت و هدایت می‌دهد. هر کسی طبق آنچه می‌خواهد و ارزش می‌نهد گیرش می‌آید. عده‌ای می‌خواستند شیطان قرینشان باشد و عده‌ای دل به یاد رحمان دوختند.

بالاخره انسان‌ها ثمره‌ی رفتارهای خود را خواهند دید ممکن در همین دنیا و حتی زمانی که هنوز پیامبر در قید حیات باشد دیده باشند. (۳۱ - ۴۲)

۳. قرآن آیاتش هماهنگ با تعالیم انبیا پیشین است، لذا تشکیک در آن راه به جایی نمی‌برد. قرآن در این فصل با این مقدمه، سراغ فرازی از تاریخ حضرت موسی و عیسی می‌رود و بعد نتیجه می‌گیرد که انسان‌ها اگر پایبند به اصول باشند یکدیگر را به راه انبیا هدایت می‌کنند و در غیر این صورت در دوزخ، خصم یکدیگر خواهند بود. قرآن در ادامه از عاقبت خوش متقین و اصولگرایان گفته و از عذاب ستمکاران و گفتگوییشان با مالک (فرشته‌ی موکل بر دوزخ) سخن به میان می‌آورد. (۴۵ - ۷۹)

۴. هر چه انبیا پیام‌های توحیدی را بیش‌تر نشر می‌دادند، سران شرک بر سخنان شرک خود بیش‌تر می‌افزودند و باز انبیا وقتی متوجه این سخنان از طریق وحی و یا غیر آن می‌شدند در پی پاسخ‌گویی به آن بر می‌آمدند تا هیچ زمینه‌ی گمراهی برای کسی باقی نماند و در هر فصلی از تبلیغ، از آن‌ها ابراز بی‌زاری نموده و کار آن‌ها را به خداوند واگذارند. (۸۰ - ۸۹)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

کسی که سوره‌ی زخرف را تلاوت کند از کسانی است که روز قیامت به این خطاب مخاطب می‌شود: «یا عبادِ لا خَوْفَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَیْرِ حِسَابٍ / ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شما است، و نه غمی. بدون حساب وارد بهشت شوید.»^{۲۶۸}
خطاب «یا عبادِ لا خَوْفَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» همان چیزی است که در آیه‌ی ۶۸ این سوره آمده، و جمله‌ی «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ» از آیه‌ی ۷۰ گرفته شده، و جمله «بِغَیْرِ حِسَابٍ» از لوازم کلام و آیات دیگر قرآن است.^{۲۶۹}

کاربرد سوره

الف) حفظ از پوسیدگی بدن در قبر

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس سوره‌ی «حم عسق» را بسیار بخواند خداوند بدن او را در قبر از آزار حشرات زمین و ساکنان قبور حفظ کند، تا روز قیامت که زیر نظر لطف الهی و به فرمان خدا، همین سوره او را وارد بهشت می‌کند.^{۲۷۰}

ب) درمان صرع

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و آن را با آب بشوید و از آن آب به صورت کسی که دچار صرع است بپاشد، به اذن خداوند بهبود می‌یابد.^{۲۷۱}

دخان (۴۴)

نام سوره

نام سوره از آیه ۱۰ گرفته شده است: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ / پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد». در روایات از این سوره به «حم دخان» نیز تعبیر شده است. هر چند در سوره‌ی فصلت نیز اشاره به دخان شده است «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ» (۱۱) حال چرا این سوره به دخان نامیده نشده است؟

پاسخ این است که مهم‌ترین موضوع هر سوره، نام سوره قرار می‌گیرد. دخان در سوره‌ی فصلت به معنای گازهایی است که در ابتدای خلقت قبل از تشکیل آسمان‌ها، زمین را فراگرفته بود. ولی منظور از دخان در سوره‌ی دخان، گازی است که زمین را هنگام وقوع قیامت فرامی‌گیرد. پرداختن به علائم قیامت موضوعی است بسیار مهم‌تر که سوره‌های زیادی نیز به خاطر همین موضوع نام گرفته‌اند.

تعداد آیات

بنابر قرائت اهل کوفه ۵۹ آیه، بنابر قرائت اهل بصره ۵۷ آیه، بنابر قرائت دیگر قرآء ۵۶ آیه است.

در تعداد آیات این سوره چهار جای آن مورد اختلاف است: «حم»، (۱) و «إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ» (۳۴) از نظر کوفی یک آیه است. «إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ» (۴۳) از نظر عراقی، شامی و مدنی اول (قرآء قرن نخست مدینه) یک آیه است.

«فِي الْبُطُونِ» (۴۵) از نظر عراقی، مکی و مدنی اخیر یک آیه است.

تعداد کلمات و حروف

تعداد کلمات: سیصد و چهل و شش.

تعداد حروف: یکهزار و چهارصد و سی و یک.

محل نزول

این سوره مکی است.

ترتیب و تاریخ نزول

شماره‌ی نزول: ۹۳

سوره‌ی قبل: زخرف

سوره‌ی بعد: جاثیه

تاریخ نزول آن بعد از معراج و کمی قبل از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه است.

محتوای سوره

بخش‌های این سوره را می‌توان در هفت بخش خلاصه کرد:

۱- آغاز سوره از حروف مقطعه و سپس بیان عظمت قرآن است، با این اضافه که نزول آن را در شب قدر برای اولین بار بیان می‌کند.

۲- بخش دیگری از توحید و یگانگی خدا و بیان بعضی از نشانه‌های عظمت او در جهان هستی است.

۳- بخش مهمی از آن از سرنوشت کفار، و انواع کیفرهای دردناک آن‌ها سخن می‌گوید.

۴- در بخش دیگری برای بیدار ساختن این غافلان قسمتی از سرگذشت حضرت موسی و بنی اسرائیل در مقابل فرعونیان و شکست سخت آن‌ها، و نابودی و هلاکشان، گفتگو می‌کند.

۵- مسأله‌ی قیامت و عذاب‌های دردناک دوزخیان و پاداش‌های جالب و روح‌پرور پرهیزگاران قسمت دیگری از آیات این سوره را تشکیل می‌دهد.

۶- موضوع هدف آفرینش، و بیهوده نبودن خلقت آسمان و زمین از موضوعات دیگری است که در آیات این سوره مطرح شده است.

۷- سرانجام، سوره را با بیان عظمت قرآن، همان‌گونه که آغاز شده بود، پایان می‌دهد.

ارتباط با سوره‌ی قبل

خداوند سوره‌ی زخرف را به وعده‌های عذاب و تهدیدهایی ختم کرد، این سوره را نیز با وعده‌های عذاب و هشدارهایی، شروع کرده است.

فهرست کلی سوره

این سوره دارای ۴ بخش است:

۱. لیلۃ المبارکة (القدر): (۱ - ۱۶)
۲. حضرت موسی: (۱۷ - ۳۳)
۳. بهانه برای انکار معاد: (۳۴ - ۴۲)
۴. عاقبت گنهکاران و متقین: (۴۳ - ۵۹)

ارتباط آیات

۱. قسم به قرآن که قرآن در شبی مبارک نازل شد. زیرا اولاً: آیات قرآن به صورت تشریحی امور را از یکدیگر تفکیک می‌نماید و در شب قدر نیز این امور تکویناً از هم متمایز شده و هر کدام تقدیر خود را می‌یابد و ثانیاً: قرآن نشان رحمت خداوند است و شب قدر نیز رحمت سرشاری بر انسان‌ها می‌بارد. سوره‌ی دخان با این مقدمه شروع شده تا بگوید: «با تشکیک در حقایق، با آن‌ها بازی نکنید! روزی خواهد رسید که هر چه همچون فرعونیان ناله کنید از عذاب رهایی نخواهید یافت و همه‌ی امکانات دنیوی خود را از کف خواهید داد و آن وقت دل آسمان نیز به حال شما نخواهد سوخت و در این میان گروه مؤمن را نجات خواهیم داد همچون بنی‌اسرائیل که نجات دادیم.» (۱ - ۳۳)

۲. مشرکین برای انکار معاد در خطاب به پیامبر می‌گفتند: «اگر روز قیامتی در کار است فعلاً پدران ما را زنده کن!» آیا آن‌ها از تاریخ امت‌هایی که این چنین برخوردهایی داشتند و بعد به هلاکت رسیدند عبرت نمی‌گیرند؟ آیا نشانه‌های هدف‌مندی جهان هستی برای ایمان به معاد کافی نیست؟ «یوم الفصل» خواهد آمد و صف آن‌ها که مورد رحمت خداوند قرار دارند از دیگران متمایز خواهد شد و بر دیگران عذاب سختی فرود خواهد آمد و آن‌ها طعم عزت‌های دروغین دنیوی خود را خواهند چشید و متقین در ناز و نعمت بهشت، غرق خواهند شد. هر دو گروه منتظر باشند! (فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ) (۳۴ - ۵۹)

فضیلت سوره

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

* کسی که سوره‌ی دخان را شب و روز جمعه بخواند خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌کند.^{۲۷۲}

* کسی که سوره‌ی دخان را در شبی بخواند، صبح می‌کند در حالی که هفتاد هزار فرشته برای او استغفار می‌کنند.^{۲۷۳}

امام باقر (علیه‌السلام):

کسی که سوره‌ی دخان را در نمازهای فریضه و نافله بخواند، خداوند او را در زمره‌ی کسانی که روز قیامت در امنیت به سر می‌برند مبعوث می‌کند و او را در سایه‌ی عرشش قرار می‌دهد، و حساب را بر او آسان می‌گیرد و نامه‌ی اعمالش را به دست راستش می‌دهد.^{۲۷۴}

کاربرد سوره

الف، ب، ج) رهایی از کابوس و سردرد، و رونق کسب

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم):

هر کس این سوره را بنویسد و هنگام خواب زیر سرش بگذارد، جز خواب خوب نبیند و از دل شوره‌های شبانه رها می‌شود و کسی که دچار شقیقه (سردرد) است از آب آن بنوشد، همان ساعت بهبود می‌یابد و اگر این سوره نوشته شود و در محل کسب گذاشته شود، صاحب کسب سود برده و سریعاً مال زیادی عائدش شود.^{۲۷۵}

د، ه، و) ایمنی از شر صاحب قدرت، پیدا کردن هیبت، و برطرف شدن یُبس شکم

امام صادق (علیه‌السلام):

هر کس این سوره را بنویسد و به خود بیاویزد از شر هر صاحب قدرتی ایمن خواهد بود، نزد هر کس که ملاقاتش کند با هیبت خواهد بود و نزد مردم محبوب خواهد شد و اگر از آب آن بنوشد، به اذن خداوند فشرده‌گی شکمش برطرف شده و مزاجش کار خواهد کرد.^{۲۷۶}

مستندات

- ^۱ تفسیر هدایت، جلد ۱، صفحه ۱۰۰
- ^۲ نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۷۴
- ^۳ ثواب الاعمال، صفحه ۱۱۹
- ^۴ التحریر و التنویر، ذیل سوره اعراف
- ^۵ همان مدرک
- ^۶ ثواب الاعمال، صفحه ۱۱۰
- ^۷ تفسیر نمونه، جلد ۶، صفحه ۷۴
- ^۸ التمهید، جلد ۱، صفحه ۱۶۲
- ^۹ التمهید: ۱۶۲/۱
- ^{۱۰} ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، صفحه ۱۵
- ^{۱۱} المحيط الأعظم و البحر الخضم، جلد ۲، صفحه ۴۰۲
- ^{۱۲} تفسیر آسان، جلد ۸، صفحه ۵۲
- ^{۱۳} جلد اول - مقدمه، صفحه ۵۱
- ^{۱۴} برای آگاهی بیشتر رک: فرهنگ تجوید، صفحه ۵۶.
- ^{۱۵} بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۹۷
- ^{۱۶} ترجمه البیان، جلد ۱، صفحه ۳۴۶
- ^{۱۷} فصل الخطاب، صفحه ۴۶
- ^{۱۸} مباحث فی علوم القرآن، صفحه ۷۳
- ^{۱۹} تاریخ قرآن (معرفت)، صفحه ۱۳۹-۸۴؛ تاریخ قرآن (رامیان)، صفحه ۴۰۷
- ^{۲۰} علوم قرآنی (معرفت)، صفحه ۱۱۹؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، صفحه ۲۳۵
- ^{۲۱} جلد ۸ صفحه ۱۸۱
- ^{۲۲} جلد ۲۴ صفحه ۳۶۵
- ^{۲۳} التهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۸۹
- ^{۲۴} مجمع البیان، ذیل سوره حمد
- ^{۲۵} نور الثقلین، جلد ۱، صفحه ۴
- ^{۲۶} ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۳۴
- ^{۲۷} ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۳۵
- ^{۲۸} همان
- ^{۲۹} أطیب البیان فی تفسیر القرآن، به نقل از لاکئی الاخبار
- ^{۳۰} البرهان فی تفسیر القرآن، به نقل از کافی
- ^{۳۱} أطیب البیان فی تفسیر القرآن، به نقل از کافی
- ^{۳۲} البرهان فی تفسیر القرآن، به نقل از تفسیر عیاشی
- ^{۳۳} سوره حجر آیه ۸۷
- ^{۳۴} تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه ۲۶
- ^{۳۵} تاریخ القرآن ابو عبدالله زنجانی، صفحه ۴۴
- ^{۳۶} منتخب کنز العمال، جلد ۲، صفحه ۵۲
- ^{۳۷} صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۱۰۲
- ^{۳۸} مصباح کفعمی، صفحه ۴۳۸

- ٣٩ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٤٣
- ٤٠ نور الثقلين جلد اول ص ٢٦
- ٤١ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١، ص: ٥٤
- ٤٢ همان
- ٤٣ همان
- ٤٤ همان
- ٤٥ نور الثقلين، جلد ١، صفحه ٢٦
- ٤٦ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٢٢٢
- ٤٧ همان
- ٤٨ همان
- ٤٩ نور الثقلين، جلد ١، صفحه ٣٠٩
- ٥٠ البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص: ٥٩٣
- ٥١ أطيب البيان في تفسير القرآن به نقل از البرهان
- ٥٢ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٤٤
- ٥٣ تفسير نمونه، ج ٣، ص: ٢٤٣
- ٥٤ تفسير عياشي، جلد ١، صفحه ٢١٥
- ٥٥ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٤٥
- ٥٦ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٦، ص: ١٧٨
- ٥٧ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٦، ص: ١٧٨
- ٥٨ همان
- ٥٩ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص: ٢١٣
- ٦٠ تفسير روشن، جلد ٦، صفحه ٣٤٩
- ٦١ التمهيد، جلد ١، صفحه ١٩٨
- ٦٢ تفسير نمونه
- ٦٣ التحرير و التنوير، جلد ٦، صفحه ٧
- ٦٤ تفسير هدايت، ج ٣، ص: ٧
- ٦٥ همان
- ٦٦ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص: ٣٩٥
- ٦٧ همان
- ٦٨ همان
- ٦٩ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٠٤
- ٧٠ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ٩، ص: ٤١
- ٧١ تفسير برهان، جلد ٢، صفحه ٢
- ٧٢ سوره بقره آيه ١٢١
- ٧٣ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص: ٥١٥
- ٧٤ تفسير هدايت، ج ٤، ص: ٧
- ٧٥ تفسير مجمع البيان ذيل آيه.
- ٧٦ البرهان في تفسير القرآن، ج ٢، ص: ٦٣٩
- ٧٧ البرهان في تفسير القرآن
- ٧٨ سوره شمس آيه ١٤
- ٧٩ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، جلد ١١، صفحه ٥

- ۸۰ التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۴۸
- ۸۱ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص: ۵
- ۸۲ ثواب الاعمال: ۱۰۶
- ۸۳ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۷۲۷
- ۸۴ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۱، صفحه ۲۴۹
- ۸۵ منظور ابوبکر است که از روایات آینده روشن می شود
- ۸۶ مسند احمد (طبع مصر)، جلد ۱، صفحه ۳۳۱
- ۸۷ نام دیگرش مسجد شجره است که در یک فرسخی مدینه قرار دارد
- ۸۸ مسند احمد، جلد ۳، صفحه ۲۱۲
- ۸۹ مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۱۵۰
- ۹۰ خصایص نسایی، صفحه ۲۸
- ۹۱ همان مدرک
- ۹۲ تفسیر ابن کثیر، جلد ۲، صفحه ۳۲۲
- ۹۳ همان مدرک
- ۹۴ همان مدرک
- ۹۵ جامع الاصول، جلد ۹، صفحه ۴۷۵
- ۹۶ ذخائر العقبی، صفحه ۶۹
- ۹۷ التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۹۵
- ۹۸ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص: ۲۵۰
- ۹۹ نور الثقلین، جلد ۲، صفحه ۲۹۰
- ۱۰۰ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۹
- ۱۰۱ التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۰۷
- ۱۰۲ تفسیر برهان، جلد ۲، صفحه ۲۰۶
- ۱۰۳ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۷۱
- ۱۰۴ نور الثقلین، جلد ۲، صفحه ۳۳۴
- ۱۰۵ مجمع البیان ذیل آیه ۱۱۸ همین سوره
- ۱۰۶ روح المعانی، جلد ۱۱، صفحه ۱۷۹
- ۱۰۷ مجمع البیان ذیل آیه ۱۱۸ همین سوره
- ۱۰۸ روح المعانی، جلد ۱۱، صفحه ۱۷۹
- ۱۰۹ الکافی، جلد ۲، صفحه ۶۳۲
- ۱۱۰ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص: ۱۵۵
- ۱۱۱ مجمع البیان ذیل آیه مورد بحث
- ۱۱۲ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۱۵۳
- ۱۱۳ کشف الظنون حاج خلیفه، جلد ۲، صفحه ۶۶۱
- ۱۱۴ مجمع البیان و التمهید
- ۱۱۵ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۳
- ۱۱۶ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۲۲۱
- ۱۱۷ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۲۲۱
- ۱۱۸ همان
- ۱۱۹ نور الثقلین، جلد ۲، صفحه ۵۴۲
- ۱۲۰ مجمع البیان و نور الثقلین در آغاز این سوره.

- ١٢١ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٢٨٣
- ١٢٢ تفسير عياشي، جلد ٢، صفحه ٢٥١
- ١٢٣ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٠٨
- ١٢٤ مجمع البيان و نور الثقلين در آغاز اين سوره.
- ١٢٥ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١٣، ص: ١٦٠
- ١٢٦ مجمع البيان، ج ٦، ص ٣٠١
- ١٢٧ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٣٢٩
- ١٢٨ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٠٩
- ١٢٩ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١٣، ص: ٢٢١
- ١٣٠ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٤٠١
- ١٣١ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢١٢ (با اضافات از مؤلف)
- ١٣٢ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١٤، ص: ٧٥
- ١٣٣ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٤٧١
- ١٣٤ همان
- ١٣٥ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢١٨
- ١٣٦ دلائل النبوة/ترجمه، جلد ٢، صفحه ٣٨
- ١٣٧ مجمع البيان ذيل سوره مورد بحث.
- ١٣٨ همان
- ١٣٩ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٦٠٩
- ١٤٠ همان
- ١٤١ همان
- ١٤٢ مجمع البيان ذيل آيه مورد بحث.
- ١٤٣ نور الثقلين، جلد ٣، صفحه ٣٢٠
- ١٤٤ همان مدرک
- ١٤٥ مجمع البيان ذيل سوره
- ١٤٦ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١٥، ص: ١٤٠
- ١٤٧ الدعوات، صفحه ٢٠١
- ١٤٨ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٦٩٥
- ١٤٩ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٦٩٥
- ١٥٠ جلد ٥، صفحه ٤٤٦
- ١٥١ سبل الهدى، جلد ٩، صفحه ٢٠
- ١٥٢ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٢٠
- ١٥٣ مجمع البيان جلد ٧ صفحه ١.
- ١٥٤ همان
- ١٥٥ تفسير نور الثقلين
- ١٥٦ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٧٤٥
- ١٥٧ تفسير نور الثقلين
- ١٥٨ تفسير نور الثقلين
- ١٥٩ البرهان في تفسير القرآن، ج ٣، ص: ٧٩٩
- ١٦٠ التمهيد، جلد ١، صفحه ١٧٨
- ١٦١ مجمع البيان آغاز سوره حج

- ۱۶۲ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۱۷۶
- ۱۶۳ ثواب الاعمال، صفحه ۱۰۸
- ۱۶۴ تفسیر کبیر فخر رازی، جلد ۲۳، صفحه ۵۰
- ۱۶۵ همان مدرک.
- ۱۶۶ مجمع البیان، تفسیر فخر رازی، قرطبی، فی ظلال، تفسیر صافی، روح المعانی، و المیزان و تفسیرهای دیگر، ذیل آیات مورد بحث
- ۱۶۷ تفسیر قرطبی جلد ۷ صفحه ۴۴۷۴؛ مرحوم طبرسی در مجمع البیان نیز آن را به عنوان یک احتمال آورده است.
- ۱۶۸ تفسیر نمونه، جلد ۱۴، صفحه ۱۴۱
- ۱۶۹ روح المعانی، جلد ۱۸، صفحه ۲
- ۱۷۰ التهمید، جلد ۱، صفحه ۲۲۱
- ۱۷۱ مجمع البیان ج ۷ ص ۹۸.
- ۱۷۲ روح المعانی ج ۱۸ ص ۲.
- ۱۷۳ روح المعانی، جلد ۱۸، صفحه ۲
- ۱۷۴ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۹
- ۱۷۵ نور الثقلین ج ۳ صفحه ۵۶۸
- ۱۷۶ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۴۳
- ۱۷۷ تفسیر نمونه، ذیل آیات مورد بحث
- ۱۷۸ التهمید، جلد ۱، صفحه ۲۲۱
- ۱۷۹ مجمع البیان ذیل سوره مورد بحث
- ۱۸۰ نور الثقلین
- ۱۸۱ تفسیر نمونه
- ۱۸۲ التهمید، جلد ۱، صفحه ۲۲۱
- ۱۸۳ مجمع البیان آغاز سوره شعراء.
- ۱۸۴ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص: ۳
- ۱۸۵ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۱۶۳
- ۱۸۶ همان مدرک
- ۱۸۷ مجمع البیان ذیل سوره مورد بحث.
- ۱۸۸ نور الثقلین
- ۱۸۹ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۱۹۹
- ۱۹۰ تفسیر نمونه
- ۱۹۱ التهمید، جلد ۱، صفحه ۲۲۳
- ۱۹۲ تفسیر مجمع البیان در آغاز سوره قصص.
- ۱۹۳ ثواب الاعمال طبق نقل تفسیر نور الثقلین در آغاز سوره قصص.
- ۱۹۴ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۲۴۳
- ۱۹۵ التهمید، جلد ۱، صفحه ۲۲۴
- ۱۹۶ مجمع البیان ذیل سوره
- ۱۹۷ نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۱۴۷
- ۱۹۸ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۳۰۱
- ۱۹۹ تفسیر نمونه
- ۲۰۰ نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۱۶۹
- ۲۰۱ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۳۳۳

- ٢٠٢ تفسير نمونه
- ٢٠٣ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٢٥
- ٢٠٤ مجمع البيان ج ٨ ص ٣١٢.
- ٢٠٥ نور الثقلين ج ٤ ص ١٩٣.
- ٢٠٦ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٣٥٩
- ٢٠٧ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٢٦
- ٢٠٨ مجمع البيان جلد هشتم صفحه ٣٢٤.
- ٢٠٩ ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ١٩، ص: ٢٠٣
- ٢١٠ مجمع البيان جلد ٨ صفحه ٣٢٥.
- ٢١١ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٣٨٥
- ٢١٢ مجمع البيان جلد ٨ صفحه ٣٣٤
- ٢١٣ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٤٠٧
- ٢١٤ مجمع البيان جلد ٨ صفحه ٣٧٥.
- ٢١٥ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٥٠٥
- ٢١٦ تفسير نمونه
- ٢١٧ مجمع البيان آغاز سوره فاطر.
- ٢١٨ نور الثقلين، جلد ٤، صفحه ٣٤٥
- ٢١٩ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٥٣٣
- ٢٢٠ ج ٧، ص ٤٢٧
- ٢٢١ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٣٠
- ٢٢٢ مجمع البيان آغاز سوره يس.
- ٢٢٣ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٥٦٢
- ٢٢٤ مجمع البيان آغاز سوره يس.
- ٢٢٥ همان
- ٢٢٦ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٥٦٢
- ٢٢٧ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٥٦٢
- ٢٢٨ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٥٦١
- ٢٢٩ مجمع البيان آغاز سوره صافات.
- ٢٣٠ همان
- ٢٣١ الكافي، جلد ٣، صفحه ١٢٦
- ٢٣٢ جواهر الكلام، جلد ٤، صفحه ٢٢
- ٢٣٣ ج ٨، ص ٣٣
- ٢٣٤ تفسير مراعى
- ٢٣٥ مجمع البيان آغاز سوره صاد
- ٢٣٦ همان
- ٢٣٧ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٦٩١
- ٢٣٨ تفسير نمونه
- ٢٣٩ التمهيد، جلد ١، صفحه ٢٣١
- ٢٤٠ مجمع البيان آغاز سوره زمر.
- ٢٤١ مجمع البيان و ثواب الاعمال و تفسير نور الثقلين.
- ٢٤٢ البرهان في تفسير القرآن، ج ٤، ص: ٦٩١

منهج الصادقين	۲۴۳
التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۳۲	۲۴۴
منهج الصادقين	۲۴۵
در بعضی از نسخ تاج و در بعضی از نسخ دیباج آمده است.	۲۴۶
مجمع البیان آغاز سوره مؤمن	۲۴۷
همان	۲۴۸
بیهقی طبق نقل روح المعانی، جلد ۲۴، صفحه ۳۶	۲۴۹
همان	۲۵۰
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۷۴۱	۲۵۱
منهج الصادقين	۲۵۲
مجمع البیان آغاز سوره حم سجده	۲۵۳
روح المعانی جلد ۲۴ صفحه ۸۴	۲۵۴
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۷۷۵	۲۵۵
همان	۲۵۶
همان	۲۵۷
مجمع البیان	۲۵۸
التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۳۳	۲۵۹
مجمع البیان آغاز سوره شوری	۲۶۰
نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۵۵۶ (با کمی تلخیص)	۲۶۱
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۸۰۱	۲۶۲
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۸۰۱	۲۶۳
مجمع البیان	۲۶۴
التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۳۴	۲۶۵
جوامع الجامع	۲۶۶
التمهید، جلد ۱، صفحه ۲۳۴	۲۶۷
مجمع البیان آغاز سوره زخرف.	۲۶۸
تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص: ۴	۲۶۹
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۸۴۳	۲۷۰
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۸۴۳	۲۷۱
مجمع البیان جلد ۹ آغاز سوره دخان.	۲۷۲
همان	۲۷۳
همان	۲۷۴
البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۷	۲۷۵
همان	۲۷۶